مجموعه

مصوبات دوره اول

قانونگذاری

مجلس شورای ملی

مجموعه
مصوبات ادوار اول و دوم
قانونگذاری
مجلس شورای ملی

مقدمه

چون مجموعهٔ قوانین و مصوبات مجلس شورای ملی در ادوار چهارگانهٔ قانونگذاری (دورهٔ اول ــ دورهٔ دوم ــ دورهٔ سوم ــ دورهٔ چهارم) که سابقاً تجدید چاپ و منتشر شده بود تمام و مراجعات عمومی اقتضای تجدید طبع آن را مینمود بتجدید چاپ دو دورهٔ اولیه (اول و دوم) اقدام و پاره‌ای از نکاتی که در سومین چاپ این مجموعه ملحوظ شده است ذیلا متذکر میشود :

اولا ــ این مجموعه بر سه بند بشرح زیر تقسیم شده است .

بند اول ــ کلیهٔ مصوباتی است که مقدمهٔ افتتاح مجلس شورای ملی و پایه و اساس مشروطیت محسوب و بوسیلهٔ کمیسیونهای خاصی تنظیم و جنبهٔ قانونیت دارد مانند (فرمان مشروطیت ــ قانون اساسی ــ متمم قانون اساسی ــ قوانین انتخابات اصنافی و دو درجه)

بند دوم ــ بند سوم ــ هر یك شامل قوانین و مصوبات یکی از ادوار دوگانهٔ قانونگذاری است که از نظر مطالعه‌کنندگان خواهد گذشت .

ثانیاً ــ مصوبات دورهٔ دوم قانونگذاری بقسمتهای زیر تقسیم شده است :

۱ــ قسمت اول ــ قوانین

۲ــ » دوم ــ امتیازات

۳ــ » سوم ــ قوانین موقتی مصوب کمیسیون قوانین عدلیهٔ مجلس شورای ملی

۴ــ قسمت چهارم ــ کنتراتها

۵ـ قسمت پنجم ـ تصویبات مالی

۶ـ » ششم ـ تصمیمات ومطالب متفرقه .

قسمتی از تصویبات مالی برای احتراز از ضخامت کتاب وعدم استفادهٔ عموم از متن مشروح آن فهرست مانند طبع وازدرج متن تفصیلی صرف نظر شده است .

چنانچه از تقسیمات بالا مستفاد میشود دراین مجموعه اولا قوانینی که بعنوان (قوانین موقت) بوسیلهٔ کمیسیون عدلیهٔ مجلس شورای‌ملی بموجب اختیار خاصی تصویب وموقتاً لازم‌الاجرا شده است چاپ شده ومثل چاپ قبل مجموعهٔ خاصی برای آن در نظر گرفته نشده وثانیاً تصمیمات ومطالب متفرقه‌که دردوچاپ قبل فهرست مانند منتشرشده بود از نقطه نظر تشخیص خط مشی دولت ها و لزوم معرفی اعضاء کابینه‌ها بطور تفصیل چاپ وحتی تاآنجاکه ممکن بوده است وزراء ومعاونینی‌که درکابینه‌های مختلف به مجلس شورای ملی معرفی شده‌اند صورت‌آنان منتشرشده است .

ثالثاً ـ فهرستی که‌دراین‌مجموعه در نظر گرفته شده‌بدوقسمت تقسیم گردیده‌است

الف ـ فهرست تقسیمی ـ بترتیب تقسیمات مصوبات ادوارمختلفه و نسبت بدورهٔ دوم مصوبات شش‌گانه نامبرده بالاکه‌آن نیز بردوقسمت است :

۱ـ فهرست‌کلی‌که درابتدای این مجموعه‌گذارده شده ومحل هریك ازقسمتهارا بطورکلی مشخص میکند .

۲ـ فهرست جزئی‌که برای هرقسمت علیحده تنظیم‌شده شامل فهرست‌کلیهٔ‌قوانین مندرجه درآن قسمت میباشد .

این فهرست درمتن‌کتاب درابتدای قسمتهای مربوطه قرارداده شده است .

ب ـ فهرست تاریخی‌که درآخر کتاب قرارداده شده وکلیهٔ مصوبات دورهٔ اول و دوم قانونگذاری بترتیب تاریخ تصویب درآن ذکرگردیده است .

رابعاً ـ قسمتی‌که مخصوصاً دراین باردرطبع قوانین رعایت شده است ذکر نسخ تغییر ویا اصلاحی است‌که شامل قسمتی ازقوانین شده ولازم بود مطالعه کنندگان نیـز

بدون لزوم مراجعه به تمام مجموعه از آن اطلاع حاصل نمایند .

درذیل صفحه این نوع قوانین این قسمت ملحوظ و نسخ ـ تغییر و یا اصلاح آن تذکر داده شده است .

ادارهٔ قوانین و مطبوعات مجلس شورای ملی

مهرماه ۱۳۱۸

فهرست

مصوبات مجلس شورای ملی
دورهٔ اول و دوم قانونگذاری

(فهرست مصوبات)

دورهٔ اول ودوم قانون گذاری مجلس شورای ملی

فهرست

بند اول

فهرست بند اول

فرمان مشروطیت

مورخ ۱۴ جمادی‌الثانیه ۱۳۲۴

السلطان مظفرالدین شاه قاجار

جناب اشرف صدراعظم از آنجاکه حضرت باریتعالی جل‌شأنه سررشتهٔ ترقی وسعادت ممالك محروسهٔ ایران رابکف‌کفایت ما سپرده وشخص همایون ما را حافظ حقوق قاطبهٔ اهالی ایران و رعایای صدیق خودمـان قرارداده لهذا در این‌موقع که رأی و ارادهٔ همایون ما بدان تعلق‌گرفت‌که برای رفاهیت و امنیت قاطبهٔ اهالی‌ایران و تشیید و تأیید مبانی دولت اصلاحات مقتضیه‌بمرور در دوائردولتی و مملکتی‌بموقع اجراگذارده شود چنان مصمم شدیم که مجلس شورای ملی از منتخبین شاهزادگان و علماء وقاجاریه و اعیان و اشراف وملاکین و تجار و اصناف بانتخاب طبقات مرقومه در دارالخلافهٔ طهران تشکیل و تنظیم شودکه در مهام امور دولتی و مملکتی ومصالح عامه‌مشاوره ومداقهٔ لازمه‌را بعمل آورده و بهیئت وزرای دولتخواه ما دراصلاحاتیکه برای سعادت وخوشبختی ایران خواهد شد اعـانت وکمك لازم را بنماید و در کمال امنیت و اطمینان عقاید خود را در خیر دولت و ملت ومصالح عامه و احتیاجات قاطبهٔ اهالی مملکت بتوسط شخص اول‌دولت بعرض‌برساندکه بصحهٔ همایونی موشح وبموقع اجراگذارده شود بدیهی است که بموجب این دستخط مبارك نظامنامه و ترتیبات این مجلس و اسباب ولوازم تشکیل آنرا موافق تصویب و امضای منتخبین از این تـاریخ

مرتب و مهیا خواهد نمود که بصحهٔ ملوکانه رسیده و بعون الله تعالی مجلس شورای مرقوم که نگهبان عدل ماست افتتاح و باصلاحات لازمه امور مملکت واجراء قوانین شرع مقدس شروع نماید و نیز مقرر میداریم که سواد دستخط مبارك را اعلان و منتشر نمائید تا قاطبهٔ اهالی از نیات حسنهٔ ما که تماماً راجع بترقی دولت و ملت ایران است کماینبغی مطلع و مرفه‌الحال مشغول دعاگوئی دوام این دولت و این نعمت بی زوال باشند .

درقصر صاحبقرانیه بتاریخ ۱۴ شهرجمادی الثانیه۱۳۲۴ هجری درسال یازدهم سلطنت ما

محل صحهٔ همایونی

قانون اساسی

مورخ ۱۴ شهر ذی‌القعدة الحرام ۱۳۲۴

در تشکیل مجلس

اصل اول

مجلس شورای ملی بموجب فرمان معدلت بنیان مورخهٔ چهاردم جمادی‌الاخر ۱۳۲۴ مؤسس ومقرر است .

اصل دوم

مجلس شورای ملی نمایندهٔ قاطبهٔ اهالی مملکت ایران است که در امورمعاشی وسیاسی وطن خود مشارکت دارند .

اصل سوم

مجلس شورای ملی مرکب است از اعضائی که درطهران وایالات انتخاب میشوند ومحل انعقاد آن در طهران است .

اصل چهارم

عدهٔ انتخاب شونده‌گان بموجب انتخاب‌نامهٔ علیحده از برای طهران و ایالات فعلا یکصد وشصت ودو نفر معین شده است وبرحسب ضرورت عدهٔ مزبوره تزاید تواند یافت الی دویست نفر .

اصل پنجم

منتخبین از برای دوسال تمام انتخاب میشوند و ابتداء این مدت از روزی است

که منتخبین ولایات تماماً در طهران حاضر خواهند شد پس از انقضاء مدت دو سال باید نمایندگان مجدداً انتخاب شوند و مردم مختارند هریك از منتخبین سابق راکه بخواهند وازآنها راضی باشند دوباره انتخاب کنند .

اصل ششم

منتخبین طهران لدی الحضور حق انعقاد مجلس را داشته مشغول مباحثه و مذاکره میشوند رأی ایشان در مدت غیبت منتخبین ولایات باکثریت مناط اعتبار و اجراء است .

اصل هفتم

درموقع شروع بمذاکرات باید اقلادوثلث ازاعضاء مجلس حاضر باشند وهنگام تحصیل رأی سه ربع ازاعضاء بایدحاضر بوده واکثریت آراء وقتی حاصل میشودکه بیش از نصف حضارمجلس رأی بدهند .

اصل هشتم

مدت تعطیل وزمان اشتغال مجلس‌شورای ملی برطبق نظامنامهٔ داخلی‌مجلس به تشخیص خود مجلس است و پس از تعطیل تابستان باید مجلس از چهاردهم میزان که مطابق جشن افتتاح اول مجلس است مفتوح ومشغول‌کار شود .

اصل نهم

مجلس شورای ملی در مواقع تعطیل فوق‌العاده منعقد تواند شد .

اصل دهم

درموقع‌افتتاح‌مجلس خطابه‌ای‌بحضورهمایونی‌عرض‌کرده بجواب خطابه ازطرف قرین‌الشرف ملوکانه سرافراز ومباهی میشود .

اصل یازدهم

اعضاء مجلس بدواً که داخل‌مجلس‌میشوند بایدبترتیب ذیل‌قسم خورده وقسم‌نامه را امضاء نمایند .

صورت قسم نامه

ما اشخاصی که در ذیل امضاء کرده‌ایم خداوند را بشهادت میطلبیم و بقرآن قسم یاد میکنیم مادام که حقوق مجلس و مجلسیان مطابق این نظامنامه محفوظ و مجری است تکالیفی را که بما رجوع شده است مهما امکن باکمال راستی و درستی و جد و جهد انجام بدهیم و نسبت باعلیحضرت شاهنشاه متبوع عادل مفخم خودمان صدیق وراستگو باشیم و باساس سلطنت وحقوق ملت خیانت ننمائیم وهیچ منظوری نداشته باشیم جز فوائد ومصالح دولت و ملت ایران .

اصل دوازدهم

بهیچ عنوان و بهیچ دست‌آویز کسی بدون اطلاع وتصویب مجلس شورای ملی حق ندارد متعرض اعضای آن بشود اگر احیاناً یکی ازاعضاء علناً مرتکب جنحه وجنایتی شودودرحین ارتکاب جنایت دستگیر گردد بازباید اجرای سیاست دربارهٔ او با استحضار مجلس باشد .

اصل سیزدهم

مذاکرات مجلس شورای ملی از برای آنکه نتیجهٔ آنها بموقع اجراء گذارده تواند شد باید علنی باشد روزنامه‌نویس وتماشاچی مطابق نظامنامهٔ داخلی مجلس حق حضور واستماع دارند بدون اینکه حق نطق داشته باشند تمام مذاکرات مجلس را روزنامجات میتوانند بطبع برسانند بدون تحریف و تغییر معنی تـا عامهٔ ناس ازمباحث مذاکره و تفصیل گزارشات مطلع شوند هرکس صلاح اندیشی در نظر داشته بـاشد در روزنامهٔ عمومی برنگارد تا هیچ امری از امور درپرده و برهیچکس مستور نماند لهذا عموم روزنامجات مادامیکه مندرجات آنها مخل اصلی از اصول اساسیهٔ دولت و ملت نباشد مجازومختارندکه مطالب مفیدهٔ عام المنفعه را همچنان مذاکرات مجلس وصلاح اندیشی خلق رابرآن مذاکرات بطبع رسانیده منتشر نمایند واگر کسی درروزنامجات ومطبوعات

برخلاف آنچه ذکر شد و باغراض شخصی چیزی طبع نماید یاتهمت‌وافتراء بزندقانوناً مورد استنطاق ومحاکمه و مجازات خواهد شد .

اصل چهاردهم

مجلس‌شورای ملی‌بموجب‌نظامنامهٔ علیحده موسوم بنظامنامهٔ داخلی‌امورشخصی خود را ازقبیل انتخاب رئیس ونواب رئیس ومنشیان و سایر اجزاء وترتیب مذاکرات شعب‌وغیره منظم ومرتب خواهدکرد.

در وظائف مجلس
وحدود وحقوق آن

اصل پانزدهم

مجلس‌شورای ملی حق‌دارد درعموم مسائل‌آنچه را صلاح ملك وملت‌میداندپس از مذاکره و مداقه از روی راستی و درستی عنوان کرده بـا رعایت اکثریت آراء در درکمال امنیت واطمینان با تصویب مجلس سنا بتوسط شخص اول دولت بعرض‌برساند که بصحهٔ همایونی موشح وبموقع اجراگذارده شود .

اصل‌شانزدهم

کلیهٔ قوانینی‌که برای تشیید مبانی دولت وسلطنت وانتظام امور مملکتی واساس وزارتخانه ها لازم است باید بتصویب مجلس شورای ملی برسد .

اصل هفدهم

لوایح لازمه‌را در ایجاد قانونی یاتغییر و تکمیل ونسخ قوانین موجودهٔ مجلس شورای‌ملی درموقع لزوم حاضر مینمایدکه باتصویب مجلس‌سنا بصحهٔ همایونی رسانده وبموقع اجراگذارده شود

اصل‌هیجدهم

تسویهٔ امور مالیه جرح‌وتعدیل بودجه تغییر در وضع مالیاتها وردوقبول‌عوارض

و فروعات همچنان ممیزی‌های جدیده که از طرف دولت اقدام خواهد شد بتصویب مجلس خواهند بود

اصل نوزدهم

مجلس حق دارد برای اصلاح امور مالیاتی و تسهیل روابط حکومتی در تقسیم ایالات و ممالك ایران و تحدید حکومت‌ها پس از تصویب مجلس سنا اجرای آرای مصوبه را از اولیای دولت بخواهد

اصل بیستم

بودجهٔ هریك از وزارتخانه‌ها باید در نیمهٔ آخر هرسال از برای سال دیگر تمام شده پانزده روز قبل‌از عیدنوروز حاضر باشد

اصل بیست و یکم

هرگاه درقوانین اساسی وزارتخانها قانونی جدید یا تغییر و نسخ قوانین مقرره لازم شود باتصویب مجلس‌شورای ملی‌صورت خواهدگرفت اعم ازاین که‌لزوم‌آن امور از مجلس عنوان یا ازطرف وزرای مسئول اظهار شده‌باشد .

اصل بیست و دوم

مواردی‌که قسمتی از عایدات یادارائی دولت ومملکت منتقل یافروخته میشود یاتغییری‌درحدود و ثغور مملکت‌لزوم پیدا میکند بتصویب مجلس‌شورای‌ملی‌خواهدبود

اصل بیست وسوم

بدون تصویب شورای‌ملی امتیاز تشکیل کمپانی و شرکتهای عمومی از هرقبیل و بهرعنوان ازطرف دولت داده نخواهدشد

اصل بیست و چهارم

بستن عهدنامه‌ها و مقاوله‌نامه‌ها اعطای امتیازات (انحصار) تجارتی و صنعتی وفلاحتی وغیره اعم از اینکه طرف داخله باشدیاخارجه بایدبتصویب‌مجلس‌شورای‌ملی

برسد باستثنای عهدنامه‌هائی که استتار آنها صلاح دولت و ملت باشد

اصل بیست و پنجم

استقراض دولتی بهرعنوان که باشد خواه از داخله خواه از خارجه با اطلاع وتصویب مجلس شورای ملی خواهد شد

اصل بیست‌وششم

ساختن راه‌های آهن یا شوسه خواه بخرج دولت خواه بخرج شرکت وکمپانی اعم از داخله وخارجه منوط بتصویب مجلس‌شورای ملی‌است

اصل بیست و هفتم

مجلس درهرجا نقضی درقوانین و یامسامحه دراجرای آن ملاحظه کند بوزیر مسئول درآن‌کار اخطار حواهد کرد و وزیر مزبور باید توضیحات لازمه‌را بدهد

اصل بیست و هشتم

هرگاه وزیری برخلاف یکی از قوانین موضوعه که بصحهٔ همایونی رسیده‌اند باشتباه کاری احکام کتبی یاشفاهی از پیشگاه مقدس ملوکانه صادر نماید و مستمسك مساهله وعدم مواظبت‌خود قرار دهدبحکم‌قانون مسئول ذات مقدس همایون‌خواهدبود

اصل بیست ونهم

هروزیری که درامری از امور مطابق قوانینی‌که بصحهٔ همایونی رسیده است ازعهدهٔ جواب برنیاید و معلوم شودکه نقض قانون وتخلف از حدود مقرره‌کرده است مجلس عزل او را از پیشگاه همایونی مستدعی خواهد شد و بعداز وضوح خیانت در محکمهٔ عدلیه دیگر بخدمت دولتی منصوب نخواهدشد

اصل سی‌ام

مجلس شورای‌ملی حق دارد مستقیماً هروقت لازم بداند عریضه بتوسط هیئتی که مرکب از رئیس وشش‌نفر از اعضاء که طبقات ششگانه انتخاب کنند بعرض‌بیشگاه

مقدس ملوکانه برساندوقت شرفیابی را باید بتوسط وزیر دربار ازحضورمبارك استیذان نمود

اصل سی ویکم

وزراء حق دارند دراجلاسات مجلس شورای ملی حاضر شده و درجائی که برای آنها مقرراست نشسته مذاکرات مجلس را بشنوند واگر لازم دانستند از رئیس مجلس اجازهٔ نطق خواسته توضیحات لازمه را از برای مذاکره ومدافعه امور بدهند

در اظهار مطالب بمجلس شورای ملی

اصل سی ودوم

هرکس از افراد ناس میتواند عرضحال یاایرادات یاشکایات خود را کتباً بدفتر خانهٔ عرایض مجلس عرضه بدارد اگر مطلب راجع بخود مجلس باشد جواب کافی باو خواهد داد و چنانچه مطلب راجع بیکی از وزارتخانها است بدان وزارتخانه خواهد فرستادکه رسیدگی نمایند و جواب مکفی بدهند

اصل سی وسوم

قوانین جدیده که محل حاجت باشد در وزارت خانهای مسئول انشاء و تنقیح یافته بتوسط وزراء مسئول یا از طرف صدراعظم بمجلس شورای ملی اظهار خواهدشد و پس از تصویب مجلس بصحهٔ همایونی موشح گشته بموقع اجرا گذاشته میشود

اصل سی و چهارم

رئیس مجلس میتواند برحسب لزوم شخصاً یابخواهش ده نفر از اعضاء مجلس یاوزیری اجلاسی محرمانه بدون حضور روزنامه نویس وتماشاچی یا انجمنی محرمانه مرکب از عدهٔ منتخبی از اعضاء مجلس تشکیل بدهدکه سایراعضاء مجلس حق حضور درآن نداشته باشندلیکن نتیجهٔ مذاکرات انجمن محرمانه وقتی مجری تواندشدکه در مجلس محرمانه باحضورسه ربع ازمنتخبین مطرح مذاکره شده باکثریت آراء قبول شود اگر مطلب درمذاکرات انجمن محرمانه قبول نشددرمجلس عنوان نخواهدشدومسکوت عنه خواهد ماند

اصل سی‌وپنجم

اگر مجلس محرمانه بتقاضای رئیس مجلس بوده است حق دارد هرمقدار از مذاکرات راکه صلاح بداند باطلاع عموم برساند لکن اگر مجلس محرمانه بتقاضای وزیری بوده‌است افشای مذاکرات موقوف باجازهٔ آن وزیر است

اصل سی‌وششم

هریك از وزراء میتواند مطلبی راکه بمجلس اظهارکرده درهردرجه ازمباحثه که باشد استردادکند مگراینکه اظهار ایشان بتقاضای مجلس بوده باشد دراینصورت استرداد مطلب موقوف بموافقت مجلس‌است

اصل سی‌وهفتم

هرگاه لایحهٔ وزیری درمجلس موقع قبول نیافت منضم بملاحظات مجلس عودت داده میشود وزیر مسئول پس از رد یا قبول ایرادات مجلس میتواند لایحه مزبوره را درثانی بمجلس اظهار بدارد

اصل سی‌وهشتم

اعضای مجلس شورای‌ملی بایدرد یاقبول مطالب را صریح وواضح اظهاربدارند واحدی حق‌ندارد ایشانرا تحریص یاتهدید در دادن رأی خود نماید اظهار رد وقبول اعضای مجلس بایدبقسمی باشدکه روزنامه نویس‌وتماشاچی هم‌بتوانند ادراك‌کنندیعنی بایدآن اظهار بعلامات ظاهری باشد از قبیل اوراق کبود وسفید و امثال‌آن

عنوان مطالب از طرف مجلس

اصل سی ونهم

هروقت مطلبی از طرف یکی از اعضای مجلس عنوان شود فقط وقتی مطرح

مذاکره خواهد شد که اقلا پانزده‌نفر از اعضای مجلس آن مذاکره مطلب را تصویب نمایند در این صورت آن عنوان کتباً برئیس مجلس تقدیم میشود رئیس مجلس حق دارد که آن لایحه را بدواً درانجمن تحقیق مطرح مداقه قرار بدهد

اصل چهلم

درموقع مذاکره ومداقه لایحه مذکوره دراصل سی‌ونهم چه در مجلس وچه در انجمن تحقیق اگرلایحه مزبور راجع بیکی ازوزراء مسئول باشد مجلس باید بوزیر مسئول اطلاع داده که‌اگر بشود شخصاً والامعاون‌او بمجلس حاضرشده مذاکرات‌درحضور وزیر یا معاون او بشود

سواد لایحه و منضمات آنرا باید قبل از وقت از ده روزالی یکماه باستثنای مطالب فوری از برای وزیرمسئول فرستاده باشند همچنان روز مذاکره باید قبل از وقت معلوم باشد پس از مداقه مطلب باحضور وزیر مسئول درصورت تصویب مجلس باکثریت آراء رسماً لایحه نگاشته بوزیر مسئول داده خواهد شد که اقدامات مقتضیه را معمول دارد

اصل چهل‌ویکم

هرگاه وزیر مسئول درمطلب معنون از طرف مجلس بمصلحتی همراه نشدباید معاذیر خود را توجیه ومجلس را متقاعدکند

اصل چهل‌ودوم

درهر امری که مجلس شورای ملی ازوزیر مسئولی توضیح بخواهد آن وزیر ناگزیر از جوابست و این جواب نباید بدون عذر موجه و بیرون از اندازه‌اقتضاء بعهدهٔ تأخیر بیفتدمگر مطالب محرمانه که مستور بودن‌آن درمدت معینی صلاح دولت وملت باشد ولی بعد از انقضاء مدت معین وزیر مسئول مکلف است که همان مطلب را در مجلس ابراز نماید

درشرایط تشکیل مجلس سنا

اصل چهل‌وسوم

مجلس دیگری بعنوان سنا مرکب از شصت نفر اعضاء تشکیل می‌یابد که اجلاسات آن بعداز تشکیل مقارن اجلاسات مجلس شورای ملی خواهد بود

اصل چهل و چهارم

نظامنامه‌های مجلس سنا باید بتصویب مجلس شورای ملی برسد

اصل چهل‌وپنجم

اعضای این مجلس ازاشخاص خبیر و بصیر ومتدین محترم مملکت منتخب میشوند سی نفر ازطرف قرین‌الشرف اعلیحضرت همایونی استقرار می‌یابند پانزده نفر از اهالی طهران پانزده نفرازاهالی ولایات وسی نفراز طرف ملت پانزده نفر بانتخاب اهالی تهران پانزده نفر بانتخاب اهالی ولایات .

اصل چهل‌وششم

پس‌از انعقاد سنا تمام امورباید بتصویب هردو مجلس باشد اگرآن امور در سنا یااز طرف هیئت وزراء عنوان شده باشد بایداول در مجلس سنا تنقیح و تصحیح شده باکثریت آراء قبول وبعد بتصویب مجلس شورای ملی برسند ولی اموریکه در مجلس شورای ملی عنوان میشود برعکس از این مجلس بمجلس سناخواهد رفت مگر امور مالیه‌که مخصوص بمجلس شورای ملی خواهد بود وقرارداد مجلس در امور مذکوره باطلاع مجلس سناخواهد رسیدکه مجلس مزبور ملاحظات خود را بمجلس ملی اظهار نماید ولیکن مجلس ملی مختار است ملاحظات مجلس سنا رابعداز مداقه لازمه قبول یا رد نماید .

اصل چهل‌وهفتم

مادام‌که مجلس سنامنعقدنشده فقطامور بعداز تصویب مجلس شورای ملی بصحهٔ

همایونی موشح و بموقع اجراگذارده خواهد شد.

اصل چهل‌وهشتم

هرگاه مطلبی که ازطرف وزیری پس از تنقیح و تصحیح در مجلس سنا بمجلس شورای ملی رجوع می‌شود قبول نیافت درصورت اهمیت مجلس ثالثی مرکب از اعضای مجلس سناومجلس شورای ملی بحکم انتخاب اعضای دومجلس وبالسویه تشکیل یافته درماده متنازع فیها رسیدگی میکند نتیجه رأی این مجلس را در شورای ملی قرائت میکنننداگرموافقت دست‌دادفبهاوالاشرح مطلب‌را بعرض حضورملوکانه میرسانند هرگاه رأی مجلس شورای ملی را تصدیق فرمودند مجری می‌شود اگر تصدیق نفرمودند امر بتجدید مذاکره ومداقه خواهند فرمود واگرباز اتفاق آراء حاصل نشد و مجلس سنا بااکثریت دوثلث آراء انفصال مجلس شورای ملی را تصویب نمودند و هیئت وزراء هم جداگانه انفصال مجلس شورای ملی را تصویب نمودند، فرمان همایونی بانفصال مجلس شورای ملی صادر میشود واعلیحضرت همایونی در همان فرمان حکم‌بتجدیدانتخابات میفرمایند ومردم حق‌خواهند داشت منتخبین سابق‌رامجدداً انتخاب‌کنند.

اصل چهل و نهم

منتخبین جدیدطهران بایدبفاصله یکماه ومنتخبین ولایات بفاصله سه‌ماه حاضر شوند وچون منتخبین دارالخلافه حاضر شدند مجلس افتتاح ومشغول‌کار خواهند شد لیکن درماده متنازع فیهاگفتگو نمیکنندتامنتخبین ولایات برسندهرگاه مجلس‌جدید پس‌ازحضور تمام‌اعضاء باکثریت تام‌همان رأی‌سابق راامضاکرد ذات‌مقدس همایونی‌آن رأی‌مجلس شورای ملی‌راتصویب فرموده امرباجرا میفرمایند.

اصل پنجاهم

درهردورهٔ انتخابیه‌که عبارت‌ازدوسال است یك‌نوبت بیشترامر بتجدید منتخبین نخواهد شد .

اصل پنجاه‌ویکم

مقرر آنکه سلاطین اعقاب واخلاف ماحفظ این حدود واصول راکه برای تشیید مبانی دولت وتأکید اساس سلطنت ونگهبانی دستگاه معدلت وآسایش ملت برقرار و مجری فرمودیم وظیفهٔ سلطنت خوددانسته در عهده شناسند.

متمم

قانون اساسی

مورخ ۱۴ ذی‌القعدة‌الحرام ۱۳۲۴

کلیات

اصل اول

مذهب رسمی ایران اسلام وطریقهٔ حقه جعفریه اثنی عشریه است باید پادشاه ایران دارا ومروج این مذهب باشد.

اصل دوم

مجلس مقدس شورای ملی که بتوجه وتأیید حضرت امام عصر عجل‌الله فرجه وبذل مرحمت اعلیحضرت شاهنشاه اسلام خلدالله سلطانه ومراقبت حجج اسلامیه کثرالله امثالهم وعامه ملت ایران تأسیس شده است باید در هیچ عصری از اعصار مواد قانونیه آن مخالفتی با قواعد مقدسهٔ اسلام وقوانین موضوعه حضرت خیرالانام صلی‌الله علیه وآله وسلم نداشته باشد ومعین است که تشخیص مخالفت قوانین موضوعه با قواعد اسلامیه برعهدهٔ علمای اعلام ادام‌الله برکات وجودهم بوده وهست لهذا رسماً مقرر است درهر عصری از اعصار هیئتی که کمتر از پنج نفر نباشد از مجتهدین وفقهای متدینین که مطلع از مقتضیات زمان هم باشند

باین‌طریق که علمای اعلام وحجج اسلام مرجع تقلید شیعه اسامی بیست نفرازعلماءکه دارای صفات‌مذکوره باشندمعرفی بمجلس شورای‌ملی بنمایند پنج نفراز آنها رایا بیشتر بمقتضای عصر اعضای مجلس شورای ملی بالاتفاق یا بحکم قرعه تعیین نموده بسمت عضویت بشناسند تامواديکه در مجلسین عنوان میشود بدقت مذاکره وغور رسی نموده هريك ازآن موادمعنونه‌که مخالفت باقواعد مقدسه اسلام داشته‌باشد طرح‌ورد نمایند که عنوان قانونیت پیدا نکند ورأی این هیئت علماء در این باب مطاع ومتبع خواهد بودواین ماده تازمان ظهورحضرت حجةعصرعجل‌الله فرجه تغییر پذیر نخواهد بود.

اصل‌سیم

حدود مملکت ایران وایالات و ولایـات و بلوکات آن تغییر پذیر نیست مگر بموجب قانون.

اصل چهارم

پایتخت ایران طهران است.

اصل پنجم

الوان رسمی بیرق‌ایران سبزوسفید وسرخ و علامت شیروخورشید است.

اصل ششم

جان ومال‌اتباع‌خارجه مقیمین‌خاك‌ایران مأمون‌ومحفوظ‌است مگردرمواردیکه قوانین مملکتی استثناء می‌کند.

اصل هفتم

اساس‌مشروطیت جزئاًوکلا تعطیل بردار نیست.

حقوق ملت ایران

اصل هشتم

اهالی مملکت ایران درمقابل قانون دولتی متساوی الحقوق خواهند بود.

اصل نهم

افرادمردم ازحیث جان‌ومال ومسکن وشرف محفوظ ومصون ازهر نوع تعرض هستند ومتعرض‌احدی نمیتوان شدمگر بحکم وترتیبی که قوانین‌مملکت معین‌مینماید.

اصل‌دهم

غیرازمواقع ارتکاب جنحه وجنایات وتقصیرات عمده هیچکس رانمی‌توان فوراً دستگیرنمود مگربحکم‌کتبی رئیس محکمه عدلیه برطبق قانون ودرآنصورت نیزباید گناه مقصرفوراًیامنتهی درظرف بیست‌وچهارساعت باواعلام واشعارشود.

اصل‌یازدهم

هیچکس رانمی‌توان ازمحکمه‌که باید دربارهٔاوحکم‌کند منصرف‌کرده مجبوراً بمحکمهٔ دیگررجوع دهند.

اصل‌دوازدهم

حکم واجرای هیچ‌مجازاتی‌نمیشود مگربموجب قانون.

اصل سیزدهم

منزل وخانهٔ هرکس درحفظ وامان است درهیچ مسکنی قهراًنمیتوان داخل‌شد مگربحکم وترتیبی‌که قانون مقرر نموده .

اصل چهاردهم

هیچیك ازایرانیان رانمی‌توان نفی‌بلد یامنع ازاقامت درمحلی یامجبور باقامت محل معینی نمودمگردر مواردی‌که قانون‌تصریح میکند.

اصل پانزدهم

هیچ ملکی راازتصرف صاحب ملك نمیتوان بیرون‌کرد مگر با مجوز شرعی و آن‌نیزپس ازتعیین وتأدیه قیمت عادله است.

اصل شانزدهم

ضبط املاک واموال مردم بعنوان مجازات وسیاست ممنوعست مگر بحکم قانون

اصل هفدهم

سلب تسلط مالکین ومتصرفین ازاملاک واموال متصرفه ایشان بهر عنوان که باشد ممنوعست مگر بحکم قانون.

اصل هیجدهم

تحصیل وتعلیم علوم ومعارف وصنایع آزاد است مگرآنچه شرعاً ممنوع باشد.

اصل نوزدهم

تأسیس مدارس بمخارج دولتی وملتی وتحصیل اجباری بایدمطابق قانون وزارت علوم ومعارف مقررشود وتمام مدارس ومکاتب بایددرتحت ریاست عالیه ومراقبت وزارت علوم ومعارف باشد .

اصل بیستم

عامهٔ مطبوعات غیر ازکتب ضلال ومواد مضره بدین مبین آزاد وممیزی درآنها ممنوع است ولی هرگاه چیزی مخالف قانون مطبوعات درآنها مشاهده شود نشردهنده یانویسنده برطبق قانون مطبوعات مجازات میشود اگر نویسندهٔ معروف و مقیم ایران باشد ناشر و طابع و موزع از تعرض مصون هستند.

اصل بیست ویکم

انجمنها و اجتماعاتیکه مولد فتنهٔ دینی و دینوی و مخل بنظم نباشند در تمام مملکت آزاد است ولی مجتمعین با خود اسلحه نباید داشته باشند و ترتیباتی را که قانون در اینخصوص مقرر میکند باید متابعت نمایند اجتماعات در شوارع ومیدانهای عمومی هم باید تابع قوانین نظمیه باشند .

اصل بیست‌و دوم

مراسلات پستی کلیةً محفوظ و از ضبط وکشف مصون است مگر درمواردیکه قانون استثناء میکند .

اصل بیست و سوم

افشاء یا توقیف مخابرات تلگرافی بدون اجازهٔ صاحب تلگراف ممنوع است مگر در مواردیکه قانون معین‌میکند .

اصل بیست‌و چهارم

اتباع خارجه میتوانند قبول تبعیت ایران‌را بنمایند قبول وبقای آنها بر تبعیت‌و خلع‌آنها ازتبعیت بموجب قانون جداگانه است .

اصل بیست‌و پنجم

تعرض بمأمورین دیوانی در تقصیرات راجعه‌بمشاغل آنها محتاج بتحصیل‌اجازه نیست مگر درحق‌وزراء که رعایت قوانین‌مخصوصه در این باب بایدبشود .

قوای مملکت

اصل بیست‌وششم

قوای مملکت ناشی از ملت است طریقـهٔ استعمال آن قوا را قانون اساسی معین مینماید .

اصل بیست وهفتم

قوای مملکت بسه شعبه تجزیه میشود :

اول ـ قوه مقننه‌که مخصوص است بوضع‌وتهذیب قوانین‌و این‌قوه‌ناشی میشوداز اعلیحضرت شاهنشاهی و مجلس شورای‌ملی و مجلس‌سنا وهریك از این سه منشاء حق انشاء قانونرا دارد ولی استقرار آن موقوف است بعدم مخالـفت با موازیـن شرعیه

وتصویب مجلسین و توشیح بصحهٔ همایونی لکن وضع و تصویب قوانین راجعه بدخل و خرج مملکت از مختصات مجلس شورای ملی است .

شرح و تفسیر قوانین از وظایف مختصه مجلس شورای ملی است .

دوم ـ قوهٔ قضائیه و حکمیه که عبارت است از تمیز حقوق و این قوه مخصوص است بمحاکم شرعیه در شرعیات و بمحاکم عدلیه درعرفیات .

سیم ـ قوهٔ اجرائیه که مخصوص پادشاه است یعنی قوانین و احکام بتوسط وزراء و مأمورین دولت بنام نامی اعلیحضرت همایونی اجرا میشود بترتیبی که قانون معین میکند .

اصل بیست وهشتم

قوای ثلاثه مزبوره همیشه از یکدیگر ممتاز و منفصل خواهد بود .

اصل بیست ونهم

منافع مخصوصهٔ هر ایالت وولایت و بلوك بتصویب انجمنهای ایالتی وولایتی بموجب قوانین مخصوصهٔ آن مرتب وتسویه میشود .

حقوق اعضای مجلسین

اصل سی‌ام

وکلای مجلس شورای ملی ومجلس سنا از طرف تمام ملت وکالت دارند نه‌فقط از طرف طبقات مردم یا ایالات وولایات و بلوکاتی که آنها را انتخاب نموده‌اند .

اصل سی‌ویکم

یك نفر نمیتواند درزمان واحد عضویت هر دومجلس‌را دارا باشد .

اصل سی‌ودوم

چنانچه یکی از وکلاء در ادارات دولتی موظفاً مستخدم بشود ازعضویت مجلس

منفصل میشود و مجدداً عضویت او در مجلس موقوف باستعفای از شغل دولتی و انتخاب ازطرف ملت خواهد بود.

اصل سی وسیم

هریك از مجلسین حق تحقیق وتفحص درهر امری از امورمملکتی دارند.

اصل سی وچهارم

مذاکرات مجلس سنا درمدت انفصال مجلس شورای ملی بی نتیجه است

حقوق سلطنت ایران

اصل سی وپنجم

سلطنت ودیعه ایست که بموهبت الهی از طرف ملت بشخص پادشاه مفوض شده

اصل سی وششم*

سلطنت مشروطه ایران از طرف ملت بوسیلهٔ مجلس مؤسسان بشخص اعلیحضرت شاهنشاه رضا شاه پهلوی تفویض شده و در اعقاب ذکور ایشان نسلا بعد نسل برقرار خواهد بود .

اصل سی وهفتم*

ولایتعهد باپسر بزرگتر پادشاه که مادرش ایرانی الاصل باشد خواهد بود ـ

---

* اصول سه گانه ۳۶ ـ ۳۷ ـ ۳۸ و متمم قانون اساسی بموجب ماده واحده مصوبه مجلس مؤسسان در تاریخ ۲۱ آذرماه ۱۳۰۴ شمسی که ذیلا نقل میشود :

« ماده واحده ـ مجلس مؤسسان سه اصل ۳۶ و ۳۷ و ۳۸ متمم قانون اساسی مصوبه بیست و یکم آذرماه ۱۳۰۴ را بجای سه اصل ۳۶و۳۷و۳۸ سابق متمم قانون اساسی قرار داده سه اصل مذکور سابق را ملغی میداند»

بترتیب مذکور فوق اصلاح و طبع شده است ـ اینك برای استحضار مطالعه کنندگان اصول سه گانه ملغی شده را نیز ذیلا نقل مینماید :

بقیه پاورقی در صفحه بعد

درصورتیکه پادشاه اولاد ذکور نداشته باشد تعیین‌ولیعهد برحسب پیشنهادشاه وتصویب مجلس شورای ملی بعمل خواهد آمد مشروط بر آنکه آن ولیعهد از خانواده قاجار نباشد ولی درهرموقعیکه پسری برای‌پادشاه بوجود آید حقاً ولایتعهد با اوخواهدبود.

اصل سی‌وهشتم٭

در موقع انتقال سلطنت ولیعهد وقتی میتواند شخصاً امور سلطنـت را متصدی شودکه دارای بیست سال تمام شمسی باشد.اگر باین سن نرسیده باشد نـایب السلطنهٔ ازغیر خانواده قاجاریه از طرف مجلس شورای ملی انتخاب خواهد شد .

اصل سی‌ونهم

هیچ پادشاهی بر تخت سلطنت نمیتواندجلوس کندمگر اینکه‌قبل‌ازتاجگذاری در مجلس شورای ملی حاضر شود با حضور اعضای مجلس شورای ملی ومجلس سنا و هیئت وزراء بقرار ذیل قسم یاد نماید :

من خداوند قادر متعال راگواه‌گرفته بکلام‌الله مجید و به‌آنچه نزد خدا محترم است قسم یاد میکنم‌که تمام هم‌خودرامصروف حفظ استقلال ایران نموده حدودمملکت

بقیه‌پاورقی از صفحه قبل

محمدعلی شاه‌قاجار ادام‌الله سلطنته و اعقاب ایشان نسلا بعدنسل برقرار خواهدبود.

اصل سی‌وهفتم ـ ولایت‌عهددرصورت‌تعداد اولاد به‌پسر اکبر پادشاه که‌مادرش‌ایرانی الاصل و شاهزاده باشد میرسد و درصورتیکه برای پادشاه اولاد ذکور نباشد اکبر خاندان سلطنت با رعایت الاقرب فالاقرب برتبهٔ ولایت‌عهد نایل میشود وهر گاه درصورت مفروضهٔ فوق‌اولاد ذکوری برای پادشاه بوجودآید حقاً ولایت‌عهد باو خواهد رسید .

اصل سی‌وهشتم ـ در موقع انتقال سلطنت ولیعهد وقتی میتواند شخصاً امور سلطنت‌را متصدی شودکه سن او به‌هیجده سال بالغ باشد چنـانچه بـاین سن نرسیده باشد با تصویب هیئت مجتمعه مجلس شورای ملی ومجلس سنا نایب‌السلطنه برای او انتخاب خواهد شد تا هیجده سالگی رابالغ شود .

وحقوق ملت را محفوظ ومحروس بدارم قانون اساسی مشروطیت ایرانرا نگهبان و بر طبق آن و قوانین مقرره سلطنت نمایم و در ترویج مذهب جعفری اثنی عشری سعی و کوشش نمایم و در تمام اعمال و افعال خداوند عزشأنه راحاضروناظر دانسته منظوری جز سعادت وعظمت دولت و ملت ایران نداشته باشم و از خداوند مستعان در خدمت بترقی ایران توفیق میطلبم و ازارواح طیبه اولیای اسلام استمداد میکنم.

اصل چهلم

همینطور شخصی‌که بنیابت سلطنت منتخب میشود نمیتواندمتصدی این امر شود مگر اینکه قسم مزبور فوق‌را یاد نموده باشد .

اصل چهل ویکم

در موقع رحلت پادشاه مجلس شورای ملی ومجلس سنا لزوماً منعقد خواهد شد و انعقادمجلسین‌زیاده‌ازده‌روز بعدازفوت پادشاه نباید بتعویق بیفتد.

اصل چهل‌ودوم

هرگاه دورهٔ وکالت وکلای هردو یایکی از مجلسین درزمان‌حیات‌پادشاه منقضی شده باشد و وکلای‌جدید درموقع رحلت‌پادشاه هنوز معین‌نشده‌باشندوکلای‌سابق‌حاضر و مجلسین منعقد میشود .

اصل چهل وسیم

شخص پادشاه نمیتواند بدون تصویب و رضای مجلس شورای ملی و مجلس سنا متصدی امور مملکت دیگری شود .

اصل چهل وچهارم

شخص پادشاه از مسئولیت مبری است وزراء دولت در هر گونه امور مسئول مجلسین هستند .

اصل چهل‌وپنجم

کلیه قوانین و دستخطهای پادشاه در امور مملکتی وقتی اجرا میشود که به امضای وزیر مسئول رسیده باشد و مسئول صحت مدلول آن فرمان و دستخط همان وزیر است .

اصل چهل وششم

عزل‌ونصب وزرا بموجب فرمان همایون پادشاه است .

اصل چهل وهفتم

اعطای درجات نظامی ونشان و امتیازات‌افتخاری با مراعات قانون‌مختص‌شخص پادشاه است .

اصل چهل‌وهشتم

انتخاب مأمورین رئیسه دوائر دولتی از داخله و خارجه باتصویب وزیر مسئول ازحقوق پادشاه است مگر درمواقعیکه‌قانون استثناء نموده‌باشد ولی‌تعیین‌سایرمأمورین راجع به پادشاه نیست مگر در مواردیکه قانون تصریح میکند .

اصل‌چهل ونهم

صدور فرامین و احکام برای اجرای قوانین از حقوق پادشاه است بدون اینکه هرگز اجرای آن قوانین‌را تعویق یاتوقیف‌نماید .

اصل پنجاهم

فرمانفرمائی‌کل قشون بری وبحری باشخص‌پادشاه است.

اصل پنجاه ویکم

اعلان جنگ و عقد صلح باپادشاه است.

اصل پنجاه و دوم

عهدنامه‌هائیکه مطابق اصل بیست و چهارم قانون اساسی مورخه چهاردهم

ذیقعده یکهزاروسیصدو بیست‌وچهار استتار آنها لازم‌باشد بعد از رفع محظور همینکه منافع و امنیت مملکتی اقتضا نمود با توضیحات لازمه باید از طرف پادشاه بمجلس شورای‌ملی وسنا اظهارشود.

اصل پنجاه‌وسیم

فصول مخفیه هیچ عهدنامه مبطل فصول‌آشکار آن‌عهدنامه‌نخواهد بود .

اصل پنجاه و چهارم

پادشاه میتواند مجلس شورای ملی و مجلس سنا را بطور فوق‌العاده امر بانعقاد فرمایند .

اصل پنجاه وپنجم

ضرب سکه با موافقت قانون بنام پادشاه است .

اصل پنجاه وششم

مخارج و مصارف دستگاه سلطنتی بایدقانوناً معین‌باشد.

اصل پنجاه وهفتم

اختیارات و اقتدارات سلطنتی فقط همان است که در قوانین مشروطیت حاضره تصریح شده .

راجع بوزراء

اصل پنجاه و هشتم

هیچکس نمیتواند بمقام وزارت برسد مگر آنکه مسلمان و ایرانی الاصل و تبعه ایران‌باشد.

اصل پنجاه ونهم

شاهزادگان طبقه اولی یعنی پسر وبرادر وعموی‌پادشاه عصر نمیتوانند بوزارت منتخب شوند.

اصل شصتم

وزراء مسئول مجلسین هستند و در هرموردکـه ازطرف یکی‌ازمجلسین احضار شوند باید حاضر گردند و نسبت باموریکه محول بآنهاست حدود مسئولیت خود را منظور دارند.

اصل شصت ویکم

وزراء علاوه بر اینکه بتنهائی مسئول مشاغل مختصه وزارت خودهستند بهیئت اتفاق نیز درکلیات امور درمقابل مجلسین مسئول‌وضامن اعمال‌یکدیگرند.

اصل شصت‌ودوم

عدهٔ وزراء را برحسب اقتضاء قانون‌معین‌خواهدکرد.

اصل شصت‌و سیم

لقب وزارت افتخاری‌بکلی موقوف‌است.

اصل شصت وچهارم

وزراء نمیتوانند احکام شفاهی یاکتبی پادشاه رامستمسك قرارداده سلب‌مسئولیت ازخودشان بنمایند.

اصل شصت‌وپنجم

مجلس‌شورای‌ملی یا سنا میتوانندوزراء رادر تحت مؤاخذه ومحاکمه درآورند.

اصل شصت‌و ششم

مسئولیت وزراء و سیاستـی را که راجع به آنهـا میشود قانون معین خواهد نمود.

اصل شصت وهفتم

در صورتیکه‌مجلس شورای ملی یامجلس سنا باکثریت تامه عدم رضایت خودرا

از هیئت وزراء یا وزیری اظهار نمایند آن هیئت یا آن وزیر از مقام وزارت منعزل میشود .

اصل شصت و هشتم

وزراء موظفاً نمیتوانند خدمت دیگر غیر از شغل خودشان درعهده گیرند .

اصل شصت و نهم

مجلس شورای ملی یا مجلس سنا تقصیر وزراء را درمحضر دیوانخانهٔ تمیز عنوان خواهند نمود دیوانخانهٔ مزبوره باحضور تمام اعضاء مجلس محاکمات دائره خود محاکمه خواهدکرد مگروقتیکه بموجب قانون اتهام و اقامهٔ دعوی از دائرهٔ ادارات دولتی مرجوعه بشخص وزیرخارج و راجع بخودوزیر باشد .

تنبیه ـ مادامیکه محکمه تمیز تشکیل نیافته است هیئتی منتخب از اعضاء مجلسین بعدهٔ متساوی نایب مناب محکمه تمیز خواهدشد .

اصل هفتادم

تعیین تقصیر ومجازات وارده بروزراء درموقعیکه مورد اتهام مجلس شورای ملی یا مجلس سناشوند و یا در امور ادارهٔ خوددچار اتهامات شخصی مدعیان گردند منوط بقانون مخصوص خواهد بود.

اقتدارات محاکمات

اصل هفتادویکم

دیوان عدالت عظمی ومحاکم عدلیه مرجع رسمی تظلمات عمومی هستند وقضاوت درامورشرعیه باعدول مجتهدین جامع الشرایط است

اصل هفتاد ودوم

منازعات راجعه بحقوق سیاسیه مربوط بحاکم عدلیه است مگر در مواقعیکه قانون استثناء نماید .

اصل هفتاد و سیم

تعیین محاکم عرفیه منوط بحکم قانون است وکسی نمیتواند بهیچ اسم و رسم محکمه برخلاف مقررات قانون تشکیل نماید .

اصل هفتاد و چهارم

هیچ محکمه ممکن نیست منعقدگردد مگر بحکم قانون .

اصل هفتاد و پنجم

درتمام مملکت فقط یك دیوانخانهٔ تمیز برای امورعرفیه دایرخواهد بودآنهم در شهرپایتخت و این دایوانخانهٔ تمیز در هیچ محاکمه ابتداء رسیدگی نمیکند مگر درمحاکماتیکه راجع بوزراء باشد.

اصل هفتاد و ششم

انعقادکلیهٔ محاکمات علنی است مگر آنکه علنی بودن آن مخل نظم یامنافی عصمت باشد در اینصورت لزوم اخفا را محکمه اعلان مینماید .

اصل هفتاد و هفتم

درماده تقصیرات سیاسیه ومطبوعاتچنانچه محرمانه بودن محاکمه صلاح باشد باید باتفاق آراء جمیع اعضاء محکمه بشود .

اصل هفتاد وهشتم

احکام صادره ازمحاکم باید مدلل و موجه و محتوی فصول قانونیه‌که برطبق آنها حکم صادر شده است بوده و علناً قرائت شود .

اصل هفتاد و نهم

درموارد تقصیرات سیاسیه ومطبوعات هیئت منصفین درمحاکم حاضر خواهند بود.

اصل هشتادم

رؤساء و اعضای محاکم عدلیه بترتیبیکه قانون عدلیه معین میکند منتخب و بموجب فرمان همایونی منصوب میشوند.

اصل هشتاد و یکم

هیچ حاکم محکمهٔ عدلیه را نمیتوان ازشغل خود موقتاً یادائماً بدون محاکمه وثبوت تقصیر تغییر داد مگراینکه خودش استعفاء نماید.

اصل هشتاد ودوم

تبدیل مأموریت حاکم محکمه عدلیه ممکن نمیشود مگر برضای خود او.

اصل هشتاد وسیم

تعیین شخص مدعی عموم باتصویب حاکم شرع درعهدهٔ پادشاه است.

اصل هشتاد و چهارم

مقرری اعضای محاکم عدلیه بموجب قانون معین خواهد شد.

اصل هشتادوپنجم

رؤسای محاکم عدلیه نمیتوانند قبول خدمات موظفهٔ دولتی رابنمایند مگراینکه آن خدمت را مجاناً برعهده گیرند ومخالف قانون هم نباشد.

اصل هشتادوششم

درهر کرسی ایالتی یك محکمهٔ استیناف برای امورعدلیه مقررخواهدشد بترتیبیکه درقوانین عدلیه مصرح است.

اصل هشتاد وهفتم

محاکم نظامی موافق قوانین مخصوصه درتمام مملکت تأسیس خواهد شد.

اصل هشتاد وهشتم

حکمیت منازعه درحدودادارات ومشاغل دولتی بموجب مقررات قانون بمحکمه تمیزراجع است .

اصل هشتاد ونهم

دیوانخانه عدلیه ومحکمه‌ها وقتی احکام و نظامنامه‌های عمومی وایالتی وولایتی وبلدی را مجری خواهند داشت که آنها مطابق باقانون باشند.

(در خصوص انجمنهای ایالتی و ولایتی)

اصل نودم

درتمام ممالك محروسه انجمنهای ایالتی وولایتی بموجب نظامنامهٔ مخصوص مرتب میشودوقوانین اساسیه آن انجمنها ازاین قرار است .

اصل نود و یکم

اعضای انجمنهای ایالتی وولایتی بلاواسطه ازطرف اهالی انتخاب میشوندمطابق نظامنامهٔ انجمنهای ایالتی وولایتی .

اصل نود و دوم

انجمنهای ایالتی و ولایتی اختیار نظارت تامه در اصلاحات راجعه بمنافع عامه دارندبارعایت حدود قوانین مقرره .

اصل نودوسیم

صورت خرج ودخل ایالات وولایات ازهرقبیل بتوسط انجمنهای ایالتی وولایتی طبع ونشرمیشود .

(در خصوص مالیه)

اصل نود و چهارم

هیچ قسم مالیات برقرار نمیشود مگر بحکم قانون .

اصل نود و پنجم

مواردی راکه ازدادن مالیات معاف توانند شد قانون مشخص خواهد نمود .

اصل نود و ششم

میزان مالیات را همه ساله مجلس شورای ملی باکثریت تصویب و معین خواهد نمود .

اصل نود و هفتم

در مواد مالیات هیچ تفاوت و امتیازی فیمابین افراد ملت گذارده نخواهد شد .

اصل نود وهشتم

تخفیف ومعافیت ازمالیات منوط بقانون مخصوص است .

اصل نودونهم

غیر از مواقعیکه قانون صراحتاً مستثنی میدارد بهیچ عنوان از اهالی چیزی مطالبه نمیشود مگر باسم مالیات مملکتی و ایالتی وولایتی و بلدی .

اصل صدم

هیچ مرسوم وانعامی بخزینهٔ دولت حواله نمیشود مگر بموجب قانون .

اصل صدویکم

اعضای دیوان محاسبات را مجلس شورای ملی برای مدتیکه بموجب قانون مقرر میشود تعیین خواهد نمود .

اصل صدودوم

دیوان محاسبات مأمور بمعاینه و تفکیک محاسبات ادارهٔ مالیه و تفریغ حساب کلیهٔ محاسبین خزانه است ومخصوصاً مواظب است که هیچیك از فقرات مخارج معینه دربودجه ازمیزان مقرره تجاوز ننموده تغییر وتبدیل نپذیرد وهر وجهی درمحل خود بمصرف برسد و همچنین معاینه و تفکیك محاسبه مختلفهٔ کلیه ادارات دولتی را نموده اوراق سندخرج محاسبات راجمع آوری خواهدکرد وصورت کلیهٔ محاسبات مملکتی را باید بانضمام ملاحظات خودتسلیم مجلس شورای ملی نماید.

اصل صدوسیم

ترتیب وتنظیم وادارهٔ دیوان بموجب قانون است.

قشون

اصل صدوچهارم

ترتیب گرفتن قشون راقانون معین می نماید تکالیف وحقوق اهل نظام وترقی در مناصب بموجب قانون است.

اصل صدوپنجم

مخارج نظامی هرساله ازطرف مجلس شورای ملی تصویب میشود.

اصل صدوششم

هیچ قشون نظامی خارجه بخدمت دولت قبول نمیشودودر نقطه‌ای از نقاط مملکت نمیتواند اقامت ویاعبورکند مگر بموجب قانون.

اصل صدوهفتم

حقوق ومناصب وشئونات اهل نظام سلب نمیشود مگر بموجب قانون.

نظامنامهٔ انتخابات (اصنافی) *

مجلس شورای ملی

مورخه ۱۹ رجب ۱۳۲۴ قمری

فصل اول ـ قواعد انتخابات

مادهٔ اول ـ انتخاب کنندگان ملت درممالك محروسهٔ ایران ازایالات وولایات باید ازطبقات ذیل باشند :

شاهزادگان وقاجاریه علما وطلاب اعیان واشراف تجارملاکین وفلاحین اصناف

تنبیه ۱ـ ایلات هر ایالتی جزو سکنهٔ آن ایالت محسوب و با شرایط مقرره حق انتخاب دارند .

تنبیه ۲ـ ملاك عبارت ازارباب ملك است فلاح عبارت اززارع .

مادهٔ دوم ـ انتخاب کنندگان باید دارای مقامات ذیل باشند اولا سن آنهاکمتراز بیست وپنج سال نباشد ثانیاً رعیت ایران باشند ثالثاً معروفیت محلی داشته باشندرابعاً ملاکین وفلاحین آنها باید صاحب ملکی باشندکه هزارتومان قیمت داشته باشد پنجم تجارآنهاحجره وتجارت معینی داشته باشند ششم اصناف آنها باید ازاهل صنف وکارمعین صنفی داشته باشند ودارای دکانی باشند که کرایهٔ آن دکان مطابق کرایه‌های حدوسط محلی باشد.

مادهٔ سیم ـ اشخاصی که از انتخاب نمودن کلیتاً محروم هستند ازقرار تفصیلند اولا طایفهٔ نسوان ثانیاً اشخاص خارج ازرشد وآنهائی که محتاج بقیم شرعی میباشند ثالثاً تبعهٔ خارجه رابعاً اشخاصیکه سن آنهاکمتراز بیست وپنجسال باشد خامساً اشخاصیکه معروف به فساد عقیده هستند سادساً ورشکسته‌ای که بی‌تقصیری‌خود راثابت نکرده باشد سابعاً مرتکبین قتل وسرقت ومقصرین وآنهائیکه مجازات اسلامی قانونی دیده‌اند ومتهمین بقتل وسرقت و غیره که شرعاً رفع تهمت ازخود نکرده باشند ثامناً اهل نظام بری وبحری که‌مشغول خدمتند

اشخاصی که ازانتخاب نمودن بشرط ممنوعند ازقرارذیل است :

اولا حکام ومعاونین حکام درمحل حکومت ثانیاً مستخدمین ادارهٔ نظمیه وضبطیه در محل مأموریت خودشان

---

* این نظامنامه بعد ازتصویب نظامنامه انتخابات دودرجه مورخ ۱۲ جمادی الثانیه ۱۳۲۷ قمری منسوخ شده‌است.

مادۀ چهارم ـ انتخاب شدگان باید دارای مقامات ذیل باشند اولاً زبان فارسی بدانند ثانیاً سواد فارسی داشته باشند ثالثاً رعیت داخله باشند رابعاً معروفیت محلی داشته باشند خامساً داخل درخدمت دولتی نباشند سادساً سن آنها کمتر ازسی سال نباشد واضافه‌ازهفتادسال نباشد سابعاً درامورمملکتی بصیرتی داشته باشند.

مادۀ پنجم ـ اشخاصیکه ازانتخاب شدن محروم هستند اولا طایفۀ اناثیه ثانیا تبعه خارجه ثالثا اهل نظام بری وبحری که مشغول خدمتند رابعا ورشکستۀ بتقصیرخامسامرتکین بقتل وسرقت ومقصرین وآنهائیکه مجازات قانونی اسلامی دیده‌اند ومتهمین بقتل وسرقت و غیره که شرعاً رفع تهمت ازخود نکرده باشند سادسا آنهائیکه سنشان ازسی سال کمتر باشد سابعا اشخاصیکه معروف بفساد عقیده هستند ومتظاهر به فسق

مادۀ ششم ـ عدۀ انتخاب شدگان ملت دربلاد ایران متناسب باجمعیت سکنۀ آن بلد است وازهرایالتی شش یا دوازده نفرموافق صورت ذیل باید انتخاب شود مگرطهران که عدۀ انتخاب شدگان آن بموجب تفصیل ذیل است :

شاهزادگان وقاجاریه چهارنفرعلما وطلاب چهارنفر تجارده نفرملاکین وفلاحین ده نفراصناف ازهرصنفی یك نفرجمعا سی ودونفرمیشوند

درسایرایالات وولایات ازقرارتفصیل است :

آذربایجان دوازده نفر

خراسان وسیستان وتربت وترشیزوقوچان وبجنورد وشاهرود وبسطام ۱۲ نفر

گیلان وطالش شش نفر

مازندران وتنکابن واستراباد وفیروزکوه ودماوند ۶ نفر

خمسه وقزوین وسمنان ودامغان ۶ نفر

کرمان وبلوچستان ۶ نفر

فارس وبنادر۱۲ نفر

عربستان لرستان وبروجرد ۶ نفر

کرمانشاهان وگروس ۶ نفر

کردستان وهمدان ۶ نفر

اصفهان ویزد وکاشان وقم وساوه ۱۲ نفر

عراق وملایروتویسرکان ونهاوند وکمره وگلپایگان وخونسار ۶ نفر

مادۀ هفتم ـ هریك ازانتخاب کنندگان صاحب یك رأی میباشند وفقط دریك طبقه می‌توانند انتخاب کنند

مادۀ هشتم ـ عدۀ انتخاب شدگان برای مجلس شورای ملی درتمام‌ممالك‌محروسۀ ایران بیش ازدویست نفرنمیتواند باشد درشهرهای جزء هرایالتی هرطبقه علیحده جمع‌شده یکنفررا انتخاب نموده بکرسی ایالت میفرستند این انتخاب شدگان باید درهمان‌شهری که

انتخاب میشوند ویا درمحال آن شهرسکنی داشته باشند انتخاب شدگان درشهرهای جزء ایالات درکرسی ایالت جمع شده به عده‌ای که درصورت فوق برای هرایالتی معین شده از برای مجلس شورای ملی اعضا انتخاب میکنند تا درمجلس شورای ملی حضور بهمرسانیده درمدت مأموریت بوظیفه وتکلیف خودکه حفظ حقوق دولت وملت است عمل نمایند انتخاب کنندگان مجبور نیستند که حتماً ازصنف وطبقه خودشان انتخاب کنند.

مادهٔ نهم – درهرمحلی که انتخاب بعمل می‌آید انجمنی برای نظارت انتخابات از معاریف طبقات ششگانه انتخاب‌کنندگان آن محل مرکب ازشش نفرودرتحت نظارت موقتی حاکم یا نایب‌الحکومهٔ همان محل تشکیل خواهد شد ازاین قرار دو انجمن تشکیل میشود انجمن محلی وایالتی انجمن محلی درشهرهای جزء ایالات وانجمن ایالتی درکرسی ایالت.

مادهٔ دهم – شکایات راجعه بانتخابات مانع ازاجرای انتخابات نخواهد بود یعنی انجمن‌های مذکوره درمادهٔ نهم رسیدگی خواهندکرد بدون اینکه انتخابات توقیف‌شود.

مادهٔ یازدهم – اگرازانجمن محلی‌کسی متشکی باشد بانجمن ایالتی رجوع‌خواهد کرد واگرنتیجه حاصل نشد بمجلس شورای ملی باید رجوع‌نماید.

مادهٔ دوازدهم – هرگاه یکی ازاعضاء مجلس شورای ملی استعفاء یافوت نماید وبیش ازشش ماه به‌انتخابات جدیده باقی باشد اعضاء مجلس بجای اویك نفر ازاهل ایالت خودش انتخاب‌خواهندکرد.

مادهٔ سیزدهم – اسامی انتخاب‌کنندگان و انتخاب شدگان هرولایت را انجمنهای محلی وایالتی بدفترخانه مجلس شورای ملی باید بفرستند که دردفترخانهٔ مجلس‌اسامی آنها را بترتیب حروف تهجی ثبت وبرای اطلاع عموم طبع ونشر نمایندکذالك بعد از اتمام عمل انتخابات محلی نتیجه عمل را درظرف یك هفته بانجمن ایالتی اطلاع خواهدداد.

مادهٔ چهاردهم – انتخاب شدگان‌درشهرهای‌جزء ایالت باید ازانجمن‌محلی‌اعتبار نامه دردست داشته باشند وکذالك انتخاب شدگان درکرسی ایالات بایداعتبار نامه‌ای‌ازانجمن ایالتی دردست داشته باشند ودرمجلس شورای ملی ارائه‌دهند.

مادهٔ پانزدهم – انتخاب اشخاص مقرره بقرعه واکثریت آراء خواهد بود.

مادهٔ شانزدهم – بعد از انتخاب اعضاء مجلس شورای‌ملی اسامی انتخاب شدگان دردفترمجلس ثبت ودرروزنامه‌ها اعلان‌خواهد شد.

مادهٔ هفدهم – مجلس انتخاب‌کنندگان ملی درشهرهای حاکم نشین که بدودرجه منقسم میشود برقرارخواهد بود وبنابراقتضا ومکان حاکم محل می‌تواند محل‌مجلس‌انتخاب را معین کند.

مادهٔ هیجدهم – موعد ومیعاد انتخاب باید یك ماه قبل ازوقت بتوسط‌حکومت‌محل بعموم اهالی باعانت اوراق چاپی وسایر اعلانات مقتضیه اعلام شود.

مادهٔ نوزدهم - انتخاب شدگان دارالخلافه و سایر ایالات هرچه زودتر باید در طهران حاضر شوندچون انتخاب شدگان ولایات بموجب نظامنامه‌ای باید منتخب شوند وحضور آنها فعلا مدتی طول خواهد کشید لهذا منتخبین طهران حالا انتخاب میشوند ومجلس تشکیل خواهد شد و بوظایف خود رفتار خواهد نمود تا منتخبین ولایات حضور بهم رسانند وتأخیر حضور آنها سبب تعطیل مجلس نخواهد بود.

مادهٔ بیستم - خرج سفره ومقرری سالیانه اعضای مجلس شورای ملی موقوف بـه تشخیص وتصویب خود مجلس است.

مادهٔ بیست ویکم - مدت مأموریت نمایندگان ملت دوسال خواهد بود و بعد از دوسال درتمام ممالك ایران تجدید انتخابات خواهد شد.

مادهٔ بیست ودوم - شکایات راجعهٔ بمجلس واعضای آن درعمل انتخابات وغیره آنچه راجع بمجلس است باید کتبا برئیس مجلس اظهارشود که درمجلس شورای ملی بمادهٔ شکایت رسیدگی وحکم آن صادرشود.

مادهٔ بیست وسیم - بدون اجازهٔ مجلس احدی ازاجزای مجلس را نمیتوان بهیچ عنوان گرفتارودستگیر نمود مگر مرتکب بجنحه یا جنایتی باشد بطور علنی.

وکلیهٔ تحریروتقریراعضای مجلس درمصالح دولت وملت آزاد وهیچ کسی حق مزاحمت آنها را ندارد مگردرصورتیکه تحریرات و تقریرات عضوی برخلاف مصالح عامه وموافق قوانین شرع انور مستوجب مجازات باشد دراین صورت باجازهٔ مجلس این نوع اشخاص بمحکمهٔ عدلیه جلب خواهندشد.

مادهٔ بیست و چهارم - اشخاصیکه از رجال دولت و اعضای دوایر دولتی بسمت نمایندگی بعضویت مجلس شورای ملی منتخب میشوند ازخدمت سابقه منفصل و درمدت این مأموریت حق مداخله واشتغال بخدمت سابقه یاخدمت دیگری ندارند والا نمایندگی وعضویت ایشان باطل میشود.

فصل دوم

ترتیب انتخاب و کشیدن قرعه وشرایط آن

مادهٔ بیست وپنجم - انتخاب اعضای مجلس شورای ملی در پایتخت و شهرهای بزرگ ومتوسط وکوچك بعمل خواهد آمد با حضورحاکم یا نایب الحکومه ودرتحت نظارت انجمن مذکوردرمادهٔ نهم.

مادهٔ بیست وششم - انتخاب بقرعه واکثریت آراء تامه یانسبی باید باشدودرصورت تساوی آراء باید بقرعه تشخیص انتخاب شده داده شود.

مادهٔ بیست وهفتم - روزانتخاب اعضاء مجلس و کشیدن قرعه درهرسال که باشد روزجمعه خواهد بودبا رعایت ترتیبات ذیل:

اولاکشیدن قرعه باید درحضورحاکم وانجمن محل وحضارانتخاب کنندگان باشدثانیا نظم مجلس قرعه‌کشی بعهدهٔ انجمن‌های مذکوره درمادهٔ نهم‌خواهد بود ثالثا ورقهٔقرعه‌باید کاغذ سفید بی‌نشان باشد رابعا هریك ازانتخاب کنندگان باید درخارج مجلس رأی خود را درآن ورقه نوشته سربسته بدست یکنفرازاعضای انجمن مذکوره‌که معین خواهد شد بدهدکه مشارالیه درحضورجمع درصندوق بیندازد خامسا یکنفرازاعضای انجمن مذکور درمادهٔ نهم اسامی انتخاب‌کنندگان را با صورتی‌که داردمطابق‌کند.

مادهٔ بیست وهشتم ـ قبل ازکشیدن قرعه یکنفر اعضای انجمن درب صندوق را قفل نموده ودونفردیگرآنرا مهرمیکنند وکلید صندوق را یکی ازاعضای انجمن ضبط میکند

مادهٔ بیست ونهم ـ پس ازانجام‌کشیدن قرعه درب صندوق را بازنموده درحضور جماعت اوراق را شمرده زیادی وکمی‌آن را ازروی صورت اسامی تشخیص میدهندوچندنفر ازحضاردرحضورجماعت بانظارت انجمن مشغول استخراج آراءمیشوند.

مادهٔ سی‌ام ـ ازاوراق آنچه غیرمکتوب یا لایقرأ باشد یا اینکه معرفی انتخاب‌شده را واضح نکرده باشد یا صاحب رأی خود را درآن معرفی‌کرده باشد ازدرجهٔ اعتبارساقط است ومنضم بیادداشتها میشود بعد نتیجهٔ قرعه را بلند فریاد میکنند وازطرف رئیس مجلس اعلان میشود

مادهٔ سی ویکم ـ هرگاه عدهٔ انتخاب‌شدگان‌ملت زیاده ازعدهٔ مقرره‌باشداشخاصی ازآن میان انتخاب خواهند شدکه ازحیث سن برتری ورجحان داشته باشند والا با وجود فرصت تجدید قرعه میشود اگرپس ازشمردن اوراق معلوم شدکه عدهٔ اوراق زاید از عدهٔ انتخاب‌کنندگان است قرعه را باطل‌کرده تجدید قرعه مینمایند

مادهٔ سی ودویم ـ انتخاب شدگان طهران یکنفررئیس ودونفرنایب رئیس وچهار نفرمنشی ازمیان خود انتخاب مینمایند ودرتحت ریاست عالیه اعلیحضرت اقدس شهریاری خلدالله ملکه مجلس افتتاح خواهدشد.

مادهٔ سی وسوم ـ رئیس مجلس شورای ملی ودونفرنایب رئیس ومنشی‌های مجلس با تصویب اعضای مجلس سالی یك مرتبه تبدیل میشوند ودرتجدید انتخاب اشخاص مذکوره رعایت اکثریت آراء مجلس همیشه ملحوظ‌است.

نظامنامهٔ انتخابات*

دو درجه

مورخه ۱۲ جمادی‌الثانیه ۱۳۲۷ قمری

فصل اول

عدهٔ نمایندگان ملت و تقسیم آن با یالات وولایات

مادهٔ اول ــ عدهٔ نمایندگان‌ملت برای‌مجلس‌شورای‌ملی درممالك ایران‌یکصدو بیست نفر تعیین میشود

مادهٔ ۲ــ تقسیم نمایندگان ملت نسبت بجمعیت تخمینی ولایات واهمیت محلی‌ازقرار شرح جدولی است‌که به‌آخر نظامنامه منضم شده است

مادهٔ ۳ــ چون بواسطه فقدان اسباب لازمه محل انتخابات فقط درشهرهای بزرگ و کوچك خواهد بود لهذا ازغالب بلوکات وایلات‌که حاکم نشین‌آنها شهریت ندارد در این نظامنامه اسم برده نشده لیکن اهالی بلوك وایلات هرولایت باداشتن شرایط مقررهمیتوانند دریکی ازشهرهای‌آن ولایت حاضرشده بانتخابات شراکت‌نمایند .

فصل دوم

شرایط انتخاب کنندگان

مادهٔ ۴ــ انتخاب‌کنندگان اشخاصی خواهند بودکه دارای شرایطذیل باشند:

۱ــ تبعهٔ ایران‌باشند.

۲ــ لااقل بیست سال داشته‌باشند.

۳ــ معروفیت محلی داشته واگر بومی یا متوطن‌آن محل نباشند لااقل شش‌ماه قبل از انتخاب درمحل انتخاب یا توابع‌آن سکنی داشته‌باشند.

۴ــ لااقل دارای دویست وپنجاه تومان علاقهٔ ملکی یا ده تومان مالیات بده‌باشند یا پنجاه تومان عایدی سالیانه داشته ویا تحصیل‌کرده‌باشند.

مادهٔ ۵ــ اشخاصی‌که ازحق انتخاب نمودن مطلقامحرومند.

---

* این نظامنامه بعد ازتصویب «قانون انتخابات» مصوب ۲۹ میزان ۱۳۲۹ در همین مجموعه قمری منسوخ شده است .

۱- نسوان.
۲- اشخاص خارج از رشد و آنهائیکه در تحت قیمومت شرعی هستند
۳- تبعۀ خارجه.
۴- اشخاصیکه خروجشان از دین حنیف اسلام درحضور یکی از حکام شرع جامع الشرایط بثبوت رسیده باشد.
۵- اشخاصیکه کمتر از بیست سال داشته باشند.
۶- ورشکستگان بتقصیر.
۷- مرتکبین قتل وسرقت و مقصرینی که مستوجب مجازات قانونی اسلامی شده‌اند و معروفین بارتکاب قتل وسرقت وغیره که شرعاً برائت خود را حاصل نکرده باشند.
۸- اهل نظام بری و بحری که مشغول خدمتند.

مادۀ ۶ - اشخاصیکه بشرط از انتخاب نمودن محرومند.
۱- حکام و معاونین حکام درقلمرو مأموریت خود.
۲- مستخدمین نظمیه وضبطیه درمحل خدمت.

فصل سوم

شرایط انتخاب شوندگان

مادۀ ۷ - انتخاب شوندگان باید دارای صفات ومقامات ذیل باشند :
۱- متدین بدین حضرت محمدابن عبدالله (ص) باشند مگر نمایندگان ملل مسیحی و زردشتی ویهود که آنها هم باید دردین خود ثابت العقیده باشند.
۲- تبعۀ ایران باشند.
۳- لااقل خط وسواد فارسی باندازۀ کافی داشته باشند.
۴- معروفیت محلی داشته باشند.
۵- درامور مملکتی با بصیرت باشند.
۶- معروف بامانت ودرستکاری باشند.
۷- سن آنها کمتر از سی وزیاده ازهفتاد سال نباشد.

مادۀ ۸ - اشخاصی که از انتخاب شدن محرومند.
۱- شاهزادگان بلافصل ابناء واخوان واعمام پادشاه.
۲- نسوان.
۳- تبعۀ خارجه .
۴- اهل نظام بری وبحری که مشغول خدمتند.

۵ـ اشخاصی که مشغول خدمات دولتی هستند مگر اینکه برای مدت نمایندگی ازشغل خود استعفادهند.

۶ـ ورشکستگان بتقصیر.

۷ـ مرتکبین قتل وسرقت و مقصرینی که مستوجب مجازات قانونی اسلامی شده‌اند و معروفین بارتکاب قتل وسرقت وغیره که شرعاً برائت خود را حاصل نکرده باشند

۸ـ اشخاصیکه خروجشان ازدین حنیف اسلام درحضوریکی ازحکام شرع جامع الشرایط به‌ثبوت رسیده باشد ویا متظاهر بفسق باشند

فصل چهارم ـ درتشکیل انجمن نظارت

مادهٔ ۹ ـ درهرمرکزانتخاب هیئتی باسم انجمن نظارت موقتاً تشکیل میشود که مراقب ومسئول صحت انتخابات خواهد بود

مادهٔ ۱۰ ـ درمحل‌هائیکه انجمن ایالتی یا ولایتی موافق قانون برقراراست مرکب خواهد بود ازسه نفرازاعضای انجمن ایالتی یا ولایتی وچهارنفر ازمحترمین محل درتحت ریاست حاکم این چهارنفرمحترمین را انجمن ایالتی یا ولایتی بتصویب حاکم ازغیراعضای خود معین خواهدکرد

مادهٔ ۱۱ ـ درمحل‌هائیکه انجمن ایالتی یا ولایتی موافق قانون هنوزتشکیل نیافته انجمن نظارمرکب خواهد بود ازشخص حاکم وکارگذار و یکنفر ازعلمای معروف محل و یکنفرازشاهزادگان ودونفرازاعیان ودونفر از معتبرین تجار (درهرجاکه یکی ازاشخاص مذکوره نباشد بعوض او ازاعیان یا تجارمعین میشود)

مادهٔ ۱۲ ـ درشهرهای بزرگ بجهت دادن‌تعرفهٔ انجمن نظارت میتواننددرهرمحله شعبه‌ای‌جداگانه‌تشکیل نماید مرکب ازکدخدا وپنج نفر ازمعتمدین محل

مادهٔ ۱۳ ـ انجمن نظارت ازمیان اعضای خود یك یا دونفرمنشی انتخاب می‌نماید

مادهٔ ۱۴ ـ انجمن نظارت یك هفته بعد ازانجام انتخابات متفرق میشود

فصل پنجم ـ طریقه انتخاب

مادهٔ ۱۵ ـ انتخاب درکلیه ممالك ایران بطرزدودرجه خواهدبود (توضیح اول) ـ مراد ازانتخاب دودرجه آنست که ابتداء درمحله‌های یك‌شهریا درشهرهای یك حوزهٔ‌انتخابیه عدد معینی را انتخاب مینمایندکه منتخب نامیده میشوند وبعداین انتخاب شدگان درجهٔ اول در مرکزحوزه انتخاب جمع شده ازمیان خود عدهٔ مطلوبه را ثانیا انتخاب میکنند و این انتخاب شدگان درجه ثانی نماینده خوانده میشوند (توضیح دوم) ـ مراد ازحوزهٔ انتخابیه آن قسمتی ازمملکت است‌که موافق تقسیم نظامنامه یك یا چند نفررا مشترکا انتخاب کرده

مستقیما بعضویت مجلس شورای ملی میفرستد اعم‌ازاینکه آن قسمت درتحت یك یا چندحکومت باشد مرکزحوزهٔ آن نقطه‌ایست که انتخاب درجهٔ ثانی حوزه در آنجا واقع میشود.

مادهٔ ۱۶ - انتخاب درجهٔ اول وثانی کلیه بطرزانتخاب جمعی خواهد بود مگردر محلهائی که موافق تقسیم نظامنامه بیش ازیکنفرحق انتخاب ندارند دراین صورت بانتخاب فردی عمل‌میشود.

(توضیح) - مراد ازانتخاب جمعی آنستکه هریك‌ازانتخاب کنندگان دورقهٔ رأی بعدهٔ مجموع انتخاب شوندگان آن محل اسامی اشخاص مینویسند مراد ازانتخاب فردی آنست که هریك ازانتخاب‌کنندگان دورقهٔ رأی اسم یك شخص رامینویسند.

مادهٔ ۱۷ - انتخاب درجهٔ اول باکثریت نسبی و انتخاب درجهٔ ثانی باکثریت تام خواهدبود.

(توضیح) - مراد از اکثریت تام آنست که بیشتراز نصف رأی دهندگان دربارهٔ کسی رأی داده باشند.

مادهٔ ۱۸ - درانتخاب درجهٔ اول اشخاصی که نسبت بعدهٔ کلیهٔ انتخاب کنندگان حوزهٔ انتخابیه اکثریت تام حاصل کنند مستغنی ازانتخاب درجهٔ ثانی بوده بسمت عضویت مجلس شورای ملی قبول‌میشوند.

مادهٔ ۱۹ - درانتخاب درجهٔ ثانی اگردفعهٔ اول‌ودوم دربارهٔ کسی اکثریت تام‌حاصل نشد دفعهٔ سوم همان شخص باکثریت نسبی منتخب خواهدبود.

مادهٔ ۲۰ - درصورت تساوی‌آراء بین دویا چند نفرهرگاه انتخاب یك نفر ازآنها محل حاجت باشدآن یك نفر بحکم قرعه معین‌میشود.

مادهٔ ۲۱ - در انتخاب درجهٔ اول عدهٔ انتخاب شوندگان هرحوزهٔ انتخابیه‌سه‌مقابل عدهٔ نمایندگانی خواهد بودکه برای‌آن حوزه درمادهٔ دوم معین شده‌است.

مادهٔ ۲۲ - درحوزهٔ انتخابیه طهران انتخاب درجهٔ اول ازپنج محله که هریك در تحت ریاست یك کدخدا است بعمل خواهد آمد موافق تقسیمی که انجمن نظارت معین خواهدکرد.

مادهٔ ۲۳ - درحوزهٔ انتخابیهٔ ایالات وولایات انتخاب درجهٔ اول درتمام شهرهای آن حوزه باکثریت نسبی بعمل خواهدآمد بعد این منتخبین درجه اول درموعدی که انجمن نظارت مرکزی معین میکند درمرکزحوزه حاضرشده‌مجتمعا ازمیان خودشان بعده‌ای که در مادهٔ دوم بجهت‌آن حوزه تصریح شده است باکثریت تام نماینده انتخاب‌خواهندکرد.

مادهٔ ۲۴ - پنج ایل عمده شاهسون‌آذربایجان ، بختیاری ، قشقائی ، ایلات خمسهٔ فارس ، ترکمان موافق تقسیم‌نظامنامهٔ هرکدام یك نماینده مستقیماً بعضویت مجلس شورای ملی‌میفرستند.

طرز انتخاب ایلات هم دودرجه است لیکن عدهٔ منتخبین درجهٔ اول هر ایل وهرمرکز انتخاب درجهٔ ثانی را وزارت داخله معین خواهد کرد دراین مورد انتخاب درجهٔ ثانی بحکم قرعه خواهد بود.

مادهٔ ۲۵- درصورتیکه انتخاب شدگان شهرهای جزو درموعدی که انجمن نظارت مرکزی برای حضور آنها معین کرده درمرکز آن حوزه حاضر نشوند برای آن دوره حق انتخاب ازآنها ساقط است وهمان عده‌ای که درسرموعد حاضر شده‌اند نمایندگان آن حوزه را از میان خودشان انتخاب خواهند کرد.

مادهٔ ۲۶- هریك از انتخاب کنندگان زیاده بریك مرتبه حق رأی دادن ندارند مگر درصورتی که تجدید انتخاب لازم شود.

مادهٔ ۲۷- دردرجهٔ اول انتخاب کنندگان مجبور نیستند که حتما ازساکنین محل خود انتخاب کنند.

فصل ششم

دادن تعرفه برای تشخیص انتخاب کنندگان

مادهٔ ۲۸- انجمن نظارت اعلانی مرتب نموده بمناسبت اهمیت محل از پنج الی پانزده روز قبل ازموعد انتخاب اشاعه میدهد.

مادهٔ ۲۹- اعلان مذکور مطالب ذیل را دارا خواهد بود:

۱- شرایط انتخاب کنندگان وانتخاب شوندگان

۲- محل واوقاتی راکه انجمن نظارت یا شعب آن ورقه تعرفه خواهد داد

۳- مکان وزمانی که انجمن نظارت برای اخذ رأی حاضر خواهد بود

۴- عدهٔ نمایندگانی راکه صاحبان تعرفه باید منتخب نمایند

مادهٔ ۳۰- اشخاصیکه شرایط انتخاب کردن را دارا هستند اگر درظرف مدتی که انجمن نظارت بجهت گرفتن تعرفه معین نموده است تعرفه نگه ند حق انتخاب د ای آن دوره

۲- محل واوقاتی راکه انجمن نظارت یا شعب آن ورقه تعرفه خواهد داد

۳- مکان وزمانی که انجمن نظارت برای اخذ رأی حاضر خواهد بود

۴- عدهٔ نمایندگانی راکه صاحبان تعرفه باید منتخب نمایند

۵- ساعت افتتاح واختتام مجلس انتخاب

۶- مهربا امضای اعضای انجمن نظارت

مادهٔ ۳۲- انجمن نظارت یا شعب آن تمام تعرفه‌هائی راکه میدهد بترتیب نمره در کتابخانهٔ مخصوص ثبت خواهدشد.

فصل هفتم

دراخذ و استخراج آراء وتعیین انتخاب شدگان

مادهٔ ۳۳- بمناسبت اهمیت محل مدت اخذ رأی ازیك الی سه روزخواهدبود به‌تعیین انجمن نظارت.

مادهٔ ۳۴- پس ازانقضای موعدی‌که انجمن نظارت برای اخذرأی معین‌میکند‌دیگر ورقهٔ رأی ازکسی قبول‌نخواهد شد.

مادهٔ ۳۵- دادن رأی باید مخفی باشد وازاین جهت باید دارندهٔ تعرفه قبل‌ازدخول بمجلس انتخاب اسم یك یا چندنفرمنتخبین‌خود رامطابق‌عده‌ای‌که اعلان شده است‌روی‌کاغذ سفید بی‌نشان نوشته لوله‌کرده با خود داشته‌باشد.

مادهٔ ۳۶- پس ازحضوراعضای انجمن نظارت وافتتاح مجلس انتخاب درساعتی که اعلان شده قبل‌ازشروع بگرفتن ورقهٔ رأی رئیس انجمن نظارت جعبه‌ای‌را که برای ضبط اوراق رأی معین شده است درحضوراعضاء انجمن وحاضرین از انتخاب‌کنندگان بازنموده خالی بودن‌آنرا امینماید.

مادهٔ ۳۷- هریك از دارندگان ورقهٔ تعرفه پس از ورود بمجلس انتخاب درکمال آرامی تعرفه وورقهٔ رأی خود را بیکی ازاعضاء‌که برای این‌کارمعین شده‌اندمیدهد.

مادهٔ ۳۸- گیرندهٔ تعرفه نمرهٔ تعرفه را بصوت بلند میگوید تا منشی انجمن نمره‌را درکتابچه ثبت تعرفه پیداکرده نشان‌کند پس ازنشان‌کردن نمرهٔ‌گیرنده تعرفهٔ‌آنرا ابطال نموده بصاحبش رد می‌نماید و ورقهٔ رأی اورا بدون نگاه‌کردن در جعبهٔ انتخاب میاندازد صاحبان تعرفه باحتیاط مواردیکه تجدید انتخاب لازم شود تعرفهٔ باطلهٔ خودشان‌رامحفوظ خواهند داشت

مادهٔ ۳۹- انتخاب‌کنندگان پس ازدادن ورقهٔ رأی‌وپس‌گرفتن تعرفهٔ باطله‌درصورت تنگی جای واخلال نظم وترتیب انتخاب بامررئیس ازمجلس انتخاب خارج خواهندشد.

مادهٔ ۴۰- درمحلهائیکه انتخاب دریك روزتمام نمیشود درختام مجلس‌آنروزتمام اعضاء با احتیاطات لازمه درب جعبه را مهرکرده روز بعد همان اعضاء آن رابازمی‌کنند.

مادهٔ ۴۱ - بعد ازاعلان انجام انتخاب رئیس انجمن جعبهٔ انتخاب رادرحضوراعضاء وحاضرین انتخاب کنندگان خالی نموده امر باستخراج آراء مینماید.

مادهٔ ۴۲ - یکی ازاعضاء اوراق انتخاب را شمرده عدهٔ آن را با عدهٔ رأی دهندگانی که نمرهٔ تعرفه آنها درکتابچه ثبت تعرفه نشان شده‌است تطبیق می کند درصورت زیادتی اوراق رأی بعدهٔ اوراق زایده ازکلیه برداشته شده باطل میشود ونتیجه درصورت مجلس نوشته‌میشود.

مادهٔ ۴۳ - اوراق انتخاب را یکی ازاعضا بصوت بلند یك‌یك خوانده بیك نفر دیگر از اعضاء میدهد وسه نفر دیگر از اعضاء اسامی را بترتیبی که خوانده میشود در ورقهٔ بزرگی مینویسند.

مادهٔ ۴۴ - هرگاه در اوراق انتخاب زیادیا کمتر از عدهٔ معینه اسامی نوشته باشند نقصی در امر انتخاب حاصل نخواهد شد درصورت‌اول آن عده‌اسامی که زیاد نوشته شده‌از آخر ورقه خوانده نخواهدشد.

ماده ۴۵ - ازاوراق رأی آنچه سفید یالایقره باشدیا آنکه صحیحاً معرفی انتخاب‌شده رانکند یاامضای انتخاب‌کننده راداشته باشد یا بیش ازیك ورق باشدمحسوب نخواهدشدولی عیناً ضمیمهٔ صورتمجلس میشود.

مادهٔ ۴۶ - بلافاصله بعدازشماره واستخراج آراء رئیس نتیجه را بصورت بلنداعلام مینماید واوراق انتخاب را معدوم میکند به‌استثنای آنهائیکه درماده قبل ذکرشده‌که ضمیمه صورتمجلس میشود.

مادهٔ ۴۷ - صورتمجلس انتخابات رامنشی‌درسه نسخه تحریر نموده بامضای اعضای انجمن نظارت میرساند یك نسخه بحکومت نسخهٔ دیگربتوسط حکومت بمجلس‌شورای‌ملی و نسخهٔ ثالث باکتابچهٔ ثبت اوراق تعرفه بانجمن ایالتی یاولایتی‌مرکزحوزه فرستاده میشود.

مادهٔ ۴۸ - اشخاصیکه ورقهٔ تعرفه ندارند حق دخول بمجلس انتخاب ندارند.

مادهٔ ۴۹ - دخول درمحوطه انتخاب باداشتن اسلحه اکیداً ممنوع است.

مادهٔ ۵۰ - اسامی انتخاب شدگان درجهٔ اول ودوم بعد ازاتمام انتخابات از طرف حاکم محل درروزنامه اعلان میشود.

مادهٔ ۵۱ - انتخاب شدگان در شهرهای جزو باید بامضای انجمن نظارت آن محل اعتبارنامه دردست داشته باشندوبانجمن نظارت مرکزی ارائه بدهند وهمچنین نمایندگانی که درمرکزحوزه انتخابیه برای عضویت‌مجلس‌شورای‌ملی‌منتخب میشوندباید بامضای‌انجمن نظارت مرکزی اعتبارنامه دردست داشته تسلیم دفترمجلس‌شورای ملی نمایند.

فصل هشتم

در شکایات راجع بانتخابات

مادهٔ ۵۲- اگر از انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان کسی حین انتخاب شکایت یا ایرادی راجع بانتخابات داشته باشد مانع از انجام انتخاب نخواهد شد ولی شرح آن شکایت باید درصورتمجلس درج شود.

مادهٔ ۵۳- شکایات و ایرادات راجعه بانتخابات باید درظرف یکهفته بعداز ختم انتخابات بانجمن نظارت اظهار شود تاانجمن رسیدگی نموده حکم بدهد و نتیجه را ضمیمهٔ صورتمجلس انتخاب نمایند.

مادهٔ ۵۴- متشکیان از انتخابات اگر از حکم انجمن نظارت راضی نباشند میتوانند پس از افتتاح مجلس شورای ملی شکایات خودرا درظرف ماه اول بمجلس شورای ملی اظهار نمایند و حکم مجلس شورای ملی قاطع خواهد بود (شکایات راجعه بانتخابات که بعد از افتتاح مجلس شورای ملی بعمل میآید باید درظرف ماه اول بعد ازوقوع آن انتخابات بمجلس شورای ملی برسد) .

مادهٔ ۵۵ - هرگاه یکی ازمنتخبین یا نمایندگان بوسیلهٔ تطمیع یا تهدید انتخاب شود پس از ثبوت بانجمن نظارت یا مجلس شورای ملی انتخاب آن منتخب یا نماینده علاوه برمجازاتیکه قانون دربارهٔ او معین خواهد کرد از درجهٔ اعتبار ساقط خواهد بود .

مادهٔ ۵۶ - حق اعتراض برانتخابات را اشخاصی دارند که حق انتخاب کردن داشته باشند.

فصل نهم

در مواد مختلفه

مادهٔ ۵۷ - همینکه نصف بعلاوه یکنفر از نمایندگان ملت که شصت و یکنفر باشد در طهران حاضر شدند مجلس افتتاح میابد و رأی آنها باکثریت مناط اعتبار و اجراست .

مادهٔ ۵۸- ابتدای دورهٔ انتخابیه دوساله از روزی است که مجلس شورای ملی افتتاح می شود .

مادهٔ ۵۹ - پس ازانقضای مدت دوسال باید نمایندگان مجدداً انتخاب شوند و مردم مختارند هریك ازیك منتخبین سابق راکه بخواهند دوباره انتخاب نمایند .

مادهٔ ۶۰- مقرری اعضای مجلس شورای ملی موقوف بتشخیص و تصویب مجلس است.

مادهٔ ۶۱ - مخارج مسافرت انتخاب شدگان درجه اول ودوم رفتاً و ایاباً حکومت

هرمحل باطلاع انجمن نظارت از قرارفرسخی پنج قران ادا خواهدکرد بعلاوه پنج تومان مخارج توقف پنج روزه درمرکزحوزه.

مادهٔ ۶۲- هرگاه یکی از اعضای مجلس شورای ملی استعفا یا فوت نماید و بیش از سه ماه بانقضای دوره باقی باشد مجلس شورای ملی یك نفر بجای او باکثریت تام انتخاب خواهدکرد.

مادهٔ ۶۳- در طهران ده روز بعد از توشیح این نظامنامه بدستخط همایونی و در ولایات پنج روز بعد از وصول نظامنامه انجمن نظارت تشکیل یافته شروع بانتخابات خواهد کرد.

حوزهٔ انتخابیه	مرکز حوزه	عدهٔ نمایندگان	عدهٔ منتخبین درجهٔ اول	محل انتخاب درجهٔ اول	عدهٔ انتخاب شوندگان درجهٔ اول در هر محل
طهران و توابع	طهران	۱۵	۴۵	محلهٔ دولت محلهٔ سنگلج و شهر نو محلهٔ عودلاجان محلهٔ چالمیدان محلهٔ بازار	موافق تعیین انجمن نظارت
آذربایجان	تبریز	۱۹	۵۷	شهر تبریز	۲۶
				ارومیه	۵
				خوی	۴
				دیلمقان	۱
				ماکو	۱
				مراغه	۲
				بناب	۱
				میاندواب	۱
				ساوجبلاغ	۲
				دهخوارقان	۱
				مرند	۱
				اهر	۲
				اردبیل	۴
				مشکین	۱
				آستارا	۱
				خلخال	۱
				سراب	۱
				میانج	۱
				صاین قلعه	۱
شاهسون آذربایجان	به تعیین وزارت داخله	۱	به تعیین وزارت داخله	به تعیین وزارت داخله	به تعیین وزارت داخله

حوزهٔ انتخابیه	مرکزحوزه	عدهٔ نمایندگان	عدهٔمنتخبین درجهٔاول	محل انتخاب درجهٔ اول	عدهٔانتخاب‌شوندگال درجهٔاول درهرمحل
خراسان	مشهدمقدس	١١	٣٣	شهر مشهد	١٢
				قوچان	٣
				بجنورد	٢
				درجز	١
				جام وباخرز	١
				نیشابور	٣
				سبزوار	٤
				خاف	١
				ترشیز	١
				تربت‌حیدری	٣
				تون	١
				طبس	١
سیستان‌وقاینات	بیرجند	١	٣	نصرت آباد سیستان	١
				بیرجند	٢
فارس	شیراز	٨	٢٤	شهرشیراز	١٠
				کازرون	٢
				بهبهان	٣
				نیریز	١
				آباده	١
				لار	٣
				فسا	١
				جهرم	١
				کله دار	١
				دارابگرد	١
قشقائی	بتعیین	١	به‌تعیین وزارت	به‌تعیین‌وزارت‌داخله	به تعیین
ایلات‌خمسه	وزارت داخله	١	داخله ایضاً	ایضاً	وزارت داخله ایضاً

حوزهٔ انتخابیه	مرکز حوزه	عدهٔ نمایندگان	عدهٔ منتخبین درجهٔ اول	محل انتخاب درجهٔ اول	عدهٔ انتخاب‌شوندگان درجهٔ اول در هر محل
بنادر و جزایر	بوشهر	۲	۶	بوشهر	۲
				برازجان دشتی و دشتستان	۱
				بندرعباس	۱
				بندرخمیر وجزایر	۱
				بندر لنگه	۱
کرمان	کرمان	۵	۱۵	شهر کرمان	۸
				رفسنجان	۲
				سعیدآباد سیرجان	۱
				خبیص	۱
				راور	۱
				زرند	۱
				اقطاع و افشار	۱
بلوچستان بم و نرماشیر	بم	۱	۳	بم	۲
				بلوچستان	۱
استراباد	استراباد	۱	۳	شهر استراباد	۳
ترکمان	به تعیین وزارت داخله	۱	به تعیین وزارت داخله	به تعیین وزارت داخله	به تعیین وزارت داخله
اصفهان	شهر اصفهان	۳	۹	شهر اصفهان	۵
				قمشه	۱
				نجف آباد	۱
				قهپایه	۱
				اردستان	۱
بختیاری	به تعیین وزارت داخله	۱	به تعیین وزارت داخله	به تعیین وزارت داخله	به تعیین وزارت داخله

حوزهٔ انتخابیه	مرکز حوزه	عدهٔ نمایندگان	عدهٔ منتخبین درجهٔ اول	محل انتخاب درجهٔ اول	عدهٔ انتخاب‌شوندگان درجهٔ اول در هر محل
بروجرد	بروجرد	۲	۶	بروجرد	۶
خمسه وطارم	زنجان	۲	۶	زنجان ابهر طارم	۴ ۱ ۱
ساوه و زرند	ساوه	۱	۳	ساوه زرند	۲ ۱
سمنان و دامغان	سمنان	۱	۳	سمنان دامغان	۲ ۱
شاهرود و بسطام	شاهرود	۱	۳	شاهرود بسطام	۲ ۱
عراق	سلطان آباد	۲	۶	سلطان آباد آشتیان تفرش	۴ ۱ ۱
عربستان	شوشتر	۳	۹	شوشتر دزفول محمره وعشایر بندر ناصری	۲ ۳ ۳ ۱
فیروزکوه ودماوند	دماوند	۱	۳	فیروزکوه دماوند	۱ ۲
قزوین	قزوین	۲	۶	قزوین طارم سفلی خرقان طالقان	۳ ۱ ۱ ۱
قم	قم	۱	۳	شهرقم	۳

حوزهٔ انتخابیه	مرکز حوزه	عدهٔ نمایندگان	عدهٔ منتخبین درجهٔ اول	محل انتخاب درجهٔ اول	عدهٔ انتخاب‌شوندگان درجهٔ اول در هر محل
کاشان نطنز جوشقان	کاشان	۲	۶	کاشان جوشقان نطنز	۴ ۱ ۱
کردستان	سنندج	۳	۹	سنندج سقز بانه اورامان مریوان	۴ ۲ ۱ ۱ ۱
کرمانشاهان	کرمانشاهان	۳	۹	کرمانشاه سنقر کنگاور	۶ ۲ ۱
گروس	بیجار	۱	۳	بیجار	۳
گلپایگان خوانسار کمره محلات	گلپایگان	۲	۶	گلپایگان خوانسار کمره محلات و سایر البلوک	۲ ۱ ۱ ۲
گیلان و طوالش	رشت	۵	۱۵	رشت انزلی لاهیجان رودبار و دیلمان لنگرود فومن گرگانرود طالش دولاب	۶ ۲ ۲ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱

حوزهٔ انتخابیه	مرکز حوزه	عدهٔ نمایندگان	عدهٔ منتخبین درجهٔ اول	محل انتخاب درجهٔ اول	عدهٔ انتخاب‌شوندگان درجهٔ اول در هر محل
لرستان	خرم‌آباد	۲	۶	خرم‌آباد	۴
				پشت کوه	۲
مازندران و تنکابن سوادکوه	ساری	۴	۱۲	ساری	۲
				بارفروش	۳
				آمل	۱
				تنکابن	۲
				سوادکوه	۱
				اشرف	۱
				مشهدسر	۱
				بلدهٔ نور	۱
ملایر نهاوند تویسرکان	دولت‌آباد	۲	۶	دولت‌آباد	۳
				نهاوند	۲
				تویسرکان	۱
همدان اسدآباد	همدان	۲	۶	همدان	۵
				اسدآباد	۱
یزد و توابع	یزد	۳	۹	یزد	۴
				نائین	۲
				شهربابک	۱
				اردکان	۱
				عقدا	۱
ملل متنوعه					
ارامنه		۱			
کلدانی		۱			
زردشتی		۱			
کلیمی		۱			

فهرست

بند دوم

مصوبات دورهٔ اول قانونگذاری

قوانین دورهٔ اول قانونگذاری

نظامنامهٔ داخلی*
دار الشورای ملی ایران

مصوب ۲۹ شعبان المعظم ۱۳۲۴ قمری

فصل اول

در تعیین رئیس ونایبان رئیس و منشیان وتکالیف آنها

۱-- پس ازافتتاح مجلس دراجلاس اول باید مطابق مادهٔ ۳۲ و ۳۳ نظامنامهٔ انتخابات تعیین رئیس ودونایب رئیس وچهارمنشی ازمنتخبین باکثریت آراء بشود رئیس باکثریت تام سایر باکثریت نسبی ودر موقع انتخاب رئیس ونایبان ومنشیان باید اقلا سه ربع از اعضاء مجلس حضورداشته باشند.

تکالیف رئیس

۲-- افتتاح واختتام اجلاسات با رئیس است وقرار گرفتن یا برخواستن رئیس ازجای خودعلامت افتتاح واختتام مجلس است قبل ازاجتماع عدهٔ لازمه ازاعضاء برای شروع بمذاکرات رئیس مجلس راافتتاح نمیکندهمچنین تعیین روزوساعت اجلاسات مقرره یافوق العاده بعهدهٔ رئیس است .

۳-- تعیین مستخدمین مجلس ازقبیل نویسنده وپیشخدمت وسرایدار واجزاء نظمیه وغیره مقرر داشتن تکالیف این اجزاء بعهدهٔ رئیس است .

۴-- پس ازآنکه مجلسیان درموضوع معینی بقدر کفایت مذاکره کردند رئیس امر بتحصیل آراء مینماید ونتیجهٔ عمل را بمجلسیان اعلان میکند .

---

* قانون فوق پس از تصویب نظامنامهٔ داخلی مصوب ۱۳۲۸ قمری منسوخ شده است .

۵ ـ رئیس همیشه مراقب حفظ نظم درمذاکرات هست وهروقت خلاف نظم ظاهرشود قوانین نظمیه مجلس را بمجلسیان تذکارمینماید .

۶ـ هریك ازاجزاء مجلس ازقوانین نظمیه مجلس منحرف شود و بتذکار رئیس متنبه نشود رئیس تقصیراورا بمجلسیان اظهارمیکند وحدی که موافق فصل سیم دربارهٔ اومقرراست اجرا مینماید .

۷ـ رئیس مجلس داخل گفتگو نمیشود و سخنی آغاز نمیکند مگر در موقعی که مجلسیان نسبت بیکدیگر بی‌احترامی وخشونت کنند یا وقتی که چیزی ازاوبپرسند درصورت اول باید مجلسیان را متذکر کند که ملتفت حفظ قانون باشند درصورت دوم بایدجواب سائل را بیان کند .

۸ـ هرگاه رئیس بخواهد درمباحثه مطلبی دخالت کند بایدجای خودرا بنایب رئیس سپرده خود درجای متکلم قرارگرفته و آنچه صلاح داند مذاکره کند .

۹ـ اگر بواسطهٔ نزاع ومشاجرهٔ اعضاء امرمذاکرات معوق شود رئیس میتواند موقتاً باندازهٔ رفع غائله اجلاس را تعطیل کند .

۱۰ـ رئیس میتواندبهریك ازاعضاء مجلس بقدریك هفته برای رفع حوائج شخصی آن شخص مرخصی بدهد .

۱۱ـ رئیس مجلس درهرانجمن تحقیقی که ازاعضاء مجلس تشکیل یافته باشد میتواند داخل شود و در مذاکرات آن انجمن شرکت نماید .

۱۲ـ رسیدگی بصورت مجلس که منشیان در هراجلاسی مینویسند بعهدهٔ رئیس است همچنین تعیین وتحدید مکتوبات تندنویسان برای اشاعه وطبع درروزنامجات .

۱۳ـ شخص رئیس تابع مجلس است درعین اینکه سمت ریاست دارد.

۱۴ـ نمایندهٔ مجلس نسبت بخارج منحصر بشخص رئیس است و هروقت هیئت مجلس بخارج مجلس مثلا بوزراء دولت مطلبی داشته باشد بتوسط رئیس فقط ابلاغ وتحصیل جواب میشود همچنین بالعکس .

۱۵ـ رئیس مجلس میتواند برحسب لزوم شخصاً یا بخواهش ده نفرازاعضاء مجلس یاوزیری اجلاسی محرمانه بدون حضور روزنامه نویس وتماشاچی یا انجمنی محرمانه مرکب ازعدهٔ منتخبی ازاعضاء مجلس تشکیل بدهد که سایراعضاء مجلس حق حضور درآن نداشته باشند لیکن نتیجهٔ مذاکرات انجمن محرمانه وقتی مجری تواند شد که دراجلاس محرمانه با حضور عدهٔ کافی از اعضاء مطرح مذاکره شده باکثریت آراء قبول شود و اگر مطلب در مذاکرت انجمن محرمانه قبول نشد در مجلس عنوان نخواهد شد و مسکوت عنه خواهد بود .

۱۶ـ در اول هردوره اجلاسیه رئیس بودجه مخارج ومصارف آن دوره راتعیین کرده

درمجلس قرائت میشود بعد از آنکه در مجلس باکثریت آراء قبول شد یکنفر وکیل خرج از اعضاء مجلس منتخب میشود که با نظارت انجمنی ازمجلس مباشر مخارج باشد .

تکالیف نایبان رئیس

۱۷ــ بطور کلی تمام تکالیف رئیس درموقع غیبت رئیس بر نایبان رئیس وارداست .

تکالیف منشیان ودفتردار

۱۸ــ نوشتن صورتمجلس برای هراجلاس بطبع رساندن مذاکرات دراجلاسات برای تقسیم باعضای مجلس و رسیدگی بتحریرات تندنویسان ومقابلهٔ آنها با صورتهائیکه روزنامه نویسان برمیدارند بعهدهٔ منشیان مجلس است .

۱۹ــ هرروز در حین افتتاح هراجلاس منشی اصول مطالبی راکه روز قبل درمجلس طرح شده برای مجلسیان قرائت میکند که نتیجهٔ مجلس سابق را درنظر داشته باشند .

۲۰ــ بعد از اجتماع مجلسیان باید حضار مجلس را با فهرستی که در دفترثبت است تطبیق کرده عدهٔ حاضرین و غائبین را تشخیص بدهند همچنین تعیین عدهٔ حاضرین ازاعضاء قبل از شروع بمذاکرات یا رأی خواستن بعهدهٔ منشیان است .

۲۱ــ قرائت کلیهٔ مکتوباتی که در مجلس باید خوانده شود با منشیان است مگرآنکه مکتوب راجع بیکی ازاعضای مجلس باشد وخودش بخواهد قرائت کند .

۲۲ــ وقتی که منشی مطلبی را درمجلس قرائت میکند اگرمجلسیان بتجدید قرائت امر کردند باید دفعهٔ ثانی و ثالث بخواند تا وقتی که از اعادهٔ ذکرآن مستغنی شوند .

۲۳ــ هریك ازمنشیان مادام که مشغول کاراست حق دخالت درمباحثات نداردمگراینکه کارخود را بمنشی دیگر واگذار کرده خودداخل درمباحثات شود .

۲۴ــ درموقع تعیین اکثریت شمردن آراء بعهدهٔ منشیان است .

۲۵ــ مکتوباتی که ازطرف مجلس نوشته میشوند اعم از سؤال یاجواب بایدیکی از منشیان مسوده کرده پس‌ازتصویب مجلس‌وامضای رئیس بدفتربفرستند که آنراپاك نویس کرده بامضای رئیس برسانند واصل را با اسناد راجعه بآن ثبت وضبط نمایند .

۲۶ــ یکنفر دفتردارازاعضاء مجلس منتخب میشود که متصدی ضبط اسنادوترتیب دفتر باشد ونوشتجات و ثبت‌هائیکه منشیان باو میدهند بترتیب مخصوص‌ضبط کند که درموقع لزوم مراجعهٔ به‌آنها سهل وآسان باشد .

۲۷- نوشتجات ودفاتری که مربوط بمجلس است دفتردار حق ارائه آن را باحدی ندارد مگر باجازهٔتمام یااکثرافرادمجلسیان وهمچنین اطلاعاتیکه دفترداریااجزاء دفترخانه درضمن خدمت تحصیل کرده‌اند نباید اشاعه وافشاء نمایند .

۲۸- ثبت اسامی‌اعضای انجمنهای تحقیق بادستورالعمل کاروتاریخ مأموریت آنهاهمیشه باید دردفترحاضر باشد.

۲۹- برای تعیین تکالیف دفترداراواجزاء ومستخدمین دفترخانه دستورالعمل‌مخصوص نوشته خواهد شد و بتصویب‌اعضاءمجلس‌خواهد رسید .

فصل دوم

درحدود سایر اعضاء مجلس

۳۰- اعضاء مجلس باید درنهایت ادب واحترام بایکدیگر رفتار کنند وازحیث رعایت ادب فرقی میان افراد اهل مجلس ملحوظ نیست .

۳۱- تواضع کردن وادای بعضی رسومات که اسباب تفرقه حواس باشد در مجلس ممنوع است .

۳۲- هریك ازاعضاء مجلس حق دارد موافق فصل پنجم مطلبی را عنوان کند و در رد وقبول هرامری که دیگری ابتداکرده ودرتحت مذاکره است رأی خود را اظهار کند .

۳۳- الکل وشرب واستعمال دخانیات دراطاق‌مجلس‌ممنوع است.

۳۴- باید هریك از افراد مجلسیان مواظب باشد که تضییع حق دیگری را نکند مثلا اگر یکی از اجزاء مشغول نطق است به نجوی‌کردن یا قیل و قال‌کردن حواس او را متفرق نکند .

۳۵- اگراتفاقاً دونفرازمجلسیان مقارن یکدیگراجازهٔ نطق‌خواستندسبقت دراستیذان ولو بچند ثانیه حق تقدیم میدهد .

۳۶- اگریکی ازمجلسیان شکایت شخصی راجع بیکی از اعضای مجلس داشته باشد باید بمجلس اظهار کند و بعد از این که مدعی علیه جواب شخص شاکی راگفت هر دو از مجلس خارج شوند تا درغیاب آنها اهل مجلس درمادهٔ شکایت رسیدگی کرده حکم مسئله را معلوم کند .

۳۷- هریك ازاعضاء مجلس برترك یا خلاف فصلی ازنظامنامهٔ داخلی مطلع شودحق دارد برئیس اطلاع داده منع واصلاح آنرا بخواهد .

فصل سوم

در جنایات و مجازات اعضاء مجلس

جنایات اعضاء مجلس بچهار درجه تقسیم میشود

۳۸ـ درجهٔ اول ازقبیل نجوی کردن وسرفه کردن بعمد در موقع نطق یکی از اعضاء و مجازات این درجه ملامت کردن و نصیحت کردن بر ترك این افعال است .

۳۹ـ درجهٔ دوم مثل مخالفت قوانین نظمیه یا اعادهٔ نجوی وقیل وقال با وجود ملامت و نصیحت و مجازات این درجه بیرون رفتن از مجلس است بامر رئیس بقدر یك ساعت .

۴۰ـ درجهٔ سوم حاضر نشدن در تکالیف مقرره است مثل اینکه یکی از اعضاء در ده اجلاس متوالیه بدون عذر صحیح ازحاضر شدن مجلس تقاعد کند دراینصورت مجلس باو تکلیف خواهد کرد که ازعضویت استعفاء کند اگر بعد ازتکرار تکلیف استعفا تاسه مرتبه استعفا نکرد ازعضویت خلع میشود وعضو دیگر بجای او انتخاب میشود و این عضو از وکلای هر طبقه و ایالتی باشد در صورت اقتضای فرصت بایدهمان طبقه وایالت بدل اورا تعیین کنند وقبل از تعیین هیئت مجلس از او وکالت خواهد کرد .

۴۱ـ درجهٔ چهارم خیانت کردن بهیئت مجلس ازقبیل رشوه گرفتن یاافشای سر مجلس یا سعی در تخریب اساس و اخلال در پیشرفت کار مجلس است بغرض و جزای این درجه بعدازثبوت خیانت اخراج ازعضویت مجلس و فرستادن بمحکمهٔ عدلیه وتعاقب درمجازات خائن است .

فصل چهارم

در طریقهٔ رسیدگی بمطالب

۴۲ـ مطلبی که از طرف دولت بمجلس میرسد بکلمهٔ (اظهار) تعبیر میشودومطلبی که ازطرف اعضاء مجلس باشد بکلمهٔ (عنوان) وآنچه سایرمردم بفرستند بکلمهٔ(عریضه).

۴۳ـ هرگاه عریضه‌ای بمجلس برسدو بیشتر ازسه ربع اعضاء مجلس مذاکره آنرا بیفایده بدانند برئیس اظهار میدارند که مطلب قابل مذاکره نیست .

۴۴ـ هرگاه مطلبی باشد که فهم آن موقوف بفهم مطلب دیگر باشداول مطلب موقوف علیه را مذاکره کرده بعد بمطلب اول میپردازند .

۴۵ ـ اگر مطلب پیچیده ودرهم ومتوقف بر مطالب متعدده دیگر باشد مجلسیان مختارند که خودشان اطراف وحواشی مسئله راتنقیح کرده درمجلس مذاکره نمایند یا انجمن تحقیق مخصوص برای رسیدگی بآن تشکیل کنند .

فصل پنجم

در طریقهٔ تقدیم بمجلس

۴۶ ـ اگر کسی ازمجلسیان چیزی راجع بنفع ومصلحت عموم بنظرش رسید بعداز آنکه درلایحه نوشته وخواست بمجلسیان عرضه دارد بایدازرئیس اجازه بخواهد بعدازتحصیل اجازه میتواند شخصاً بمحلی که برای نطق وتکلم معین شده برود ولایحهٔ مرقومه را قرائت نماید یا لایحه را بدهدکه یکی ازمنشیان بخواند اگر پانزده نفرازاعضاء مجلس باعنوان اوهمراه شدند یعنی مشاورهٔ آن عنوان را تصویب کردند مطلب او در مجلس قبول میشود و در تحت مشاوره درمیآید .

۴۷ ـ بعدازقبول مطلبی مجلس مختاراست درهمان ساعت درآن ماده مذاکره کندیامحول بوقت دیگر بگذارد .

۴۸ ـ سایرمردم نیز میتوانند در صلاح بینی یا شکایات مطالب خود را مکتوباً با امضاء ونشانهٔ منزل بمجلس بفرستندکه در انجمن عرایض رسیدگی شده آنچه تکلیف مجلس است رفتار شود .

فصل ششم

درطریقهٔ تشکیل انجمنهای تحقیق وسپردن مطالب بآنها

۴۹ ـ مقصود از انجمن تحقیق هیئتی است که اعضاء مجلس برای رسیدگی مطلب بخصوص از میان خود انتخاب میکنند و آن برحسب ضرورت و لزوم موقتی یادائمی خواهد بود .

۵۰ ـ درموقع تشکیل انجمن اول بایدتعیین کنندکه برای انجام کاری که موضوع تحقیق است چند نفراجزاءلازم است وبعدازتعیین عدهٔ اجزاء شروع بانتخاب کنند وطریقهٔ انتخاب آنستکه رئیس اسامی اشخاصی راکه برای عضویت انجمن صلاحیت دارندمعین کرده بمجلسیان

اظهار میکند اگر قبول کردند همان اشخاص اعضای انجمن خواهند بود والا هر کدام مقبول مجلسیان نباشد بحکم اکثریت تبدیل میشود .

۵۱- هریك از انجمنهای تحقیق یك نفر رئیس ویکنفر منشی ویك راپورت دهنده ما بین اعضاء خود انتخاب خواهند کرد .

۵۲- تکلیف اعضای این انجمن آنست مطلبی که بآنها رجوع شود اول بطور صحت تنقیح کرده بعد بدقت تمام مذاکره کنند بعد ازفهم مطلب نتیجه تحقیقات رارا پورت کرده درموقعی که مجلس معین میکند بمجلس عرضه دارند .

۵۳- اگرانجمن تحقیق برای مداقه درامری است که یکی ازاعضاء عنوان کرده باشد دراینصورت باید آن عضو یکی از اعضای انجمن باشد و اگر انجمن راجع بمطلبی است که ازطرف وزیری اظهار شده آن وزیر میتواند در آن انجمن حضور داشته باشد ودرمذاکرات شرکت نماید .

۵۴- بعد ازانتخاب اعضاء انجمن باید منشی اسامی آنها را ثبت کند وصورت اسامی اعضاء را بادستورالعمل وترتیبی که مجلسیان برای انجمن مقرر کرده اند نوشته بعدازامضای رئیس برئیس انجمن تحقیق بدهد .

۵۵- تکلیف انتظامات داخلی اعضای انجمن تحقیق درحکم انتظامات مجلس شورای ملی است .

۵۶- اگر اعضاء انجمن تحقیق از دستورالعمل مجلس منحرف شوند و بر خلاف مأموریت مقرره رفتار کنند اعمال آنها از درجۀ اعتبار ساقط است .

۵۷- اعضای انجمن تحقیق در باب حدود و تنبیهات وشکایات باید بمجلس شورای ملی رجوع کنند .

۵۸- راپورت دهندۀ انجمن بعد از ختم عمل نتیجۀ تحقیقات و خلاصۀ رأی انجمن را بمجلسیان اظهار میکند یا تفصیلا راپورتی راکه حاضر کرده است قرائت میکند و نوشتجات راجع بمطلب را با راپورت انجمن برئیس مجلس تسلیم میکند تا باز تفصیلا در موقع بسمع مجلسیان برسد و معلوم شود رأی انجمن درمجلس نیزقبول شده یا نه درصورت عدم قبول خود مجلس در آن خصوص استیناف میکند یا انجمن دیگر انتخاب مینماید .

فصل هفتم

درانجمن تحقیق عرایض

۵۹- چون عدۀ عرایض بمجلس از طرف مردم غالباً زیاد خواهد بود لهذا برای

رسیدگی بعرایض یك انجمن تحقیق عرایض برقرار میشود این انجمن عرایضی را که لیاقت مذاکره درمجلس داشته باشند عیناً بمجلس اظهار میدارد وازسایر عرایض هفته‌ای یکمرتبه فهرستی ترتیب داده بااشاره بخلاصهٔ آنها بعرض مجلس خواهدرسانید.

فصل هشتم

در تصحیح و تجزیهٔ مطالبی که بمجلس داده میشود

۶۰ـ اگراصل مطلبی که بمجلس واردمیشودناطق بر بعضی جزئیات نباشداعضاء مجلس میتوانندجزئیات مطلب را معین کرده تحت مشاوره درآورند.

۶۱ـ مطلبی که بمجلس داده میشودتکلیف اعضاء مجلس یاتکالیف اعضاء انجمنهای تحقیق این است که اگردرعبارات وطریقهٔ ادای آن یا درشرح جزئیات عیب ونقصی باشد تصحیح کرده بعبارات واضح وروشن تعبیر کنند بعد ازتصحیح اگرجزئیات وفروع زیادداشته باشد بایدآنرا باجزائیکه مطلب ازآنها ترکیب شده تجزیه کرده درهریك علیحده گفتگو کنند مثل اینکه شخصی مطلبی داده است که فلان مالیات باید از فلان محل گرفته شود و بفلان مصرف برسدیك جزء مطلب گرفتن مالیات است ازاین محل وجزء دیگرمصرفی است که معین شده پس بایدمطلب رابااین دوجزء تجزیه کرده درهریك علیحده مذاکرات کنندورأی مجلس یاانجمن را در هرکدام تعیین نمایند.

۶۲ـ یکی ازشرایط تصحیح مطالب این است بعد از فراغت از تصحیح سه مرتبه در مجلس خوانده شود اول بعباراتی که صاحب مطلب داده است بدون کم و زیاد دویم باضمیمهٔ آنچه کم و زیاد کرده‌اند سوم بعد از تصحیح تام و علت سه دوره قرائت این است که معلوم شود تفاوت مطلب تصحیح شده وکم و زیاد آن با اصل مطلب چیست.

فصل نهم

در ترتیب مذاکره مطالب

۶۳ـ هنگامی که مطلب درتحت مذاکره است دیگری نبایدمطلب مجددی درآن داخل کند تا مذاکره آن مطلب تمام بشود مگرآنکه مطلب ثانی مقدمهٔ مطلب اول باشد ومجلسیان بآن محتاج باشند.

۶۴ـ مطالبی که بمجلس میرسد هر کدام مهمتر است مذاکره و انجام آن باید مقدم باشد.

۶۵ـ وقتیکه مطلب بمجلس رسید و رئیس مذاکرهٔ آنرا بروزی معین توقیت کرد باید این مطلب در فهرست آنروز ثبت شود تا در آن روز و در ساعتی که معین کرده‌اند در آن مذاکره شود اتفاقاً اگر مجلسیان در آن ساعت بمطلب دیگر مشغول شدند هرکس از اعضاء مجلس ملتفت شد حق دارد اظهار کند که موقع مذاکرهٔ فلان مطلب رسیده است و باید آنرا مقدم داشت .

۶۶ـ اگر مطلب مهمی پیش آید که انعقاد مجلس برای مذاکرهٔ آن لازم باشد و تا موعد انعقاد مجلس معمول فاصله باشد باید رئیس اعلان کند که در فلان وقت و فلان ساعت انعقاد مجلس فوق‌العاده برای فلان مطلب لازم است و مجلسیان باید در همان روز و ساعت معین حاضر شوند بعد از حضور و مذاکره اگر باز بانعقاد مجلس دیگر احتیاج افتاد هریك از مجلسیان می‌توانند ضرورت مجلس فوق العادهٔ دیگر را اظهار کنند و رئیس وقت وساعت آنرا معین نماید تاوقتی که مذاکرهٔ آن مطلب ختم واعادهٔ مجلس فوق‌العاده ضرور نباشد.

۶۷ ـ مطالب دولتی و مطالب اساسی باید سه مرتبه در مجلس قرائت و مطرح مذاکرات شود .

۶۸ـ ترتیب قرائت سه گانه این است که پس از قرائت اول در اصول مسئلهٔ مذاکره کننده و معلوم شود که رجوع بانجمن تحقیق لازم است یا نیست از قرائت اول تا قرائت ثانی باید اقلادوروزفاصله باشد واگرمطلب راجع بانجمن تحقیق شودباید ازروزیکه مجلس انجمن تحقیق باعضاء تقسیم میشودتا روزقرائت ثانی سه روز بگذرد .

۶۹ـ پس از قرائت ثانی اصلاحاتی که بنظر اعضاء مجلس میرسد باید بترتیب مقرر اظهار نمایند و بدلایل لازمه استدلال کنند پس از انجام مذاکرات نتیجهٔ آنها راکه یکی از منشیان نوشته است بانضمام صورت اصل مطلب در نوبت ثالث قرائت نموده آراء اهل مجلس معین شود یقین است اکر در قرائت ثانی مجلس مطلب راردکند قرائت ثالث واقع نخواهد شد .

۷۰ـ پس ازانجام مذاکرات در قرائت ثانی وتقسیم صورت مجلس باعضاء تاقرائت ثالث بایداقلا دوروز فاصله باشد بعدازقرائت ثالث اصلاحی که یك یا چندنفراظهار نمایند مطرح مذاکره نمیشود مگرآنکه پانزده نفرمتفقاً آن اصلاح را بخواهندونتیجهٔ قرائت ثالث رد یا قبول خواهد بود .

۷۱ـ مطالبیکه دریك دورهٔ اجلاسیه قرائت‌نشده باشدتاپس ازقرائت‌ناتمام مانده‌باشد دردورهٔ دیگرمطرح مذاکره نمیشودمگراینکه مجدداً اظهار شود.

۷۲ـ برای تحصیل آراء بایدمطالبیکه مطرح مذاکرات بوده قبل‌ازرأی خواستن‌جهت تذکار حاضرین دراطاق خوانده شود .

فصل دهم

بعضی قوانین در مباحثه و مذاکره مطالب

۷۳ـ درصورتیکه دوثلث ازاعضاء مجلس حضور داشته باشند شروع بمذاکرات و در صورتیکه سه ربع حاضر باشنداقدام بتحصیل آراء میشوداگرعدهٔ حاضرین ازسه ربع کمتر باشد تحصیل آراء نمیشود .

۷۴ـ حق نطق باکسی است که پس ازعنوان مطلبی اول خواهش نطق کندو بعد بترتیب اظهار .

۷۵ـ هریك از مجلسیان که مستعد برای نطق هستند در اول امر بیش ازیکمرتبه حق نطق ندارند ولی بعدازآنکه سایراعضاء مجلس هرکدام یکمرتبه نطق کردند یاازسکوت آنها معلوم شدکه نطق درآن موضوع معین ندارند ومطلب هم مجمل ماند آنوقت ناطق اول میتواند بااجازهٔ رئیس ثانیاً نطق کندتا وقتیکه مطاب تعیین وتشریح شود .

۷۶ـ اگریکی ازمجلسیان که نوبت نطق اوست نطق کردولی مجلسیان نطق اورا ملتفت نشدند میتواند از رئیس اجازه بخواهدکه نطق خود را تجدید نماید .

۷۷ـ درموقعی که مباحثهٔ مطلبی درمجلس طول کشید ورأی مجلسیان معلوم نشدهریك ازآنها میتوانند برخاسته واظهاردارندکه مذاکرهٔ این مطلب طول کشیده بایدرئیس اکثریت آراء رامعین کند دراین موقع اگرپانزده نفرازمجلسیان شخص متکلم را تقویت کردندرئیس باید فوراً بمجلس اعلان بدهد و درصددکسب اکثریت برآید .

فصل یازدهم

در طریقهٔ بدست آوردن اکثریت آراء

۷۸ـ برای تعیین اکثریت آراء پس ازاعلان رئیس بهریك ازاعضاء دوقطعه مقوا داده میشودکه یکی از آنها سفید و دیگری کبود خواهد بود و اسم گیرنده روی آنها چاپ است مقوای سفید نشانهٔ قبول وکبود نشانهٔ رد مطلب است هریك ازاعضاء باید رأی خودش را بانداختن یکی ازدوقطعه مقوا درظرفی که نزد او میبرند ظاهر سازد پس از تحصیل آراء تمام اعضاء آن ظرف را در حضور حاضرین خالی میکنند و یکی از منشیان مقواهای سفید را جدا و مقواهای کبود را جدا بصورت بلند شماره مینماید و رئیس مجلس حاصل شماره را اعلام میکند .

۷۹ـ رئیس ومنشیان بایدرأی خود را بعد ازآراء سایرین وقبل ازشمارهٔ آراء بترتیب فوق اظهار نمایند .

۸۰ـ هرگاه درموقع بدست آوردن اکثریت آراء یك یاچندنفر که عدهٔ آنها بیش از ربع عدهٔ اعضای مجلس نباشد حاضر نبودند حق ندارند رأی مجلس راقبول نکنند .

فصل دوازدهم

در توضیح خواستن از ادارات

۸۱ـ سؤالات مکتوبی که ازطرف مجلس ازوزراء میشود باید درمادهٔ معین باشدوپانزده نفراز اعضاء مجلس آنرا امضاء نموده برئیس بدهند که سواد آنرا بمهرمجلس بمقام صدارت تبلیغ نموده اصل را بدفترخانهٔ مجلس بسپارددرموقعیکه رئیس این سؤالات را بمقام صدارت یا وزراء تبلیغ میکند باید روزی را تعیین کندکه صدراعظم یا وزیری که مطلب راجع باوست یامعاون آنها برای جواب دادن درمجلس حاضرشود.

۸۲ـ روزموعود اول کسیکه توضیح خواسته ومنشاء سؤال بوده مطلب را اظهاروموجه میدارد تاوزیریا معاونیکه حاضراست جواب بگوید .

فصل سیزدهم

درانشاء عرایض بحضور مبارك

۸۳ـ برای انشاء عرایض بحضورمبارك همایونی انجمنی مرکب ازدوازده نفرازاعضاء مجلس تشکیل میشودکه هردونفرازآنها ازطبقه‌ای باشنداین انجمن بریاست رئیس مجلس عریضه رانوشته پس ازقرائت درمجلس بتوسط هیئتی که مرکب است ازرئیس مجلس وشش نفردیگر که طبقات ششگانه انتخاب کنند بعرض میرسد .

فصل چهاردهم

دررسیدگی بشکایات راجعهٔ به انتخابات

۸۴ـ چنانکه درنظامنامهٔ انتخابات مقرراست شکایات درانتخابات را بایدبالاخره راجع

بمجلس شورای ملی نمایند و برای رسیدگی باین شکایات باید انجمن تحقیقی تشکیل شود که بموادشکایات رسیدگی نماید .

۸۵ـ شکایات راجعه بانتخابات رادرهر محلی بایددرظرف ده روز پس از انجام انتخابات بپستخانهٔ آن محل داده باشند والا طرف ملاحظه نخواهد بود.

۸۶ـ انجمن تحقیقات شکایاتی راکه بموقع بمجلس ارسال شده باشد رسیدگی مینماید وصورتمجلس انجمن را بمجلس عرضه میدارد واگرمنتخبی برخلاف نظامنامه انتخاب شده باشد بایدآن انتخاب اعاده شودولی تاروزیکه دراین خصوص حکم مجلس صادر نشده آن منتخب از اعضای مجلس محسوب است وحق رأی دادن دارد .

فصل پانزدهم

در تکالیف تماشاچی

۸۷ـ عموم مردم میتوانند باداشتن بلیط برای استماع مذاکرات دراجلاسات علنی داخل مجلس شورای ملی بشوند ودرجائیکه برای تماشاچی مقرراست بنشینند .

۸۸ـ تماشاچیان بهیچوجه حق شرکت درمذاکرات مجلس ندارندوباید درکمال آرامی نشسته فقط مستمع باشند.

۸۹ـ تماشاچیان بایددرورود بمجلس خودرا مکلف باطاعت قوانین نظمیهٔ مجلس دانسته درصورت تخلف ازآنها ازهرگونه اقدامات سخت نرنجند.

خاتمه

۹۰ـ هریك از این قوانین و نظامات که بحکم تجربه و اقتضای وقت جالب نسخ و تغییر باشد اعضاء مجلس بحکم اکثریت میتوانندآنرا بقانون دیگر که مناسب با حال مجلس باشد تبدیل کنند و همچنین فصول جدیدی که طرف احتیاج بشوند براین نظامنامه اضافه خواهد شد.

قانون انجمنهای ایالتی و ولایتی

مصوب ربیع الثانی ۱۳۲۵ قمری

فصل اول ـ در تشکیل انجمنهای ایالتی

۱ـ ایالت قسمتی از مملکت است که دارای حکومت مرکزی و ولایات حاکم نشین جزو است.

۲ـ درمرکز هر ایالتی انجمنی موسوم به انجمن ایالتی بتفصیل ذیل تشکیل میشود.

۳ـ اعضای انجمن ایالتی مرکب میشود از منتخبین کرسی ایالت و توابع آن و مبعوثینی که از انجمنهای ولایتی فرستاده میشوند.

۴ـ عدهٔ منتخبین کرسیهای ایالت دوازده نفر خواهد بود وعدهٔ مبعوثینی که از ولایات جزو بکرسی ایالت فرستاده میشوند موافق عدهٔ ولایات حاکم نشین جزو خواهد بود باین معنی که هریك از انجمنهای ولایتی فقط یکنفر از میان خودشان باکثریت آراء باطلاع حکومت انتخاب نموده بااعتبارنامه بامضای انجمن ولایتی بانجمن ایالتی میفرستند.

۵ـ ایلاتی که درقلمرو ایالتی سکونت دارند میتوانند یکنفر منتخب بانجمن ایالتی بفرستند.

شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان در شهرها

۶ـ انتخاب کنندگان اعضاء انجمنهای ایالتی درشهرها باید دارای شرایط ذیل باشند اولا تابعیت ایرانیه ثانیاً اکمال بیست و یکسال اقلا ثالثاً داشتن ملك یا خانه در آن ایالت یا دادن مالیات مستقیم.

۷ـ اشخاص ذیل حق انتخاب ندارند اولا اشخاصیکه بواسطه جنحه یا جنایتی مجازات قانونی دیده‌اند ثانیاً اشخاصی که معروف بفساد عقیده و بارتکاب قتل یا سرقت باشند ثالثاً اشخاص ورشکسته بتقصیر رابعاً طایفهٔ نسوان خامساً اشخاص خارج ازرشد.

۸ـ اشخاص ذیل ازشرکت درانتخابات بشرط ممنوعند اولا حکام ومعاونین آنها درمحل حکومت ثانیاً عمال نظمیهٔ شهری که درآن انتخابات بعمل می‌آید ثالثاً مأمورین نظامی بری وبحری داخل درنظام.

۹ـ شرایط انتخاب شدن همان شرایط انتخاب کردن است بعلاوه باید انتخاب شدگان سواد فارسی کامل داشته باشند و سنشان کمتر از سی سال نباشد و داخل خدمت دولتی نباشند.

۱۰ـ اشخاصیکه انتخاب میشوند باید قبل ازوقت یا خودشان داوطلب انتخاب شدن باشند یا بتکلیف انتخاب کنندگان قبول انتخاب شدن را نموده باشند.

ترتیب انتخاب اعضاء درشهرها

۱۱ـ درهر شهری که انتخابات بعمل می‌آید انجمنی برای نظارت درانتخابات تشکیل می‌یابد که مرکب ازشش نفر ازمعاریف انتخاب کنندگان شهرودر تحت نظارت حاکم یا نایب‌الحکومه یا معاونشان خواهد بود.

۱۲ـ پس از تشکیل اعضاء انجمن ازمیان خودشان یکنفر رئیس و یك منشی انتخاب خواهند نمود .

۱۳ـ نظم مجلس وحفظ قوانین انتخاب بارئیس و نوشتن صورت مجلس با منشی خواهد بود .

۱۴ـ انجمن نظارفقط مشغول امر انتخاب خواهد بودو بهیچوجه داخل در گفتگوی دیگری نخواهد شد .

۱۵ـ انجمن نظاراعلانی مرتب نموده دوهفته قبل ازروز انتخاب که جمعه خواهد بود درشهر اشاعه میدهد .

۱۶ـ اعلان مذکوردرمادهٔ فوق مطالب ذیل را دارا خواهد بود:

اول محل وایام واوقاتی که انجمن نظارخواهد بود برای دادن تعرفه باشخاصی که شرایط انتخاب کردن را دارا هستند دوم مواد شش گانه این قانون را سوم محل و روزومدتی راکه انجمن نظارحاضرخواهد بود برای گرفتن اوراق انتخاب ازدارندگان تعرفه انتخاب چهارم عدهٔ اعضائیکه باید انتخاب شوند.

۱۷ـ محل اجتماع انجمن نظارحتی المقدورقسمی انتخاب خواهد شد که درمرکز شهرواقع باشد تا مردم بتوانند بسهولت آزادی ورودکرده تعرفه بگیرند یاروز انتخاب رأی بدهند مثل مساجد یامدارس.

۱۸ـ تعرفه که با نمره و تاریخ بمهراعضای انجمن نظاربانتخاب کنندگان داده میشود محتوی اسم خود و پدروسن وشغل ومنزل انتخاب کننده خواهد بود همچنین تعیین روزومحلی را مینمایدکه دارندهٔ تعرفه باید حاضرشده رأی خود را بدهد .

۱۹ـ انجمن نظار تمام تعرفه‌هائی را که می‌دهد بترتیب نمره درکتابچه ثبت خواهد نمود وروز انتخاب که فقط یك روزخواهدبودو بوسیلهٔ اعلان و تعرفه معین گردیده انجمن نظارازصبح تا شام درمحلی که معین شده حاضرمی‌شود .

۲۰ ـ روزانتخاب انجمن اقلاده ساعت برای تحصیل آراء حاضرخواهدبودساعت افتتاح واختتام مجلس انتخاب قبل ازوقت اعلان خواهدشد.

۲۱ ـ پس از انقضای وقتی که معین شده دیگر ورقهٔ انتخاب از کسی قبول نخواهد شد .

۲۲ ـ دادن رأی باید مخفی باشد و ازاین جهت دارندهٔ تعرفه باید قبل‌ازدخول بمجلس انتخاب مطابق عده‌ای‌که اعلان شده است اسم یك یا چند نفر را که دارای شرایط انتخاب شدن باشند روی یك قطعه‌کاغذ سفید بی‌نشان نوشته تا کند وبا خود داشته باشد .

۲۳ ـ پس ازحضوراعضای انجمن و افتتاح مجلس انتخاب درساعتی که اعلان شده قبل ازشروع بگرفتن اوراق انتخاب رئیس‌انجمن نظارجعبه‌ای‌که برای‌ضبط اوراق انتخاب استدرحضوراعضای انجمن وحاضرین ازانتخاب‌کنندگان بازنموده خالی‌بودن آنرا مینماید .

۲۴ ـ دارندگان تعرفه برای ورودبمجلس انتخاب باید تعرفهٔورقهٔانتخاب‌خودرا دردست داشته باشند .

۲۵ ـ اشخاصیکه تعرفه ندارند حق دخول ومزاحمت را ندارند .

۲۶ ـ هریك ازدارندگان‌تعرفه پس ازورود بمجلس انتخاب درکمال‌آرامی‌تعرفه وورقهٔ انتخاب خود را برئیس خواهند داد .

۲۷ ـ رئیس نمرهٔ تعرفه را بصورت بلند میگوید تا یکی ازاعضای‌انجمن نمره را درکتابچه ثبت تعرفه پیدانموده‌نشان‌کندپس ازنشان‌آن نمره رئیس‌تعرفه‌را بصاحبش رد نموده‌ورقه انتخاب اورا بدون نگاه‌کردن درجعبه‌ای انتخاب میاندازد .

۲۸ ـ انتخاب کنندگان پس از دادن ورقهٔ انتخاب وپس‌گرفتن تعرفه در صورت تنگی جای و اختلال نظم و ترتیب انتخاب و امر رئیس از مجلس انتخاب خارج خواهند شد .

۲۹ـ رئیس ازحضورعده‌ای‌ازانتخاب‌کنندگان‌درمجلس‌انتخاب مضایقه نخواهد نمود مگراینکه موجب تنگی مکان ومعطلی وبی‌نظمی امرانتخاب بشود دراین‌صورت اطاعت امررئیس لازم است .

۳۰ـ دخول درمجلس انتخاب با داشتن حربه ممنوع است .

۳۱ـ پس ازانقضای وقت مجلس انتخاب یا نشان شدن تمام نمره‌ها درکتابچه ثبت تعرفه رئیس ختم انتخاب رابصورت بلند اعلان مینماید وپس ازآن دیگرازکسی ورقه انتخاب قبول نمیشود .

۳۲ـ پس ازاعلان ختم انتخاب رئیس جعبه انتخاب را درحضور اعضای انجمن نظاروحاضرین ازانتخاب‌کنندگان خالی نموده امرباستخراج اسامی مینماید .

۳۳ـ کاراول تعیین عدهٔ اوراق انتخاب خواهدبودونتیجهٔ‌آن بتوسط منشی‌انجمن درصورت مجلس روزانتخاب ثبت میشود .

۳۴ـ پس ازتعیین عدهٔ اوراق انتخاب یکی ازاعضاء اسامی مرقومه روی اوراق را یك یك بصوت بلند میخواند وبیکنفردیگرازاعضا میدهد .

۳۵ـ منشی مجلس باید اسامی‌که خوانده میشود دربالای صفحهٔ‌کاغذی سیاهه نموده هرچند دفعه‌که یك اسم مکررمیشود زیرآن برای شماره علامتی بگذارد .

۳۶ـ درصورتیکه روی اوراق انتخاب بیشتریاکمترازعده معینه دراعلان‌اسامی نوشته باشند نقضی درامرانتخاب حاصل نخواهد شد درصورت اول‌آن عده اسمی که زیاد نوشته شده ازآخرورقه خوانده نخواهد شد.

۳۷ـ از اوراق‌آنچه سفید یا لایقرأ باشد یا آنکه صحیحاً معرفی انتخاب شده را نکند یا امضای انتخاب‌کننده راداشته باشد یابیش ازیك ورق باشدمحسوب‌نخواهد بود ولی عیناً ضمیمه صورت مجلس میشود .

۳۸ـ بلافاصله پس ازاستخراج وشمارهٔ‌آراء رئیس نتیجه را بصوت بلند اعلان

مینماید و اوراق انتخاب را پاره و باطل مینماید باستثنای آنهائیکه درمادهٔ فوق ذکر شد که ضمیمه صورت مجلس میشود .

۳۹ـ انتخاب شدگان اشخاصی خواهند بود که اکثریت نسبی آراء بطرف ایشان باشد .

۴۰ـ صورت مجلس انتخابات را منشی دردونسخه تحریر نموده بامضای انجمن نظارمیرساند یك نسخه بحاکم یا نایب الحکومه داده خواهد شد و نسخه دیگر باکتابچه ثبت تعرفه واوراق مذکوردرمادهٔ ۳۸ درنزدیکی ازاعضاکه انجمن نظارمعین کندامانت میماندکه پس ازتشکیل بانجمن ایالتی یا ولایتی تسلیم نماید .

۴۱ـ درصورت تساوی آراء منتخب بحکم قرعه معین میشود .

۴۲ـ درصورتیکه تجدید انتخاب لازم شود جمعهٔ آینده خواهد بود .

۴۳ـ اگرازانتخاب کنندگان وانتخاب شوندگان کسی درحین انتخاب شکایت یا ایرادی درامرانتخاب داشته باشد مانع ازانجام انتخاب نخواهد شد ولی شرح آن شکایت باید درصورت مجلس درج شود .

۴۴ـ شکایات و ایرادات راجعه بانتخابات باید درظرف یك هفته بعد از ختم انتخابات بانجمن نظاراظهارشود تا انجمن رسیدگی نموده حکم خود را بدهد و نتیجه را ضمیمهٔ صورت مجلس انتخاب نماید .

۴۵ متشکیان ازانتخابات اگرازحکم انجمن نظارراضی نباشند می توانند پس ازافتتاح انجمن ایالتی یا ولایتی شکایات خودشانرا درظرف هفتهٔ اول تجدید نمایند وحکم انجمن ایالتی وولایتی قطعی خواهد بود .

۴۶ـ حق اعتراض وایراد برانتخابات رااشخاصی دارند که حق انتخاب کردن و انتخاب شدن را داشته باشند .

۴۷ـ انجمن نظاریکهفته بعد ازانجام انتخابات متفرق خواهد شد .

شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان بلوك

۴۸ـ انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان بلوك باید دارای صفات ذیل باشند اولا تابعیت ایرانیه ثانیاً کمتر نبودن سن از بیست وپنجسال ثالثاً داشتن زراعت ودادن مالیات رابعاً معروف نبودن بقتل یاسرقت خامساً داخل نبودن درخدمت نظامی.

۴۹ـ انتخاب شوندگان باید علاوه برآنچه درمادهٔ فوق ذکرشد کمتر ازسی‌سال نداشته باشند و در امور محلی صاحب بصیرت و اطلاع باشند و داخل در خدمت دولتی نباشند.

ترتیب انتخاب اعضاء در بلوك

۵۰ـ ازقریهٔ یکنفر بانتخاب اهل قریه انتخاب میشود وتمام منتخبین قراء یك بلوك در مرکز بلوك جمع شده بایکنفر منتخب آنجا باطلاع نایب‌الحکومه بلوك یکنفر را باکثریت آراء از میان خود منتخب نموده باعتبارنامهٔ که امضای نایب‌الحکومه و انتخاب کنندگانرا خواهدداشت بانجمن روانه‌میدارند وبمنازل خودمراجعت‌مینمایند.

۵۱ـ منتخبینی‌که ازطرف اهالی قراء به مرکز بلوك برای انتخاب نماینده فرستاده می‌شوند باید اعتبار نامهٔ بامضای ریش سفیدان قریهٔ خود داشته باشند.

۵۲ـ منتخبین قراء مختارند اگربخواهند برای نمایندگی درانجمن‌ازاهل‌شهر کسی‌راانتخاب‌کنند.

ترتیب انجمن ایالتی

۵۳ـ یك هفته بعد ازانجام انتخاب درشهرها انجمن ایالتی منعقدگشته مشغول اموروراجعه بخود میشود رأی انجمن در غیبت مبعوثین توابع مناط اعتبارواجراست.

۵۴ـ انجمن ایالتی اعتراضات به انتخابات را موافق قوانین مقرره رسیدگی خواهدکرد وباید درظرف یکماه پس ازرسیدن اعتراضات بانجمن آنها را قطع وفصل

کنند چنانچه رجوع اعتراضات بمحاکم عمومی لزوم یابد ابتدای آن یکماه ازروزی خواهد بود که این ارجاع مقرر میشود رسیدگی ومحاکمهٔ انجمن فقط درایرادات مرقومه درورقه اعتراضیه است .

۵۵ـ اعضای انجمن ایالتی که انتخاب آنها مورد ایراد است تازمانی که ایرادات به ثبوت نرسیده میتوانند دراجلاسات حضور بهمرسانیده رأی دهند .

۵۶ـ هریك ازاعضای انجمن میتوانند ازعضویت استعفا نمایند وهمچنین انجمن یاشورای ملی میتوانند یکی ازاعضاء انجمن رابعد ازثبوت تقصیر بحکم قانون ازعضویت انجمن معاف دارند .

۵۷ـ هریك ازاعضاء که شرط عضویت ازوی سلب شود بحکومت انجمن ازعضویت معاف میشود .

۵۸ـ هریك ازاعضاء که درده اجلاس متوالی بدون عذرموجه درانجمن حاضر نشود بحکم انجمن ازعضویت خارج میشود .

۵۹ـ هرعضوی که موافق مواد فوق ازعضویت معاف شده باشد میتواند دراین خصوص بمجلس شورای ملی شکایت کند تا بشکایت او رسیدگی شود .

۶۰ـ هرعضوی که میخواهد ازعضویت استعفا نماید باید استعفاء خود راکتباً و صریحاً برئیس انجمن عرضه دارد تا ازطرف انجمن بتوسط حکومت اقدامات لازمه درانتخابات عضودیگری بجای اوبشود .

۶۱ـ مدت دورهٔ انتخابیه اعضای انجمن‌های ایالتی چهارسال خواهدبود وپس از انقضای دوسال اول نصف ازاعضاء بحکم قرعه ازعضویت خارج و عوض آنها انتخاب میشود و ازاین ببعد دررأس هردوسال آن نیمه‌ای ازاعضاء که دورهٔ چهار سال عضویت آنها بسرآمده بموجب انتخاب جدید تبدیل یا تجدید میشود .

۶۲ـ درصورتی که عضوی قبل ازانقضای دورهٔ انتخابیه بسبب استعفا یا معاف

شدن ازانجمن خارج بشود عوض اوباید درظرف یك ماه ازمحل خود انتخاب شده در انجمن حاضر بشود وانجمن ایالتی باید مواظب اجرای این امر باشد .

۶۳ـ انجمن ایالتی درتمام سال منعقد خواهد بود ولی درسه‌ماه تابستان درهر ماه ثلث اعضاء بحکم قرعه حق تعطیل دارند .

۶۴ ـ در موقع افتتاح انجمن اعضائیکه حاضر هستند یکنفر رئیس یکنفر نایب رئیس و دومنشی از میان خود باکثریت آراء برای یکسال انتخاب خواهندنمودودر این‌موقع باید اقلا سه‌ربع از اعضاء حضور داشته‌باشند .

۶۵ـ انجمن های ایالتی موافق نظامنامهٔ داخلی امور داخلی خود را مرتب خواهند کرد .

۶۶ ـ انجمنهای ایالتی‌میتوانندیك یا چند نفر ازاعضاءانجمن رابرای‌رسیدگی باموریکه راجع بآنهاست مأمور نمایند .

۶۷ ـ رؤسای شعب مختلفه ادارات دولتی در ایالت باید اطلاعات‌کتبی‌وشفاهی که انجمن بخواهد و راجع بآن ایالت‌باشد بدهند.

۶۸ ـ انجمن ایالتی میتواند مستقیماً بدون واسطه‌حاکم مکاتبه با شعبات‌مختلفه ادارات دولتی در ایالت بنماید به استثنای اداراتیکه در تحت ریاست خود حاکم واقعندکه در اینصورت طرف مکاتبات خودحاکم خواهد بود.

۶۹ ـ حاکم یا معاون او حق‌حضور ونطق در اجلاسات انجمن ایالتی‌دارد مگر درمواردی‌که بمحاسبات حکومتی‌رسیدگی میشود .

۷۰ ـ اجلاسات انجمن علنی است ولی بر حسب خواهش پنجنفر از اعضاء یا حاکم یا رئیس با رعایت اکثریت آراء میتوان مجلس محرمانه بدون حضور تماشاچی تشکیل داد .

۷۱ ـ اشاعه صورت مجلس محرمانه موقوف برای کسی است که انجمن محرمانه را خواسته است .

۷۲ ـ نظم داخلی انجمن بعهدهٔ رئیس است هریك از اعضاء که برخلاف نظم انجمن رفتار نماید بحکومت خود انجمن موافق نظامنامهٔ داخلی مجازاتش مقرر میشود و اگر از غیر اعضا حرکتی مخالف انتظامات مجلس ظهور کند رئیس میتواند بتوسط مأمورین نظمیه که در تحت اطاعت او هستند مقصررا اخراج یا توقیف کند وعدهٔ مأمورین نظمیه برای انجمن ایالتی از شش الی دوازده نفر و برای انجمن ولایتی از دو الی شش نفر مقرر است .

۷۳ ـ درصورتیکه در انجمن جنحه یا جنایتی واقع شود صورت واقعه را رئیس امضاء میکند و بمحکمه‌که در این باب باید حکم کند میرساند .

۷۴ ـ درصورتیکه برای حفظ نظم داخلی انجمن حضور دسته ازمأمورین نظامی یا نظمیه لازم باشد رئیس میتواند بقدرکفایت آنهارا ازحاکم بخواهد.

۷۵ ـ در صورتی که بیش از نصف اعضاء حاضر باشند شروع به مذاکرات می‌شود .

۷۶ ـ برای تحصیل رأی اقلا حضور دوثلث از اعضاء لازم است .

۷۷ ـ درصورتیکه عدهٔ اعضاء در اجلاسی از عدهٔ مقرره کمتر باشد مذاکرات وکسب رأی موکول بمجلس آینده میشود و دراجلاس ثانی بدون مراعات عددمذاکرات میشود و اکثریت آراء حاضرین مناط اعتبار خواهدبود و در صورت مجلس انجمن اسامی غائبین باید نوشته شود .

۷۸ ـ درصورتیکه ربع اعضاء حاضر خواهش کنند کسب رأی مخفی میشود.

۷۹ ـ درصورت تساوی آراء رأی رئیس بمنزله دو رأی محسوب است درانتخاب

اشخاص حتماً رأی مخفی گرفته میشود و نتیجه رأی وعده رأی دهندگان باید درصورت مجلس ثبت گردد.

۸۰ ـ همه روزه صورت‌مجلس رسمی بطور خلاصه باید مرتب ومحررشود ودر ظرف چهل وهشت ساعت بعد از اختتام هر اجلاسی آن صورت بروزنامه نویسان در صورت مطالبه داده شود .

۸۱ ـ روزنامه‌های محلی هرگاه عقاید خودرا در خصوص مذاکرات انجمن خواسته باشند طبع نمایند باید قسمتی ازصورت مجلس انجمن‌راکه‌مربوط به‌آن‌است نیز درج نمایند و الا مورد مؤاخذه و موافق قانون انطباعات مجازات میشوند.

۸۲ ـ صورت مجالس باید بتوسط یکی ازمنشیان نوشته‌شده در ابتدای‌اجلاس آینده به امضای رئیس و منشی برسد و این‌صورت باید محتوی باشد بر مذاکرات و اسامی اعضائیکه داخل در مباحثه شده‌اند و خلاصه اظهارات آنها .

۸۳ ـ کلیه اشخاصیکه حق انتخاب دارند یا در ولایات مالیات بده باشند حق دارند صورت مجالس علنی‌را بخوانند وازروی‌آنهاصورت بردارند وبتوسطروزنامجات منتشر سازند .

۸۴ ـ کلیه مذاکرات و مباحثاتیکه خارج از وظیفه‌انجمن است از درجه‌اعتبار ساقط است و بموقع اجراگذارده نمیشود هرکس حق‌دارد به‌این‌قبیل اقدامات‌که‌خارج از وظیفه انجمن است ایراد و اعتراض کند .

۸۵ ـ اعلیحضرت همایونی بتصویب وزیر داخله نظر بدلائل موجه میتواند انجمنی را بموجب فرمان مرخص و در همان فرمان امر بتجدید انتخاب فرمایندکه در ظرف یکماه امر انتخابات جدیده انجام‌یابد و بایدانجمن بعدازتکمیل‌امرانتخابات بفاصله یکهفته تشکیل یابد ومنعقد شود.

۸۶ ـ مردم مختارند که هرکدام از اعضاء سابق راکه بخواهند و ازآنها رضایت داشته باشند دوباره انتخاب نمایند .

فصل دوم
در وظایف انجمنهای ایالتی

۸۷ ـ وظایف انجمنهای ایالتی منحصر است بنظارت در اجرای قوانین مقرره و رسیدگی وقرارداد در امور خاصه ایالت موافق شرح ذیل یا اخطار وصلاح اندیشی درصرفه و امنیت و آبادی ایالت .

۸۸ ـ ایجاد قانون از وظیفه انجمنهای ایالتی خارج است .

۸۹ ـ انجمنهای ایالتی میتوانند در کلیه شکایاتی که از حاکم ایالات و ولایات میرسد رسیدگی کرده هرگاه رفتار حاکم برخلاف قانون باشد نقض قوانین را باواخطار نمایند و درصورت عدم ظهور نتیجه مراتب را بادارات مرکزی دولت اظهار داشته احقاق حق متظلمین را بخواهند .

۹۰ ـ مادامیکه ادارات عدلیه تشکیل نشده درصورتیکه کسی از حکمی که در باره او از یکی از محکمه‌های عرفیه صادر شده باشد بانجمن شکایت و تظلم کند انجمن میتواند در همان محکمه امر باستیناف و تجدید رسیدگی کند و اگر این استیناف رفع شکایت محکوم‌علیه را نکند انجمن حق دارد رسیدگی در آن امر را بادارات مرکزیه ارجاع کند .

۹۱ ـ انجمن ایالتی حق نظر در وصول و ایصال مالیات بهرعنوان که موافق قانون مقرر شده باشد دارد تصفیه شکایات راجعه بمالیات و همچنین تحقیق در باب استدعای تخفیفات و تشخیص امر آفات بر عهده انجمن هاست و نتیجه تحقیقات بتوسط حاکم ایالت باید بوزارت مالیه ابلاغ شود که با تصویب وزارت مالیه بموقع اجرا گذارده شود .

۹۲ ـ انجمن ایالتی میتواند در مواردی‌که برای مصارف محلی از قبیل راه سازی و تأسیس مدارس و پل سازی و غیره وجهی لازم شود آن وجه را به نسبت تقسیم مالیات همان‌محل سرشکن‌اهالی نمایدموافق حدی‌که درقانون مالیه‌مقرر است

۹۳ ـ انجمن ایالتی می‌تواند در موقع احتیاج برای احداث پارهٔ تأسیسات عام‌المنفعه ازقبیل راه وپل ومدرسه وغیره هـا مبلغی استقراض کند مشروط براینکه محل ادای‌آن‌استقراض ازعایدات معمولی یافوق‌العاده همان‌ایالت‌باشد واین‌استقراض بدون تصویب مجلس شورای ملی وامضای ملوکانه صورت پذیر نخواهد شد .

۹۴ ـ درصورتی‌که انجمن اخذ مالیاتی فوق‌العاده علاوه برحدود مقرره لازم داندباید موافق قانون اساسی بتصویب مجلس شورای ملی برسد .

۹۵ ـ مالیات فوق‌العاده فقط بمحلی تعلق میگیردکه فائده تأسیسات مذکوره درمواد فوق راجع بآن است چنانچه فائده تأسیسات راجع بتمام ایـالت باشد مالیات هم سرشکن تمام ایالت میشود واگر فائده آن به بلد یا بلوکی خاصه تعلق‌گیردمالیات مزبورهم فقط ازهمان بلدیا بلوك‌گرفته خواهد شد .

تنبیه ـ وجوهیکه بموجب مواد فوق برسبیل فوق‌العاده سرشکن اهالی میشود باید بنسبت مالیاتی باشدکه پس ازممیزی جدید مقرر خواهد شد .

۹۶ ـ قراردادهای انجمن درامور ذیل باکثریت آراء واجب الاجر است مگر آنکه حاکم‌درمدت بیست روزپس ازصدور حکم اخطارکندکه قرارداد انجمن مخالف قانون یاخارج ازوظیفه انجمن است ونسخ‌آن رابخواهد اگر انجمن متقاعد نشدحاکم بایدناسخ‌آن قرارداد رادرظرف دوماه بتصویب مجلسین وصحه همایونی صـادر نماید والا قرارداد انجمن باید بموقع اجراگذارده شود .

۹۷ ـ قراردادهای مذکوره درماده فوق ازقرار ذیل است :

(اول) درخصوص خرید وفروش ومعاوضه اموال منقوله و غیر منقوله ایـالتی باستثناء ابنیه حکومتی ومحکمه‌ها ومدارس ومحبس‌ها وعمارات نظمیه واشیاء منقوله

متعلق بآنها (دوم) در ترتیب اداره ونگاهداری اموال منقوله وغیر منقوله (سوم) در اجاره واستجاره مستغلات واملاك برای صرفه یارفع حاجت ایالت (چهارم) درخارج کردن عمارت یاملکی از تصرف اداره وبتصرف اداره‌دیگر دادن باستثناء ابنیه‌حکومتی ومحکمه‌ها ومدارس ومحبس‌ها وعمارات نظمیه که بایدباتصویب ادارات مرکزی باشد (پنجم) دررد وقبول عطایا نسبت بایالت مشروط برآنکه اعتراضی برآنها نشده باشد (ششم) دربیمه‌کردن عمارات وابنیه ایالتی (هفتم) دراداره شوارع ایالتی ورسیدگی بنقشها وبازدیدکارهائیکه برای ساختن وتعمیر راههای ایالتی لازم است ودر تعیین اداراتی‌که ساختن ومرمت این‌راهها بآنها باید واگذار شود ودرباب طرق شوسه وغیره که‌درتحت امتیاز خارجه یاداخله است وظیفه انجمن‌فقط نظارت است براینکه بشروط مقرره امتیازنامه عمل شده باشد ودرصورتیکه انجمن تخلفی ازمواد امتیازنامه معلوم داردباید ملاحظات‌خودرا بدون‌مداخله بوزارت فواید عامه‌اطلاع دهد (هشتم) دراداره شوارع عمومی‌که منافع آنها بچندین ولایت میرسد وتعیین بلوکاتیکه باید شرکت در ایجاد ونگاه داری‌آن راه‌ها بنمایند وتعیین‌وجه سالیانه‌پس ازتحصیل آراء انجمنهائی که‌دراین امرشرکت‌دارنده وتقسیم وجوهی‌که دولت یاایالت ازبرای‌کلیه این‌قبیل راه‌ها می‌دهد وتعیین اداراتی‌که ساختن این شوارع بآنها واگذار میشود و تبدیل بی‌گاریها بوجوه نقدیه (نهم) درایجاد وسائل عبور وحمل‌ونقل ازقبیل‌کشتی های‌کوچك وکرجی جهت عبور ازرود خانه‌ها وغیره‌ها تعیین حق‌العبور (دهم) دررسیدگی بنقشهٔ وبازدید کلیه‌کارهائیکه مخارج آنها ازوجوه ایالت‌داده میشود وتعیین‌اداره‌ای‌که‌اجرای‌این کارها بعهده اومحول خواهدشد (یازدهم) دررسیدگی به‌اظهارات اهالی بلوکات‌وقراء وقصبات وشرکتها واشخاص مختلفه برای‌کمك نقدی درانجام‌کارهائیکه منافع ایالتی دارد (دوازدهم) درتعیین سهم‌نقدی ایالت درمخارجی‌که منافع آنهاهم بایالت هم‌به بلوکات میرسد (سیزدهم) درحفظ‌حقوق‌علایق واملاك‌ایالتی درمحکمه‌ها (چهاردهم) دررسیدگی

بمحاسبات مریضخانه‌های ایـالتی و همچنین قرارداد بامریضخانهای متفرقه درخصوص پذیرفتن مرضای فقرا (پانزدهم) دراداره دارالایتام (شانزدهم) در تعیین سهم بلوکات جهت مخـارج مریضخانها ودارالایتام و تشخیص مأخذاین تقسیم (هفدهم) در تأسیس واداره کردن دارالعجزه ایالتی (هیجدهم) در تأسیس واداره صندوق وظیفه برای مأمورینی که حقوق آنها ازوجوه ایالتی پرداخته میشده و بواسطه پیری و ناتوانی وقدمت خدمت معاف ازخدمت شده‌اند و همچنین برای ورثه اشخاصی که در سرخدمت وفات کرده‌اند (نوزدهم) درمعاونت نقدی برای تکمیل تحصیل شاگردان قـابل بی بضاعت بموجب راپرت مفتشین انجمنهای علمی وادارات مدارس وسلب این امتیاز درصورت عدم استحقاق یا ظهور تقصیر (بیستم) درتأسیس مجلس امتحان برای انتخاب شاگردانی که بآنها جهت تکمیل تحصیل معاونت میشود (بیست ویکم) در رسیدگی باختلافاتی که ما بین دو یا چند بلوك درخصوص تقسیم مخارج مشترکه حاصل شود (بیست ودوم) دررسیدگی بقراردادهای انجمن‌های بلدی درخصوص برقرار نمودن یـا توقیف یا تغییر دادن مکانها ومیدانهائیکه جهت بارانداز وفروش امتعه دائماً یاموقتاً برقرارمیشود (بیست وسوم) درقریهٔ راازبلوکی خارج کردن وجزو بلوك دیگر محسوب داشتن باموافقت انجمنهای ولایتی (بیست وچهارم) در رسیدگی بصورت اسامی اشخاصی که دربلوك حق انتخاب کردن دارند .

۹۸ ـ چون انجمن‌های ایالتی بصیرت درامور وحوائج ایالات دارند لازم است اولیای دولت قبل ازاقدام به تغییرات درایالات رأی انجمن‌های مزبوره رابخواهندولی مجبور به پیروی رأی آنها نیستند .

۹۹ ـ اولیای دولت باید درمسائل ذیل رأی انجمن را بخواهند: اول درصورتیکه بخواهند حدود ایالت یا بلوکات ویامقر حکومت راتغییر بدهند دوم درصورتیکه بخواهند بعضی ازمراتع راتبدیل بجنگل نمایند .

۱۰۰ ـ صلاح اندیشی دروجوهی که ازخزانه دولتی برای مخارج عمومی ایالت

بعنوان کمك داده میشود بعهدهٔ انجمن ایالتی است و باید ازقرارداد انجمن بی اندازه تجاوز نشود .

۱۰۱ ـ درخصوص اعانه‌هائی‌که ازطرف ادارات دولتی برای مخارج مساجد و تأسیسات خیریه یامعاونت درایجاد یامرمت‌مدارس ودارالعجزه وهمچنین کمك بانجمن هــای زراعتی وفلاحتی میشود انجمن میتواند صلاح اندیشی خودرا بارعایت ترتیب اهمیت بادارات دولتی اظهار نماید .

۱۰۲ ـ انجمن ایالتی میتواند بتوسط رئیس‌انجمن ایرادات خودرا دراموریکه راجع بمنافع ایــالت است وهمچنین اعتراضاتیکه درخصوص ترتیب وحوائج ادارات متعلقه بایالت‌دارد بوزارتخانها اظهارکند .

۱۰۳ ـ درکلیه امور معاشی و اداره انجمن ایالتی میتواند رأی خودرا اظهار کندلیکن در امورسیاسی حق مذاکره‌ندارد .

تنبیه ـ امورسیاسی عبارت‌ازمسائلی است‌که راجع باصول اداره وقوانین‌اساسی مملکت وپلیتیك دولت باشد .

۱۰۴ ـ ایرادات انجمن درخصوص منافع ایالتی بیکی از ملاحظات سه‌کانه‌ذیل راجع تواندشد . (اول)اینکه دراجرای‌آن امورمنافع مخصوصه آن ایالت‌منظور نشده باشد (دوم)آنکه از منافع مخصوصه آن ایالت صرف نظرکرده باشند (سوم) آنکه بملاحظه منافع دیگرچشم‌ازمنابع آن ایالت پوشیده باشند

فصل سوم - بودجه محاسبات ایالت و ولایت

۱۰۵ ـ هرایالت یاولایت صاحب بودجه خواهدبودکه جمع و خرج‌معمولی و فوق العاده‌آن از قرار تفصیل ذیل است .

۱۰۶ ـ جمعهای معمولی بودجهٔ ایالت یاولایت ازاین‌قرار است (اول) وجهی که بعداز ممیزی وتعدیل مالیات برطبق قانون مالیه و برحسب حکم دولت و تصویب

مجلس شورای ملی از مالیات هرایالت وولایتی برای مخارج محلی آنجا واگذار میشود (دوم) منافع اموال ایالتی یا ولایتی (سوم) منافع حاصله از حق العبور طرق ومعابر یکه بتوسط ایالت و ولایت ساخته شده و حق اخذ آن رادارند (چهارم) سهمی که بلوکات از بابت نگاهداری طرق و شوارع بایالت یاولایت میدهند جمعهای فوق العاده ایالات و ولایات از قرار ذیل است (اول) مالیات فوق العاده که برحسب اقتضای ضرورت و بحکم قانون موقتاً علاوه برمعمول دریافت میشود (دوم) وجه استقراض که درموقع لزوم برحسب قانون استقراض آن تصویب میشود (سوم) عطیات و بخششهائیکه بایالات و ولایات میشود (چهارم) قیمت اموال ایالتی که بفروش رسیده باشد (پنجم) سایرفواید متفرقه که برحسب اتفاق ممکن است پیدا شود .

۱۰۷ ـ مخارج معمولی بودجه ایالت یاولایت از قرار ذیل است (اول) اجاره یامرمت دارالحکومه و همچنین اثاثیه و مرمت آن (دوم) اجاره یامرمت محل و اثاثیه که برای انجمن معارف لازم است (سوم) اجاره یامرمت قراولخانه‌ها و محل قراسورانها (چهارم) اجاره یامرمت محاکم عدلیه واثاثیه آنها (پنجم) مخارج طبع وانتشار اعلانات و صورت های لازمه ازاسامی اشخاصی که حق انتخاب درایالت یاولایت دارند (ششم) کلیهٔ مخارجی که ازطرف دولت بعهدهٔ ایالت یاولایت محول است (هفتم) ادای اقساط قروض ایالتی .

۱۰۸ ـ مخارج فوق العاده بودجهٔ ایالت یا ولایت مخارجی است که بطور موقتی و اتفاقی ضرورت پیدامیکند .

۱۰۹ ـ وجوهیکه در یك دوره معامله مالیاتی که عبارت از یکسال شمسی است بمصرف مقرره دربودجه نرسیده باشد دربودجه سال بعد بعنوان همان مصرف بخرج منظور میشود و هرگاه دریك دوره دخل بودجه ازمخارج مقرره بیشتر باشد باقی بودجه آن سال دربودجه سال بعد ابوابجمعی میشود انجمن مصارف آنرا معین مینماید .

۱۱۰ ـ مأمور مالیه هریك از ایالات یا ولایات باید مواظبت نماید که وجوه عایدی ایالت وصول شود و مسئولیت امر بعهده او محول است حکم ایصال این وجوه باید ازطرف حاکم به مأمور مالیه ابلاغ شود

۱۱۱ ـ مأمور مالیه باید موافق میزان بودجه و برطبق حوالهٔ حاکم وجوه مخارج را بپردازد

۱۱۲ ـ انجمن ایالتی یاولایتی بودجهٔ سالیانه راکه حاکم ترتیب داده است رسیدگی نموده باکثریت آراء اصلاح مینماید و این بودجه پس از آنکه در انجمن تصویب شد باید بتصویب وزارتمالیه برسد

۱۱۳ ـ حاکم باید درماه اول هرسال جزء کلیه مخارج سال گذشته را بانجمن ارائه دهد .

۱۱۴ ـ بودجه ایالت باید طبع ومجاناً منتشرشود

فصل چهارم - درتشکیل انجمنهای ولایتی

۱۱۵ـ ولایت قسمتی از مملکت است که دارای یك شهر حاکم نشین وتوابع باشد اعم ازاینکه حکومت آن تابع پایتخت یا تابع مرکز ایالتی باشد

۱۱۶ـ درشهرحاکم نشین هرولایتی انجمنی موسوم بانجمن ولایتی منعقدمی شود

۱۱۷ ـ اعضای انجمنهای ولایتی مرکب خواهند بود ازمنتخبین شهرحاکم نشین ومبعوثینی که از بلوکات وتوابع آن ولایت بانتخاب اهالی آنها فرستاده میشوند

۱۱۸ ـ عدهٔ منتخبین شهرحاکم نشین که محل انعقاد انجمن ولایتی است شش نفر خواهد بود

۱۱۹ ـ عدهٔ مبعوثینی که از بلوکات وتوابع آن ولایت بانجمن ولایتی فرستاده میشوند مطابق عدهٔ بلوکات وتوابع آن ولایت خواهد بود

۱۲۰ ـ هریك از بلوکات و توابع ولایتی فقط یکنفر منتخب بانجمن ولایتی

خواهد فرستاد که در بلاد موافق قواعد انتخابات شهرها و در بلوك موافق ترتیب انتخاب بلوك معین میشود

۱۲۱ ـ هریك از ایالات عمده که درقلمرو ولایتی هستند میتوانند یك نفر منتخب بانجمن ولایتی بفرستند

۱۲۲ ـ وظایف و ترتیبات انجمنهای ولایتی درقلمرو هرولایت که عبارت ازشهر وتوابع وبلوکات آن است مطابق خواهد بود باوظایف وحقوقیکه برای انجمنهای ایالتی مقرر شده ولی انجمنهای ولایاتی که جزء ایالتی هستند درمطالب لازمه بانجمن ایالتی که درکرسی آن ایالت تشکیل میشود رجوع خواهند نمود و ولایاتیکه مستقل هستند ودرتحت ایالت دیگر نیستند مستقیماً بادارات مرکزی دولت که در دارالخلافه است طرف میشوند

تبصره ـ انجمن ایالتی درمرکز ایالت وانجمن ولایتی درشهر حاکم نشین ولایت برقرار خواهد بود لاغیر

محل مهر مبارك

جناب اشرف اتابك اعظم این نظامنامهٔ انجمن ایالتی وولایتی ملاحظه شد صحیح است معمول ومجری دارید شهر ربیع الثانیه ۱۳۲۵

قانون بلدیه

مصوب ۲۰ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵ قمری

فصل اول ـ قواعد کلیه

۱ـ مقصود اصلی تأسیس بلدیه حفظ منافع شهرها و ایفای حوائج اهالی شهرنشین است .

۲ـ امور راجعه ببلدیه ازقرار تفصیل است (اولا) اداره کردن آنچه اهالی شهر برای اصلاح امور بلدیه بموجب قانون میدهند (ثانیاً) اداره کردن اموال منقوله وغیرمنقوله وسرمایه‌هائیکه متعلق بشهراست (ثالثاً) مراقبت درعدم قحطی آذوقهٔ شهر بوسائل ممکنه (رابعاً) ساختن و پاك نگاهداشتن کوچه‌ها ومیدانها وخیابانها ازپیاده رووکالسکه روو باغهای عمومی و مجاری میاه وزیرآبها وپلها ومعابروغیره وهمچنان روشن کردن شهر وتقسیم آبهای شهری و مراقبت درتنقیه قنوات وپاکیزگی حمامها (خامساً) مراقبت دررفع تکدی وتأسیس دارالمساکین و دارالعجزه ومریضخانه‌هاوامثال آن (سادساً) معاونت دراقدامات حفظ‌الصحه وحفظ دواب و حشم وتأسیس دواخانه‌ها وامثال آن (سابعاً) مواظبت دراینکه معابرشهری موافق نقشهٔ معینی باشد واقدامات مقتضیه برضد حریق وسایربلیات سماوی وارضی بعمل آید (ثامناً) بیمهٔ ابنیه متعلق بشهرازحریق (تاسعاً) معاونت درتکثیر معارف و مساعدت درداير نمودن کتابخانه‌ها و قرائتخانه‌ها وموزه‌ها وحفظ ومرمت مساجد ومدارس وابنیهٔ‌عتیقه (عاشراً) مساعدت با دولت درساختن بازارها ونمایشگاههای تجارتی وکلیتاً مراقبت رواج حرفت وتجارت شهروداير نمودن محل تشخیص اسعارومعاملات عمومی .

۳ـ دایره اقدامات بلدیه مختص بحدود شهرواراضی متعلقهٔ بشهراست .

۴ـ انجمن و ادارهٔ بلدیه میتواند باسم شهر بیع وشراء وهرگونه معاملات نماید و

این قانون بموجب قانون ۳۰ اردیبهشت ۱۳۰۹ نسخ شده است .

بجاهای لازم شکایت کند و در محاکمات عدلیه اقامهٔ دعوا نماید و مدعی و مدعی علیه واقع شود .

۵ـ اراضی کوچه‌ها ومیدان‌ها وپیاده روها ومعابر و رودخانه‌ها وسواحل رودخانه‌ها و زیر آبها وغیره هرچندکه متعلق بشهراست محل استفاده عموم ناس است .

۶ـ وجوهی که اهل شهر برای مصارف بلدیه میدهند باید بحکم قانون باشد .

۷ـ حاکم شهر باید مراقبت نمایدکه اقدامات بلدیه مخالف با این نظامنامه نباشد .

۸ـ ادارهٔ بلدیه حق داردکه مهرمعینی باسم شهر داشته باشد .

فصل دوم

درتشکیل انجمن بلدیه

۹ـ هیئت بلدیه مرکب است ازانجمن بلدیه واداره وشعب جزوآن .

۱۰ـ انجمن بلدیه مرکب است از اعضائی که از محلات شهر بترتیب ذیل انتخاب میشوند .

۱۱ـ عده اعضای انجمن بلدیه در شهرهای کوچك شانزده و در شهرهای متوسط بیست و درشهرهای بزرگ سی نفرخواهد بودکه با رعایت وسعت و جمعیت بمحلات شهر تقسیم میشوند .

شرایط انتخاب کنندگان وانتخاب شوندگان

۱۲ـ انتخاب‌کنندگان اعضای انجمن بلدیه باید دارای‌شرایط ذیل‌باشند (اولا) تابعیت ایرانیه (ثانیاً) اکمال بیست ویك اقلا (ثالثاً) دادن مالیات یاداشتن خانه یامستغل یااراضی درحدود شهر که درشهرهای بزرگ هزار و درشهرهای متوسط پانصد و درشهرهای کوچك سیصد تومان ارزش داشته باشد .

۱۳ـ ادارات علمیه وخیریه نیزدرصورتیکه صاحب چنین مستغلی یازمینی درشهر باشند حق فرستادن وکیلی برای شرکت درانتخابات دارندکذالك شرکتها واشخاصیکه تجارتخانه وحجرهٔ معینی دارند حق شرکت درانتخاب را دارند ولو اینکه صاحب خانه یا مستغل یا اراضی بطوریکه ذکرشد نباشند .

۱۴ـ اگرخانه یا مستغل یازمینی مابین چند نفرمشترك باشد یکی ازشرکاء میتواند موافق قرارداد سایرشرکاء درانتخابات حاضرشود .

۱۵ـ اشخاص ذیل حق انتخاب ندارند (اولا) اشخاصیکه بواسطهٔ جنحه و جنایتی مجازات قانونی دیده‌اند (ثانیاً) اشخاصی‌که معروف بارتکاب قتل و سرقت باشند (ثالثاً) ورشکسته بتقصیر (رابعاً) اشخاصیکه ازبابت عوارض بلدیه بقایا دارند وبیش ازنصف‌عوارض سالیانه را نپرداخته‌اند (خامساً) طایفهٔ نسوان (سادساً) اشخاص خارج ازرشد .

۱۶ـ اشخاص ذیل ازشرکت درانتخابات بشرط ممنوعند (اولا) حکام ومعاونین‌آنها درمحل حکومت (ثانیاً) عمال نظمیهٔ شهری‌که درآن انتخابات بعمل میآید (ثالثاً)مأمورین نظامی بری وبحری داخل درنظام .

۱۷ـ شرایط انتخاب شدن همان شرایط انتخاب کردن است بعلاوه باید انتخاب شوندگان سواد فارسی کامل داشته و سنشان کمتر از بیست وپنج نباشد و داخل در خدمت دولتی نباشند .

۱۸ـ اشخاصیکه انتخاب میشوند باید قبل از وقت یا خودشان داوطلب انتخاب شدن باشند ویا بتکلیف انتخاب‌کنندگان قبول انتخاب شدن را نموده باشند .

ترتیب انتخاب اعضاء

۱۹ـ برای انتخاب اعضاء انجمن نظارتی ازمعاریف انتخاب کنندگان از محلات شهرتشکیل می‌یابدکه درتحت نظارت حاکم یا نایب‌الحکومه یا معاونشان خواهد بود .

۲۰ـ عدهٔ اعضای انجمن نظارت مطابق خواهد بود با عدهٔ محلات شهرولی‌کمتراز شش نفرنخواهد بود .

۲۱ـ پس ازتشکیل اعضاء انجمن ازمیان خودشان یك نفررئیس ویك منشی‌انتخاب خواهند نمود .

۲۲ـ نظم مجلس وحفظ قوانین انتخاب بارئیس ونوشتن صورت مجلس هراجلاس با منشی خواهد بود .

۲۳ـ انجمن نظار فقط مشغول امر انتخاب خواهد بود و دخالت در امر دیگر نخواهد نمود .

۲۴ـ انجمن نظاراعلانی مرتب نموده دوهفته قبل ازروزانتخاب‌که جمعه خواهد بود درشهراشاعه میدهد .

۲۵ـ اعلان مذکوردرماده فوق مطالب ذیل را دارا خواهد بود .

(اول) محل ایام‌واوقاتیکه انجمن نظارحاضرخواهد بود برای دادن تعرفه‌باشخاصی که شرایط انتخاب‌کردن را دارا هستند (دویم) مواد دوازده تا هیجده این قانون را(سیم) محل روزومدتیراکه انجمن نظارحاضرخواهد بود برای گرفتن اوراق انتخاب ازدارندگان

تعرفه انتخاب (چهارم) عدهٔ اعضائی که باید انتخاب شوند .

۲۶ـ محل اجتماع انجمن نظار حتی المقدور قسمی انتخاب خواهدشد که درمرکز شهر واقع باشد تا مردم بتوانند بسهولت وآزادی ورود کرده تعرفه بگیرند یا روزانتخاب رأی بدهند مثل مساجد ویا مدارس .

۲۷ـ تعرفه‌ای که با نمره وتاریخ بمهراعضای انجمن نظار بانتخاب کنندگان داده میشود محتوی اسم خود وپدروسن وشغل ومنزل انتخاب کننده خواهدبود همچنین تعیین روزومحلی را مینماید که دارندهٔ تعرفه باید حاضرشده رأی خود را بدهد .

۲۸ـ انجمن نظار تعرفه‌هائی را که می‌دهد به ترتیب نمره در کتابچه ثبت خواهد نمود .

۲۹ـ درروزانتخاب که فقط یك روزخواهد بود وبوسیله اعلان وتعرفه معین گردیده انجمن نظارازصبح تا شام درمحلی که معین شده حاضرمیشود .

۳۰ـ درروزانتخاب انجمن اقلا ده ساعت برای تحصیل آراء حاضرخواهد بودساعت افتتاح واختتام مجلس انتخاب قبل ازوقت اعلان خواهد شد .

۳۱ـ پس ازانقضای وقتی که معین شده دیگرورقه انتخاب ازکسی قبول نخواهد شد .

۳۲ـ دادن رأی باید مخفی باشدوازاین جهت دارندهٔ تعرفه باید قبل ازدخول بمجلس انتخاب مطابق عده که اعلان شده است اسم یك یاچند نفررا که دارای شرایط انتخاب شدن باشند روی کاغذ سفید بی‌نشان نوشته تاکند وبا خود داشته باشد .

۳۳ـ پس از حضور اعضای انجمن و افتتاح مجلس انتخاب درساعتی که اعلان شده قبل از شروع بگرفتن اوراق انتخاب رئیس انجمن نظار جعبه‌ای که برای ضبط اوراق انتخاب است درحضور اعضای انجمن وحاضرین از انتخاب کنندگان باز نموده خالی بودن آنرا مینماید .

۳۴ـ دارندگان تعرفه برای ورود بمجلس انتخاب بایدتعرفه وورقهٔ انتخاب خود را در دست داشته باشند .

۳۵ـ اشخاصیکه تعرفه ندارند حق دخول و مزاحمت را ندارند .

۳۶ـ هریك ازدارندگان تعرفه پس ازورودبمجلس انتخاب درکمال آرامی تعرفه و ورقه انتخاب خود را برئیس خواهد داد .

۳۷ـ رئیس نمره تعرفه را بصورت بلند میگوید تا یکی از اعضاء انجمن نمره را در کتابچه ثبت تعرفه پیدا نموده نشان کند پس از نشان نمره رئیس تعرفه را بصاحبش ردنموده وورقه انتخاب اورابدون نگاه کردن درجعبه انتخاب میاندازد .

۳۸ـ انتخاب کنندگان پس ازدادن ورقه‌انتخاب وپس گرفتن تعرفه درصورت تنگی جای واختلال نظم وترتیب انتخاب وامر رئیس ازمجلس انتخاب خارج خواهند شد .

۳۹ـ رئیس از حضور عده‌ای از انتخاب کنندگان در مجلس انتخاب مضایقه نخواهد نمود مگر اینکه موجب تنگی مکان و معطلی و بی‌نظمی امر انتخاب بشود در اینصورت اطاعت امر رئیس واجب است .

۴۰ـ دخول در مجلس انتخاب باداشتن حربه ممنوع است .

۴۱ـ پس از انقضای وقت مجلس انتخاب یا نشان شدن تمام نمره‌ها در کتابچه ثبت تعرفه رئیس ختم انتخاب را بصوت بلند اعلان مینماید و پس از آن دیگر از کسی ورقه انتخاب قبول نمیشود .

۴۲ـ پس از اعلان ختم رئیس جعبه انتخاب را در حضور اعضای انجمن نظار و حاضرین از انتخاب کنندگان خالی نموده امر باستخراج اسامی مینماید .

۴۳ـ کار اول تعیین عده اوراق انتخاب خواهد بود و نتیجه آن بتوسط منشی انجمن در صورتمجلس روز انتخاب ثبت میشود .

۴۴ـ پس از تعیین عده اوراق انتخاب یکی از اعضاء اسامی مرقومه روی اوراق رایك یك بصوت بلند میخواند و بیکنفر دیگر از اعضاء میدهد .

۴۵ـ منشی مجلس باید اسامی که خوانده میشود در بالای صفحه کاغذی سیاهه نموده هرچند دفعه که یك اسم مکرر میشود زیر آن برای شماره علامتی بگذارد .

۴۶ـ درصورتیکه روی اوراق انتخاب بیشتر یا کمتر از عده معینه دراعلان اسامی نوشته باشند نقصی درامر انتخاب حاصل نخواهد شد درصورت اول آن عده اسمی که زیاد نوشته شده از آخر ورقه خوانده نخواهد شد .

۴۷ـ از اوراق آنچه سفید یالایقرأ باشد یا آنکه صحیحاً معرفی انتخاب شده رانکنند یا امضای انتخاب کننده را داشته باشد یا بیش از یك ورق باشد محسوب نخواهد بود ولی عیناً ضمیمه صورت مجلس میشود .

۴۸ـ بلافاصله پس از استخراج و شماره آراء رئیس نتیجه را بصوت بلند اعلان مینماید و اوراق انتخاب راپاره و باطل مینماید به استثناء آنهائیکه درمادهٔ فوق ذکر شد که ضمیمه صورت مجلس میشود .

۴۹ـ انتخاب شده گان اشخاصی خواهند بود که اکثریت آراء نسبتاً بطرف ایشان باشد .

۵۰ـ صورت مجلس انتخابات را منشی در دو نسخه تحریر نموده بامضای اعضای انجمن نظار میرساند یك نسخه بحاکم یا نایب‌الحکومه داده خواهد شد و نسخهٔ دیگر با کتابچه ثبت تعرفه و اوراق مذکور درماده فوق در نزد یکی از اعضاء که انجمن نظار معین کنند امانت میماند که پس از تشکیل بانجمن بلدیه تسلیم نماید .

۵۱ـ درصورت تساوی آراء منتخب بحکم قرعه معین میشود .

۵۲ـ درصورتیکه تجدید انتخاب لازم شود جمعه آینده خواهد بود .

۵۳ـ اگر ازانتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان کسی در حین انتخاب شکایت یا ایرادی درامرانتخاب داشته باشدمانع ازانجام انتخاب نخواهد شدولی شرح آن شکایت باید درصورتمجلس درج بشود.

۵۴ـ شکایات و ایرادات راجع بانتخابات باید در ظرف یك هفته بعد از ختم انتخابات بانجمن نظاراظهارشود تاانجمن رسیدگی نموده حکم خودرا بدهد ونتیجه راضمیمه صورت انتخاب نماید .

۵۵ـ متشکیان از انتخابات اگر از حکم انجمن نظار راضی نباشند پس از افتتاح انجمن بلدیه شکایات خودشانرادرظرف هفته‌اول بانجمن بلدیه‌اظهار نمایندحکم انجمن بلدی قطعی خواهد بود .

۵۶ـ حق ایرادات واعتراض برانتخابات رااشخاصی دارندکه حق انتخاب کردن و انتخاب شدن را داشته باشند انجمن نظاریکهفته بعد ازانجام انتخابات متفرق خواهد شد.

۵۷ـ اسامی انتخاب شدگان برای انجمن بلدیه بعدازاتمام انتخابات ازطرف حاکم در روزنامه طبع خواهد شد .

۵۸ـ درشهرهای بزرگ برای تسهیل‌امرانتخاب انجمن نظارمیتواند درهرمحله شعبه جداگانه مرکب ازشش نفرتشکیل نمایدکه بترتیب فوق منتخبین آن محله را تعیین کند .

۵۹ـ اعمال انجمن نظاروشعب آن ازدادن تعرفه وتحصیل آراء درروزانتخاب وغیره باید مقارن یکدیگرباشد ودر یکروز اختتام پذیرد .

فصل سوم

ترتیب ووظایف انجمن بلدیه

۶۰ـ یکهفته پس از انجام انتخاب اعضاء انجمن بلدیه منعقدگشته مشغول اموررا جعه بخود میشود .

۶۱ـ انجمن بلدیه بعد ازتشکیل اگر خللی درامر انتخاب یکی از محلات مشاهده نماید میتواند با اطلاع حکومت امر بتجدید انتخاب درآن محله نماید .

۶۲ـ انجمن بلدیه مرکب است ازاعضائیکه بمدت چهارسال بموجب این نظامنامه انتخاب میشود .

۶۳ـ اعضای انجمن بلدیه قبل ازشروع باجرای وظایف خود قسمیاد خواهندکردکه باکمال راستی ودرستی تکالیف خود را انجام دهند .

۳۹ ـ رئیس ازحضور عده‌ای ازانتخاب کنندگان درمجلس انتخاب مضایقه نخواهد نمود مگر اینکه موجب تنگی مکان و معطلی و بی‌نظمی امرانتخاب بشود در اینصورت اطاعت امر رئیس واجب است .

۴۰ ـ دخول در مجلس انتخاب باداشتن حربه ممنوع است .

۴۱ ـ پس از انقضای وقت مجلس انتخاب یا نشان شدن تمام نمره‌ها درکتابچه ثبت تعرفه رئیس ختم انتخاب را بصوت بلند اعلان مینماید وپس‌ازآن دیگرازکسی ورقه انتخاب قبول نمیشود .

۴۲ ـ پس ازاعلان ختم رئیس‌جعبه انتخاب را درحضوراعضای انجمن نظاروحاضرین ازانتخاب کنندگان خالی نموده امرباستخراج اسامی مینماید .

۴۳ ـ کار اول تعیین عده اوراق انتخاب خواهد بودونتیجه آن بتوسط منشی انجمن‌در صورتمجلس روزانتخاب ثبت میشود .

۴۴ ـ پس ازتعیین عده اوراق انتخاب یکی‌ازاعضاء اسامی مرقومه روی اوراق رایك یك بصوت بلندمیخواندو بیکنفر دیگرازاعضاءمیدهد .

۴۵ ـ منشی مجلس باید اسامی که خوانده میشود در بالای صفحه کاغذی سیاهه نموده هرچند دفعه که یك اسم مکرر میشود زیرآن برای شماره علامتی‌بگذارد .

۴۶ ـ درصورتیکه روی اوراق‌انتخاب بیشتریاکمتر ازعده معینه دراعلان اسامی‌نوشته باشند نقصی درامرانتخاب حاصل نخواهد شد درصورت اول‌آن عده اسمی که زیادنوشته شده از آخر ورقه خوانده‌نخواهد شد .

۴۷ ـ از اوراق‌آنچه سفید یالایقرأ باشد یا آنکه صحیحاً معرفی انتخاب شده رانکند یا امضای انتخاب‌کننده را داشته باشد یابیش ازیك ورق باشد محسوب نخواهد بود ولی‌عیناً ضمیمه صورت مجلس میشود .

۴۸ ـ بلافاصله پس از استخراج و شماره آراء رئیس نتیجه را بصوت بلند اعلان مینمایدواوراق انتخاب راپاره وباطل مینمایدبه‌استثناء آنهائیکه درمادهٔفوق ذکرشدکه ضمیمه صورت مجلس میشود .

۴۹ ـ انتخاب شده‌گان اشخاصی‌خواهندبود که اکثریت‌آراء نسبتاً بطرف ایشان‌باشد.

۵۰ ـ صورت مجلس انتخابات را منشی در دو نسخه تحریرنموده بامضای اعضای انجمن نظارمیرساندیك نسخه بحاکم یانایب‌الحکومه داده خواهد شد ونسخهٔ دیگر باکتابچه ثبت تعرفه واوراق مذکوردرماده فوق درنزد یکی ازاعضاءکه انجمن نظارمعین‌کنند امانت میماندکه پس ازتشکیل بانجمن بلدیه تسلیم نماید .

۵۱ ـ درصورت تساوی‌آراء منتخب بحکم قرعه معین میشود .

۵۲ـ درصورتیکه تجدید انتخاب لازم شود جمعه آینده خواهد بود .

۵۳ـ اگر ازانتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان کسی در حین انتخاب شکایت یا ایرادی درامرانتخاب داشته باشدمانع ازانجام انتخاب نخواهد شدولی شرح آن شکایت باید درصورتمجلس درج بشود .

۵۴ـ شکایات و ایرادات راجع بانتخابات باید در ظرف یك هفته بعد از ختم انتخابات بانجمن نظاراظهارشود تاانجمن رسیدگی نموده حکم خودرا بدهد ونتیجه راضمیمه صورت انتخاب نماید .

۵۵ـ متشکیان از انتخابات اگر از حکم انجمن نظار راضی نباشند پس از افتتاح انجمن بلدیه شکایات خودشانرادرظرف هفته اول بانجمن بلدیه اظهار نمایندحکم انجمن بلدی قطعی خواهد بود .

۵۶ـ حق ایرادات واعتراض برانتخابات رااشخاصی دارندکه حق انتخاب کردن و انتخاب شدن را داشته باشند انجمن نظاریکهفته بعد ازانجام انتخابات متفرق خواهد شد .

۵۷ـ اسامی انتخاب شدگان برای انجمن بلدیه بعدازاتمام انتخابات ازطرف حاکم در روزنامه طبع خواهد شد .

۵۸ـ درشهرهای بزرگ برای تسهیل امرانتخاب انجمن نظارمیتواند درهرمحله شعبه جداگانه مرکب ازشش نفرتشکیل نمایدکه بترتیب فوق منتخبین آن محله را تعیین کند .

۵۹ـ اعمال انجمن نظاروشعب آن ازدادن تعرنه وتحصیل آراء درروزانتخاب وغیره باید مقارن یکدیگرباشد ودر یکروز اختتام پذیرد .

فصل سوم

ترتیب ووظایف انجمن بلدیه

۶۰ـ یکهفته پس از انجام انتخاب اعضاء انجمن بلدیه منعقدگشته مشغول امورراجعه بخود میشود .

۶۱ـ انجمن بلدیه بعد ازتشکیل اگر خللی درامر انتخاب یکی از محلات مشاهده نماید میتواند با اطلاع حکومت امر بتجدید انتخاب درآن محله نماید .

۶۲ـ انجمن بلدیه مرکب است ازاعضائیکه بمدت چهارسال بموجب این نظامنامه انتخاب میشود .

۶۳ـ اعضای انجمن بلدیه قبل ازشروع باجرای وظایف خود قسمیاد خواهندکردکه باکمال راستی ودرستی تکالیف خود را انجام دهند .

۳۹ ـ رئیس ازحضور عده‌ای ازانتخاب کنندگان درمجلس انتخاب مضایقه نخواهد نمود مگر اینکه موجب تنگی مکان و معطلی و بی‌نظمی امرانتخاب بشود در اینصورت اطاعت امر رئیس واجب است .

۴۰ ـ دخول در مجلس انتخاب باداشتن حربه ممنوع است .

۴۱ ـ پس از انقضای وقت مجلس انتخاب یا نشان شدن تمام نمره‌ها درکتابچه ثبت تعرفه رئیس ختم انتخاب را بصوت بلند اعلان مینماید وپس‌ازآن دیگرازکسی ورقه انتخاب قبول نمیشود .

۴۲ ـ پس ازاعلان ختم رئیس‌جعبه انتخاب را درحضوراعضای انجمن نظاروحاضرین ازانتخاب‌کنندگان خالی نموده امرباستخراج اسامی مینماید .

۴۳ ـ کار اول تعیین عده اوراق انتخاب خواهد بودونتیجه آن بتوسط منشی انجمن‌در صورتمجلس روزانتخاب ثبت میشود .

۴۴ ـ پس ازتعیین عده اوراق انتخاب یکی‌ازاعضاء اسامی مرقومه روی اوراق رایك یك بصوت بلندمیخواندوبیکنفر دیگرازاعضاءمیدهد .

۴۵ ـ منشی مجلس باید اسامی‌که خوانده میشود در بالای صفحه کاغذی سیاهه نموده هرچند دفعه‌که یك اسم مکرر میشود زیرآن برای شماره علامتی‌بگذارد .

۴۶ ـ درصورتیکه روی اوراق‌انتخاب بیشتریاکمتر ازعده معینه دراعلان اسامی‌نوشته باشند نقصی درامرانتخاب حاصل نخواهد شد درصورت اول‌آن عده اسمی‌که زیادنوشته شده از آخر ورقه خوانده‌نخواهد شد .

۴۷ ـ از اوراق‌آنچه سفید یالایقرأ باشد یا آنکه صحیحاً معرفی انتخاب شده رانکنند یا امضای انتخاب‌کننده را داشته باشد یابیش ازیك ورق باشد محسوب نخواهد بود ولی‌عیناً ضمیمه صورت مجلس میشود .

۴۸ ـ بلافاصله پس از استخراج و شماره آراء رئیس نتیجه را بصوت بلند اعلان مینمایدواوراق انتخاب راپاره وباطل مینمایدبه‌استثناءآنهائیکه درمادهٔفوق ذکرشدکه ضمیمه صورت مجلس میشود .

۴۹ ـ انتخاب شدگان اشخاصی‌خواهندبودکه اکثریت‌آراء نسبتاً بطرف ایشان‌باشد.

۵۰ ـ صورت مجلس انتخابات را منشی در دو نسخه تحریرنموده بامضای اعضای انجمن نظارمیرساندیك نسخه بحاکم یانایب‌الحکومه داده خواهد شد ونسخهٔ دیگر باکتابچه ثبت تعرفه واوراق مذکوردرماده فوق درنزد یکی ازاعضاءکه انجمن نظارمعین‌کنند امانت میماندکه پس ازتشکیل بانجمن بلدیه تسلیم نماید .

۵۱ ـ درصورت تساوی‌آراء منتخب بحکم قرعه معین میشود .

۵۲- درصورتیکه تجدید انتخاب لازم شود جمعهٔ آینده خواهد بود .

۵۳- اگر ازانتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان کسی در حین انتخاب شکایت یا ایرادی درامرانتخاب داشته باشدمانع ازانجام انتخاب نخواهد شدولی شرح آن شکایت باید درصورتمجلس درج بشود.

۵۴- شکایات و ایرادات راجع بانتخابات باید در ظرف یك هفته بعد از ختم انتخابات با نجمن نظار اظهارشود تاانجمن رسیدگی نموده حکم خودرا بدهد و نتیجه راضمیمه صورت انتخاب نماید .

۵۵- متشکیان از انتخابات اگر از حکم انجمن نظار راضی نباشند پس از افتتاح انجمن بلدیه شکایات خودشانرادرظرف هفتهاول با نجمن بلدیهاظهار نمایندحکم انجمن بلدی قطعی خواهد بود .

۵۶- حق ایرادات واعتراض برانتخابات رااشخاصی دارندکه حق انتخاب کردن و انتخاب شدن را داشته باشند انجمن نظار یکهفته بعد ازانجام انتخابات متفرق خواهد شد.

۵۷- اسامی انتخاب شدگان برای انجمن بلدیه بعدازاتمام انتخابات ازطرف حاکم در روزنامه طبع خواهد شد .

۵۸- درشهرهای بزرگ برای تسهیل امر انتخاب انجمن نظارمیتواند درهرمحله شعبه جداگانه مرکب ازشش نفرتشکیل نمایدکه بترتیب فوق منتخبین آن محله را تعیین کند .

۵۹- اعمال انجمن نظاروشعب آن ازدادن تعرفه وتحصیل آراء درروزانتخاب وغیره باید مقارن یکدیگر باشد ودر یکروز اختتام پذیرد .

فصل سوم

ترتیب ووظایف انجمن بلدیه

۶۰- یکهفته پس از انجام انتخاب اعضاء انجمن بلدیه منعقدگشته مشغول اموراجعه بخود میشود .

۶۱- انجمن بلدیه بعد ازتشکیل اگر خللی درامر انتخاب یکی از محلات مشاهده نماید میتواند با اطلاع حکومت امر بتجدید انتخاب درآن محله نماید .

۶۲- انجمن بلدیه مرکب است ازاعضائیکه بمدت چهارسال بموجب این نظامنامه انتخاب میشود .

۶۳- اعضای انجمن بلدیه قبل ازشروع باجرای وظایف خود قسمیاد خواهندکردکه باکمال راستی ودرستی تکالیف خود را انجام دهند .

۶۴- اعضای انجمن بلدیه ازطرف دولت یا ملت موظف نخواهند بود .

۶۵- اگر یکی ازاعضاء انجمن بلدیه ازاین شغل استعفا نماید ویا آنکه بجهتی از جهات که درمادهٔ ۱۲ این نظامنامه مصرح است ازعضویت انجمن محروم شود بجای آن عضو دیگری ازمحل خودش انتخاب خواهد شد .

۶۶- هیچکس ازاعضای انجمن بلدیه نباید بدون عذرموجه ازحضوردراجلاسات انجمن خودداری نماید .

۶۷- عضوغایب باید رئیس انجمن را هردفعه ازجهت غیبت خود مطلع نماید ورئیس انجمن اظهارعضوغایب را باطلاع انجمن برساند .

۶۸- هرگاه عضوی درانجمن حاضرنشد و برئیس انجمن جهت غیبت خود را اطلاع نداد ویا اینکه اطلاع داد ولی انجمن باکثریت دوثلث آراء عذر او را موجه ندانست دفعه اول ودوم رئیس اورا توبیخ خواهدکرد ودردفعه سیم ازحضوردرانجمن معاف خواهدبود .

۶۹- رئیس انجمن بلدیه را خود انجمن ازمیان خود باکثریت آراء انتخاب خواهد کرد درپایتخت وکرسی‌های ایالت فرمان همایون دراستقراراوبدین سمت صادرخواهد شد رؤسای انجمن‌های بلدیه شهرهای دیگر بدین سمت بحکم وزیرداخله مستقرخواهند نمودمنشی انجمن را نیزخود انجمن با رعایت کثرت آراء ازاعضاء انتخاب خواهدکرد .

۷۰- وظایف انجمن بلدیه ازاینقراراست (اولا) انتخاب اجزای بلدیه ومستخدمینی که موافق این نظامنامه باید ازطرف انجمن انتخاب شوند (ثانیاً) تعیین مقرری برای مستخدمین ادارات بلدیه (ثالثاً) ترتیب تکالیف ووظایف اداره بلدیه و دوائرجزو اوونوشتن دستورالعمل آنها (رابعاً) مداقه درعمل بودجه بلدیه (خامساً) تعیین مقدارفروعات وعوارضی که برای مصارف بلدیه ازاهالی شهر بموجب قانون گرفته میشود (سادساً) تبدیل عوارض جنسی بنقدی (سابعاً) تعیین اینکه ازچه نوع بقایای شهری که لاوصول مانده بایدصرف نظر بشود (ثامناً) ترتیب‌حفظ واداره کردن سرمایه‌ها واموال بلدیه وهمچنان نظم وترتیب تأسیسات خیریه ازقبیل مریضخانه وکتابخانه وغیره که بخرج شهردایرشده (تاسعاً) تحصیل اموال غیر منقوله (عاشراً) خرید وفروش اموال غیرمنقوله و تعیین قواعد خریدآنچه که برای ترتیب ابنیه وکوچه‌ها موافق نقشه‌ای که‌ممضی‌ومقبول شده ولازم است (واحد عشراً) تعیین و تعدیل نرخ گوشت ونان وسایرارزاق ومیزان اجرت کالسکه‌های کرایه وتراموای وسایراسباب‌حمل ونقل (اثنین عشراً) مداقه درلایحهٔ استقراض شهری وکلیه قراردادهائیکه باسم شهر منعقد خواهد شد (ثلاث عشراً) قبول نمودن وجه اعانه باسم شهر(اربع عشراً) ترتیب قواعدیکه برای اجرای مواد سابق‌الذکرلازم خواهد شد (خمس عشراً) ترتیب لوایح تغییر وتکمیل نقشه‌های شهری وترتیب نقشه‌های جدیده (سادس عشراً) رسیدگی بحساب اداره بلدیه و نظارت وتفتیش اعمال آن اداره ورسیدگی بمواد شکایات که درآن اداره طرح میشود (سبع

عشراً) مسئول نمودن مستخدمین وعمال بلدیه (ثمانیة عشراً) تقدیم لوایح و عرایض بوزیر داخله بتوسط حاکم محل دراحتیاجات اهالی شهر ومنافع آنها (تسعة عشراً) تعیین مقدار عوارضی که باید ازمردم بابت استفاده ازراههای اطراف شهر وپلها ومعابر وسلاخ خانه‌ها و لوله‌های مجاری آب‌هاوزیرآبهاکه بخرج شهرساخته شده است بدهند همچنان تعیین مقدار حق‌الارضی که باید شرکت‌های کشتی‌رانی و صاحبان کشتی ازبابت اسکله‌هائیکه ساخته شده است بدهند (عشرین) رسیدگی بصحت موازین ومقادیر (احد عشریناً) تعیین محلی برای سپردن ونگاهداری اطفال و مجانین و حیوانات گمشده وطریق ایصال ایشان باولیای آنها.

۷۱ـ انجمن بلدیه درعرض سال معمولا کمتر ازشش و زیادتر ازبیست وچهارمرتبه منعقد نمیشود مگر باقتضای حاجت وتصویب خود انجمن که فوق‌العاده منعقد تواندشدفهرست اجلاسات خود را انجمن بلدیه دربرج حوت برای سال آتیه ترتیب داده اعلان‌خواهدکرد.

۷۲ـ هردفعه قبل ازانعقاد انجمن بلدیه رئیس انجمن فهرست اموری‌که باید مطرح مذاکره ومداقه شود ترتیب داده برای اعضای انجمن بلدیه خواهدفرستادونسخه‌ای‌هم‌برای اطلاع حاکم محل بحکومت ارسال خواهد داشت هرگاه دراجلاس انجمن بلدیه دریکروز فرصت مذاکره درتمام امورمعینه نشد روزهای بعد بآن اموررسیدگی خواهد شد.

۷۳ـ انجمن بلدیه بحکم وزیرداخله درپایتخت و حکام درولایات فوق‌العاده تشکیل تواند شد ولی باید قبل ازوقت فهرست اموری‌که درانجمن مطرح مذاکره خواهد شدبتوسط رئیس انجمن بلدیه برای اعضا فرستاده شود.

۷۴ـ اموراجعه بانجمن بلدیه بموجب اظهاراشخاص ذیل طرح میشود: (اولا) به تکلیف رئیس انجمن بلدیه واعضای آن (ثانیاً) بموجب اظهار کتبی حاکم محل (ثالثاً) باظهار اداره بلدیه (رابعاً) بموجب اظهاروشکایت اشخاص متفرقه.

۷۵ـ اعضای انجمن درصورتیکه بخواهند مطلبی را اظهارنمایند بایدکتباً برئیس انجمن اعلان نمایند بعد ازاین اعلام مسئله را رئیس بانجمن اظهارمیدارد و درصورتیکه انجمن اظهارمسئله را تصویب نمود اعضاء شروع درمذاکره مینمایند.

۷۶ـ انجمن بلدیه میتواند تسویه اموری راکه وقت مخصوص لازم دارد بعهدهٔ یکی ازاعضای بلدیه محول کند.

۷۷ـ رئیس انجمن بلدیه حق داردکه برای حضوردرمجلس اشخاصی راکه اطلاعات آنها باعث پیشرفت ومذاکره ومداقه اموراست دعوت نماید.

۷۸ـ برای اعتبارقراردادهای انجمن بلدیه اقلا باید نصف اعضاء حاضر باشند ولی دراجلاساتیکه در مواقع بلیات ارضی وسماوی و یا جنگ بطور فوق‌العاده تشکیل می‌شود ازاین قاعده صرف نظر خواهد شد و قرارداد انجمن با حضورهرقدر از اعضاء معتبر خواهد بود.

۷۹ـ برای قراردادهای انجمن بلدیه درمواد ذیل باید اقلا دوثلث ازاعضاء حاضر باشند (اولا) درباب فروش اموال غیرمنقوله متعلق بشهروخرید اموال غیرمنقوله برای شهر (ثانیاً) تعیین قیمت اراضی که برای ساختن ابنیه باشخاص متفرقه فروخته می‌شود ویابرای تصحیح نقشه شهر ابتیاع می‌شود (ثالثاً) استقراضات و ضمانات که از طرف شهر میشود (رابعاً) تبدیل عوارض جنسی بنقدی (خامساً) تعیین مسئولیت مستخدمین اداره بلدیه ودوائر جزو آن .

۸۰ـ غیر ازمواردی که درماده هفتاد وپنج اشاره شده است سایر اموراجعه بانجمن بلدیه باکثریت آراء حل و تسویه میشود و در صورت تساوی آراء رأی رئیس دو رأی محسوب می‌شود هیچ عضوی بیش از یك رأی ندارد و رأی خود را نمی‌تواند بدیگری محول کند .

۸۱ـ درباب تعیین مستخدمین اداره بلدیه و دوایر جزوآن و مقرری آنها و مسئولیت اجزا و مستخدمین رأی مخفی گرفته می‌شود ولی درسایر امورانجمن مختاراست رأی‌مخفی یا علنی بگیرد .

۸۲ـ تمام قراردادهای انجمن بلدیه باید دردفتری ثبت شده به‌امضای رئیس انجمن واعضائیکه درمذاکرات شرکت داشته‌اند برسد وصورت مجلس را منشی انجمن‌ومنشی اداره بلدیه نیزامضا مینماید وترتیب دفاتر بعهده منشی‌های مزبوره‌است .

۸۳ـ کلیه قراردادهای انجمن بلدیه با منضمات آن باید بتوسط رئیس انجمن برای حاکم محل فرستاده شود وآنچه‌که بایددرروزنامجات طبع ونشرشود باتصویب انجمن‌برای اطلاع اهالی شهراعلان واعلام خواهد شد .

۸۴ـ ازقراردادهای انجمن‌آنچه باید بامضای حاکم یا وزیرداخله برسد بعدازامضاء بموقع اجراگذارده خواهد شد .

۸۵ـ ازقراردادهای انجمن بلدیه‌آنچه‌که باید بامضای حاکم برسد ازاین‌قراراست:
(اولا) تعیین قیمت اراضی شهرکه باید فروخته یا ابتیاع شود (ثانیاً) استقراضات و ضماناتیکه ازطرف شهرمیشود (ثالثاً) تعدیل وتسهیل نرخ نان و گوشت وسایرارزاق(رابعاً) کرایه‌کالسکه ودرشگه وتراموای وسایروسایل‌حمل ونقل(خامساً) تغییردرنقشه شهر و ترتیب نقشه‌های جدیده (سادساً) حقوقیکه‌ازسفاین دراسکله‌هائیکه بخرج شهردرست شده‌اخذمیشود (سابعاً) کلیه دستورالعمل‌هائیکه انجمن بلدیه برای ادارات بلدیه و ادارات خیریه‌که در اداره شهراست ترتیب میدهد .

۸۶ـ ازقراردادهای انجمن بلدیه‌آنچه‌که باید بامضای وزیرداخله برسد ازاین‌قرار است : (اولا) تسعیرعوارض جنسی شهر (ثانیاً) بخرج شهر کوچه‌ها وپیاده‌روها راپاك‌کردن ونگاهداشتن مستحفظین حریق وتنظیفات بلدیه و ترتیب زیرآب سازی‌ها (ثالثاً) فروش و

انتقال اموال غیرمنقوله شهر باستثنای اراضی کوچك که درفقرهٔ اول مادهٔ ۸۵ تصریح شده (رابعاً) استقراضات و ضمانت‌هائیکه ازطرف شهرمیشود (خامساً) تعیین وجوهیکه از بابت ساختن راهها و پلهای اطراف شهر و بنای سلاخ‌خانه‌ها ومجاری آبها وغیره داده میشود (سادساً) تعیین حق‌الارض واراضی که درسواحل دریاها ورودخانه‌ها باشخاص متفرقه ویا شرکتها داده میشود که اسکله بنا نمایند ویا برای بارگرفتن ویا باردادن سفاین استعمال کنند (سابعاً) ترتیب دستورالعملهای راجعه بادارات خیریه وحفظ اموال غیرمنقوله شهر در پایتخت وکرسیهای ایالات وولایات .

۸۷ـ هرگاه حاکم قرارداد انجمن بلدیه را تصویب ننمود بایدجهت عدم موافقت خودرا بانجمن بلدیه اظهار نموده انجمن را متقاعد نماید ودرصورتیکه انجمن متقاعد نشد قرارداد انجمن را حاکم بوزیرداخله تقدیم نمایدکه موافق ماده (۸۸) اقدام شود .

۸۸ـ قراردادهای انجمن بلدیه‌که باید بتصویب وامضای وزیر داخله برسد بتوسط حاکم بوزیرداخله تقدیم خواهد شد وزیرداخله مکلف است که باکمال دقت بقرارداد انجمن واعتراض حاکم درآن باب رسیدگی نماید هرگاه قرارداد انجمن راجع بامری بوده که از تکالیف انجمن بلدیه خارج است اعتراض حاکم را تصدیق نموده آن قرارداد را امضاء نمی‌نماید ولی در صورتیکه قرارداد انجمن بلدیه خارج از تکالیف و حدود آن نبود ولی بجهتی یا ملاحظه مخالف با مصالح عامه یا منافع شهر است وزیر داخله باید مسئله را در مجلس وزراء مذاکره نماید چنانچه مسئله راجع بازدیاد عوارض است در مجلس شورای ملی مطرح شود واگر محتاج بایجاد قوانین جدیده باشد درمجلس شورای ملی وسنا مورد مداقه گردد .

۸۹ـ هرگاه درانجمن بلدیه اعضاء بقدریکه برای اعتبار قرارداد انجمن لازم است حاضرنشدند انجام امورمحول باجلاس دیگرمیشود واگر دراجلاس ثانی اعضاء بازبقدرلزوم حاضرنشدند اداره بلدیه راپورتهای خودرا با راپورتهای دوائر جزو بحاکم محل میدهد و هرگاه حاکم بارأی‌اداره بلدیه موافقت ننمود باید بطوری رفتارنمایدکه درباب قراردادهای انجمن در مادهٔ (۸۷) مقید است .

۹۰ـ انجمن بلدیه میتواند که قواعد لازمه را درباب تنظیفات کوچه‌ها ودستورالعملهای راجعه بساختن پشت بامها و ناودانها و پاکیزگی مجاری میاه و اقدامات حفظ الصحه و ضد عفونت و تمیزی میدانها و اقدامات ضد حریق و حفظ و حراست اهالی ازمواد محترقه وغیره ترتیب نماید .

۹۱ـ کلیه این قواعد ودستورالعملها با رعایت حدود قوانین شرع انور بامضای حاکم رسیده بتوسط اداره پلیس بموقع اجرا گذاشته خواهد شد .

فصل چهارم

ادارهٔ بلدیه

۹۲ـ ادارهٔ بلدیه مرکب است از اعضائی که انجمن بلدیه انتخاب کرده است عدهٔ اعضای اداره بلدیه چهار نفر خواهد بود.

۹۳ ـ ادارهٔ بلدیه در تحت ریاست رئیس انجمن بلدیه خواهد بود و رئیس مزبور که موسوم بکلانتر است یکنفر معاون از اعضای اداره بلدیه بانتخاب انجمن بلدیه خواهد داشت و معاون مزبور که بدین سمت بحکم وزیر داخله استقرار میبابد در موارد غیبت یا مرض کلانتر قایم مقام او خواهد بود منشی ادارهٔ بلدیه را نیز انجمن بلدیه از میان اعضای اداره بلدیه معین خواهد کرد مدت مأموریت کلانتر واعضای بلدیه چهار سال است در دوره اول بعد از دو سال نصف اعضای بلدیه بحکم قرعه خارج شده وبجای آنها اعضای جدید انتخاب میشوند و بعد از انقضای هر دو سال آن نصف اعضائیکه چهار سال مأموریتشان بسر آمده خارج شده و اعضای جدیده انتخاب میشوند انتخاب اعضای سابق با اکثریت آراء انجمن بلدیه جایز است.

۹۴ـ ادارهٔ بلدیه مکلف است که موافق این نظامنامه و مطابق دستورالعملهای انجمن بلدیه امورشهر را اداره نماید اداره بلدیه صورت صحیحی از کلیه اموال متعلقه بشهر را داشته باشد و امور جاریه شهر را انجام بدهد و پیوسته در صدد فراهم نمودن اصلاح وضع شهر باشد و اطلاعاتیکه برای انجمن بلدیه لازم میشود تحصیل کرده بانجمن مزبور برساند و موافق احکام آن عمل نماید و لوایح جمع وخرج شهر را مرتب کند و مالیات و عوارض شهری را وصول نموده برطبق دستور العملهای انجمن بلدیه که موافق قوانین خواهد بود خرج نماید و در دیوانخانه ها و محاکم عدلیه برای امور شهری مدعی ومدعی‌علیه واقع شود و بجاهای لازم شکایت نماید و با اجازه و دستورالعمل انجمن بلدیه بادارات جزو خود تفتیش و رسیدگی نماید وکلیه حساب و راپورت اقدامات خود را با نتیجه تفتیش و رسیدگی بادارات جزو را بانجمن بلدیه بدهد و راپورتها و حسابهای مزبوره را بطبع رسانده اشاعه دهد.

۹۵ ـ امور داخلی اداره بلدیه و تقسیم کارها در آن اداره موافق دستورالعمل انجمن بلدیه مرتب خواهدشد امورراجعه بادارهٔ بلدیه باکثریت آراء انجام میبابد درصورت تساوی آراء رأی کلانتر اکثریت رامعین میکندولی هرگاه کلانتر رأی اکثریت رامضرمصالح

عموم ومنافع شهر بداند مجاز است که رأی اداره بلدیه را موقوف الاجرا گذارده مراتب را بانجمن بلدیه اظهار کند.

۹۶ــ کلانتر مکلف است که کمال مراقبت را در انتظام امور اداره بلدیه بعمل آورد .

۹۷ــ حاکم حق تفتیش ورسیدگی باداره بلدیه وادارات جزو آن را دارد هرگاه در اعمال اداره بلدیه چیزی مشاهده کند که خلاف قاعده و دستورالعملها باشد حق دارد باداره بلدیه اخطار نماید و در صورتیکه اداره مزبور متنبه نشود مراتب را بانجمن بلدیه اظهار کند وچنانچه انجمن بلدیه بااداره بلدیه همرأی شد مسئله بوزیر داخله تقدیم خواهد شد حکم وزیر داخله برای اداره بلدیه حتمی الاجری است ولی انجمن بلدیه حق دارد مادامی که دیوانخانه ادارات تشکیل نشده بکمیسیونی مرکب ازاعضای شورای ملی وسنا بعدهٔ متساوی شکایت نماید .

۹۸ــ ادارات بلدیه میتوانند عرضحال ومستدعیات خودشان را بتوسط حاکم بوزارتخانه‌های لازمه تقدیم نمایند .

۹۹ــ برای اینکه امورشهری خوب اداره شود انجمن بلدیه حق دارد که کمیسیونهای اجرائی تشکیل کرده بهرکدام رشتهٔ کاری را بسپارد کلیه کمیسیونها در تحت نظارت بلدیه بوده موافق دستورالعملهای انجمن بلدیه رفتار خواهند کرد .

۱۰۰ــ رؤسای کمیسیونها را اداره بلدیه ازمیان اعضای خود انتخاب خواهد کرد واگر اداره بلدیه تصویب نماید که رئیس کمیسیون ازخارج انتخاب شود آن شخص دراداره بلدیه درموقع مذاکره اموراجعه بکمیسیون حاضروصاحب رأی خواهد بود .

۱۰۱ــ هرگاه برای اداره کردن اموال ودارائی شهر اشخاصی لازم شود که اهل خبره وفن باشند اداره بلدیه حق دارد بقدرحاجت این نوع اشخاص را از خارج مستخدم نماید عزل ونصب اجزاء اداره بلدیه ازقبیل محرر ودفتردار وغیره باکلانتر است .

۱۰۲ــ کلانتر ومعاون اوواعضای اداره بلدیه وسایر مستخدمین بلدیه ازخریدن اموال شهر در موارد فروش آنها ممنوعند .

فصل پنجم

در باب مستخدمین بلدیه

۱۰۳ــ هرگاه درانجمن بلدیه شکایتی ازکلانتر یامعاون او ویایکی ازمستخدمین ادارهٔ بلدیه ودوائر جزو آن مطرح مذاقه باشد مستخدمین مزبور نمیتوانند درانجمن حاضر شوند و انجمن بلدیه دراین موارد رئیس ومعاون جدیدی موقتاً انتخاب مینماید .

۱۰۴-- کلانتر و معـاون او و اعضای اداره بلدیه و منشی آن اداره جـزو مستخدمین دولت محسوب خواهند بود . و در ترفیع رتبـه و سایر حقوق حکم مستخدمین دولتی را خواهند داشت .

۱۰۵-- قواعد انفصال مستخدمین فوق الذکر درصورت استعفای آنها قبل از انقضای مدت چهار سال از قرار تفصیل است .

انفصال کلانترها در پایتخت و کرسیهای ایالات منوط باجازه همایونی است انفصال کلانترهـا در شهرهـای متوسط و کوچك و همچنان معاون کلانترها مطلقاً باجازهٔ وزیر داخله است .

۱۰۶-- کلانتر ومعاون او و اعضای اداره بلدیه و اجزای دوائر و انجمنهای جزو آن علامتی موافق نقشه و نمونه که بامضای همایونی رسیده خواهند داشت و ملبوس معینی بترتیب مخصوص بآنها داده میشود .

۱۰۷-- انتخاب کلانتر و معاون او برای مدت چهارسال است تعیین مدت مأموریت منشی اداره بلدیه منوط برأی انجمن بلدیه است .

۱۰۸-- مستخدمین اداره بلدیه که ازخارج دعوت میشوند باید شرایطی را دارا باشند که درباره انتخاب کنندگان اعضای انجمن بلدیه مقید است .

قانون تشکیل ایالات و ولایات و دستور العمل حکام

مصوب ۱۴ ذیقعده ۱۳۲۵

فصل اول

در تقسیم مملکت و تحدید حدود دوائر محلیه

مادهٔ ۱ – مملکت محروسه ایران برای تسهیل امور سیاسی بایالات و ولایات منقسم میشود .

مادهٔ ۲ – ایالت قسمتی از مملکت است که دارای حکومت مرکزی و ولایات حاکم‌نشین جزء است وفعلا منحصر بچهار ایالت است (آذربایجان) (کرمان و بلوچستان) (فارس) (خراسان) .

مادهٔ ۳ – ولایات قسمتی از مملکت است که دارای یك شهر حاکم‌نشین و توابع باشد اعم از اینکه حکومت آن تابع پایتخت یا تابع مرکز ایالتی باشد .

مادهٔ ۴ – در ایالات و ولایات و بلوکات برای ترتیب و تنظیم کلیه امور علاوه بر انجمن ایالتی وولایتی وبلدی که مطابق نظامنامه انجمنهای مذکوره تکالیفشان معین است دوائری تشکیل میشود که بدوائر محلیه موسوم خواهد بود (درمقابل دوائر مرکزیه که عبارت از وزارت‌خانه‌ها است) این دوائر ازحیث وظائف و وسعت قلمرو

و حدود اختیارات از یکدیگر متمایزند چنانکه از حیث وظائف کلیه منقسم میشوند بدوائر اداریه و عدلیه و از حیث قلمرو بدوائر ایالتی و ولایتی و بلوکی و ازحیث اختیارات بدوائر تابعه و متبوعه چنانکه بلوك در اختیارات تابع اداره ولایات است و قریه تابع اداره بلوك.

مادهٔ۵ ـ اختیارات دوائر محلیه کلیةً از این قرار است .

(اولا) عزل و نصب اشخاصیکه تعیین آنها بموجب قوانین بدوائر مزبوره واگذار شده است .

(ثانیاً) نظارت و تفتیش اعمال شعبات جزء .

(ثالثاً) حل و تسویه امور راجعه بآنها و اقدام در اجراء قوانین.

(رابعاً) واسطه بودن در امور مابین دوائر تابعه و متبوعه .

مادهٔ۶ ـ دوائر اداره نیز به دو قسم منقسم میشود اولا دوائر حکومتی ثانیاً شعب وزارت خانه ها کـه قانوناً در ولایات تشکیل شده ـ دوائر حکومتی عبارت است:

(اولا) در ولایات از حاکم و دفترخانه او و ادارهٔ ولایتی یادفترخانهٔ آن وادارات نظمیه شهری .

(ثانیاً) در بلوك از نایب الحکومه و ادارهٔ بلوکی و اداره نظمیه بلوکی .

(ثالثاً) در دهات از کدخدا.

تبصره ـ قوانین و نظامنامه های شعب وزارتخانه ها در ولایات علیحده مرتب و مدون است اصول و فصول قوانین این نظامنامه راجع بتشکیل و ترکیب دوائر حکومتی ولایات و بلوکات و قراء و روابط آن دوائر بادوائر مرکزی و محلی است .

فصل دوم

در تشکیل ولایات (اول - قواعد عمومی)

مادهٔ۷ ـ فرمانفرمایان و حکام بموجب فرمان اعلیحضرت همایونی و تصویب وزارت

داخله بسمت حکومت منصوب و ازحکومت معاف میشوند .

مادهٔ ۸ - درصورت غیبت یا مرض یاعزل یاانفصال حاکم معاون حکومت متصدی شغل اوست وهرگاه معاون حاضر نباشد و یا بجهتی نتواند قائم مقام حاکم واقع شود یکی از رؤسای شعب وزارتخانه از قبیل کارگذاری یا ادارهٔ مالیه یاغیره بموجب قدمت خدمت و تحقق لیاقت کارهای ولایتی را موقتاً موافق قوانین و دستور العملهائیکه برای ولایات وضع شده اداره خواهد کرد .

مادهٔ ۹ - هرگاه حاکم از حدود ولایات خارج نشود وغیبت او فقط از کرسی ولایت برای بلوك گردشی یا انجام یکی از تکالیف مأموریتی او باشد غائب محسوب نتواند شد و حل عقد امور با خود حاکم خواهد بود خاصه اموری که بشخص حاکم محول است درینصورت اگر برای قائم مقام حاکم در تسویه امری اشتباهی حاصل شود یا با اعضای ادارهٔ ولایتی موافقت حاصل ننمایند آن امر را موکول بمراجعت حاکم خواهد کرد و چنانچه غیبت حاکم از شهر متمادی باشد مطلب را بحاکم راپرت خواهد نمود .

تبصره - در مورد مادهٔ ۱۲ معاون یا شخصی که در غیاب حاکم متصدی امر حکومت است کاغذ ها را بعنوان مدیری امضاء میکند و در مورد مادهٔ ۱۳ بسمت نیابت .

(دویم - دروظایف حکام بطورعمومی)

مادهٔ ۱۰ - چون ازطرف دولت امور ولایت بعهدهٔ کفایت و صداقت حاکم که رئیس ولایت است محول شده حاکم باید بیش ازهمه درحفظ منافع ومصالح دولت و ملت و اجرای قوانین و نظامنامه‌ها و دستورالعمل‌های ادارات متبوعه و قراردادهای انجمنهای ولایتی وبلدی بکوشد وفواید مملکت ومنافع اهالی را درنظرداشته باشد و

احتیاجات آنها را بفهمد و با اختیاراتی که بحکام داده شده امنیت و رفاهیت قاطبهٔ اهالی رافراهم آورد وقوانین وقواعدی‌که برای نظم وآسایش عمومی ایجاد شده‌است بموقع اجراگذارده وهمچنان برعهده حاکم است‌که درتهیه اسباب حفظ الصحه ووفور ارزاق و آذوقه در ولایات بکوشد وناظر اجرای‌کلیه قوانین ودستورالعمل‌های راجعه بادارات محلیه که درقلمرو ولایت تأسیس شده باشد .

مادهٔ ۱۱ – چون حاکم نمایندهٔ دولت‌است درولایت ونظارت‌تمام امورکشوری بعهدهٔ او تعلق میگیرد لهذا حق دارد که بی‌مقدمه بتمام دوائرکشوری سرکشی نماید حدود این حق حکام بعضاً دراین قوانین مقید وبعضاً در نظامنامه‌های راجعه بشعبات وزارتخانه‌ها مندرج است .

مادهٔ ۱۲ – حکام بـاید در امر انتخابات وکلاء دارالشورای ملی و منتخبین انجمنهای ایالتی وولایتی و بلدی نهایت جد وجهد را منظور دارند و ناظر باشند که انتخابات مذکوره مطابق نظامنامهٔ انتخابات از روی‌کمال صحت بعمل‌آید و درصورت تجدید انتخابات لوازم سهولت وسرعت‌آنرا بعمل‌آورند ودر موردیکه یکی از وکلاء یا منتخبین ازسمت عضویت منفصل شودیا فوت‌کند پس ازاطلاع فوراً امر بتجدید عضو دیگری بجای اونمایند.

مادهٔ ۱۳ – چون حکام ناظر نظم وترتیبند حق دارند بمواد شکایات متظلمین نظرکنند اگر امور آنها در جائی برخلاف قوانین موضوعه معطل و معوق مانده باشد درسرعت آن اقدام نمایند وکار صاحبمنصبان ومستخدمین ادارات محلیه را درصورت نقض قوانین موضوعه ویا ارتکاب آنها باعمال شنیعه و جنحه وجنایات موافق قوانین بمحاکم عدلیه رجوع نمایند ودر مواقع لازمه توجه ادارات متبوعه آنها را باکمال‌و اتمام عمل‌آنهامعطوف دارندکه رسیدگی‌لازم بعمل‌آیدولی خودحاکم وجهاً من‌الوجوه نمیتواند شخصاً محاکمه نماید و نه درمحاکمه طرف واقع شود .

مادهٔ ۱۴ ـ حاکم باید پیوسته درصدد آبادی ولایت و رفاهیت اهالی بوده و چنانچه اقداماتی لازم شود که خارج از تکالیف او باشد اگر جزء وظائف انجمنهای ولایتی و بلدی است بآنها اطلاع دهد و الا بادارات متبوعه راپورت کند وکلیه راپورتهای صحیح ازاقدامات خودواحتیاجات اهالی ووضع امورولایتی بوزارتخانه‌های لازمه بفرستند .

مادهٔ ۱۵ ـ حکام مکلفندکه مواظبت تامه را دراعلان وانتشارقوانینی که وضع شده واعلام نامه‌ها و دستورالعملهای رؤساء و احکام ادارات متبوعه و غیره درصورتیکه اطلاع قاطبهٔ اهالی ازمفادآنها لازم است بعمل آورند .

مادهٔ ۱۶ ـ هرگاه حکام مشاهده نمایندکه برخلاف قوانین موجوده اقدامی میشود بایدبلاتأمل مانع آن اقدام شده بموجب قوانین درصددسیاست وتنبیه مقصرین برآیند وکلیه باید مراقبت نمایندکه امور اداره ولایتی و ادارات تابعه درجریان قانونی تحت نظم و ترتیب باشد و هراداره امور محوله بخود را .

مادهٔ ۱۷ ـ حکام حق دارندکه درموارد فوق‌العاده ویادرموقعی که امرمهمی مورد مذاکره باشد مجلسی درتحت ریاست خوداز رؤسای کلیه دوائر محلیه تشکیل دهنددر این مواقع حکام صورت مجلس ورأی آنرا بوزارتخانه‌که مرجع آنکار است میفرستند ودرصورت لزوم کسب تکلیف مینمایند این نوع مجالس را نمیتوان بدون جهت تشکیل کردفقط وقتی صورت لزوم خواهد یافت که اشتباه وتردیدی درمعنی قانون ویااشکال در امرمهمی روی دهد واطلاع وزارتخانه‌ها ازاشتباه واشکالی که پیش آمده لازم باشد(رجوع بمادهٔ ۱۴۱) شود .

مادهٔ ۱۸ ـ چنانچه باداره ولایتی ازدوائر جزء وتابع آن اخبار شودکه شك و شبهه درموقع اجرای قانونی حاصل شده ویا اشکالی دراجرای احکام پیش آمده حاکم مکلف است مراقبت نمایدکه موافق ترتیبی که درمادهٔ (۱۵۸) مذکوراست این نوع امور

فوراً دراداره ولایتی مطرح مذاکره شود هرگاه اداره ولایتی نتواند توضیحات لازمه رابدهد وخودش هم تردید یااشتباهی درمعنی قانون حاصل نماید باید حاکم یارأی اداره ولایتی را بوزارتخانه لازمه فرستاده توضیحات ورفع اشکال را بخواهد ویا در صورت اهمیت مسئله مجلسی راکه درمادهٔ (۱۴۷) مذکور است منعقد داشته وموافق مدلول آن ماده رفتار کنند .

مادهٔ ۱۹ ــ چون حکام مسئول نیك وبد امور قلمرو خودهستند باید مواظب باشندکه انجمنهای ولایتی و بلدی ازحدود وظایف خود خارج نشوند و همچنین کمال مراقبت رادر صحت انتخابات مستخدمینی که تعیینشان بعهده حکام واگذار شده داشته باشندواطلاعات لازمه راقبل از وقت درباب خدمت سابق اشخاصی که میخواهندمستخدم شوند ونیز درباب اخلاق ورفتار وکردار آنها تحصیل نمایند وکلیه مراقبت کنندکه اشخاصیکه داوطلب استخدام هستند مسبوق بارتکاب جنحه و جنایات و قباحت نبوده دارای اخلاق پسندیده ولایق کاریکه بآنها رجوع میشود باشند .

مادهٔ ۲۰ ــ چنانچه دوایر ادارهٔ محلیه بخواهند بموجب اختیاراتیکه بآنها داده‌شده مستخدمین جدیدی معین کنندیا مستخدمین سابق‌را بمشاغل جدیدی برگمارند یاازجائی بجای دیگری مأمور نمایند حکام میتوانند در موردعدم‌لیاقت‌مستخدمین مزبوره مراتب‌را بادارات مرکزی اطلاع دهند .

مادهٔ ۲۱ ــ حکام برای تشویق مستخدمین و اجزای لایق قابل خود میتوانند برطبق قوانین بآنها رفعت رتبه وانعام بدهند ویا استدعای ترفیع رتبه واعطای منصب وامتیاز ازدولت‌نمایند ومکلفندکه قوانین راجعه بخدمت دولتی وترفیع رتبه و اعطای مناصب وامتیازات راصحیحاً بموقع اجراگذارند .

مادهٔ ۲۲ ــکلیه مستدعیات ادارات‌محلیه‌در ترفیع رتبه‌واعطای مناصب‌وامتیازات درباره مستخدمین جزوباید بتوسط‌حاکم بوزارتخانه لازم تقدیم‌شودولی صاحب‌منصبان

ومستخدمین ادارات عدلیه و تفتیش از این قاعده مستثنی خواهند بود .

مادهٔ ۲۳ – حکام باید مواظب باشند که مرخصی موقتی ارباب مناصب ومستخدمین ادارات واجزای دفتر خانه‌ها وانفصال آنها ازخدمت موافق قواعدی باشد که ایجادشده وبتوسط اشخاصی باشد که حق اینگونه اقدامات رادارند و هر گاه حکام مشاهده کنندکه مستخدمین فوق‌العاده غایب میشوند اخطارات لازمه رادراین باب بآنها بنمایند واگر پندو نصیحت آنها اثری نبخشید و وضع وحالت این نوع مستخدمین طوری باشدکه درسرخدمت مرتباً نتوانند حاضر شوند باید حکام بمراکز متبوعه اطلاع دهند .

مادهٔ ۲۴ – حاکم مواظبت مخصوصی خواهدداشت که درحدود ولایتی که بریاست اومحول شده هیچگونه اغتشاش وبی‌نظمی اتفاق نیفتد مخصوصاً مراقب افعال واعمال صاحب منصبان ومستخدمین جزوحکومت خواهد بود و هرگاه‌ازیکی ازارباب‌مناصب‌و مستخدمین جزوآشکارا مسامحه یاسوءرفتار یااعمال‌شنیعه‌سرزند ویاآنکه ازاختیاراتی که‌بآنها داده شده تجاوز نموده باشند حاکم بتوسط ادارهٔ ولایتی بعدازپند ونصیحت امر بمؤاخذه وتنبیه وسیاست آنها خواهدکرد .

حدود مؤاخذه و سیاست دراین موارد ازقرار تفصیل است (۱) توبیخ و ملامت (۲)کسر گذاشتن مقرری ومواجب (۳) تنزل دادن ازشغل اعلی بـه اسفل (۴) انفصال مقصر ازشغلی‌که دارد .

تبصـره –کسر مواجب ومقرری حدی داردکه نباید ازآن تجاوز نماید وآن ثلث مواجب یامقرری سالیانه شخص مقصر است .

مادهٔ ۲۵ – حاکم‌حق انفصال ازشغل وکسر گذاشتن از مقرری یامواجب مقصر وتنزل دادن ازشغل اعلی باسفل رافقط نسبت بصاحب منصبان و مستخدمینی داردکـه تعیین‌آنها بموجب قوانین باختیار حاکم محول شده وهرگـاه اجرای سیاست مزبوره دربارهٔ صاحب منصبانی لازم شودکه ازوزارتخانه‌هاومقامات عالیه معین شده‌اند حاکم

مراتب را باکلیه اطلاعات و توضیحات بوزارت یا بمقامات لازمه خواهد فرستاد (رجوع به مادهٔ ۳۹۴) .

مادهٔ ۲۶ ـ هرگاه تقصیر مقصر بقدری اهمیت داشته که اجرای سیاسات مذکوره درمادهٔ (۲۴) کافی نباشد بعد از تحقیقات لازمه دراداره ولایتی کار این نوع مقصرین بمحکمهٔ عدلیه رجوع خواهد شد (رجوع بمادهٔ ۳۹۳) .

مادهٔ ۲۷ ـ هرگاه حاکم مسامحه یا تقصیرات جزئی درخدمات مرجوعه ازطرف مستخدمین بلوکی ودهات مشاهده کند حق دارد که موافق مادهٔ ۲۴ آنها را تنبیه و سیاست نماید ـ امادرباب مباشر دهات حاکم حق دارد فقط موقتاً اورا ازشغل خودش انفصال داده باداره بلوکی تفصیل تقصیر او را اطلاع بدهد که اداره مزبوره با اداره ولایتی در این باب مذاکره کرده یا مباشر رابکلی ازشغل خودش خلع نمایند و یا بمحکمه عدلیه بفرستند .

مادهٔ ۲۸ ـ چون حاکم نماینده دولت است در ولایت تمام صاحب منصبان و مستخدمین ولایتی چه آنهائیکه دراداره حکومتند وچه اشخاصی که درسایر دوائر محلیه خدمت مینمایند خواه در تحت ریاست حاکم باشند خواه نباشند باید قطع نظر از رتبه و منصب وقدمت خدمت وغیره نسبت به حاکم احترامات لازمه را بعمل آورند وهرگاه حاکم آنهارا برای مذاکره درامری احضار نماید حاضر شوند .

مادهٔ ۲۹ ـ حدود حقوق وتکالیف حکام را سمت آنها معین ومشخص میکند یعنی چون حکام آلت اجرائیه‌اند بهیچوجه حق ندارند قانون یاقرار جدیدی بگذارند یامالیات وعوارض جدیدی وضع نمایند ویا در احکام محاکم عدلیه تغییری بدهند ویا بالاخره ازاجرای قوانین موضوعه خودداری کنند .

مادهٔ ۳۰ ـ حکام بایدسعی نمایندکه همیشه اطلاعات صحیحه کافیه ازوضع ولایتی که قلمرو مأموریت آنهاست داشته باشندیعنی ازعدهٔ نفوس ووسعت خاك ولایت و ثروت

طبیعی آن ومقدار زراعت‌ها وچمنها وجنگلها وازچگونگی شغل و حرفت وصنایع و معادن وتجارت ولایتی ووضع مساجد وابنیه خیریه وعمارات عتیقه ودارالمساکین و مریضخانها وازانتشار معارف واخلاق وعادات اهالی وعده جنحه وجنایاتیکه اتفاق میافتد وکلیه اطلاعاتی‌که اوضاع واحوال ولایت واهالی آنرا نشان میدهد .

مادهٔ ۳۱ ــ برای جمع‌آوری این اطلاعات درهرولایتی درتحت ریاست‌حاکم هیئتی تشکیل میشود موسوم بهیئت احصائیه (استاتیستیك) حاکم باید مراقبت نمایدکه احصائیه مزبوره مرتباً کار نماید .

مادهٔ ۳۲ ــ نتیجه اقدامات احصائیه رابعد از تدقیق حاکم بوزارت داخله ارسال میدارد وهنگام مسافرت یاعبور موکب‌همایونی ازولایتی حاکم ولایت‌مختصری ازاطلاعات هیئت احصائیه راکه مفید و جامع باشد با راپورت خودکتباً تقدیم حضور مبارك همایونی مینماید .

مادهٔ ۳۳ ــ حکام‌باید مواظبت مخصوصی دربارهٔ تبعهٔ خارجه‌که مقیم ولایتی هستند یاازآن ولایت عبور مینماید داشته باشند ودر امور تجارتی وسایر اموری‌که مضربحال دولت وملت نیست موافق قوانین موضوعه وعهدنامه‌هاحمایت لازم‌را درموارد مقتضیه ازآنها بنمایندکه ازامنیت ورفاهیت‌عمومی‌متمتع باشند ونیز باید مراقبت‌نمایند که‌بتذکره های‌تبعهٔ خارجه همیشه بتوسط ادارهٔ نظمیه رسیدگی شودکه مجهول‌الحال نباشند تبعه خارجه‌فقط بحکم محکمه عدلیه بارعایت مدلول عهود میتوانند ازخاك ایران تبعید شوند هرگاه حاکم مشاهده‌کندکه اقامت اتباع خارجه‌در ولایتی بواسطه سوء رفتار وکردار آنهامضر است باید مراتب رابه وزارت خارجه اطلاع داده وموافق دستورالعمل های‌آن ادارات رفتارکنند .

مادهٔ ۳۴ ــ یکی ازمشاغل عمده حکام این است‌که مراقبت مخصوص درقلع وقمع چیزهائیکه موجب‌فساد اخلاق اهالی میشود ازقبیل‌قمارخانه‌هاوغیره بعمل‌آورند

وبجهت نیل باین مقصود ادارهٔ نظمیه وضبطیه بلوکی وغیره‌را حاکم مأمور مینماید که درموارد اجتماع اهالی درنقطه مخصوصی مراقبت درحفظ نظم وامنیت داشته باشندو ازاعمال شنیعه ممانعت نمایند ومقصررا دنبال‌کنند ـ ولی باید دستورالعمل های‌حاکم دراین باب طوری روشن وواضح وموافق قوانین موضوعه باشدکه‌این مأموریت ادارات نظمیه وضبطیه مبدل باجحاف وتعدی وهتك ناموس نشود .

مادهٔ ۳۵ ـ حکام‌باید اسباب امنیت جان ومال اهالی‌را ازهرحیث چه‌درشهرها ودهات وچه‌درطرق وشوارع فراهم آورند چنانچه دزدان‌وقطاع‌الطریق‌درنقطه‌ای‌از نقاط ولایت پدیدآیند وادارات نظمیه وضبطیه ازقلع وقمع آن‌عاجز باشند بایدحاکم فوراً اقدامات مؤثره سریعه رابعمل آورده مأمور مخصوصی برای انجام این مأموریت بمحل لازم روانه‌کند ودرصورت لزوم بقوای نظامی ولایتی رجوع نماید . برای‌حفظ وامنیت راهها درصورت عدم‌کفایت قراسوران حکام‌با تصویب ادارات نظمیه و ضبطیه امربه تشکیل دسته مستحفظین سواره ازاهالی وسکنه‌محل مینمایند وباید به پست و کاروانی‌که حمل مال‌التجاره وپول مینماید مستحفظ بدهند .

مادهٔ ۳۶ ـ هرگاه درشهر یا دهی اغتشاشی روی دهد ومردم اوامر قانونی حکومت‌را اطاعت نکردند باید حاکم بدون فوت وقت شورشیان راپند و نصیحت ویا توبیخ وملامت نماید اگر مؤثر واقع‌نشد قشون ولایتی راخواسته بازشورشیان رابه‌پند ونصیحت متنبه واتمام حجت‌نماید وهرگاه بازنتیجه‌حاصل نشدحاکم یاکسیکه ازطرف حاکم مأمور است بقوهٔجبریه اغتشاش رابرطرف مینماید ومحرکین اغتشاش وشورش‌را بمحکمه عدلیه میفرستد بعد از این اقدامات باید حاکم مواظبت نماید اشخاصی‌که متنبه شده پشیمان شده‌اند مجدداً بواسطه سوء اقدامات مأمورین ویا سختی بی‌موقع بحالت اغتشاش عودت ننمایند وکلیه اقداماتی از طرف مأمورین بعمل آیدکه باعث تسکین قلوب و رفع هیجان عامه شود هرگاه ماندن قشون درمحل لازم باشد امرحاکم درآن باب صادرخواهد شد .

تبصره ـ تکالیف حکام و مأمورین کشوری در وقت احضار قشون برای کمک بحکومت علیحده مرتب ومنضم باین ماده است

مادهٔ ۳۷ ـ درولایات سرحدی حکام مکلفند که نظارت مخصوصی نسبت بادارات نظمیه‌ولایتی وضبطیه بلوکی داشته باشندکه‌حتی المقدور فراری‌های نظامی ومقصرین مدنی واشخاصی که جنایت کرده‌اند از دولت همسایه به خاك ایران نگذرند وکسی قدرت پذیرفتن آنهارادرخاك‌ایران نداشته باشدهرگاه باوجودمراقبت‌لازمه‌این نوع‌اشخاص درخفاداخل‌خاك‌ایران‌شوندحاکم بعداز حصول‌اطلاع موافق‌مدلول عهود وقرارنامه‌هائی که در این‌باب با دول‌خارجه منعقد شده‌ویادستور العمل وزارت خارجه اقدام‌مینماید

مادهٔ ۳۸ ـ حکام مراقبت لازمه را خواهند داشت نسبت به اشخاصی که در تحت نظارت ادارات نظمیه وضبطیه هستندکه نه سستی از طرف ادارات مزبوره بعمل آید و نه سختی .

مادهٔ ۳۹ ـ یکی از تکالیف حکام مراقبت و مواظبت لازمه است که در قلمرو مأموریت آنها انجمنهائیکه مخالف قوانین موضوعه است تشکیل‌نشود.

مادهٔ ۴۰ ـ درصورتی‌که حکام مشاهده‌کنندکه اقدامات انجمنی یاحوزه‌مخالف اصلی از اصول قانونی‌بوده‌تولید فسادی میکند یاقسمتی ازاهالی‌را برقسمتی میشوراند وباعث‌فسادو تخریب اخلاق میشود پس از تحقیق‌حق‌داردآن انجمن‌یاحوزه را تعطیل کند و در صورت عدم فرصت واحتمال خطر وفساد عاجل حاکم حق داردکه فوراً آن انجمن را تعطیل نماید تارسیدگی لازم درمحکمه عدلیه‌بعمل‌آید دراین مواردحاکم باید مراتب را بوزارت داخله ووزیر مسئول‌اطلاع دهد

سوم وظایف حکام

در باب آذوقه اهالی و امور داخلی واجتماعی ولایت

مادهٔ ۴۱ ـ وظایف حکام دراین باب از قرار تفصیل است :

(اولا) مراقبت درامر آذوقه وارزاق اهالی

(ثانیاً) مراقبت دراینکه ابنیه جدیدالاحداث شهرها و دهات موافق قوانین موضوعه تأسیس شوند

(ثالثاً) وقایه امنیت درحدودولایت وحفظ رفاهیت وآسودگی اهالی

(رابعاً) تشویق اهالی باقدامات عام‌المنفعه

(خامسا) مساعدت‌لازمه (بقدری که درقوه واستطاعت حاکم است) در بیشرفت زراعت وحرفت و صنایع و تجارت ولایتی

مادهٔ ۴۲ ـ اقداماتیکه از طرف حکام برای و فورآذوقه و ارزاق میشود بردو نوع است عمومی وخصوصی

مادهٔ ۴۳ ـ اقدامات عمومی‌که راجع به‌پیشرفت امر زراعت و جلوگیری و ممانعت از چیزهائی‌که مخل امر محصولات زراعتی و ارزاق است باید همیشه درمد نظرحکام باشد بخصوص وقتی‌که درتمام ولایات یاقسمتی از آن احتمال قحطی برود

مادهٔ ۴۴ ـ ماحصل اقدامات عمومی آنست که حاکم باید مراقبت مخصوص بعمل‌آوردکه گندم و سایر ارزاق بدون ممانعت در تمام‌ولایت بآزادی وقیمت عادله خریدوفروش شود وکسی احتکار ننماید

مادهٔ ۴۵ ـ اقدامات خصوصی آنکه حکام اطلاعات لازمه را درباب نرخ‌ارزاق وآذوقه از ادارهٔ بلدیه تحصیل مینمایند و نه فقط بتوسط ادارات نظمیه و ضبطیه و بلدیه حکام مواظب تعدیل نرخ وعدم کم فروشی و صحت اکیال واوزان میباشند بلکه خودشان‌هم درموردلازمه حق‌دارندبتوسط مأمورین‌مخصوصی باین‌امور رسیدگی‌نمایند

مادهٔ ۴۶ ـ هرگاه عمارت یاخانه راکسی بدولت و یابشهری واگذار کند حاکم مکلف است مراتب را بوزارت داخله و وزاتیکه ازآنخانه یاعمارت استفاده خواهدکرد اطلاع دهد

مادهٔ ۴۷ ـ هرگاه آثار عتیقه در ولایت باشد و یامجدداً کشف شود حاکم مکلف است که مراتب رامفصلا بوزارت داخله اطلاع بدهد

مادهٔ ۴۸ ـ حاکم باید مراقبت نماید که ادارات اطفائیه درکمال نظم و ترتیب بوده قواعد راجعه باین اداره تماماً بموقع اجراء گذارده شود اگر شهری استطاعت ترتیب ادارهٔ اطفائیه رانداشته باشد حاکم می تواند درصورت لزوم بتوسط وزارت داخله استدعای وجه اعانه ازدولت برای دایر نمودن ادارهٔ اطفائیه در آن شهر بنماید و آن وجه اعانه را باطلاع انجمن ولایتی بمصرف مذکور برساند

چهارم دروظایف حکومت نسبت بحفظ الصحهٔ عمومی

مادهٔ ۴۹ ـ وظایف حکام در این باب آنستکه مراقبت لازمه را در اجرای نظامنامه طبی و حفظ الصحهٔ داشته باشند وساعی باشند که با قدامات صحیه سریعه در امراض مسریه و امراض سریع الانتشار جلوگیری شود لذاهمینکه خبر حدوث چنین مرضی از دوائر جزو حکومت و یا ازمحل موثقی رسید حاکم باید رسیدگی و معلوم نماید کهچه نوع اقدامات برای جلوگیری از انتشار مرض بعمل آمده و علاجی که شده استکافی است یانه بعدپس از مشاوره باطبیب حافظ الصحه ولایتی اگر لازمشودحاکم مأمور مخصوصی باچندنفر طبیب و معاون طبی وادویه وآلات واسباب طبی روانه محل آلوده بمرض وجاهای لازمه مینماید وهرگاه صلاح بداند چندنفر اجزای لازم راهم بامأمور مخصوص روانه میکند بعداز این اقدامات درصورت لزوم خودحاکم به محل ناخوشی رفته شخصاً تحقیقات لازمه را مینماید و هرگونه اقدام مجدانه کهٔ مقتضی باشد بعمل میآورد و بتوسط مأموری مخصوص حکام ولایات همجوار را مطلع میدارد

مادهٔ ۵۰ ـ حکام حق نظارت مخصوصی نسبت بمریضخانه‌های شهری و بلوکی و

دهات وهمچنان مریضخانه‌های محبسها وغیره دارند وخواه هنگام محال گردشی خواه در غیراین موقع رسیدگی بمریضخانه‌ها را غالباً بطبیب حافظ الصحه ولایتی یا بمعاونین او می‌سپارد .

پنجم وظایف حکام

نسبت بوصول شدن مالیات دولتی وعوارض محلی

مادهٔ ۵۱ – حکام باید مراقبت تامه داشته باشند که مالیات و عوارض دولتی بموجب قوانین موضوعه در موقع خود بتوسط کارگذاران مالیه وصول و ایصال شود و بعلاوه باید نظارت صحیح نسبت بوصول و ایصال عوارضی که برای مخارج محلیه از بلدیه وغیره اخذ میشود داشته باشند

ششم در وظایف حاکم نسبت باداره‌ٔ مالیه

مادهٔ ۵۲ – نوشتجاتیکه محتاج بامضای حاکم یا بتصویب او است و نزد حاکم فرستاده میشود یا بامضای حاکم میرسد ویا درصورت عدم تصویب مشارالیه عقیده خودرا باداره‌ٔ مالیه اظهار میدارد

مادهٔ ۵۳ – حاکم فهرست کارهای تمام شده راکه ازادارهٔ مالیه برای او درآخر هرسال میفرستند ملاحظه نموده هرگاه تعویقی یاتعطیلی در جریان امور آن اداره مشاهده کند فوراً بوزارت مالیه راپورت میدهد

مادهٔ ۵۴ – هرگاه حاکم بی‌نظمی یا اغتشاشی در ادارهٔ مالیه مشاهده کند باید فوراً باداره‌ٔ مزبوره ملاحظات خود را اخطار نموده مراتب را بوزارت مالیه اطلاع دهد واگر رفع بی‌نظمی نشد باز باوزارت مالیه را مطلع نموده توجه آن وزارت را بمسئله لازمه معطوف دارد ولی حاکم حق ندارد رأساً اجزای اداره محاسبات را تنبیه یا سیاست نماید

هفتم ــ در وظایف حکام نسبت باداره خالصجات

مادهٔ ۵۵ ـ حکام مراقبت تامه خواهند داشت که اداره خالصجات و مستخدمین و اجزای آن اداره تکالیف خود را موافق قوانین و دستورالعملهای راجعه بآن اداره بعمل آورند و امور آن اداره موافق قوانین و دستورالعمل های وزارت مالیه مرتب باشد هرگاه حاکم مشاهده کندکه ازطرف اداره یایکی ازمستخدمین آن اداره ازحدود مقرره تجاوز میشود باید مراتب را بوزارت مالیه اطلاع داده درخواست اقدامات لازمه را برای رفع بی نظمی بنماید.

مادهٔ ۵۶ ـ حکام باید مراقبت مخصوصی نسبت به جنگلهای دولتی داشته آنهارا حفظ نمایند وهرگاه برخلاف قواعدیکه برای حفظ جنگلها ایجاد شده است اقدامی ملاحظه نمایند باید بدون فوت وقت ممانعت نموده مراتب را بوزارت **مالیه** اطلاع بدهند.

مادهٔ ۵۷ ـ حکام درراپورت های خودکه بمقامات عالیه میدهند بایدهمیشه وضع خالصجات ولایتی رامفصلا بنویسند و هرگاه اداره خالصجات منظم و مرتب و مستخدمین آن در اجرای تکالیف خود ساعی باشند حاکم میتواندکه ازوزارت مالیه خواهش امتیازی برای مستخدمین آن اداره بنماید.

مادهٔ ۵۸ ـ نرخ فروش هیزم جنگل دولتی را که اداره خالصه جات درهر سال معین وبه وزارت مالیه میفرستد باید قبل ازوقت بنظر حاکم برسد.

هشتم - در وظایف حاکم نسبت بتحویلخانه‌ها

مادهٔ ۵۹ ـ حاکم دروقت بلوک گردشی وهمچنان هروقتی که لازم بداند حق‌دارد پولی که دردوائر محلیه (ولایتی وبلوکی) موجود است تفتیش نماید وهمچنان حق‌دارد

که بکلیه اموال متعلقه بآن ادارات رسیدگی نموده معلوم داردکه عایدات دولت بدون حیف ومیل وارد صندوق میشود یا نه ومقدار بقایا چقدر است تمـام اطلاعات خودرا دراین باب حکام باید بوزارت مـالیه راپورت کنند بعلاوه این اقدام حکام مکلفندکه اطلاعات خودرا درتفتیش صندوق ادارات باداره مالیه نیز اعلام نمایندکه اقدامات مقتضیه از طرف آن اداره بعمل آید و اگر اغتشاش یـا بی نظمی روی داد جلوگیری کامل بعمل آورند .

مادهٔ ۶۰ ـ حکام بایدسالیانه بوزارت داخله راپورتی تقدیم نمایندکه درآن راپورت اطلاعات راجعه به‌اخذ مالیات و بقایا وکذلك مقدار بقایائی‌که لاوصول مانده و جهت‌وصول نشدن بقایا وکلیه اقداماتیکه برای اخذ مالیات و وصول شدن آن از طرف حکومت بعمل‌آمده‌است‌توضیح وتصریح‌شده باشدراپورت مزبورمبتنی براطلاعات خود حاکم‌که دروقت بلوك‌گردشی تحصیل‌کرده است و اطلاعات ادارهٔ ولایتی وادارات نظمیه خواهد بود.

نهم - دروظایف حکام نسبت باداره علوم ومعارف

مادهٔ ۶۱ ـ حکام مکلفند که مراقبت مخصوصی نسبت بمکاتب ابتدائیه داشته بی‌خبر به‌این نوع مکاتب وهمچنان بمدارس متوسطه و عالیه (درصورتیکه بـاشد) سرکشی نمایند و هرگـاه از قوانین و دستورالعملها و دستور تعلیمات راجعه بمعارف تخلف میشود مراتب رابوزارت معارف اطلاع دهند وباداره معارف ولایتی نیزاخطار نمایندبعلاوه این اقدامات حکام بایدمساعدت وهمراهی‌لازم راباداره معارف دراشاعه معارف نمایند .

دهم ـ در وظایف حکام

نسبت بادارات زراعت وفلاحت و معادن وجنگلها و گمرك وپست و تلگراف وغیره

مادهٔ ۶۲ ـ حکام مکلفندکه درمواردیکه این ادارات بتقویت وهمراهی حکام محتاجند موافق قوانین موضوعه ودستورالعملهای رؤسای آنهاکمال مساعدت وهمراهی را ازآنها بنمایند ونیز برعهده حکام است بهاندازهٔکه درقوانین ونظامنامه‌های این ادارات معین شده است مراقبت ومواظبت نمایندکه بخزانهٔ دولت ضرری وارد نیاید ورفع موانع واشکالات واشتباهات بعمل آید .

مادهٔ ۶۳ ـ حکام حق‌دارندکه ادارات مذکوره درمادهٔ قبل را سرکشی نمایند بدون اینکه حق مداخله درامورآن ادارات داشته باشند ونمیتوانند رأساً اجزای آن ادارات را تنبیه یا سیاست نمایند ولی درصورتیکه اغتشاش یا بی‌نظمی درآن ادارات مشاهده‌کنند مکلفند فوراً مراتب را برؤسای بلاواسطه آن اداراتکه در محل هستند اخطار نمایند و اگر نتیجه مترتب نشد مراتب را بوزارت متبوعه آن اداره و وزارت داخله راپورت نمایند .

یازدهم ـ در وظایف حکام

درصورت رجوع کارصاحبمنصبان و مستخدمین و اجزای دوایر ادارهٔ بمحاکم عدلیه

مادهٔ ۶۴ ـ حدود تکالیف حکام درباب جلب مستخدمین واجزای دوایراداره

بمحاکم عدلیه در نظامنامهٔ محاکمه جنایتی مفصلا مندرج است (رجوع بمادهٔ ۳۹۱ـ۳۹۵)

دوازدهم - در وظایف حکام

نسبت باداره جنگ

مادهٔ ۶۵ ـ تکالیف حکام نسبت باداره نظام از قراری است که در نظامنامه خدمت نظامی وسایر قوانین و نظامنامه‌های نظامی مندرج است قواعدی که باید در موقع احضار واستعمال قشون (رجوع بمادهٔ ۳۶) ودر باب روابط صاحبمنصبان کشوری ولشکری باید مراعات شود جداگانه مرتب ومنضم بمادهٔ ۳۶ خواهد بود .

سیزدهم - در وظایف حکام

نسبت بکار گذاریهای خارجه

مادهٔ ۶۶ ـ کارگذاریهای امور خارجه مقیم ولایات در روابط حکام یاقنسولگریهای خارجه مقیم ولایات واسطه‌اند لهذا تمام امور خارجه در روابط حکام یا قنسولگریها باید باطلاع کارگذارها باشد و همچنان اجرای عهدنامه‌ها و قرارنامه‌های بین الملل باندازهٔ که راجع بتبعه خارجه است باید بواسطه و باطلاع کارگذاریها باشد حکام کمال همراهی ومساعدت را از کارگذاریها در اجرای تکالیف آنها که مبتنی بعهدنامه‌ها و قراردادها و نظامنامه‌ها ودستورالعمل‌های آنها است خواهند نمود ازطرف دیگر حکام حق دارند که درصورت لزوم بامور کارگذاریها سرکشی نموده و هرگاه اغتشاشی یا بی‌نظمی مشاهده کنند مراتب رافوراً بوزارت خارجه اطلاع دهند وهرگاه راپورت آنها منتج نتیجه نشد مجدداً توجه مقامات عالیه را به راپورتهای سابقه خود جلب نمایند ولیکن حکام حق ندارند که کارگذار یا اجزای کارگذاری را تنبیه وسیاست کنند .

چهاردهم - دروظایف حکام

هنگام تحویل گرفتن و تحویل دادن ولایات

مادهٔ ۶۷ ـ حاکمی که ازشغل خود منفصل میشود باید اوضاع امور ولایتی را باکلیهٔ اطلاعات راجعه بولایت مشروحاً بوزارت داخله وبفرمانفرما (درصورتیکه ولایت جزو ایالتی باشد) تقدیم نمایدو نسخه‌ای‌هم بحاکم جدید بدهد .

مادهٔ ۶۸ ـ هرگاه انفصال حاکمی از ولایت قبل از ورود حاکم جدید باشد حاکم منفصل بایدکلیه اطلاعات خود را بقائم‌مقام حکومت بدهد واو هم بعد ازورود حاکم جدید راپورتی‌که حاوی اطلاعات حاکم سابق واطلاعاتی است‌که خود اودرزمان مدیری تحصیل‌کرده بحاکم جدید بدهد حاکم جدید هم بعد از مباشرت بشغل خود باید راپورت اطلاعاتی راکه ازحاکم قبل باو رسیده با ملاحظات خود بوزارت داخله ویا بفرمانفرما بدهد (درصورتیکه ولایت جزوایالتی باشد) .

مادهٔ ۶۹ ـ درراپورتی‌که حاکم منفصل وحاکم منصوب میدهند باید مواد ذیل مندرج باشد(اولاً) اموری‌که تسویه نشده ـ (ثانیاً) وضع دفترخانه حاکم (ثالثاً) وضع اداره ولایتی (رابعاً) حالت ادارات اطفائیه شهرهای ولایتی وبلوکی ـ (خامساً مقدار) بقایائیکه لاوصول مانده ـ (سادساً) خیالاتیکه حاکم منفصل در اصلاح وضع‌وامور ولایتی داشته وخیالاتیکه حاکم منصوب دارد ـ (سابعاً) وضع نرخ ارزاق و وفور یا قحطی آذوقه .

مادهٔ ۷۰ ـ درباب دفترخانه حاکم باید مطالب ذیل (درراپورت حاکم منفصل و جدید) تصریح شده باشد اولاً اموری‌که راجع بدستورالعمل‌هـای مقامات عالیه و وزارتخانه‌ها است ـ ثانیاً کلیه‌اموری‌که بموجب مراسلات وراپورتهای سایردوایردولتی

ومملکتی وشکایات واحکام خودحاکم شروع شده .

تبصره - ازکلیه این کارها آنچه محرمانه است بایدمجزی شده علیحده نوشته شود.

مادۀ ۷۱ - آنچه باید از امور اداره ولایتی درراپورت فوق الذکر نوشته شود ازقرارذیل است حاکم منفصل دفعه آخر که دراداره ولایتی حاضر میشودکتابچه ای ترتیب داده در آن کتابچه معین میکند چقدر از اموریکه راجع بمجلس وزراء و تحقیقات وامور جنایتی است تسویه شده وچه مقداری از امور بلاتسویه مانده وهمچنان چقدر از امور تکلیفش در اداره ولایتی معین نشده سوادی از کتابچه مزبور برای فرمانفرما (درصورتیکه باشد) ارسال و نسخه ای بحاکم جدید داده میشودکتابچه مزبور باید بامضای حضار برسد .

مادۀ ۷۲ - درباب بقایا باید حاکم منفصل اطلاعات اخیره خود را مفصلا برای هرمحلی علیحده قید نماید .

مادۀ ۷۳ - حاکم منفصل باید خیالات ونقشه های خود راکه راجع باصلاحات ولایتی است مشروحاً وواضح (نزدیك بفهم) بحاکم جدید اظهار نماید و جهت لزوم این اصلاحات را با وسائلی که میتوان برای اجرای اصلاحات اتخاذ کرد و همچنان موانعی که تا آنوقت مانع اجرای خیالات او بوده باید تصریح کند وکلیه اگر چیزی موجب جلب توجه او شده خاطرحاکم جدید را بدان معطوف دارد .

مادۀ ۷۴ - حاکم منفصل حتماً باید اطلاعات فوق الذکررا بجاهای لازم بدهد و الا نقض قانون و تخلف از تکلیف کرده و مسئول خواهد بود بعلاوه هراغتشاشی و بی نظمی که در محل بتوسط حاکم جدید کشف شود و حاکم منفصل اطلاع نداده باشد برعهدۀ اوخواهد بود.

مادۀ ۷۵ - همینکه حاکم جدید امورولایتی را ازحاکم منفصل یا درغیاب او ازمدیر تحویل گرفت راپورت خود را درباب امور ولایتی بفرمانفرما (در صورتیکه

ولایت در جزو ایالتی باشد) والا بوزارت داخله میفرستد .

مادهٔ ۷۶ ـ نه فقط حاکم منفصل مسئول اطلاعات غیرصحیحه‌ایست که بجاهای لازمه و بجانشین خود داده بلکه اشخاصیکه راپورت حاکم را تصدیق کرده و امضاء نموده‌اند نیز مسئولند .

مادهٔ ۷۷ ـ راپورت واطلاعات مذکورهٔ در مواد (۶۹ و ۷۰ الی ۷۳) را حکام باید درموقع مرخصی موقتی یا مأموریت مخصوصی که بآنها داده میشود نیز بقائم‌مقام خودشان ولو موقتی هم باشند بدهند و ولایت را تحویل داده و تحویل بگیرند هرگاه حاکم رعایت این قاعده را ننماید وهنگام مرخصی بجای دیگر مأمورشود ویااستعفاء کند باید بخرج خودبمحل حکومت سابق خود مراجعت کرده ولایت را بطوریکه در مواد۶۷ الی ۷۵ ذکرشد تحویل بدهدمگر اینکه حرکت فوری حاکم ازولایت بجهتی مقتضی شده باشد .

مادهٔ ۷۸ ـ هرگاه حاکم ولایتی فوت نماید ویا بواسطهٔ مرضی نتواند ولایترا اداره کندقائم مقام اوموافق مواد۷۶ـ۶۷بایداقدام بترتیب کتابچه‌های فوق‌الذکرازتاریخ تصدی خود به‌امرحکومت بنماید.

پانزدهم - درمحال گردشی

مادهٔ ۷۹ ـ حکام جدید بعد از تحویل گرفتن ولایت بطوریکه در مواد ۶۷-۷۶ مذکور است بدون فوت‌وقت بادارات واقعه درکرسی ولایت و دفترخانه‌ها و دفاتر آنها وهمچنین بصندوق ولایتی و ادارات نظمیه و ادارهٔ اطفائیه ومحبسها و مریضخانه‌ها و ادارات خیریه سرکشی مینمایند بعد از تفتیش و رسیدگی ملاحظات خودرا اخطار میکنند و قواعد و قوانین موضوعه ومقتضیات وقت ومحل‌را و همچنان نقشه اصلاحات حاکم سابق را منظور نموده درصورت‌لزوم اقدام در اجرای اصلاحات

مینماید اگر این اقدامات بموجب قوانین درحیطه اختیارات حاکم است رأساً و یا بتوسط و اطلاع ادارهٔ ولایتی اقدامیکند (رجوع بمواد ۱۰۱ و ۱۱۱) وهرگاه اطلاع واجازه مقامات عالیه و وزارتخانه‌ها لازم است مراتب را به وزارت داخله و وزارت لازمه‌راپورت میکند .

مادهٔ ۸۰ - بعداز اتمام سرکشی بادارات ولایتی وآشنا شدن بامور آن ولایت حاکم جدید شروع بسرکشی توابع قلمرو خود مینماید وطوری‌سرکشی میکند که از کرسی ولایت زیاد دور نشود وغیبت او ازکرسی ولایت زیاد از اندازه طول نکشد مگر درصورت ضرورت قبل‌ازشروع به محال‌گردشی حاکم اطلاعات ذیل‌را میخواهد (اولاً)صورتی از اطلاعات اخیری ازهرکدام از بلوکات درباب امور دوایر بلوکی‌رسیده وصورت اتفاقاتیکه دلالت بر بی‌نظمی و اختلال امور بلوکی مینماید (ثانیاً) از ادارهٔ مالیه اطلاعات راجعه بصندوق بلوکی و بقایای‌بلوکات (ثالثاً) ازاداره خالصه‌جات اطلاعات راجعه بجنگلها و عایدات خالصجات وبهمین‌طورازهراداره اطلاعاتیکه‌مهم‌و برای تفتیش وسرکشی حاکم مفید است از آن اداره میخواهد .

مادهٔ ۸۱ - حاکم هنگام محال‌گردشی شخصاً تمام ادارات را سرکشی مینماید وصورتهائیراکه از ادارات مختلفه‌گرفته بافهرستها وصورتهای دوائر بلوکی‌تطبیق کرده و اختلافات را یادداشت مینماید اگر این اختلافات طوری استکه رفعش آسان است فوراً حکم باصلاح و رفع آن میکند وچنانچه مهلت‌لازم دارد موعدی معین‌کرده رفع اختلافات را درآن موعد میخواهد ولی هرگاه اختلافات مهم وکلی است و مسامحه بزرگی روی داده و یا سوء استعمال شده حاکم صورت آنرا بادارهٔ ولایتی میفرستد و ادارهٔ مزبوره موافق اختیاراتی‌که بآن اداره قانوناً داده شده از مقصر مؤاخذه مینماید و درصورت اهمیت تقصیر تحقیقات لازمه‌را برای فرستادن مقصر بمحکمه عدلیه‌بعمل میآورد ملاحظات خودرا حاکم به اداراتیکه سرکشی کرده‌اخطار کرده بعدصورتی‌ازآن

ملاحظات را بادارهٔ ولایتی ارسال میدارد و هرگاه این ملاحظات حاکم راجع بسایر دوائر محلیه باشد ملاحظات خودرا بآن دوائر اخطار مینماید .

مادهٔ ۸۲ - بعد از سرکشی یك بلوك حاکم به بلوك دیگر میرود و طوری مسافرت خودرا ترتیب میدهد که بعضی از نواحی و دهات معتبررا هم ببیند در سرراه حاکم بطور رسمی ولی محرمانه از اشخاص لازم سؤال های راجعه باداره شدن امور بلوکی وغیره مینماید و میفهمد که بی‌اعتدالی میشود یا نه و احتیاجات اهالی چیست و میل بچه نوع اصلاحات دارند و میخواهند و هرگاه مطلبی کشف کند که دلالت بر بینظمی و پایهٔ بی اعتدالی راجع بادارائی باشد که تابع دوائر دیگرند مراتب را بآن دوائر اطلاع میدهد.

مادهٔ ۸۳ – هنگام بلوك گردشی حکام متوجه باخلاق و آداب ودرجه معارف وحالت زراعت ومعادن وثروت و تجارت محلی بوده و اطلاعات خودراجداگانه مرتب و باعقائد خود در اصلاحات لازمه بوزارت داخله ارسال خواهندداشت.

مادهٔ ۸۴ – حکام مکلفند که هنگام بلوك گردشی طوری نمایند که این سرکشی آنهاکه برای رفاهیت و آسودگی اهالی است تولید زحمت وآزردگی خاطر برای اهالی ننماید بدین جهت لوازم مسافرت را بقدر مایحتاج تحصیل نموده مراقبت نمایندکه ازطرف خدمه وهمراهان آنها اجحاف وتعدی بکسی نشود .

مادهٔ ۸۵ - بعداز اتمام عمل بلوك گردشی حاکم مکلف است که راپورت محال گردشی خودرا مستقیماً بوزارت داخله تقدیم کند وسوادی هم برای فرمانفرما (درصورتی که باشد) ازراپورت خود ومنضمات آن خواهدفرستاد.

مادهٔ ۸۶ – حاکم مکلف است که این سرکشی را موافق مواد۸۵و۷۹ همه ساله یك دفعه بعمل آورد و اگروضع ولایت بواسطه وسعت زیاد وبدی راهها اقتضا نداردلامحاله دوسال یکدفعه بلوك گردشی نماید.

(تنبیه) ترتیب سرکشی که غفلتاً وبطور خصوصی بدوائر محلیه میشود درمواد آتیه‌مرتب است (مورد هفتم مادهٔ ۱۴۶ و غیره) .

شانزدهم - درراپورتهای سالیانه و اطلاعات فوری که حکام بایدبدهند

مادهٔ ۸۷ - غیر از راپورتی‌که حکام بوزیر داخله‌بعدازاتمام عمل‌محال‌گردشی میدهند باید در مواقع معینه راپورتهای‌مفصل و مختصر را در باب وضع ولایت و اقداماتیکه‌کرده‌اند بدهند این‌راپورتها بر دونوع است یکی عمومی است‌که حکام‌بعد از انقضای هر سالی میدهند دیگری خصوصی که در موارد لازمه یا در مواقع‌فوری‌در عرض سال باید بدهند .

مادهٔ ۸۸ - راپورتهای عمومی را حکام سالی یکمرتبه بوزارت داخله تقدیم میکنند و باید تمام ادارات ولایتی حتی ادارات بلدیه اطلاعاتیکه برای تقدیم این راپورت لازم است بحاکم برسانند سوادی از این‌راپورت عمومی‌را حکام برای‌فرمانفرما در جائیکه‌هست ارسال میدارند .

مادهٔ ۸۹ - غیر از راپورت سالیانه حکام مکلفند که ماهی‌دو دفعه راپورت گزارشات ولایتی را بوزیر داخله بدهند ونیزگزارشات ووقایع فوری‌را بدون‌فوت‌وقت تقدیم کنند کلیه هرگونه اطلاعات راجعه بوزارت داخله را باید حکام بوقت‌و بموقع خود برسانند و آنچه راکه موافق قوانین بسایر وزارتخانه‌هاراجع است بموقع بآن وزارتخانه اطلاع دهند .

(تنبیه) - حکام میتوانند در مواقع مهمه درصورتیکه شکل‌ووضع و اهمیت‌کار تقاضا مینماید چاپار مخصوص روانه پایتخت نمایند .

هفدهم - در مسئولیت حکام

مادۀ ۹۰ ـ حکام درموارد ذیل مسئول و مؤاخذند (اولا) درصورتیکه قوانین و احکام وهمچنان دستورالعملهای رؤسای خودرا بلااجراگذارندویادرست اجرا ننمایند ونتوانند بی‌تقصیری خود را مدلل نمایند (ثانیاً) هرگاه درموقع تفتیش ولایات بواسطه مفتشی که ازمرکز دولت فرستاده‌شده مدلل شودکه اغتشاش و اختلال امور ولایتی تقصیر حاکم بوده و میتوانسته است ازاغتشاش ولایتی جلوگیری کند ولی بمسامحه گذرانیده (ثالثاً) چنانچه مصرح شودکه رواج رشوه و تعارف در ولایت بواسطه اغماض حاکم یا شراکت خود حاکم در این گونه عمل شنیع بوده ـ (رابعاً) در صورتیکه حکام اقدامی نمایندکه خارج ازوظیفهٔ آنها باشدویاآنکه خارج ازحدوداختیاراتی باشدکه بآنها بموجب قوانین ونظامنامه‌ها داده‌شده ـ (خامسا) وقتیکه باشخاصیکه‌در ادارات حکومتی خدمت میکنند و کذلك باجزای نظمیه کارهائی رجوع نمایندکه خارج ازحوزۀ تکالیف آنها باشد ویا آنکه‌کار های شخصی خودرا بآنها رجوع کنند (سادساً) درصورتیکه بی‌قاعده تحقیقاتی رادرامری شروع نمایند وخودسرانه تحقیقاتی راختم کنند (سابعاً) وقتیکه حکام شخصاً ورأساً اقدام کنند دراموری‌که راجع باداره ولایتی ویاسایر دوائر محلیه ویاادارات جزوآن دوائر است ودراین باب دستورالعملی ازرؤساء خود نداشته‌اند ـ (ثامناً) درمواردی‌که حکام دخالت بکار محاکمه نمایند و ملك‌کسی را انتزاع نموده بدیگری دهند وکلیه باموری دخالت نمایند که راجع بمحاکم عدلیه‌است ـ (تاسعاً) درمواردی‌که خودسرانه وبدون اجازه‌جاهای لازم‌تغییری دروضع ولایت دهندکه باعث اجحاف وتعدی وآزردگی خاطر اهالی شودیا بواسطه اهمال وعدم دقت دراموز قوانین راطوری اجرا نمایند که منظور ازایجاد قوانین‌که مساوات است بعمل نیاید ویاآنکه بالاخره مالیات وعوارضی‌که قانوناً معین نشده از

اهالی اخذ نمایند (عاشراً) در مواقعیکه تحقیقات جنایتی بعمل میآید بواسطه غرض شخصی اغتشاش واختلالی فراهم آورند واین اقدامات شنیعه آنها درمحاکم استیناف یاجای دیگر کشف شود ـ (حادی عشر) وقتیکه معلوم شود اقدامیکه حاکم برای جلوگیری از تعدی و اجحاف وجنحه و جنایـات و قباحت ورفع ظلم وغیره کرده است بدرجه‌ایکه‌لازم‌است‌سخت نبوده ونتیجه حاصل نشده خصوصاً اگر ظاهر شودکه حاکم غرضی داشته یاباجانی وظالم ومقصر همراه بوده (ثانی عشر) درمواردیکه حکام برای وصول بقایا همراهی لازم بعمل نیاورند و ازاجرای قوانین خودداری نمایند ـ (ثالث عشر) وقتیکه حکام درموارد بلیات سماوی ازقبیل‌حریق وامراض‌مسریه درمیان مردم وحشم وحیوانـات وهمچنان درموقع طغیان‌آب وطوفـان وغیره باتمـام قدرت و اختیاراتیکه بآنهاداده شده برای حفظ نفوس وکمك واعانه بدرماندگان و بیچارگان اقدام نکرده‌اند (رابع عشر) درصورتیکه مشاهده‌شودکه عمداً یاچنددفعه سهواًقوانین راجع بخودشان رانقض‌کرده‌اند وازاندازهٔ خود خارج شده‌اند خواه این اقدام رارأساً خودشان‌کرده باشند وخواه ازادارهٔ ولایتی وجاهائی شده بـاشدکه درتحت ریاست یا نظارت حکام واقعند (خامس‌عشر) وقتی که بمأموریتی که بداخله ولایت برای انجام‌کاری میفرستند خرج سفر بدهند بدون اینکه قواعدی راکه دراین باب ایجاد شده رعایت نموده باشند .

مادهٔ ۹۱ ـ درتمام مواردیکه درمادهٔ قبل معین‌شده وهمچنان درسایرمواردی که ازاین قبیل باشدحکام بحکم قانون مسئولند وتنبیه وسیاست آنها بعد ازثبوت‌تقصیر آنها ازتوبیخ وشماتت‌گرفته الی خلع‌ازشغل وعزل ازحکومت برحسب تصویب وزارت داخله بحکم بندگان اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی بعمل میآید وهرگـاه تقصیر حاکم بقدری مهم باشدکه بعدازعزل باید بمحاکم عدلیه جلب شودموافق نظامات عدلیه‌کار اوبمحکمه لازمه رجوع خواهد شـد وتحقیقات لازمه برای ارجـاع‌کار حاکم مقصر

بمحکمه عدلیه درمجلس وزراء بعمل خواهد آمد .

هیجدهم - در روابط حکام

بامقامات عالیه و ادارات متساویه و تابعه (جزو حکومت)

مادهٔ ۹۲ ـ حکام در مواردی که بموجب این نظامنامه معین شده بتوسط وزارت داخله بحضور مبارك اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی راپورت عرض میکنند و بصدور اوامر و احکام که برطبق قوانین موجوده است از جانب سنی الجوانب مفتخر و مباهی می‌شوند .

مادهٔ ۹۳ ـ حکام بوزیر داخله و بفرمانفرما اگر باشد راپورت میدهند ودستور العمل میگیرند وبسایر وزراء درموقع لازمه اطلاعات وعقایدخودشان راتقدیم میکنند

مادهٔ ۹۴ ـ درصورتیکه ولایتی جزو ایالتی باشد حاکم تابع دستور العملهای قانونی فرمانفرمای آن ایالت است واطلاعات وعقاید وملاحظات خودرا توسط فرمانفرما بوزرای مسئول راپرت مینماید ازاین قاعده کلی موارد ذیل مستثنا است .

(اولا) ـ راپرت تحویل دادن وتحویل گرفتن ولایت وراپرت سرکشی نوبت اول ولایت وراپرتهای سالیانه واطلاعات فوری راجعه بجریان امور ولایتی واتفاقات فوق العاده امثال آن .

(ثانیاً) ـ راپرتهای راجعه باتفاقات مهمه که اندك تأخیری در وصول اطلاعات درمرکز موجب خسران بزرگ تواند شد .

(ثالثاً) ـ درمواردی که حکام دستور العمل های واصله ازفرمانفرما را مناقض و مخالف قوانین موجوده میدانند ـ درکلیهٔ موارد مذکوره حکام مستقیماً اطلاعات وعقاید وملاحظات خودرا بوزیر داخله راپورت وبوزراء مسئول تقدیم میکنند ودرهمین موقع

صورت آن راپورتها را بجهت فرمانفرما میفرستند .

مادهٔ ۹۵ ـ حکام بادارات کل وادارات جزو وزارتخانه‌ها درپایتخت وکذلك بادارات طرق و شوارع ومعارف وگمرك و معادن و نظامی و بحری و پست وتلگراف که‌در ولایت تأسیس شده‌ومدعی عمومی‌ولایت‌وهمچنان بادارهٔ‌تفتیش ولایتی وانجمنهای ولایتی وبلدی مراسله‌مینویسند .

مادهٔ ۹۶ ـ حکام بادارهٔ ولایتی‌وبه هیئت احصائیه وادارهٔ‌مالیه وانجمن ولایتی وادارهٔ بلدیه وکمیسیونها ونرخ ارزاق عقاید وملاحظات خودشانرا اخطار مینمایند و ادارات ملاحظات خودشانرا بحاکم تقدیم میکنند .

مادهٔ ۹۷ ـ حکام‌بادارات‌نظمیه وضبطیه‌کرسی ولایت وبلوکات‌که جزوحکومت هستند حکم‌میکنند وازآنها راپرت میگیرند ـ بادارات قراسوران‌که درکرسی‌ولایت تأسیس شده مراسله مینویسند وراپرت اطلاعات رامیگیرند .

مادهٔ ۹۸ ـ ترتیب روابط حکام بادوایر عدلیه درنظامات عدلیه مندرج است.

مادهٔ ۹۹ ـ حکام باید مراقبت نمایندکه نوشتجات ومکاتبات‌آنها باسایرادارات وهمچنان مکاتبات اشخاص ودوایرجزو حکومتی باادارات متفرقه موافق قواعد توقیرو ادب باشد وطوری نباشدکه تولید مناقشه ومکابره نماید وبیجهت مسائلی طرح شودکه باعث ازدیاد مکاتبه وفوت وقت طرفین شود .

مادهٔ ۱۰۰ ـ حکام بایدسعی نمایندکه مکاتبه‌مابین دوایرحکومتی وسایردوایر حتی‌المقدور بموقع وبامعنی باشد وبیجهت رشته مکاتبات بطول نیانجامد وکارها از جریان طبیعی نیفتد .

مادهٔ ۱۰۱ ـ حکام باید مراقبت نمایندکه هرکاری دراداره ودایره متعلق بها طرح وتسویه شود وحدود وحقوق ادارات محفوظ بماند حاکم فقط دردومورد حق‌دارد که‌کارها رادردفترخانه خود تسویه‌کند اولا وقتیکه‌کار فوری وفوتی‌است وسرعت‌اقدام

مستلزم استثناء از قاعدهٔ کلی است اینگونه امور با منضمات آن بعد از تسویه فوری باداره ولایتی داده خواهد شد وثانیاً درصورتیکه استتار مطلبی یامسئله مقتضی پیشرفت آن مسئله است ویا آنکه موقع مقتضی افشای آن مطلب نیست .

مادهٔ ۱۰۲ ـ حکام حق ندارند سواد قرارداد های ادارهٔ ولایتی را از آن اداره خواسته بدفترخانهٔ خودشان بدهند و باید مراقبت داشته باشند که در دفترخانه آن اداره آن قراردادها بموقع اجرا گذارده شود .

مادهٔ ۱۰۳ ـ روابط رسمی حکام با ادارات واشخاصیکه تابع وجزو ادارهٔ ولایتی است وهمچنان با ادارات واشخاصیکه جزو شعبات ولایتی وزارتخانه‌هاهستند باید بتوسط رؤسای آنها باشد مگر در صورتیکه ضرورت ارتباط بلاواسطه را اقتضاء کند یانفع مهمی برای امور وارتباط بلاواسطه منظور باشد .

تبصره ـ هنگام سرکشی ولایات حکام حق‌دارند با ادارات واشخاص جزو دوایر ولایتی مستقیماً مذاکرات شفاهی نمایند وملاحظات وعقایدخودرا اخطار نمایند زیراکه بتجربه رسیده‌که نوع مذاکرات واخطارات شفاهی بیشتر ازمکاتبه مؤثراست.

مادهٔ ۱۰۴ ـ حاکم باید حتی‌المقدور بیشتر بامردم معاشرت نماید واشخاصی که برای‌کار نزد اومیآیندبادب وتوقیر بپذیرد وبانجباء ومعارف ولایتی‌رابطه وآمیزش داشته باشد وکلیتاًطوری حرکت ورفتار نمایدکه طرف محبت واعتماد اهالی واقع‌شود زیراکه اول وظیفه حاکم اجرای قوانین وحفظ رفاهیت و امنیت اهالی است وارتباط معنوی‌که مابین حاکم واهالی ازوداد واعتماد حاصل میشود بهترین اسباب اجرای‌این مقصود مهم است .

نوزدهم ـ درباب قواعدی که باید حکام ترتیب داده و بموقع اجرا گذارند

مادهٔ ۱۰۵ ـ چون‌اجرای قوانین‌راجعه بامنیت ورفاهیت اهالی‌یکی ازوظایف

عمدهٔ حاکم است وعادات واخلاق اهالی ولایات متفاوت ومقتضی بعضی تصرفات واقدامات است که باید ازطرف دوائر حکومتی ونظمیه بعمل آید لهذا حکام وادارات نظمیه میتوانند نظر بآداب وعادات و اخلاق اهالی ولایت بعضی قواعد لازمه راچه عمومی باشدچه خصوصی مرتب نموده اعلام نمایند ولی اول شرط این حق حاکم آنست که این قواعد نباید وجها من‌الوجوه مخالف قوانین موجوده ومناقض دستور العمل های وزارتخانه‌ها باشد .

مادهٔ ۱۰۶ ـ کلیهٔ این قواعد بطوری‌که درمادهٔ قبل مذکور است برای اهالی حتمی الاجراست وتا موقوف نشود درقوت خود باقی خواهدبود واشخاصیکه برخلاف این قواعد رفتار نمایند مورد مسئولیت خواهند بود ومحاکمه وتنبیه آنها راجع است بمحاکمی‌که بموجب نظامنامه عدلیه مرجع امثال این‌امور خواهد شد .

مادهٔ ۱۰۷ ـ قواعدی‌که حکام وادارات نظمیه وضبطیه ایجاد میکنند بایددر روزنامه های محلیه چهاردفعه اعلان شود وبطبع رسیده درمعابر وکوچه‌ها ومیدانها و ادارات پلیس وغیره یکماه قبل ازاجرا نشر واعلام شود .

تبصره ــ قواعدی‌که ادارات بلدیه وادارات اجتماعیه وضع میکنند بامضای حاکم رسیده بهمین ترتیب اعلام وبموقع اجراگذارده میشود .

مادهٔ ۱۰۸ ــ اداره‌ای‌که‌ایجاد این قواعد راکرده است میتواند این قواعد را تکمیل یاتغییر داده‌یا بکلی رفع نماید ولی باز باید بهمان ترتیب تکمیل‌وتغییر ورفع قواعد اعلام شود .

مادهٔ ۱۰۹ ـ تفصیل این اقدام خود را با جهت آن وصورت قواعدی که ایجاد کرده اند حکام باید فوراً بوزیر داخله راپورت کنند ونسخه‌ای‌هم‌بفرمانفرما (جائیکه‌هست) تقدیم مینماید وزیر داخله حق‌دارد رأساً یابواسطه شکایت‌ادارات و اشخاص متفرقه حکم تغییروتکمیل و رفع قواعد موضوعه‌را بدهد.

مادهٔ ۱۱۰ - انجمن ولایتی و اشخاص متفرقه وکذالك ادارات بلدیه حق دارند که بوزارت داخله و بمجلس شورای ملی از قواعدیکه ایجاد شده شکایت نمایند ولی مادامیکه حکم نسخ نرسیده است از اجرای قواعد مزبوره نمیتوانند تخلف نمایند .

بیستم - در ترتیب دفترخانهٔ حاکم

مادهٔ ۱۱۱ - حاکم هر ولایتی دفترخانه‌ای دارد که امور مذکورهٔ ذیل را تسویه میکنند (اولا) مکاتبات راجعه بسرکشی ولایت - (ثانیاً) نوشتجات راجعه براپورتهای سالیانه - (ثالثاً) اموری که باید در خفا بماند و بموجب قانون دستور العملها باید بتوسط شخص حاکم فقط تسویه شود - (رابعاً) اموریکه فوتی و فوری است و سرعت اقدام لازم دارد (امور اخیره با منضمات آن بعد از تسویه بادارهٔ ولایتی داده می‌شود) - (خامساً) مکاتبه با ادارات نظامی در باب حرکت و استعمال قشون در ولایت .

مادهٔ ۱۱۲ - در این دفترخانه غیر از کتابچه فهرست نوشتجات وارده و ثبت نوشتجات صادره و مخفیه (دوسیه) کارها با نمایندهٔ عمومی (مقصود از نمایندهٔ عمومی دفتریست که فهرست تمام مطالب در آن ثبت است) داشتن کتابچه‌های مخصوص ذیل هم لازم است (اول) کتابچه دستورالعملهای وزیر داخله (دوم) کتابچه ثبت امور محرمانه (چهارم)کتابچه ثبت خواهش و استدعاهائیکه از حاکم میشود و در این کتابچه مستدعیات بترتیب حروف تهجی نوشته شده و قید میشود که عریضهٔ شخص عارض بکی و بکدام اداره فرستاده شد .

مادهٔ ۱۱۳ - رئیس دفترخانه مسئول تمام امور دفترخانه است منشی و محررین دفترخانه را بقدر لزوم خود حاکم معین میکند.

مادهٔ ۱۱۴ - حکام حق دارند که یك یا دو نفر آجودان از صاحب‌منصبان نظامی

وکشوری بانتخاب خودشان داشته باشند برای انجام مأموریت‌های مخصوص که بآنها محول میشود و برای پیغامات مهمه ولی این اشخاص نباید با حاکم قرابت وخویشی داشته باشند عزل و نصب این اشخاص باحاکم است بشرط رعایت قوانین راجعه بخدمت دولتی و ترفیع رتبه ومرخصی وعزل وغیره که برای مأمورین دولتی مقرر است .

مادهٔ ۱۱۵ – علاوه بر آجودان های مذکور در مادهٔ قبل حکام باید بعضی مستخدمین از شاگردان فارغ‌التحصیل مدارس که خودرا برای خدمت حاضر میکنند در دفترخانه خود داشته باشند این نوع اشخاص تاتجربه درامور حاصل نکرده‌اند و صداقت آنها بتجربه نرسیده در دفترخانهٔ حکومتی مجاناً کار خواهندکرد وگاهگاهی مأموریتهای غیرمهمه با خرج دولتی بآنها محول میشود تادر موقع مقتضی داخل‌خدمت شوند و درصورتیکه این نوع اشخاص داخل‌خدمت شدند خدمت سابق آنهادردفترخانه حاکم جزوخدمت دولتی آنهامحسوب خواهدشد.

فصل سیم - در ادارهٔ ولایتی

اول - تشکیل ادارهٔ ولایتی و حدود وظایف

ادارهٔ ولایتی و اختیارات آن

مادهٔ ۱۱۶ – ادارهٔ ولایتی مجلس عالی است که برای اداره‌کردن امورولایتی تأسیس شده ادارهٔ مزبور مجری وناظر اجرای‌قوانین راجعه بولایت‌است.

مادهٔ۱۱۷ – وظایف این مجلس ازقرار تفصیل است (اول) اعلان و انتشار قوانینی‌که ایجاد شده وکذالك دستور العمل‌های وزارت داخله و تبلیغ نسخه‌های چاپی‌قوانین بادارات نظمیه وضبطیه (دوم) نظارت اجرای قوانین درتمام‌دوائرادارات (محلیه) واینکه اقدامات لازمه برای جلوگیری ازنقض قوانین بعمل آید و نظارت

جریان طبیعی اموردر تمام دوائر محلیه تابعه و تنبیه وسیاست صاحبمنصبانی که ازطرف رئیس ولایت دردوائر حکومت معین شده اند و همچنان تنبیه و سیاست صاحبمنصبان ادارهٔ نظمیه وضبطیه (درصورتیکه از صاحبمنصبان دوائر حکومتی ونظمیه و وضبطیه مسامحه یا اهمال و یاتقصیر جزئی سرزده باشد) وارجاع بمحاکم عدلیه در صورتیکه تقصیر مهمی ازآنها ناشی شده باشد وکذالك جلب مستخدمین واجزاءادارات دوائر محلیه را بمحاکمه درصورتیکه آنها را دوائر محلیه معین کرده باشند (رجوع بمادهٔ ۳۹۱)

تبصـره ـ صاحب منصبان اداره تفتیش از این قاعده مستثنا و بموجب قانون مخصوص تشکیل وزارتخانه‌ها بمحاکم عدلیه جلب خواهندشد .

(سیم) حل مشکلاتی که درفهمیدن قوانین یادر موقع اجرای آن پیش میآید و کذالك اختلافاتی که فیمابین انجمن ولایتی با ادارات محلیه واقع میشود و نیز اختلافاتی که مابین دوائر تابعه باادارهٔ ولایتی و دوائر تابعه باداراتیکه در ولایت تشکیل شده اند درباب مرجعیت امور حاصل میشود همچنان رفع معارضاتی که فقط فیمابین دوائر بلوکی که دریك ولایت واقع و تابع اداره ولایتی هستند درباب مرجعیت امور اتفاق میافتد (چهارم) جمع کردن اطلاعات لازمه از مأمورین سرحدی درباب مهاجرت تبعه خارجه بولایات ایران و قسم‌دادن تبعه خارجه را دروقت دخول بتابعیت ایرانیه (پنجم) دادن تعلیمات لازمه بدوائر واشخاص لازم درباب اخطاراتی که رئیس ولایت درموقع محال‌گردشی بآن دوائر واشخاص نموده‌است.

(ششم) تسویهٔ کلیه اموری که از دوائر مختلفه نزد حاکم میآید و تمام کارها و مسائلی که بموجب قانون راجع بحاکم است تسویه شود باستثنای اموری که درماده (۱۱۱) مذکور وراجع بدفترخانه حاکم‌است.

(هفتم) مراقبت درامور حفظ الصحه بطوری که درنظامنامه حفظ الصحه مصرح

بها است (هشتم) تحصیل اطلاعات راجعه بدفتر نفوس و حرفت وصنعت ولایتی وکار خانه‌هاوپست و تلگراف و راهها و پلها و معابر ونظارت اکیال واوزان و امور راجعه ببازارهای عمومی وغیره (نهم) نظارت درساختن راههای ولایتی وراههای نظامی (دهم) تحصیل اطلاعات راجعه به بقایای ولایتی وراپورتهای ادارهٔ ضبطیه در پیشرفت وصول بقایا و یاعدم وصول آن (یازدهم) تقدیم لوایح مقاطعه هائیکه درولایت از طرف خزانه دولت بتصویب انجمن ولایتی داده میشود ومبلغ آن بیش ازپانصدتومان است بوزارت داخله وسایر وزارتخانه‌ها (مقاطعه‌که مبلغش الی پانصد تومان است) بسته بتصویب حاکم واطلاع انجمن ولایتی است (دوازدهم) تحصیل تمام اطلاعات راجعه به ممیزی‌ها و تحدید حدود املاک وغیره (سیزدهم) نظارت درامور راجعه بتوقیف اموال و املاک بحکم محکمه عدلیه با رعایت قوانین شرعیه (چهاردهم) الزام دراجرای وصایای متعلقه به‌امور خیریه عامه درصورت تأخیر و تخلف از عمل وصایا (پانزدهم) تسویه کلیه‌کارهای اداره‌که بعدبموجب قوانین باین اداره‌موکول ومحول خواهد شد(شانزدهم) رسیدگی بشکایاتی‌که مردم از ادارات بلدیه بحاکم میدهند (هفدهم) تسویه‌کلیهٔ‌اموری که راجع بحصول آسایش و امنیت اهالی است (هیجدهم) عزل و نصب مستخدمین دفترخانه ادارهٔولایتی ومرخصی‌موقتی آنها واموراجعه بترفیع‌رتبه ومناصب وامتیازات آنها موافق‌قوانین موضوعه.

مادهٔ۱۱۸ ـ اداره ولایتی باموریکه راجع برسیدگی در محاکم عدلیه است دخالت نخواهدکرد یعنی محاکمه‌نمینماید.

مادهٔ۱۱۹ ـ ادارهٔ ولایتی درادارهٔ وزارت‌داخله و تابع اوامر ودستورالعمل های مجلس وزراء است .

مادهٔ۱۲۰ ـ اداره ولایتی مرکب است از یك مجلس مشاوره و یك دفترخانه مجلس مشاوره در تحت ریاست حاکم مرکب است از معاون و دومستشار و مهندس

ولایتی وطبیب و مساح و معمار ولایتی و یکنفر معین الاداره تمام این اشخاص موسومند باعضاء مجلس مشاوره ولایتی .

تبصره ــ درجاهائیکه از برای مجلسها مفتش معین شده ودرولایت مقیم است اوهم عضو این مجاس محسوب است.

مادهٔ ۱۲۱ ــ حاکم و معاون و مستشارها و معین الاداره درکلیه اجلاسات مجلس حاضر شده ورأی میدهند ولی سایر اعضاء درصورتی حاضر میشوندکه امری راجع بکار آنها مطرح مذاکره باشد .

تبصره ــ یکی از مستشارهای ادارهٔ ولایتی بتصویب حاکم و امضای وزیر داخله مستشار اول خواهد بود .

مادهٔ ۱۲۲ ــ دفترخانهٔ مجلس مشاوره نظر بانواع و اقسام امور بچند شعبه منقسم میشود و هرشعبه درادارهٔ یکی از مستشارها یا اعضای مجلس مشاوره خواهد بود و مدیرآن شعبات هرکدام معاون و بقدر لزوم منشی و اجزاء خواهند داشت امور عمومی ادارهٔ ولایتی راجع بشعبهٔ عمومی دفترخانه است و یك نفرمنشی بامعاون و اجزاء آن شعبه رااداره خواهدکرد کتابچه‌های صادره ووارده ودفاترکار (دوسیه)این اداره بموجب دستورالعمل وزارت داخله مرتب خواهد شد تمام شعبه های دفترخانه درتحت ریاست معاون حاکم است.

مادهٔ ۱۲۳ ــ درولایاتیکه ادارهٔ محبسها با مفتشین ایجاد شده دردفترخانهٔ مجلس مشاوره شعبه‌ای نیزباسم شعبه محبسها ایجاد خواهدشد

مادهٔ ۱۲۴ ــ مواردی‌که در ادارهٔ ولایتی مسائل حفظ‌الصحه یا مطالب راجعه بامراض مسریه از قبیل وبا و طاعون وغیره طرح میشود و یامطالبی مورد مداقه است‌که راجع بدوائر مختلفه است وبرای انجام آن سعی و کوشش آن دوائر لازم است اشخاص ذیل‌هم بمجلس مشاوره مزبور دعوت میشوندکار گذارها و رؤسای دوائر

محاسبات ودوائر محاسبات و دوائر معارف و خالصجات و رؤسای انجمن‌های ولایتی وبلدی (کلانترها) و رؤسای نظمیه و معاون طبیب ولایتی وکلیهٔ اشخاصی که اطلاعات وبصیرت آنها موجب پیشرفت مقاصداست.

مادهٔ ۱۲۵ - درصورتی که مسئله در ادارهٔ ولایتی طرح شود که راجع بعمل طبی و مهندسی ومساحی باشد درتحت ریاست مهندس و یاحافظ الصحه یامساح ولایتی انجمنی از اشخاصی که در ادارهٔ آنها هستند تشکیل می‌شود و بعد از مذاکره صورت مجلسی که بامضای اعضای انجمن رسیده بمجلس مشاوره میآید رؤسای این انجمنها می‌توانند اشخاص معروف و اهل علم‌وعمل را باین انجمنها دعوت‌نمایند .

مادهٔ ۱۲۶ - حافظالصحه ولایتی و همچنین مهندس و مساح ولایتی بعلاوه اینکه در مجلس مشاوره و ادارهٔ ولایتی در موارد لازمه حاضر میشوند هرکدام در تمام ولایت بامور راجعه بفن خودشان نظارت خواهند داشت یعنی طبیب بامور طبیهٔ ولایتی و مهندس و معمار بامور مهندسی و معماری ولایت و مساح بامور راجعه به مساحی وهرکدام از مستخدمین مزبوره در شعبهٔ لازمه دفترخانه ادارهٔ ولایتی راجعه بفن خودشان سرکشی خواهندنمود .

مادهٔ ۱۲۷ - مفتشین مجبس‌های ولایتی موافق دستورالعملهای حاکم درشعبه دفترخانه ادارهٔ ولایتی که راجع بامور محبس و محبوسین و اجرای احکام محاکم عدلیه است سمت مدیری خواهند داشت و امور آن شعبه را اگرراجع بحاکم است بدستورالعمل حاکم وهرگاه راجع به ادارهٔ ولایتی است بدستورالعمل آن اداره موافق حدود این قوانین انجام خواهند داد تکالیف مفتش محبس‌ها در نظامنامه‌راجعه بمحبس‌ها ومحبوسین مندرج است .

مادهٔ ۱۲۸ - طبیب ولایتی ومهندس ومعمار و مساح و مفتش محبسهای‌ولایتی هرکدام شعبه‌ای‌از شعبات دفترخانه ادارهٔ ولایتی راکه راجع بآنهاست اداره خواهند

کرد ودرصورت لزوم معاون و اجزاء خواهند داشت و عدهٔ منشی و صاحبمنصبان و مستخدمین دفترخانه ادارهٔ ولایتی‌راوزیر داخله تعیین‌کرده صورت آنرا برای‌هرولایتی اعلان خواهدکرد .

مادهٔ ۱۲۹ ـ ادارهٔ ولایتی درصورت‌لزوم مطبعه خواهدداشت که‌روزنامهٔ‌رسمی ولایتی واجزاء وقواعد خدمت‌آنهادرمطبعه‌وادارهٔ روزنامهٔ رسمی در نظامنامهٔ‌انطباعات مرتب خواهد داشت .

مادهٔ ۱۳۰ ـ ادارهٔ ولایتی میتواند بصاحبمنصبانیکه برای خدمت‌مخصوصی در نزد حاکم (آجودانهای حاکم) هستند خدمتی رجوع نماید وکذالك بعضی از جوانان فارغ‌التحصیل را در دفترخانه بعنوان مستخدمین یدکی‌مجاناً مشغول نمایدو بعدازاینکه درستی وصداقت وعلم و اطلاعات آنها بتجربه رسید در ادارات نظمیه وضبطیه‌ویایکی از دوائر بلوکی داخل خدمت شوند.

مادهٔ ۱۳۱ ـ هرگاه مستخدمین یدکی در مدت یکسال با بودن‌محل نتوانستند داخل خدمت واقعی شوند از دفترخانهٔ اداره ولایتی خارج خواهندشدو اگر بعد از دادن امتحانات و تحصیل اطلاعات لازمه داخل خدمت شدند زمان خدمت سابق آنها جزو خدمت واقعی محسوب خواهد شد .

مادهٔ ۱۳۲ ـ هرگاه لازم شودکه صاحبمنصبان و مستخدمین حکومتی برای انجام مأموریتی بجائی فرستاده شوند ممکن است که باجازهٔ حاکم از وجوهی که برای این نوع مصارف معین شده‌مخارج سفر بآنها داده شود حاکم و ادارهٔ ولایتی خرج سفر را درصورت‌ضرورت بمسئولیت خودشان خواهنددادو بایدمراقبت نمایندکه خرج سفر از مقصری که باعث‌فرستادن مأمور شده است‌گرفته‌شودو باشخاصیکه‌درجزو مقرری‌آنهاخرج‌سفر منظورشده (ازقبیل میرهای ضبطیه نظمیه وغیره) خرج سفر داده نشودحاکم حساب این‌نوع مخارج را باید سالیانه بوزیر داخله بدهد .

مادهٔ ۱۳۳ - مقدار مقرر صاحبمنصبان و مستخدمین ادارهٔ ولایتی و کلیهٔ دوایر حکومتی چه در ولایات و چه در محال و همچنین ترتیب مراتب و مناصب مستخدمین مزبوره و قواعد ترفیع رتبه و اعطای امتیازات در بارهٔ آنها و کذالك ترتیب متقاعد شدن آنها و مقدار مستمری که بمستخدمین مزبوره درموارد لازمه باید داده شود در قوانین خدمت دولتی و نظامات راجعه بمستخدمین دولتی مندرج است .

مادهٔ۱۳۴ – مستخدمین دفترخانهٔ ادارهٔ ولایتی را هریك ازاعضای ادارهٔ مزبوره علیحده برای شعبهٔ خود انتخاب خواهند کرد و بمعرفی معاون حاکم که رئیس دفترخانه است حاکم ولایت آنها را بشغل خودشان منصوب خواهد کرد .

دویم - دراختیارات اداره ولایتی

مادهٔ۱۳۵ – اختیارات ادارهٔ ولایتی محدود بحدود ولایت است یعنی فقط در حدود ولایت این اداره می‌تواند بادارات تابعه حکم بدهد و مجبور باجرای قوانین نماید وکلیه نسبت بآنها ناظراجرای قوانین باشد لهذا اگراختلافی یامعارضه‌ای درباب مرجعیت امورمابین دوایرحکومتی یك ولایت یا دوایرحکومتی ولایت دیگریامابین دوایرحکومتی یك ولایت یا دوایرمختلفهٔ ولایت دیگری حاصل شود باید دید کاری که باعث حدوث اختلاف بوده درکدام ولایت شروع شده و بادارهٔ ولایتی آن ولایت رجوع کرد هرگاه اختلافی فیمابین دوادارهٔ ولایتی درولایتی درباب مرجعیت کارها و غیره روی دهد حکم آن بـا وزارت داخله خواهد بود ولی اگر اختلافی مابین اداره ولایتی با شعب وزارتخانه وانجمن ولایتی یا با اشخاصیکه تابـع اداره ولایتی نیستند اتفاق افتد حکم آن با مجلس وزراء است (رجوع بمادهٔ ۳۸۸) .

مادهٔ۱۳۶ – ادارهٔ ولایتی اختیاراتی مخصوص نسبت بادارات نظمیه وضبطیه

دارد لهذا مکلف است که بکلیهٔ شکایاتی که از ادارات نظمیه وضبطیه می‌شود رسیدگی نماید واگر تعطیل یا تأخیری درامورآن ادارات مشاهده نماید یا بی‌نظمی و بی‌قاعده‌گی ازآن ادارات سر بزند رفع نماید وحق داردکلیهٔ اقدامات ادارات نظمیه وضبطیه را در صورت لزوم تعطیل نماید ولی بشرطی‌که این اقدامات نظمیه و ضبطیه راجع بتحقیقات جنحه و جنایاتی نباشد زیرا که در این‌مواردادارات‌مزبوره تابع مدعی‌عمومی ومعاون آن هستند .

مادهٔ ۱۳۷ - ادارهٔ ولایتی شکایاتی‌که ازصاحب منصبان ومستخدمین ادارات‌جزو خود می‌شود رسیدگی مینماید وازآنها توضیحات می‌خواهد واگر تقصیرآنها بـه ثبوت رسید تنبیه وسیاست‌آنها موافق قوانین(رجوع بماده ۳۹۱) منوط بقرارداد ادارهٔولایتی است و اگر تقصیرآنها باندازه‌ایست‌که تنبیه وسیاست‌آنها از این حد تجاوزمی‌نمایـد ادارهٔ ولایتی‌کارآنها را بمحاکم عدلیه رجوع خواهدکرد .

مادهٔ ۱۳۸ - هرگاه یکی‌ازصاحب‌منصبان ومستخدمین ادارات تابعه بادارهٔولایتی بخیانت خدمتی یا حیف ومیل نمودن وجوه اداره متهم شود وکسی‌که‌مأمور بتحقیقات ورسیدگی باینگونه اتهام است ازادارهٔ ولایتی توقیف اموال شخص متهم را بخواهـد ادارهٔ مزبوره بطوری رفتارخواهدکردکه درنظامات عدلیه مندرج است .

مادهٔ ۱۳۹ - هرگاه ازوزیرداخله یا سایروزراء دستورالعملی بحکومت ولایت برسد وادارهٔ ولایتی‌آن دستورالعمل را برخلاف قوانین موضوعه مشاهده نمایـد حق داردکه‌آن دستورالعمل را بلااجراگذاشته ملاحظات خود را بمجلس وزراء راپـورت کند وحکم وزراء را مجری دارد .

مادهٔ ۱۴۰ - هرگاه ازمجلس وزراء دستورالعملی برسدکه ادارهٔ ولایتی آنـرا

برخلاف قوانین موضوعه تصورنمایـد ادارهٔ ولایتی مکلف است که آن دستورالعمل را بلااجرا گذاشته ملاحظات خود را بهمان مجلس راپورت کند تا رسیدگی نموده رأی بدهد و این رأی بلاتأخیر بتوسط ادارهٔ ولایتی بموقع اجراگذارده خواهد شد .

مادهٔ۱۴۱ – درصورتی که اشتباهی یا شك وشبهه‌ای در معنی قانونی برای ادارهٔ ولایتی دست دهد ادارهٔ مزبوره ورؤسای دوائر اداره و عدلیه را تماماً باجلاس عمومی خود دعوت می نماید و بعد از مداقه لازمه مجلس مزبور باکثریت آراء معین می کند که فی الواقع اشتباهی یاشك وشبهه‌ای درمعنی قانون حاصل است یانه هرگاه تردیدی نیست موافق قرار دادمجلس عمومی ادارهٔ ولایتی باجرای آن قانون اقدام کرده مراتب را بمجلس وزراء اطـلاع میدهد و درصورت بقای اشتباه بمجلس وزراء رجوع کـرده توضیحات لازمه را میخواهد درمسائل خصوصی یا غیرمهمه ادارهٔ ولایتی بدون تشکیل مجلس عمومی از وزارتخانهٔ لازمه بتوسط حاکم توضیحات لازمه رامی خواهد

تبصـرهٔ – این ترتیب برای موارد فوق العاده ومهم است ولی درغیر این موارد همینکه اشتباهی درمعنی قانون حاصل شد اداره ولایتی از وزیر مسئول به‌توسط حاکم محل نوضیحات لازمه را میخواهد

ماده۱۴۲ – این اقدامات ادارهٔ ولایتی درصورتی صحیح است که فی الواقع اشتباهی درمعنی قانون حاصل شده وموزث اشکالات دراجراء آن شده باشد والامسامحه در اجرای آن بعنوان حصول اشتباه درمعنی اکیداً ممنوع است

ماده۱۴۳ – ادارهٔ ولایتی مهری خواهد داشت باعلامت آن ولایت و دورآن علامت نوشته خواهد شدادارهٔ ولایتی ولایت ....

سوم - در ترتیب اجلاسات اداره ولایتی و حقوق و تکالیف اعضای آن

مادهٔ ۱۴۴ - صدر مجلس مشاوره ولایتی جای رئیس یعنی حاکم ولایت است بعد از حاکم معاون می‌نشیند و بعد از او مستشار اول و بعد سایر اعضاء به ترتیب رتبه و مقام آنها بعد معین الاداره.

مادهٔ ۱۴۵ - در موقع تعطیل تابستان اعضای ادارهٔ ولایتی درصورتیکه کارشان متراکم نشده باشد میتوانند باجازهٔ حاکم مرخصی گرفته تعطیل نمایند ولی در ادارهٔ ولایتی باید اقلا سه نفر از اعضاء بمانند سایرین هم هروقت حضور آنها لازم شد باید مراجعت نمایند.

مادهٔ ۱۴۶ - تکالیف معاون حاکم در ادارهٔ ولایتی از قرار تفصیل است:
(اول) او معاون بلاواسطه حاکم است در اداره کردن کلیه امور ولایتی - (دوم) مراقب ومواظب صحت امور وانتظام کارهای ادارهٔ ولایتی است ونظارت مخصوصی در انتظام امور دفترخانه آن اداره دارد - (سوم) درصورت غیبت حاکم از ولایت بهرجهتی که باشد معاون مدیر ولایت است - (چهارم) درصورت غیبت حاکم از کرسی ولایت برای محال گردشی معاون کفیل امور ولایتی است واز طرف حاکم کاغذها را بسمت کفالت امضاء میکند - (پنجم) برای اینکه معاون حاکم از وضع امور مطلع باشد حتی المقدور در اجلاسات کمیسیونها و کمیته‌ها (انجمنها) که در تحت ریاست حاکم برای انجام امور تشکیل میابد حاضر شده صورت مجلس راامضا مینماید - (ششم در مواردیکه کسی از اقدامات صاحبمنصبان و مستخدمین دولتی در محکمه بدایت شکایت نموده از دولت مطالبه خسارت نماید باید معاون حاکم در دیوانخانه مزبوره حاضر شده درحضور او

رسیدگی بعمل آید. (هفتم) حاکم میتواند عوض خود معاون خودرا برای سرکشی بدوایر جزو حکومتی بفرستد ووزیر داخله را هردفعه ازمأموریتی که بمعاون داده مطلع نماید (هشتم) درصورتیکه حاکم غائب باشد معاون اودر ادارهٔ ولایتی درصدر مجلس مینشیند ولی درکارهائیکه باید تمام اعضای اداره رأی بدهند معاون بیش ازیك رأی ندارد. (نهم) معاون اگر در ادارهٔ ولایتی اغتشاشی یا بی‌نظمی مشاهده کند حق دارد باعضای آن اخطارات لازمه را بنماید واگر نتیجه حاصل نشد ملامت وتوبیخ نماید ودرصورت اهمیت مسئله مراتب رابحاکم اطلاع دهد دربارهٔ مستخدمین دفترخانه یعنی محررین ودفتردار وغیره حق تنبیه آنها رادرصورت لزوم موافق مادهٔ (۳۸۹) دارد باستثنای مدیر شعبه عمومی دفترخانه که منشی ادارهٔ ولایتی است ومعاون آن که فقط میتوانند مورد توبیخ و ملامت واقع شوند وهریك ازاعضای ادارهٔ ولایتی نیز نسبت باجزای شعبه خوداز دفترخانه ادارهٔ ولایتی حق توبیخ وملامت رادارند واگر ثمری نبخشید حق خواهند داشت که موقتاً آنهاراازشغل منفصل نموده مراتب رابرئیسی که آنهارامعین کرده اطلاع دهند.

مادهٔ ۱۴۷– وظیفه مستشار اینست که درصورت غیبت معاون قائم‌مقام اوواقع شود دراین مورد مستشار اول کاغذها رابه‌نیابت ازطرف معاون امضاء میکند و دراین مواقع معین‌الاداره کارهای شعبهٔ مستشاررا دردفترخانهٔ ادارهٔ ولایتی کفالت میکند.

مادهٔ ۱۴۸– چون مستشارها بایددرادارهٔ ولایتی مراقب بامورمحوله بخود باشند لهذا فرستادن آنها بداخله ولایت برای انجام مأموریتی جایز نیست مگر باقتضای ضرورت.

مادهٔ ۱۴۹– معین‌الاداره کار معینی در ادارهٔ ولایتی ندارد غالباً یا قائم‌مقام یکی ازمستشارها که غایب است واقع میشود ویاکارمخصوصی باو رجوع میشود درصورتیکه هردومستشار یکدفعه غایب شوند یااینکه یکی ازمستشارها ومعین‌الاداره هردوغایب باشند یکی ازصاحبمنصبان مجرب ادارهٔ مالیه یاکارگذاری میتواند موقتاً بارعایت قدمت خدمت بسمت مستشاری درمجلس مشاوره حاضر شود.

چهارم - تقسیم کارهای اداره ولایتی

و ترتیب حل و تسویهٔ آنها

مادهٔ ۱۵۰ـ اموریکه راجع باداره ولایتی است برسه نوع است (اول) امور راجعهٔ بمحاکم اداره (دویم) امور ادارهٔ فقط (سیم) امور اجرائیه.

مادهٔ ۱۵۱ـ امور راجعه بمحاکم اداره ازقرار تفصیل است (اول) رجوع کردن کار صاحبمنصبان ومستخدمین را بمحکمه عدلیه (دویم) رفع اختلافاتی که درباب مرجعیت امور بطوریکه درمادهٔ (۳۸۸) مذکور است حاصل میشود وحکم بحقانیت (سوم) امور راجعه بشك وشبهه که درمعنی قانون حاصل میشود رجوع بمادهٔ ۱۴۱ (چهارم) تنبیه وسیاست صاحبمنصبان و مستخدمین درصورت مسامحه و مماطله آنها (پنجم) رسیدگی بشکایاتی که ازتأخیر وتعطیل درکارها میشود.

مادهٔ ۱۵۲ـ تمام امور راجعه بمحاکم اداره باید حتماً در مجلس مشاورهٔ ولایتی مطرح مداقه گردد ودرقراردادهای راجعه باین امور فقط اکثریت آراء اعضای مجلس مشاورهٔ اداره مناط اعتبار است ودرصورت تساوی آراء طرفین رأی حاکم اکثریت را معین میکند.

مادهٔ ۱۵۳ - امور اداره اموری است که مداقه و مباحثه مجلس مشاورهٔ ولایتی را لازم دارد وبدون این نوع مداقه ادارهٔ ولایتی نمتیواند اظهار رأی یا عقیده نماید یا اینکه این امور طوری است که در فهمیدن یا ترتیب تسویه یا اجرای آن عقاید مختلف میشود مثل اقداماتیکه بموجب قانون میشود ومنافع خزانه دولت یا شهر و غیره را در بردارد یا راجع باصلاح وترقی وضع ولایت است لهذا عزل ونصب اشخاصی که پول یا اموال دولت دردست آنها است و اقدامات لازمه برای افتتاح شهر یا محال جدیدی و بخشیدن بقایائی که وصول شدنی نیست پس از تصویب انجمن

ایالتی بموجب قانون و همچنان نقشه بازدید و دستورالعمل ابنیه و عماراتیکه باید بخرج دولت ساخته شود باصلاح اندیشی انجمن ایالتی و دادن مقاطعه ها ومسئول نمودن مقاطعه‌کاران وکلیهٔ این نوع امور اموراداره ئی است ـ امور اجرائیه اموریست که حل‌وتسویه‌آنها فقط بسته باجرای قوانین است یااجرای تقاضائیکه دوایر اداره بموجب قوانین می‌نمایند ومحتاج بمداقه در مجلس مشاورهٔ ادارهٔ ولایتی نیست مثل‌اقدامات فوری‌که باید حکومت برای جلوگیری ازامراض مسریه وسریع الانتشار بعمل آورد وهمچنان اقدامات برای سرشماری و وصول بقایا و اجازهٔ تأسیس بازارها وکارخانه‌ها ومطبعه‌ها و دواخانه‌ها و تأدیهٔ مواجب و مقرریهای مأمورین و استدعای امتیاز و ترفیع رتبه برای صاحبمنصبان و مستخدمین و اعلام وانتشار قوانین موضوعه و اقدام دراجرای احکام محاکم عدلیه وکلیه اموریکه از این قبیل است .

مادهٔ۱۵۴ ـ امور اداره نیز باید در مجلس مشاوره ادارهٔ ولایتی مطرح مداقه شود ولی اجرای قراردادهای راجعهٔ به‌این نوع اموربا حاکم است اموراجرائیه بسته باهمیت آن بحکم حاکم یا معاون و یا بتوسط خود مدیرهای شعبات دفترخانه ادارهٔ ولایتی‌بموقع اجراگذارده میشودبدون اینکه بدواً درمجلس‌مشاوره ادارهٔ ولایتی‌مطرح مداقه گردد .

مادهٔ۱۵۵ ـ هرگاه درمذاکرهٔ امور اداره‌اختلاف آراء حاصل شد اکثریت‌آراء مجلس مشاوره قرارداد ادارهٔ ولایتی خواهد بود ولی اعضائیکه باکثریت توافق حاصل نکردند وقرارداد ادارهٔ مزبوره راقبول‌ننمودند میتوانند در صورتمجلس این نکته را قید نمایند و در مدت چهار روز از روز اجلاس عقیدهٔ کتبی خودشان را به حاکم تقدیم کنند و الا مثل این است‌که قرارداد ادارهٔ ولایتی را قبول‌کرده باشند .

مادهٔ۱۵۶ ـ چنانچه حاکم قراردادادارهٔ ولایتی رادرامورادراه نپسندیدمیتواند رأی‌خودش‌را بتوسطوزارت‌داخله بمجلس‌وزراء ابراز کندودرصورت‌تصویب‌مجلس‌مذکور

این رأی حاکم بموقع اجراء گذارده خواهد شد ولی اشخاصیکه رأی حاکم را تصویب ننمودند یا با رأی اکثریت موافق نیستند میتوانند رأی خود را بوزیر داخله یا بفرمانفرما تقدیم کنند و اگر این اقدام را در مدت هفت روز از روزیکه صورتمجلس بامضای حاکم رسیده و بمجلس اعاده شده ننمودند مثل اینست که رأی حاکم یاقرارداد اکثریت را قبول کرده باشند هرگاه حاکم مشاهده نماید که عضو مکرر عقیدهٔ مخصوصی اظهار کرده و بجاهای لازم رجوع ننموده حق دارد بخواهد که این نکته را در صورتمجلس درج نمایند ودرصورت تکرار بوزیر داخله اطلاع دهد .

مادهٔ ۱۵۷ – حاکم درصورتیکه بخواهد میتواند اموراجرائیه راهم بمداقه مجلس مشاوره رجوع نماید دراینصورت جریان این امورهم مثل اموراداره خواهد بود.

مادهٔ ۱۵۸ – ازقراردادهای مجلس مشاوره آنچه راجع بامورمحاکمهٔ اداره ئیست باید باطلاع مدعی عموم ولایت برسد تا مشارالیه صورتمجلس را ملاحظه نموده عقیدهٔ خود را یاشفاهاً اظهار دارد ویاکتباً بمجلس مشاوره ارسال نماید مدعی عمومی مجاز نیست که صورت مجلس را زیاد از اندازه پیش خود نگاه دارد و در امورفوری بایدبلاتأخیر صورت مجلس راملاحظه کرده معاودت دهدودرپائین صورت مجلس عبارت (ملاحظه شد) با تاریخ آن قید نماید.

مادهٔ ۱۵۹ – هرگاه ادارهٔ ولایتی ملاحظهٔ مدعی عمومی را پسندیده بارضایت حاکم قرارداد خود را تغییر میدهد و الا قرارداد خود را مجری میدارد و در صورت عدم قبول ملاحظات کتبی مدعی عمومی ادارهٔ ولایتی کتباً مراتب را بمشارالیه اطلاع میدهد وسوادی از قرارداد خود را برای مشارالیه میفرستد .

مادهٔ ۱۶۰ – همینکه صورت مجلس ادارهٔ ولایتی نوشته شده و بامضای اعضای ادارهٔ مزبوره رسید صورت مجلس حکم قرارداد را خواهد داشت و همینکه حاکم هم

تصویب نمود ومدعی‌عمومی‌هم ایرادی ننمودآن قراردادمناط اعتبار بوده بموقع اجرا گذارده خواهد شد .

مادهٔ۱۶۱– قرارداد ادارهٔ ولایتی راکه مناط اعتباراست هیچکس حق نداردغیر ازمجلس وزراء تغییر بدهد یا نسخ نماید .

مادهٔ۱۶۲ – درصورتیکه تغییر قرارداد ادارهٔ ولایتی که مناط اعتبار است لازم شودیا اداره‌ای که‌مطلب راجع بآن‌است یا خود ادارهٔ ولایتی مراتب را بمجلس وزراء اظهاروکسب تکلیف خواهدکرد .

مادهٔ۱۶۳ – هرگــاه درکارهای اداره و اجرائیه تغییر اوضاع و احوال مستلزم قراردادهای جدیدی بشودادارهٔ ولایتی حق این اقدام را خواهدداشت زیراکه مقصود ازمواد ۱۶۲–۱۶۱ این استکه ادارهٔ مزبوره‌قراردادهای ناسخ ومنسوخ درکاری ندهد ولی تغییر قراردادهـا بمرور وقت و تغییر اوضاع‌جایزاست‌مثلا عزل‌صاحب‌منصبان و مستخدمین راکه ادارهٔ ولایتی معین‌کرده است ممکن است‌کذالك‌کاریکه خـود ادارهٔ ولایتی رسیدگی‌کرده و تمام‌کرده است بواسطهٔ حدوث بعضی اتفاقات غیرمترقبه ممکن است محتاج برسیدگی‌جدیدی باشد وهمچنان تغییر قراری راکه ادارهٔ ولایتی درباب تقسیم قشون ولایتی داده بواسطه تغییر اوضاع واحوال جایز است .

مادهٔ۱۶۴– هرگاه قراریراکه خودمجلس مشاوره اداری بواسطه حکم مقامات عالیه داده‌است‌بواسطه حکم همان مقامات درآن باب قراردیگری‌بدهدیاآن قرارداد را تغییر بدهد ناسخ و منسوخ نخواهد شد .

مادهٔ۱۶۵ – حاکم ومعاون‌آن بایدمراقب باشندکه درادارهٔ ولایتی‌امورمحاکمه و امـور اداره را بعنوان امور اجرائیه تسویه نمـایند و اجزاء از حدود خود تجاوز نکنند و اگر چنین اتفاقی روی داده باشد باید این اتفاق در حال اهمیت مسئله در

صورتمجلس قید شودو باطلاع فرمانفرما (درجائیکه هست) ووزیر داخله برسد تامقصر را تنبیه نمایند .

مادهٔ ۱۶۶ ـ هرگاه حاکم ازکرسی ولایت غیبت نمایدولی درحدود ولایت باشد ودرحین مداقه در امور اداره اختلاف آراء در مجلس مشاورهٔ ادارهٔ ولایتی حاصل شود آنکار را باید تازمان مراجعت اوبتأخیر انداخت وچنانچه فوری باشدبایدصورتمجلس را نزد او فرستاد همینطور أقدام میشود در مواقعی‌که معاون حـاکم اشتباهی در امور داشته باشد وهمچنان درصورت غیبت حاکم بدون انفصال اوادارهٔ ولایتی بدون امضای او حکم باخراج مستخدمین ناقابل از خدمت و عزل آنها یا رجوع کار آنها بمحکمه عدلیه نمینماید .

مادهٔ ۱۶۷ـ حاکم‌هرچندصدر مجلس مشاوره ادارهٔولایتی استولی مجبورنیست که‌درکلیهٔ اجلاسات مجلس حاضر باشد بلکه حضوراو در مجلس عمومی باختیار خود اوست ولیکن درمواردمهمه وکذالك درموردمادهٔ ۱۴۱ و همچنان درموردی‌که فرمان فرمای‌ایالت (اگرداشته باشد)دراجلاس ادارهٔ مزبوره حاضرمی‌شود حاکم‌نیزباید حتماً حاضر باشد وبرای اینکه تحریص وترغیب یاتهدیدی در قرارداد ادارهٔ ولایتی ننموده باشد حاکم رأی‌خود راچه درحضور وچه‌درغیاب بعداز رأی سایراعضاء مجلس مشاوره اظهار میدارد.

مادهٔ ۱۶۸ـ هرگاه فرمانفرمای ایالت (درجـائیکه هست) در اجلاسات مجلس حاضرباشد صدرمجلس خواهدنشست ودراین مواقع حاکم‌ولایت درحقوق باسایراعضاء مساوی خواهد بود.

مادهٔ ۱۶۹ـ درجائیکه ولایت جزوایالتی استادارهٔ ولایتی مکلف استکه قرار دادهای خوددرارجاع‌کار مأمورین ومستخدمین دوایرحکومتی ومحلیه بمحاکم‌عدلیه (رجوع بمادهٔ۳۹۱ و۳۹۲) برای‌تصدیق فرمانفرما نزداوبفرستد وفرمانفرما درصورتیکه

رأی ادارهٔ ولایتی را تصویب ننماید بدون اینکه حق تغییر قرارداد راداشته باشد فقط تعطیل اجرای قرارداد رانموده ملاحظات خودرا به مجلس وزراء اظهار میدارد وحاکم بوزیرداخله مراتب رااطلاع میدهد.

پنجم– درروابط اداره ولایتی باسایر ادارات

مادهٔ ۱۷۰– ادارهٔ ولایتی بمجلس وزراء و باشخاصیکه از طرف قرین‌الشرف اعلیحضرت همایونی بتفتیش ولایت مأمور میشوند در موارد لازمه راپورت میدهد و بفرمانفرما (درجائیکه هست) وحاکم ولایت ملاحظات خودرا تقدیم میکنند راپورتها و ملاحظات کتبی ادارهٔ ولایتی بامضای حاکم یامعاون اوباید برسد ازمجلس وزراء بادارهٔ ولایتی حکم صادر میشود فرمانفرماها(اگر باشند) وحاکم ولایت واشخاصیکه بتفتیش ولایت مأمور شده‌اند ملاحظات خود را بادارهٔ ولایتی اخطار میکنند یا اقدامی را تکلیف مینمایند.

مادهٔ ۱۷۱– تمام مکاتبات ادارهٔ ولایتی باوزراء مسئول بتوسط حاکم بعمل‌میآید ولی مراسلات ومکاتبات درشعبهٔ لازمه‌دفترخانه نوشته وثبت‌می‌شود.

مادهٔ ۱۷۲– ادارهٔ ولایتی باتمام دوایر اداره وعدلیه و غیره تمام شعبات وزارت خانه‌هادرموارد لازمه‌مکاتبه مینماید واطلاعات لازمه‌را بآنهاتبلیغ مینماید وملاحظات خودرا اعلام میکند.

مادهٔ ۱۷۳– ادارهٔولایتی بادارات نظمیه ورئیس نظمیه وضبطیه ورؤسای بلوکات واطبای شهری وبلوکی‌وبکلیهٔدوایرجزو حکومتی‌حکم میکندوازآن‌ها راپورت میگیرد

مادهٔ ۱۷۴– اعضای ادارهٔولایتی میتوانند بادفترخانه‌های ادارات متساویه دفتر خانه‌های شعبات وزارتخانه‌ها یاادارات جزوخود مکاتبه نمایند.

مادهٔ ۱۷۵ـ ادارهٔ ولایتی می‌تواند درصورت لزوم رأساً بعضی اطلاعات ازدوایر جزوحکومت ولایت دیگری بخواهد یاهمراهی آن دوایررا تقاضاکند ولی هرگاه لازم شودکه امری درولایت دیگری بموقع اجرای گذارده شودیا باید بادارهٔ ولایتی آن ولایت رجوع نماید یا باشخاصیکه نسبت بآن دوایرجزو ریاست دارند.

ششم ـ در نظارت بدوایر جزو وصاحبمنصبان

جزو حکومتی ومؤاخذه از آنها

مادهٔ ۱۷۶ ـ ادارهٔ ولایتی باید مراقبت نمایدکه احکامیکه بدوایرجزو صادر میشود بموقع اجراگذارده شود هرگاه جواب احکامیکه از ادارهٔ ولایتی صادر میشود نرسید آن حکم را بامضای معاون تکرار مینماید واگر باز اهمال ومسامحه دراجرای آن شد ازطرف حاکم اظهار جدیدی میشود و جهة مسامحه‌رااستعلام‌مینمایندچنانچه باز تعللی در جواب شد یا عذر اشخاص و دوایر جزو موجه نبود موعدی برای اجرای احکام باید معین شود و چنانچه آن احکام در آن موعد بموقع اجراگذارده نشد منشی اداره مسئله را باداره اظهار میداردکه قرار مؤاخذه و تنبیه مقصر داده شود توبیخ و ملامت و هر سیاستی که باشخاص و دوایر جزو داده میشود باید در صورت مجلس قید شود .

مادهٔ ۱۷۷ ـ در موقع فرستادن مأمور مخصوص برای اجرای احکام باید نکات ذیل همیشه منظور نظر باشد (اول) بدون ضرورت آدم مخصوص فرستاده نشود (دوم) صاحبمنصبان و مستخدمین دفتر خانه ادارهٔ ولایتی را حتی‌المقدور نفرستند بلکه صاحبمنصبان و مستخدمین ادارهٔ نظمیه یا قراسوران را مأمور نمایند (سیم) اگر چند مأموریت بعهده یکنفر محول است و خط حرکت یکی است مخارج مسافرت و تفاوت خرج هم نباید متعدد باشد (باید یکی باشد) تمام مخارج مأمور مخصوص

بعهدهٔ شخص مقصر یا ادارهٔ مقصر است.

هفتم - در نظارت بانتظام امور اداره ولایتی و مسئولیت آن

مادهٔ ۱۷۸ - چون یکی از وظایف عمده ادارهٔ ولایتی نظارت آن اداره است نسبت بدوایر جزو حکومتی تاآنکه امور قرین کمال انتظام و ترتیب بوده بسرعت تسویه شود لهذا خود اداره باید سرمشق نظم‌وترتیب از برای دوایر جزو باشد تمام نوشتجات وارده باید در دفاتر وارده که در شعبهٔ عمومی دفترخانه است با قید تاریخ ورودفهرست شده بشعبات منقسم شود ومدیر هر شعبه مراقبت نمایدکه امور راجعهٔ بشعبه خودش از جریان طبیعی بازنماند برای نیل باین مقصود کارهارا بایدبدوقسمت منقسم نمود کارهای فوری که مقدم برکارهای عادیست وبعداز فهرست درکتابچه‌های وارده فوراً برای اقدام با علامت فوری بودن آن بشعبه لازمه داده میشود وکارهای عادی که بعداز ثبت دردفاتر وارده نیز بشعبهٔ لازمه داده میشود ولی تسویه آن امور بنوبت وترتیب تاریخ ورود آن امور بشعبهٔ عمومی دفترخانه است اقدام در امورعادیه درشعبهٔ لازمه نباید بیش‌ازسه‌روزطول بکشد ولی اجزای هرشعبه باید سعی نمایندکه زودتر از این موعد امورتسویه‌شود.

مادهٔ ۱۷۹ ـ معاون حاکم مکلف استکه زود زود (متوالیاً و سریعاً) دفاتر نوشتجات وارده و صادره را مقایسه‌کرده جریان اموررا تفتیش نماید بنابراین تمام اعضای دفترخانه و مدیرهای آن و معاون هریك باندازهٔ تکالیف خود مسئول صحت امور دفترخانه ادارهٔ ولایتی هستند.

مادهٔ ۱۸۰ ـ نوشتجاتیکه از دفترخانهٔ ادارهٔولایتی صادر میشودو بایدبامضای حاکم یامعاون او برسد باید بدواً بتصدیق‌مدیر شعبه رسیده باشد وعلامت تصدیق‌آنست که مدیر شعبه پائین‌تر از محل امضای حاکم‌یامعاون اورا مهر نموده‌کاغذرا برای امضاء بحاکم یامعاون او تقدیم میکنند.

تبصره ـ تفصیل ترتیب جریان امور را در دفترخانه ادارهٔ ولایتی و مباحثات ومذاکرات مجلس مشاوره آن اداره را وزارت داخله جداگانه مرتب خواهد کرد .

مادهٔ ۱۸۱ ـ معاون حاکم بعلاوه سرکشی که بدفترخانهٔ ادارهٔ ولایتی مینماید مکلف است که سالی دو دفعه تفتیش مفصل نموده راپورت خودرا بحاکم بدهد کذالک حاکم هرسال باید مجلس مشاوره ودفترخانهٔ آن راتفتیش نماید و بعلاوه هروقت که مقتضی بداند بدفترخانه ادارهٔ ولایتی سرکشی نماید حاکم راپورت خودرا دراین باب بوزارت داخله خواهد فرستاد .

مادهٔ ۱۸۲ ـ هرگاه دردفترخانهٔ ادارهٔ ولایتی بواسطهٔ اهمال ومسامحهٔ اعضای آن کارها بقدری متراکم شودکه ایجاد شعبهٔ موقتی برای تسویه آن لازم شود مخارج آن شعبه بعهدهٔ مقصرین خواهد بود .

مادهٔ ۱۸۳ ـ اشخاصیکه ازقراردادهای ادارهٔ ولایتی شکایت دارند وآن احکام راجع باموراداره ایست میتوانند درظرف ششماه ازروز اجرای آن احکام بمجلس وزراء شکایت نمایند واگر آن حکم بموقع اجراء گذارده نشده درظرف سه ماه ازروز اعلان حکم ادارهٔ ولایتی بمجلس وزراء شکایت کنند وادارهٔ ولایتی مکلف است که توضیحات لازمه در این باب بمجلس مذکور بفرستد و تصریح نمایدکه کی قراری که موجب شکایت گردیده داده شده وکی بموقع اجراء آمده واگر بموقع اجرا نیامده کی بمتشکی اظهار شده .

هشتم - در ترتیب داخله اداره ولایتی ودفاتر آن

مادهٔ ۱۸۴ ـ عمارات ادارهٔ ولایتی واثاثیه وکلیه اموال متعلقهٔ باداره مزبوره واثاثیه دفتر خانه آن در تحت نظارت ناظم است و مستحفظین و قراولهای آن اداره نیز تابع اوهستند ناظم باید مواظبت لازمه درگرم کردن وروشن نمودن اطاقها و

پاکیزکی داشته باشد و غیبت اعضای ادارهٔ ولایتی را باطلاع معاون برساند و مراقب اشخاصی که از ارباب رجوع و غیره بادارهٔ ولایتی میآیند و کلیه نظم داخلی ادارهٔ ولایتی بعهده اوست وباید دستور العملهای حاکم رادراین باب بموقع اجرا بگذارد .

مادهٔ ۱۸۵ - در ادارهٔ ولایتی هر روز باید دونفر حاضر خدمت باشد یکیاز صاحبمنصبان بزرگ دفترخانه اداره ودیگری ازمستخدمین جزو دفترخانه .

مادهٔ ۱۸۶ - درادارهٔولایتی بایدیك‌اطاق‌مخصوص موسوم باطاق انتظار معین شود تاارباب رجوع درآنجا نشسته درنوبت خود رفته اظهار مطلب رابنمایند .

مادهٔ ۱۸۷ - برای اینکه اعضای دفترخانه ازکار خود بازنمانند اشخاصیکه استعلام یاتحقیقی میخواهند ازدفترخانه‌اداره بنمایندبایددراطاق انتظار مطلب‌خود را بناظم رجوع نمایند ناظم بایدبا ارباب رجوع باکمال توقیر وادب رفتار نماید .

مادهٔ ۱۸۸ - معاون حاکم باید درصورت لزوم باطاق انتظار رفته بمطالب هریك ازارباب رجوع علیحده برسد وامور آنها را بجای لازم بتوسط ناظم یامعاونش رجوع‌کند .

مادهٔ ۱۸۹ - تحویل دار ادارهٔ ولایتی مکلف است‌که بتمام امور مالیه اداره ولایتی ازقبیل مقرریها ومخارج لازمه‌وغیره نظارت‌داشته بدفاترراجعهٔ بآن‌امور مرتباً رسیدگی نماید صندوق‌این اداره ومحاسبات آن‌موافق قوانین صندوق ادارات تشکیل واداره خواهد شد .

مادهٔ ۱۹۰ - دفاتر جاری هرشعبه درخودآن شعبه موافق دستور العمل وزیر داخله مرتب خواهد شد ولی محفظه های امور تمام شده باید بدفاتر تابعه داده شود چه این‌کارها درخود ادارهٔ ولایتی تمام شده باشد وچه ازادارات دیگر بادارهٔ ولایتی رسیده باشد .

مادهٔ ۱۹۱ ـ اطاقهای دفتر ثابت باید خشك و از آتش دور باشد و محفظه‌ها باید در قفسهای چوبی گذارده شود .

ماده ۱۹۲ ـ هر دفعه‌که کاری از دفترخانه ادارهٔ ولایتی بدفتر ثابت داده میشود باید باجازه حاکم ولایت باشد .

مادهٔ ۱۹۳ ـ برای اینکه کاغذهای غیر مفیده در دفتر ثابت متراکم نشود کمیسیونی مرکب از اعضای ادارهٔ ولایتی تشکیل خواهد شد که موافق دستورالعمل وزیر داخله کاغذهای غیر مفیده راکه از زمان ورود آنها بدفتر ثابت ده سال تمام گذشته است معدوم نمایند .

مادهٔ ۱۹۴ ـ یکی از مستشارهای ادارهٔ ولایتی بانتخاب حاکم نظارت مخصوصی در امور دفتر ثابت خواهد داشت و بعلاوه سالی یکمرتبه ادارهٔ ولایتی باتمام اعضای آن امور دفتررا تفتیش نموده عقاید خودرا در وضع دفتر ثابت و اصلاحاتیکه باید بشود بحاکم ووزیر داخله خواهد فرستاد .

تبصره ـ تفصیل ترکیب دفتر ثابت ادارهٔ ولایتی‌را وزیر داخله جداگانه مرتب و بولایت خواهد فرستاد .

فصل چهارم - در تشکیل بلوکات

اول - قواعد عمومی

مادهٔ ۱۹۵ ـ تمام بلوکات باکرسی آن وشهرهای جزو بلوکات (درصورتیکه باشد) و نواحی‌ودهات در ادارهٔ نایب‌الحکومه وادارهٔ بلوکی است .

تبصره ـ شهر دارالخلافه وکرسیهای ولایات‌جزوادارهٔ بلوکی‌محسوب‌نمیشوند و در ادارهٔ مستقیم حاکم و ادارهٔ ولایتی واقعند.

مادهٔ ۱۹۶ ـ نایب‌الحکومه بتصویب حاکم ازطرف وزیر داخله یا فرمانفرما

(درصورتیکه ولایت جزو ایالتی باشد) بسمت ریاست بلوکات منصوب میشود و امور بلوکات را در تحت ریاست و نظارت حاکم ولایت و ادارهٔ ولایتی اداره می نماید عزل نایب الحکومه از سمت خود بحکم وزیر داخله یا فرمانفرما است (در جائی که باشد).

مادهٔ ۱۹۷ - ریاست نظمیه بلوك نیز برعهدهٔ نایب‌الحکومه است.

مادهٔ ۱۹۸ - معاون نایب‌الحکومه بانتخاب نایب‌الحکومه و تصویب حاکم ولایت بشغل خود منصوب است و بنایب‌الحکومه در کارها کمك میکند و در غیاب نایب‌الحکومه قائم‌مقام اوست وبسمت مدیری امور بلوك‌را اداره‌میکند.

مادهٔ ۱۹۹ - معاون میتواند از طرف نایب‌الحکومه بسرکشی نواحی و تفتیش امور بلوکی مأمور بشود ولی فقط درصورتیکه خود نایب‌الحکومه بواسطه‌عذر موجهی نتواند این امررا انجام بدهد.

مادهٔ ۲۰۰ - معاون ازطرف نایب‌الحکومه هرگونه مأموریت راجعه بامور ضبطیه و نظمیه را انجام می‌دهد چه این مأموریت در خود قصبه بلوکی باشد و چه در بلوك.

مادهٔ ۲۰۱ - محل اقامت نایب‌الحکومه کرسی بلوك است و برای اداره‌کردن امور بلوکی در هرقصبه بلوکی اداره‌ای تشکیل‌میشودکه مرکب‌از نایب‌الحکومه‌ومعاون آنست طبیب و مهندس‌ومعماربلوکی درصورتیکه باشندنیزازاعضای‌این اداره محسوب و دراجلاسات راجعه بامورآنها حاضرخواهندبود.

دوم - در وظایف نایب‌الحکومه ازحیث امور اداره

مادهٔ ۲۰۲ - وظایف‌نایب‌الحکومه ازقرار ذیل‌است:

(اولا) مراقبت و مواظبت‌تامه در اجرای قوانین موضوعه و دستورالعملهای ادارات متبوعه.

(ثانیاً) حفظ ووقایهٔ امنیت و رفاهیت وآسایش مردم بموجب قوانین موضوعه.

(ثالثاً) مراقبت در اجرای قوانین واحکام و دستورالعملها درنواحی دهات.

مادهٔ۲۰۳ - برای حفظ و وقایهٔ انتظام امور نایب الحکومه زود زود ببلوکی که در ادارهٔ اوست سرکشی مینماید و دوائر جزو ادارهٔ بلوکی و همچنان ادارات ناحیتی و ادارات ضبطیه ونظمیه را تفتیش مینماید وبمحبس‌ها ومریض خانه‌ها وغیره نظارت دارد و بشکایات رسیدگی کرده موافق اختیاراتی که باو داده شده اقدام میکند.

تبصره - نایب الحکومه اقلا سالی سه‌دفعه باید بصندوقهای قصبه بلوکی رسیدگی نماید .

مادهٔ۲۰۴ - نایب الحکومه باید مراقبت ونظارت مخصوصی نسبت بادارهٔ بلوکی و ادارات و صاحبمنصبان و مستخدمین جزو ریاست بلوك داشته باشد و مراقبت نماید که کارها درآن ادارات معطل نشود ودر جریان قانونی باشد .

مادهٔ۲۰۵ - نایب الحکومه اهتمام کامل مینماید که اغتشاش و شورش در بلوك روی ندهد و درصورت وقوع اغتشاش اول بقوهٔ نظمیه وضبطیه رجوع نموده پلیس محلی را درجائیکه لازم است جمع کرده و درصدد رفع اغتشاش برمیآید و اگر نتیجه نبخشید بقوهٔ نظامی رجوع مینماید و کلیه در این باب بطوری رفتارمی‌کند که درمادهٔ ۳۶ مقیداست.

مادهٔ۲۰۶ - وظایف نایب الحکومه از حیث امور ضبطیه درفصل راجع بادارهٔ پلیس و ضبطیه بلوکات مذکوراست.

سیم - در ترتیبات وظایف اداره بلوکی و حدود اختیارات آن

مادهٔ۲۰۷ - چون تمام وظایف ادارهٔ بلوکی راجع بامور ضبطیه است شرح ترتیبات و حدودووظایف و اختیارات آن درفصل پنجم مذکور خواهد بود

مادهٔ ۲۰۸ ــ ادارهٔ بلوکی دفترخانه‌ای خواهد داشت که مرکب از یکنفر مدیر بوده و بقدر لزوم منشی و اجزاء خواهد داشت در دفترخانهٔ اداره بلوکی چند نفر از تابعین ضبطیه برای حمل مکاتبات و مراسلات از کرسی بلوك بداخله بلوك بسمت چاپاری خواهند بود و ترتیب دفترخانه و دفاتر اداره بلوکی موافق ترتیبات دفترخانه ادارهٔ ولایتی است و دستورالعمل آنرا وزارت داخله علیحده مرتب و ارسال خواهد نمود.

فصل پنجم

تشکیل ضبطیه دربلوکات

مادهٔ ۲۰۹ ــ ادارهٔ ضبطیه بلوکات عبارت است از نایب الحکومه اداره بلوکی درمادهٔ (۲۰۱) و صاحبمنصبان و مأمورین ضبطیه بطوریست که در مواد آتیه ذکر خواهدشد.

مادهٔ ۲۱۰ ــ تمام بلوکات باکرسی آن وقصبات جزو بلوك (درصورتیکه باشد) از حیث امورضبطیه تابع ادارهٔ ضبطیه بلوکی است ولی کلیهٔ کرسی های ولایات ونیز بعضی از شهرهای بزرگ که صورت آنها را وزارت داخله علیحده مرتب خواهدکرد از این قاعده مستثنی و خودشان ادارهٔ نظمیه علیحده چنانکه مذکور درفصل هفتم است خواهندداشت.

مادهٔ ۲۱۱ ــ هر بلوکی برای اداره شدن امور ضبطیه آن بچند قسمت منقسم میشود هرکدام ازاین قسمتها موسوم بدایرهٔ ضبطیه خواهد بود عده ووسعت دوایر ضبطیه بسته بوسعت بلوك وعدهٔ نفوس و مقدارکارهائی استکه بادارهٔ ضبطیه رجوع میشود هردائره دراداره صاحبمنصبی استکه موسوم بمدیر ضبطیه است.

مادۀ ۲۱۲ - هردائرۀ ضبطیه مرکب از چند داست دائره ضبطیه از یك قصبه نیز عبارت تواند بود .

مادۀ ۲۱۳ - هرگاه تغییر عدۀ دوائر ضبطیه لازم شود حاکم اطلاعات لازمه را ازمجلس بلوکی تحصیل کرده بوزارت داخله تقدیم مینماید که اجازۀ اعلیحضرت همایونی دراین باب صادر شود ولی تغییر حدود دوایر ضبطیه و تغییر محل اقامت مدیرهای ضبطیه بسته بصوابدید خود حاکم است و حاکم بایداقدام خودش رادراین باب هردفعه بوزارت داخله اطلاع دهد .

تبصره ـ شهرهای جزو محال و اماکن معتبره که نظمیۀ علیحده ندارند بسته بتقسیم یکی ازدوایر ضبطیه محسوب خواهد بودواین نوع دوائر ضبطیه بسته باقتضای وقت ومحل بچند قسمت منقسم تواند شد .

مادۀ ۲۱۴ - تابین ضبطیه که درادارۀ مدیری واقعند بسه درجه منقسم میشوند (اولا) ناظمین ضبطیه که برای کمك کردن بمدیر های ضبطیه معین میتوانند شد وغالباً ناظمین ضبطیه سواره هستند ولی بحکم وزیر داخله درصورت ضرورت پیاده هم میتوانند باشند (ثانیاً) ده باشی هاکه هرکدام قسمتی از دوائر ضبطیه را (رجوع به تبصره مادۀ ۲۱۳) محافظت مینمایندوهمچنان دردهات واقعند (ثالثاً) پلیس که زیردست ده باشی هاامور ضبطیه راانجام میدهند .

تبصره - ناظمین باعمال ده باشیها نظارت دارند .

مادۀ ۲۱۵ - عدۀ ناظمین ضبطیه رابرای ولایت وزیر داخله معین میکند تقسیم ناظمین ببلوکات بتصویب حاکم است وتقسیم آنها مابین دوائر ضبطیه بتصویب رئیس بلوك است لزوم ناظمین ضبطیه وبلوکی بتصویب حاکم ولایت و قرارداد قانونی مقامات عالیه است .

مادۀ ۲۱۶ - تغییر عده وترکیب قسمتهای دوائر ضبطیه (رجوع به تبصره مادۀ ۲۱۳) بتصویب ادارۀ بلوکی واجازۀ حاکم است ولی ادارۀ بلوکی باید قبل ازدادن رأی

عقیدهٔ مدیر ضبطیه را بپرسد .

مادهٔ ۲۱۷ - رئیس ضبطیه بلوک‌را (نایب الحکومه) وزیر داخله معین میکند مدیرهای ضبطیه‌را ادارهٔ ولایتی معین میکند .

تبصره - عزل و نصب مدیر های ضبطیه را باید حکام هردفعه بوزارت داخله اطلاع دهند .

مادهٔ ۲۱۸ - ناظمین ضبطیه رارئیس ضبطیه ازاشخاص صدیق و مجرب معین مینماید ولی رجوع کردن کار آنها بدیوانخانهٔ عدلیه بحکم ادارهٔ ولایتی است .

ماده ۲۱۹ - تعیین‌وعزل ونصب‌ده‌باشیها بارئیس‌ضبطیه بلوکی‌است ولی‌رجوع کارآنها بمحاکمه بحکم ادارهٔ ولایتی است .

تبصره - ده باشی‌ها ممکن است سربازهائی باشندکه مدت‌خدمت نظامیشان منقضی شده .

اول - در وظایف ادارهٔ نظمیه وحدود واختیارات آن

مادهٔ ۲۲۰ - اداره نظمیه همان اداره بلوکی مذکور در ماده (۲۰۱) است ووظایف آن ازقرار تفصیل است اولا نظارت در اجرای قوانین ووقایهٔ امنیت وآسایش اهالی ثانیاً اجرای تکالیف راجعه بامورمالیه دولت وامورعدلیه و امور نظامی.

مادهٔ۲۲۱ - وظایف مجلس بلوکی من‌باب اجرای قوانین وحفظ هیئت ازقرار تفصیل است .

(اول) اعلان وانتشار قوانین و فرامین و احکام دولت .

(دوم) انتشار هرنوع اعلانات‌که بحکم ادارات متبوعه میشود .

(سوم) گرفتن دزدها وقطاع الطریق وبرقراری امنیت وآسایش‌عمومی .

(چهارم) دستگیرکردن فراریها ورفع منع ازتکدی .

(پنجم) ملاحظه اشخاصی که درسر راه مرده‌اند ومعین کردن اینکه آنها راکشته‌اند یا باجل خود مرده‌اند .

(ششم) جمع آوری اطفال گم شده و سرراه‌گذارده شده و نگاهداری از آنها و تحقیقات لازمه در پیداکردن اولیای آنها وکمك بضعفا و مرضائیکه ازمنزل و مأوای خود دور افتاده‌اند .

(هفتم) دادن راپورت وقایع برؤسا ویك نسخه مستقیماً بحاکم ولایت .

(هشتم) در صورتی‌که در رودخانه‌ها وآب‌هاسواحل‌دریا کرجی یاکشتی بشکنند یا غرق شود باید سرنشین آنها راحتی‌المقدور نجات بدهند و اموال‌آنها راحفظ کنند .

(نهم) حفظ موقتی اموال متوفیات غربائیکه وارث وولی حاضر نداشته باشند و اطلاع باولیای آنها دادن .

(دهم) مساعدت باداره‌ٔ اطفائیه وجلوگیری ازحریق دربیابانها وجنگلهاوغیره .

(یازدهم) اقدامات‌لازمه برای جلوگیری ازامراض‌مسریه موافق دستورالعملهای اداره حفظ‌الصحه ونظارت اجرای قوانین حفظ‌الصحه .

(دوازدهم) اقدامات لازمه برای رفع امراض مسریه درمیان حشم و دواب .

(سیزدهم) حفظ ووقایهٔ امنیت طرق وشوارع ونظارت صحت راهها وپلها ومعابر وغیره و اجرای تکالیفی‌که از بابت نگاهداشتن راهها باهالی مجاور وارد میآید .

(چهاردهم) مراقبت دراینکه حریق یا طغیان آب اتفاق نیفتد و اقدامات لازمه دراین باب بعمل آید .

(پانزدهم) نظارت پاکیزگی درقصبات ودهات‌ومراقبت دراینکه بناهای‌جدیدکه موافق نقشه ودستورالعملهای مقرره ساخته شود .

(شانزدهم) نظارت بکاروانسراها وقهوه‌خانه‌هاومهمانخانه‌ها وچلوپزخانه‌ها وکلیهٔ جائیکه محل اکل و شرب عمومی است و مراقبت دراجرای قوانین راجعه باین جاها

وعدم اجازهٔ قمار وکلیهٔ کارهائیکه خلاف شرع بوده و باعث مشاجره و منازعه و مجادله تواند شد واساس امنیت را متزلزل تواندکرد .

(هفدهم) دادن اجازه‌نامه باشخاصیکه اخذسموم ازموادمینمایندونظارت بفروش آن موافق قوانین حفظ الصحه .

(هیجدهم) دادن اجازه‌نامه برای خریدن باروت و سایر مواد محترقه ونظارت بفروش آن موافق قوانین حرفت و صنعت .

(نوزدهم) مراقبت دراینکه دربازارها و میدانها وجاهای دیگرچیزهائی راکه دولت خرید وفروشش را قدغن‌کرده است خرید و فروش نشود .

(بیستم) مواظبت دراجرای قوانین راجعه بشکاروصیدماهی وطیورکه درغیرموقع بشکاروصید اقدام نشود .

(بیست ویکم) ترتیب فهرست‌هائیکه معین‌کنند در بلوك عدهٔ مساجد و مکاتب و ادارات خیریه وکارخانجات ودهات چقدراست وهمچنان‌عدهٔ نفوس‌ومتولدات ومتوفیات وعقد وازدواج بچه اندازه است واتباع خارجه در بلوك بچه‌کسب مشغولند .

(بیست ودوم) ترتیب دفاتر نفوس راجعه بمتولدات و متوفیات و عقد وازدواج.

(بیست وسوم) اطلاع دادن برؤساء وادارات متبوعه اشیاء عتیقه‌که‌کشف شده‌یا ظهور اشیائیکه ندرت دارد.

(بیست‌وچهارم) نظارت باستخراج طلاونقره درجاهای‌لازمه‌موافق‌قوانین‌موضوعه.

(بیست و پنجم) دادن تصدیقنامه بایتام و بیچارگان برای دخول بدارالایتام و دارالضعفا وغیره .

(بیست‌وششم) نظارت‌اینکه اجرت‌کارگر وعمله وفعله بموقع وتمام‌پرداخته‌شود.

(بیست‌وهفتم) اجرای‌کلیهٔ تکالیفی‌که بموجب قوانین ادارات دولتی و مملکتی و بلدی بعهدهٔ اداره‌ضبطیه است.

مادهٔ ۲۲۲ـ تکالیف ادارهٔ ضبطیه بلوکات نسبت بامور مالیه ازقرارتفصیل است:

(اول) وصول بقایای دولتی و ادارات بلدیه و اجتماعیهٔ ولایات بموجب احکام ادارات متبوعه یااعلان ادارات متساویه.

(دوم) اقدامات مجدانه برمنع وکسر نمودن اوزان واکیال و تغییروزن وکمیت مسکوکات .

(سوم) اجرای اوزان واکیال جدیده بحکم دولت.

(چهارم) دعوت مقاطعه کاران برای مزایده‌های دولتی و مملکتی و ادارات بلدیه وغیره .

(پنجم) دادن شهادت نامه بمقاطعه چیها درصورتیکه بواسطه معاذیر موجهه یا هیچ نتوانسته‌اند کاری راکه برعهده گرفته‌اند انجام بدهند و یا بوقت و بموقع نتوانسته‌اند برسانند .

(ششم) مساعدت بااشخاص وادارات که بموجب قوانین نظارت بحرفت وصنعت وتجارت دارند وبموجب قوانین عوارض اخذ میکنند.

(هفتم) اجرای تکالیفی که بموجب قوانین راجعه‌باخذ مالیات وعوارض بادارات ضبطیه محول است.

(هشتم) عمل‌کردن بوظایفی که بموجب قوانین گمرکات بعهدهٔ ادارات ضبطیه موکول است .

(نهم) مساعدت با ادارات جنگلها و خالصجات دولتی در اجرای تکالیف آنها و در اقداماتیکه درصورت نقض قوانین جنگلها و خالصجات برعهدهٔ این ادارات وارد میآید .

مادهٔ ۲۲۳ـ وظایف ادارهٔ ضبطیه نسبت بامور عدلیه ازقرارذیل است :

(اول) جلوگیری ازتعدی واقدامات خودسرانه واجرای تحقیقات وهمراهی در

تحقیقاتیکه ازطرف محاکم عدلیه بعمل میآید باندازه‌ای که درقوانین و نظامات عدلیه و محاکم جنایتی مندرج است.

(دوم) حاضر کردن مقصرین ومتهمین را بدیوانخانه بحکم آن و توقیف آنها در صورتیکه حکم دیوانخانه دراین باب صادر شود.

(سوم) احضار اشخاص لازم بمحاکم عدلیه وشراکت دراجراء احکام محاکم عدلیه بموجب قوانین و نظامات دوائر عدلیه.

(چهارم) برداشتن سیاههٔ اموال اشخاص معینه وتقویم وحفظ آن واعلان فروش اموال بمزایده وفروش بعضی اموال بموجب قوانین عدلیه راجعه باین اقدامات.

(پنجم) مجبور کردن وکلاء را بردکردن وکالت نامه‌هائی که از طرف موکلین آنها استرداد میشود (موافق قوانین موضوعه).

(ششم) تفتیش و تفحص اشخاصی که گم شده‌اند و خبری از آنها نیست.

(هفتم) نظارت در پاك نگاهداشتن محبسها و اجراء کلیهٔ قوانینی که بمحبسها و محبوسین راجع است.

(هشتم) دادن شهادت نامه قرابت و خویشی باقرباء و اقوام اشخاصیکه بحکم قانون در محبس توقیف شده‌اند.

(نهم) کلیهٔ تکالیفی که بموجب قوانین محاکم عدلیه و محاکم نظام بری و بحری بعهدهٔ ادارات ضبطیه محول است.

مادهٔ ۲۲۴ ـ وظایف ادارهٔ ضبطیه بلوکی در امور نظامی از قرار تفصیل است:

(اول) مراقبت و نظارت انتظام حرکت قشون واجرای تکالیف دراین باب بموجب قوانین نظامی.

(دوم) احضار تابین ردیف نظام بری و بحری بحکم ادارات متبوعهٔ نظامی بسر خدمت خودشان و دادن شهادتنامه بآنها درمواقعیکه قوانین نظامی معین کرده.

(سوم) اخبار زنهای سرباز ها ازفوت شوهران آنها .

(چهارم) یادآوری بتابین و همچنان بصاحبمنصبان نظامی کهمدت مرخصی آنها منقضی شده و دعوت آنها بموجب قوانین نظامی بمراجعت بمحل خدمت .

مادهٔ ۲۲۵ ـ کلیهٔ ادارهٔ ضبطیه بلوکی و اشخاصیکه تابع آن هستند باید ناظر اجرای قوانین باشند ولی بهیچوجه حق ندارند اجرای قانونی را بخواهند کهاعلام نشده و یاقراردادی را بموقع اجرا بگذارند که قبل ازوقت بهاطلاع اهالی نرسیده .

مادهٔ ۲۲۶ ـ نه فقط اهالی بلوکات مکلفند که احکام قانونی ادارهٔ ضبطیه را اطاعت نمایند بلکه اشخاصی هم که از شهر های دیگر آمده در آن بلوکات متوقفند تابع احکام ادارهٔ ضبطیه که راجع باجرای قوانین موضوعه و دستورالعملها است میباشند .

مادهٔ ۲۲۷ ـ عمال ضبطیه مکلفند که بشکایات رسیدگی نمایند و رفع تعدی و بی‌نظمی را بکنند و نه فقط بشکایات مظلومین رسیدگی مینمایند بلکه بکلیهٔ شکایات که حاوی اطلاعات بوده و اوضاع و احوال امور اتفاقیه را روشن میکند باید برسند ولو اینکه این نوع شکایات که بادارهٔ ضبطیه میشود موافق ترتیب مقرره نباشد هرگاه اقدامات عمال ضبطیه مثمرثمری نشد و شخصی که باعث تعدی و بی‌نظمی شده علناً اقدامات ستمی وجبری نماید عمال ضبطیه حق دارند آن شخص را توقیف نمایند.

تبصره ـ قواعد راجعه باستعمال اسلحه در موارد لازمه بتوسط مأمورین نظمیه و قراسوران علیحده مرتب و منضم باین ماده است .

مادهٔ ۲۲۸ ـ هیچکس از عمال ضبطیه حق ندارد که سیاست ومجازات جنایتی بکسی بدهد این حق مختص بمحاکم عدلیه است بروفق قوانین شرعیه .

مادهٔ ۲۲۹ ـ هرچند حدود اختیارات ادارهٔ ضبطیه بلوك همان حدود بلوکات

است و خارج از بلوك خود ادارهٔ مزبوره اختیاری ندارد ولی درموارد ذیل استثنای از این قاعده لازم میآید :

(اول) در صورت وقوع حریق یا طغیان آب یا طوفان ادارهٔ ضبطیه بلوکی و مدیر های ضبطیه در بلوکات مجاور اقدامات لازمه را بعمل میآورند تا آنکه ادارهٔ ضبطیه آن بلوك و عمال آن مطلع و خودشان مشغول باقدامات لازمه شده از کمك مستغنی بشوند .

(دویم) در موارد تعاقب قطاع الطریق و دزد ها و فراریان و اشخاصی که مرتکب جنحه وجنایتی شده فرارکرده اند عمال ضبطیه بلوکی ازحدود بلوك وولایات حق دارند تجاوز نموده درتعاقب این نوع اشخاص بکوشند وفقط وقتی دست ازکاردارند که عمال ضبطیه آن محل شروع بتعاقب کرده باشند .

مادهٔ ۲۳۰ ـ هرگاه عمال ضبطیه در جاهائیکه قلمرو اقدامات قراسورانها است کشف علامت جنحه وجنایتی نمایند و مأمورین قراسوران درآن محل نباشند مکلفندکه تاورودآنها موافق قوانین ونظامات عدلیه تحقیقات اولیه وکذالك حفظ علامات جنحه وجنایت وسایر اقدامات رابعمل آورند .

سوم ـ درروابط اداره ضبطیه بلوکی وصاحبمنصبان و تابین ضبطیه باادارات متبوعه ومتساویه

مادهٔ ۲۳۱ ـ ادارهٔ ضبطیه باتمام اشخاصیکه تابع آن اداره هستند مطیع احکام ودستور العملهای حاکم ولایت وادارهٔ ولایتی است .

تبصره ـ جاهائیکه موقتاً درتحت قوانین نظامی گذارده شده است قواعد

اطاعت صاحبمنصبان ضبطیه بادارات نظامی موافق قانو نیست که جداگانه مرتب ومنضم باین ماده خواهد بود .

مادهٔ ۲۳۲ – دربنادر نظامی ادارات ضبطیه تابع ادارهٔ بحری است .

مادهٔ ۲۳۳ صاحبمنصبان ضبطیه تابع رئیس بلوك و رئیس ضبطیه هستند ولی بدون اجازه ادارهٔ ولایتی عزل یاجلب آنها بمحاکمه ممنوع است .

مادهٔ ۲۳۴ – ناظمین ضبطیه درادارهٔ حاکم ولایت و رئیس بلوك هستند وتابع اوامر مدیرهای ضبطی .

مادهٔ ۲۳۵ –ده باشی ها تابع اوامر مدیر های ضبطیه‌اند و باعمال پلیس نظارت دارند .

مادهٔ ۲۳۶ – ادارات ضبطیه بحاکم وادارهٔ ولایتی راپورت میدهند وازآن مقامات بعهدهٔ آنها احکام صادر میشود .

مادهٔ ۲۳۷ – محاکم بدایت باداره وعمال ضبطیه حکم مینمایند مدعی‌عمومی ومعاون آن اقدامات لازمه‌را ازتحقیقات و اجرای احکام و غیره میخواهند واز ادارهٔ ضبطیه درجواب راپورت میگیرند (منضم باین‌ماده بایدبعد ازترتیب قوانین راجعه‌بنظام نوشته شود) .

مادهٔ ۲۳۸ – ادارهٔمالیه‌وادارهٔ خالصجات‌وادارهٔ تفتیش‌وسایر شعبات‌وزارتخانه‌ها درولایات ازادارهٔ ضبطیه اجرای قوانین راجعه بآن ادارات را میخواهند ودر جواب راپورت‌میگیرند .

مادهٔ ۲۳۹ – ادارهٔ ضبطیه‌یك بلوك‌بادارهٔ ضبطیه‌بلوك دیگر وبادارات متساویه مکاتبه مینمایند واطلاعات لازمه‌را بهمدیگر میدهند .

چهارم - در ترتیب تسویه امور واقدامات اداره ضبطیه بلوکی

مادهٔ ۲۴۰ ـ ادارهٔ ضبطیه بلوك وعمال جزو آن درموارد ذیل اقدام بکار مینمایند:

(اولا) بحکم ادارات متبوعـه .

(ثانیاً) بتقاضای اداراتیکه حق چنین تقاضا رادارند .

(ثالثاً) بـواسطه شکایت اشخاص متفرقه .

(رابعاً) بموجب راپـورتهای ادارات تابعه .

(خامساً) بموجب ملاحظات شخصی خودشان درصورتیکه بموجب قانون باشدو یا برحسب اوضاع واحوال صلاح بدانند .

مادهٔ ۲۴۱ ـ رئیس ضبطیه که همان نایب الحکومه است ریاست کلیهٔ ضبطیه بلوك بعهدهٔ اواست باید کمال مراقبت را درحصول امنیت وآسایش اهالی داشته باشد تفصیل اتفاقات و اطلاعاتی راکه باو رسیده است فوراً بحاکم راپورت نمایدواگر اقدام فوری لازم باشد بعمل آورده بحاکم اطلاع دهد.

مادهٔ ۲۴۲ ـ نایب رئیس ضبطیه که معاون نایب الحکومه است درکارها برئیس ضبطیه کمك میکند و بادارهٔ ضبطیه ودفترخانه آن نظارت دارد و هرمأموریتی را از طرف رئیس ضبطیه انجام میدهد .

مادهٔ ۲۴۳ ـ درصورتی که رئیس ضبطیه یکماهه مرخصی گرفته غـایب شود ویا آنکه از مرکز امور بواسطهٔ سرکشی بنواحی یا مأموریت دیگری دورشود نایب اوکفیل او خواهد بود ولی کارهای جاریه را تسویه نموده در امور مهمه درصورتیکه فوری نباشد بدون اطلاع رئیس ضبطیه اقدام نخواهدکرد لهذا عزل و نصب مستخدمین ضبطیه که در حدود قوانین باختیار رئیس ضبطیه محول شده است و تنبیه و سیاست

آنها و احکامی که ناسخ احکام سابقه رئیس ضبطیه است و اموری را که خود رئیس ضبطیه سپرده است بدون اطلاع او تسویه نشود یا تا مراجعت رئیس ضبطیه بتعویق می اندازد و یا بامأمور مخصوص نزد او میفرستند .

مادهٔ ۲۴۴ ـ ضباط نواحی و کدخداهای دهات تابع احکام ادارهٔ ضبطیه بلوکی بوده احکام این اداره را اجرا مینمایند و بمدیرهای ضبطیه دراجرای تکالیف آنها کمك و مساعدت مینمایند .

مادهٔ ۲۴۵ ـ بناظمین ضبطیه نیز ضباط نواحی و کدخداهای دهات باید کمك و مساعدت لازمه را بنمایند و تقاضای آنها را که مبتنی برقانون است بموقع اجرا گذارند ولی بهیچوجه حق ندارند بامور اجتماعیه و امور داخلی نواحی دهات دخالت نمایند و یا وجها من الوجوه دخالتی در امور محاکم عدلیه نواحی کنند.

پنجم ـ در مسئولیت اداره ضبطیه بلوکی

مادهٔ ۲۴۶ ـ ادارهٔ ضبطیه مکلف است که راپورت اموریکه بآن محول شده است بادارهٔ ولایتی بدهد وصورت حساب وجوهیکه باو رسیده بادارهٔ تفتیش ولایتی تقدیم کند .

مادهٔ ۲۴۷ ـ شکایت از مستخدمین و تابین ضبطیه یا بمدیر ضبطیه میشود یا بخود رئیس ضبطیه شکایت از رئیس ضبطیه یا از ادارهٔ ضبطیه بلوکی درظرف سه هفته از روز حکم آنها بحاکم یا ادارهٔ ولایتی داده می شود و چنانچه اقدام رئیس ضبطیه یا ادارهٔ ضبطیه بموجب یکی از ادارات متبوعه شده است متشکی باید شکایت خودرا باداره‌ای که حکم کرده است بدهد .

مادهٔ ۲۴۸ ـ هرگاه مدیرهای ضبطیه مرتکب جنحه و جنایتی شده باشند رئیس

ضبطیه موقتاً آنها را از شغلشان منفصل نموده مراتب را باطلاع حاکم ولایت میرساند و منتظر حکم میشود .

فصل ششم

در وظایف صاحبمنصبان و مستخدمین تابعین ضبطیه

مادهٔ ۲۴۹ ـ هرچند وظایف صاحبمنصبان و عمال ضبطیه از وظایف و حدود اختیارات ادارهٔ ضبطیه بلوکی معلوم و معین است باز برای عدم وقوع اشتباهی در اجرای قوانین ضبطیه وظایف هرکدام نسبت بحوزهٔ مأموریتی آنها ذیلاً شرح داده میشود.

اول - در وظائف رئیس اداره ضبطیه بلوکی

رئیس ضبطیه ـ نایب الحکومه

مادهٔ ۲۵۰ ـ رئیس ضبطیه بلوك مراقبت مخصوصی خواهد داشت که تمام وظایف ادارهٔ ضبطیه مجری شود و شخصاً مسئول تمام امورضبطیه بلوك است رئیس مزبور در رفتاروسلوك با مردم کمال ملایمت ومسالمت را اظهارخواهد کرد ولی ازطرف دیگر مواظبت تامه را خواهد داشت که از قوانین و احکام و دستورالعملها بوجه من الوجوه تخلف نشود .

مادهٔ ۲۵۱ـ وظایف رئیس ضبطیه ازقرارشرح ذیل است :

(اول) اعلان وانتشارقوانین و مواظبت اینکه قوانین و احکامی که باید بموقع اجراءگذارده شود باطلاع عامه برسد .

(دوم) مداقه درقوانین واحکامی که مورد اشتباه شده است ورجوع باداره‌ٔولایتی برای رفع اشتباه .

(سیم) رسیدگی بشکایاتیکه ازادارات و اشخاص متفرقه رسیده و راجع باعمال ورفتارصاحب‌منصبان ضبطیه است .

(چهارم) تقدیم لایحه بحکومت ولایت درباب تغییرحدود دوایرضبطیه‌وهمچنان تغییرمحل اقامت مدیرهای ضبطیه .

(پنجم) تغییرقسمت‌های دوایرضبطیه .

(ششم) انفصال موقتی صاحب‌منصبان ضبطیه (مدیرهای ضبطیه) که مرتکب جنحه وجنایتی شده‌اند ازمشاغل آنها تا تکلیف آنها ازطرف حکومت معین شود .

(هفتم) مراقبت تامه نسبت بدوائرضبطیه ومدیرهای آن دوائـر و اجرای تکالیف آنها ونظارت بجریان قانونی اموردرآن دوایر .

(هشتم) ملاحظه راپورتهای مدیرهای ضبطیه وجمع کردن وخلاصه‌کردن‌مطالب تمام‌آنها برای تقدیم بحکومت .

(نهـم) ملاحظه اموریکه ازدوایرضبطیه برئیس ضبطیه تقدیم میشود و تسویهٔ آن امور .

(دهم) امضای اقداماتیکه مدیرهای ضبطیه لازم میدانند بنمایند وکسب تکلیف میکنند ورد یا قبول آن اقدامات ویا حکم باقدامات نوع دیگر .

(یازدهم) راپرت‌دادن بمقامات عالیه‌دراجرای احکام واوامرصادره ازآن‌مقامات ومراقبت لازمه نسبت بضباط نواحی وکدخدای دهات بـرای اجرای قوانین ضبطیه که باین اشخاص محول شده است .

مادهٔ ۲۵۲ ـ رئیس ضبطیه بلوکی (نایب الحکومه) مراقبت مینمایدکـه ادارهٔ ضبطیه درکمال انتظام باشد ودردفترخانه منشی و اجزای آن دفترخانه هرکـدام امور

محولهٔ بخودشانرا کاملا اجرا نمایند رئیس مزبورهرگاه مسامحه یا مماطله دراداره ضبطیه مشاهده کند اشخاص لازم را توبیخ وملامت مینماید وچنانچه این اقدام اواثری نبخشید مهلتی بآن اشخاص میدهد و اگر بازنتیجه حاصل نشد مراتب را بادارهٔ ولایتی اطلاع میدهد .

مادهٔ ۲۵۳ – چنانچه رئیس ضبطیه مشاهده نمایدکه کاری دردوائرضبطیه بعهدهٔ تعویق افتاده مهلتی بمدیرضبطیه آن دایره داده تسویهٔ آن را خواهد خواست و هرگاه مدیرمزبوردرآن موعدآن کاررا تسویه نکرد ونیزنتوانست مدلل کندکه قادر برتسویهٔ آن نبوده مراتب را رئیس ضبطیه باطلاع اداره ولایتی میرساند واگررئیس ضبطیه در این موارد اغماض کرد خودش مسئول خواهد بود .

مادهٔ ۲۵۴ – هرگاه تعطیل درجریان امورحاصل واین تعطیل بواسطهٔ نرسیدن جواب ادارات یا اشخاصی باشدکه تابع ادارهٔ ضبطیه بلوکی نبوده وجزوحکومت ولایت دیگرند رئیس بعداز یك ماه از تاریخ استعلام اول استعلام ثانوی نموده جواب میخواهد و اگر باز جواب نرسید بادارهٔ ولایتی آنولایت رجوع مینماید واگر بازجواب نرسید بادارهٔ ولایتی ولایت خود رجوع میکند .

مادهٔ ۲۵۵ – هرگاه مدیر ضبطیه دایره مریض باشد رئیس میتواند کار اورا بمدیر دیگری موقتاً رجوع کند ولی تغییر مدیری از دایره بدایرهٔ دیگر باجازهٔ ادارهٔ ولایتی است .

مادهٔ ۲۵۶ – رئیس ضبطیه حق داردکه مدیر دایره را از تحقیقات مطلبی خارج نموده و آن تحقیقات را درهمان دایره بمدیردیگری واگذارکند این اقدام رئیس ضبطیه درصورتی صحیح وقانونی استکه تحقیقات راجع بخود مدیر ضبطیه یا اقوام و اقارب او ویا املاك خود او و اقوام اوباشد این اقدام خودرا رئیس ضبطیه باطلاع ادارهٔ ولایتی رسانیده و جهتش را هم اظهار میدارد .

مادهٔ ۲۵۷ ـ در موقع محال‌گردشی رئیس ضبطیه اعمال و افعال مدیرها را تفتیش مینماید و بشکایات آنها رسیدگی میکند و دفاتر نوشتجات وارده و صادره‌را که درخانهٔ آنها است بدقت ملاحظه میکند .

مادهٔ ۲۵۸ ـ چنانچه رئیس ضبطیه بی‌نظمی وتقصیری از مدیرضبطیه مشاهده کند بطوریکه دیگر مدیر ضبطیه مورد اعتماد ضبطیه نباشد مراتب را فوراً بحاکم اطلاع داده عزل مدیر را میخواهد .

مادهٔ ۲۵۹ ـ رئیس ضبطیه در وقت محال‌گردشی مساعدت لازمه‌را بمدیرهای ضبطیه در اجرای تکالیف آنها مینماید و مراقبت مینمایدکه قوانین حفظ‌الصحه و ضد حریق وغیره تماماً بموقع اجرا گذارده شود .

مادهٔ ۲۶۰ ـ رئیس ضبطیه مواظبت مینمایدکه هیچکس بدون محاکمه‌تنبیه‌و سیاست نشود وهمچنین از طرف دیگر رئیس ضبطیه مواظبت مینمایدکه اشخاص‌مقصر بعدازتحقیقات کامله بمحاکم‌عدلیه جلب و تنبیه‌وسیاست شوند .

مادهٔ ۲۶۱ ـ هنگام محل‌گردشی رئیس ضبطیه سعی مینماید که بمواعظ و نصایح لازمه مردم دهات را باجرای قوانین راجعه بآنها دلالت‌کند و فواید زراعت و حرفت وصنعت را بآنها گوشزد و تشویق نماید .

مادهٔ ۲۶۲ ـ تمام اطلاعات خودرا رئیس ضبطیه باطلاع ادارهٔ ولایتی میرساند و حرکت خودرا از شهروقصبه بلوکی ومراجعت خودرا بآن شهر نیزاطلاع‌میدهد.

مادهٔ ۲۶۳ ـ رئیس‌ضبطیه باید مستحضر از خوبی‌وبدی‌حاصل‌باشد واطلاعات لازمه را در این‌باب با جهات آن بحاکم برساند .

دوم ـ در وظایف مدیر ضبطیه

مادهٔ ۲۶۴ ـ وظایف مدیرضبطیه از قرار ذیل است :

(اول) اعلام و انتشار قوانین درحوزهٔ مأموریتی خودش بحکم ادارهٔ ضبطیه.

(دوم) اعلام و انتشار احکام و دستورالعملهای دولتی وهر گونه اعلانات و احضار اشخاص لازم بحکم حکومت و ادارات متبوعه .

(سوم) اعلان مزایده‌ها و احضار مقاطعه‌کاران و امثال آنها.

(چهارم) جمع کردن اطلاعات لازمه و خواستن توضیحات ازاشخاصیکه دردایرهٔ ضبطیه اوهستند.

(پنجم) مراقبت در وصول مالیات و عوارض و فروعات که بموجب قانون گرفته میشود .

(ششم) مساعدت بااشخاص لازم درتقویم اموال و برداشتن صورت آنها وهمچنان تقویم و برداشتن صورت کارخانه‌ها وغیره درصورتیکه بموجب قانون لازم وحکم ادارهٔ ضبطیه دراین باب صادرشده .

(هفتم) اقدامات لازمه در مواردی که قشون از دایرهٔ ضبطیه مدیری میگذرد و مراقبت اینکه مردم تکالیف خودشان را بموجب قوانین نظامی و غیره بموقع اجرا بگذارند .

(هشتم) نظارت امنیت راههای نظامی و پستی و تجارتی وغیره و صحت پل‌ها و معابر از دائمی و موقتی و پاکیزگی دهات و مراقبت ابنیه بترتیب و نقشه‌ای که معین شده ساخته شود.

(نهم) مراقبت در فروش سموم وممانعت ازقاچاق و فروش اشیاء ممنوعه وتقلب درمسکوکات ومواظبت بصحت اکیال واوزان.

(دهم) نظارت باجرای قوانین وبرقراری آسایش وامنیت چه در دهات چه در خارج ازدهات واقدامات اولیه برای جلوگیری وتعدی ازافعال خودسرانه واغتشاش و اطلاع دادن مراتب راباداره‌ٔ ضبطیه.

(یازدهم) تعاقب فراری‌های نظامی ودزدها ومرتکبین جنحه وجنایات واشخاص مجهول‌الحال .

(دوازدهم) برداشتن اطفالی راکه سرراه انداخته‌اند و نگاهداری از آنها بوسایل موجوده .

(سیزدهم) نجات‌دادن اشخاصی راکه‌ازآفت‌کشتی درمخاطره هستند وحفظ‌اموال متعلقهٔ بآنها .

(چهاردهم) حفظ‌اشیاء عتیقه واشیائیکه‌گم شده‌بود وبعدپیداشده (لقطه).

(پانزدهم) ملاحظه جسد اموات‌که درراهها ومعابروغیره پیدا میشود وتحقیقات لازمه برای‌معین‌کردن‌جهت‌مرگ‌واطلاع دادن بجاهای لازمه.

(شانزدهم) جلوگیری ازدزدها وقطاع‌الطریق واقدامات برای برقراری امنیت اهالی وتحقیقات دزدی وحریق وغیره و اطلاع دادن باداره‌ٔ ضبطیه.

(هفدهم) اقدامات لازمه برای حفظ‌الصحه ورفع امراض مسریه وامراض سریع‌الانتشار میان‌مردم وحیوانات وراپرت دادن باداره‌ٔ ضبطیه.

(هیجدهم) قبول‌کردن عرضحال وشکایاتیکه باداره‌ٔ ضبطیه داده میشود و منضم کردن اطلاعاتی‌که مدیرضبطیه راجع بآن عرضحال‌یاشکایت‌تحصیل‌کرده.

(نوزدهم) ترتیب صورتهائیکه حاوی اطلاعات دفتر نفوس و هیئت احصائیه است‌ازقبیل‌عدهٔ‌مساجد و مدارس ومکاتب و مریضخانه‌ها و دارالمساکین وعدهٔ دهات و نفوس و متولدات و متوفیات و عقد ازدواج و غیره و فرستادن آن صورتها را باداره‌ٔ ضبطیه .

(بیستم) اموراجعه بتذکره موافق قوانین تذکره .

(بیست‌ویکم) ابلاغ نمودن باداره‌ٔ ضبطیه صورتهائی راکه ضباط نواحی در باب اطلاعات راجعه بحاصل و زراعت وغیره ترتیب میدهند.

(بیست و دوم) اجرای احکام محاکم عدلیه بحکم رئیس ضبطیه و اجرای کلیه اوامر ضبطیه.

(بیست‌وسوم) اخبار ادارهٔ ضبطیه ازانجام دادن اوامر و احکامیکه بعهدهٔمدیر ضبطیه صادر شده .

(بیست‌وچهارم) پاك نگاهداشتن محبسی‌که در نزدیك خانه مدیر ضبطیه برای توقیف موقتی اشخاص لازم ساخته شده است.

مادهٔ۲۶۵ - خانهٔ مدیر ضبطیه باید همیشه برای هرکس باز باشد وهمه وقت باید مدیرعرضحال وشکایت مردم را بشنود واقدام‌لازم رابعمل‌آوردوبا مردم بملایمت و حوصله رفتار نماید .

تبصره - بالای خانهٔ مدیر ضبطیه باید سرلوحه باشد باین کلمات (خانهٔ مدیر ضبطیه) .

مادهٔ۲۶۶ - مدیر ضبطیه باید مراقبت‌تامه داشته‌باشدکه حرکتی ازکسی ناشی نشودکه مخالف قوانین باشد مثلا اعلان و انتشار قوانین و احکام بدون اجازهٔ ادارهٔ ضبطیه و پاره کردن اعلاناتی‌که بتوسط ادارهٔ ضبطیه شده و قمار و شرب مسکرات و ارتکاب منکرات علناًکه مورث اختلال نظم شود واجتماع زن ومرددریکجا درموارد ممنوعه واعلانات تهمت آمیز و انتشاراتی‌که باعث فساد اخلاق است .

مادهٔ۲۶۷ - درمواردی‌که مدیرضبطیه بتوسط ده باشیها ازوقوع جنحه وجنایت وقباحتی از قبیل قتل و سرقت و حریق عمدی و تقلب در مسکوکات و اسناد دولتی و ملتی و بانك‌ها و غیره مطلع میشود باید فوراً مراتب را بمدعی عمومی یا معاون آن اطلاع دهد واقدامات اولیه را درجلوگیری از اعمال شنیعه و توقیف جانی وتحقیقات اولیه بعمل آورد .

مادهٔ۲۶۸ - مدیرضبطیه بایدصورت اشخاصی راکه دردهات برای اطفاء حریق

داوطلب شده‌اند ترتیب داده و اعلانات لازمه در دهات بنمایدکه اشخاص لازم بدانند باچه اسباب باید برای اطفاء حریق حاضر شوند .

مادهٔ ۲۶۹ - هرگاه در حوزهٔ مأموریتی مدیر ضبطیه ملخ خوارگی یا آفت دیگری برای زراعت حادث شودمدیرضبطیه بتوسط ده باشی‌ها مردم دهات وکدخداها وضباط را دعوت مینمایدکه اقدامات لازمه را موافق علم و تجربه‌که دارند برضد ملخ خوارگی و غیره بعمل آورند و کذالك اگر حیوانات درنده وسبع در حول و حوش آبادانیها زیادشوند مدیرضبطیه اعلام مینمایدکه اشخاص داوطلب حاضرشده حیوانات مزبوره را قلع وقمع نمایند .

مادهٔ ۲۷۰ - هرگاه مدیر ضبطیه مطلع شودکه طفلی سر راه یا دربیابان‌افتاده است باید تحقیقات لازمه رابعمل آورد بفهمدکه عمداً آن طفل را انداخته‌اند یا گم شده بعد ازتحقیقات وکشف وتعیین والدین واقربای آن‌طفل‌طفل‌را باولیای‌آن میرساند واگر عمدی بوده بیکی از اهالی محل میدهدکه درمقابل حق الزحمهٔ معینی ازطفل پرستاری نماید کذالك اشخاصی را که در بین راه بواسطهٔ مرضی افتاده و در مانده‌اند مدیر ضبطیه بدارالمساکین میسپارد و در صورتیکه چنین ادارهٔ خیریه نباشد موقتاً بخانه‌ای‌میسپاردو بکسان مریض اطلاع میدهد .

مادهٔ ۲۷۱ - چنانچه آثار عتیقه و دفینه پیدا شود مدیر ضبطیه فوراً مراتب را باطلاع اداره ضبطیه وحاکم ولایت میرسانددولی‌اشیاء مفقوده‌که پیدا میشودباید‌بصاحبان آن ردشود و اگر صاحبان آن معین نباشد مدیر ضبطیه آن اشیاء را باداره ضبطیه میفرستدکه موافق قوانین شرع انور اقدام شود .

مادهٔ ۲۷۲ - مدیر ضبطیه حق دارد در موارد لازمه با مدیرهای ضبطیه سایر دوایر مکاتبه و از آنها بعضی اطلاعات یا تحقیقات بخواهد واگر جواب نرسید باداره ضبطیه رجوع نماید .

تبصره – دوایر ضبطیه همان بلوك یا بلوك دیگر یك حکم دارد مقصود این است که مدیر هریك از دوایر ضبطیه ولایتی میتواند با تمام دوایر ضبطیه آن ولایت مکاتبه نماید.

مادهٔ۲۷۳ – هرگاه‌درحکم ادارهٔ ضبطیه مدیرضبطیه چیزی‌مشاهده‌کندکه‌علاینه برخلاف قوانین باشد مدیر مزبوراجرای آن حکم را نکرده باداره ضبطیه ملاحظات خودرا تقدیم نماید و چنانچه مجدداً همان حکم صادر شد حکم ادارهٔ ضبطیه رااجرا نموده فوراً مراتب راباطلاع ادارهٔولایتی برساند.

مادهٔ۲۷۴ – هرگاه مدیر ضبطیه بخواهد بادارهٔ ضبطیه برای‌کاری برود باید قبل از وقت تحصیل اجازه کرده بعد برود ولی در مواردفوق العاده میتواند بدون اجازه در اداره ضبطیه حاضر شود بشرطی‌که قبل ازحرکت مدیردایره ضبطیه همجوار را که قبل از وقت بحکم ادارهٔ ضبطیه برای این‌گونه موارد قائم مقام معین شده است اخبار نماید.

مادهٔ۲۷۵ – مدیرهای ضبطیه نظارت باعمال ناظمین ضبطیه وده باشیها دارند و اگر رفتار خلاف قاعده از آنها مشاهده نمایند ملاحظات خود را درعزل آنها بادارهٔ ضبطیه اظهار میدارند.

تبصره – مدیرضبطیه نباید بوجه‌من‌الوجوه تابین ضبطیه‌راکه‌درادارهٔ اوهستند بکارهای شخصی خود بگمارد.

سوم - دروظایف تا بین ضبطیه

مادهٔ۲۷۶ – وظایف ناظمین ضبطیه (معاون مدیرضبطیه) موافق دستورالعملی است‌که وزارت داخله باطلاع وزارت عدلیه وسایروزارتخانه‌ها مرتب خواهد نمود.

مادهٔ۲۷۷ – وظایف ناظمین ضبطیه و ده باشیها اجرای اوامر ادارهٔ ضبطیه

و احکام مدیرهای ضبطیه است لهذا اشخاص مزبوره تمام امور راجعه بادارۀ ضبطیه را موافق مواد (۲۳۹ ـ ۲۱۹) و کذلك وظـایف مدیرهای ضبطیه را مطابق مواد (۲۷۴ ـ ۲۶۳) بموجب احکام و دستورالعمل آنهـا بموقع اجرا میگذارد حفظ و وقایۀ امنیت و آسایش و مراقبت پاکی و پاکیزگی در دهات مخصوصاً بعهدۀ مأموریت آنها است .

مادۀ۲۷۸ ـ تابین مذکوره مواظبت مینماید که در جاهائیکه آب ازسرچشمه برای خوراکی برداشته میشود رخت نشویند و ببعضی اقدامات آب را کثیف ننمایند و سر چاهها محفوظ بـاشد و برای شست و شو و استعمالات دیگر حوضهای علیحده تهیه شود .

مادۀ۲۷۹ ـ تابین ضبطیه مراقبت مینماید که در خانه‌های رعیتی بخاریها و لوله های بخاری صحیح بـاشد و هرگاه بخواهند در خانه‌های قریب بجنگلها آتش برافروزند باید مسافت معینی که اقلا ده ذرع باشد تـا جنگلها فاصله داشته باشد و در موارد اتفـاق حریق باید فوراً اشخاصی را که قبل از وقت داوطلب اطفـاء حریق شده‌اند خبر نمایند و بـا تمام وسائل موجوده واسباب اطفائیه و غیره جلوگیری ودفع حریق را بنمایند .

مادۀ۲۸۰ ـ تا بین ضبطیه باید مراقبت مخصوص نسبت بصحت طرق و شوارع و معابر و پلها و کوچه و غیره داشته باشند و بموقع مدیر هـای نظمیه را از اغتشاش راهها مطلع نمایند که اقدامات فوریه از طرف آنها در ادارات لازمه برای تغییرات لازمه بعمل آید .

مادۀ۲۸۱ ـ نظارت اجرای قوانین دولتی در حفظ جنگلها و مراقبت قوانین حفظ‌الصحه و قواعد خرید و فروش سموم و عدم خرید وفروش اموال قاچاق و اشیاء ممنوعه وغیره برعهدۀ تابین ضبطیه است و بایدبموقع تمام اینگونه اتفاقات و وقایع را

بمدیر ضبطیه اطلاع دهد .

مادهٔ ۲۸۲ ــ کلیهٔ تابین ضبطیه مراقب و مواظب اجرای تمام قوانین دولتی و دستورالعملهای ادارات از هر قبیل هستند و هر قبیل اتفاقات فوق‌العاده را فوراً بمدیرهای ضبطیه اطلاع میدهند و دستورالعمل میگیرند و هرگاه اتفاق فوق‌العاده نباشدهفته‌ای یکمرتبه ده باشی نزد مدیر ضبطیه رفته راپرتهای خودشانرا میدهند و دستورالعمل میگیرند و درصورتیکه خودشان نتوانستند حاضر شوند یکنفر از تابین نظمیه را برای گرفتن دستورالعمل میفرستند .

تبصره ــ روز های حاضر شدن ده باشیها در نزد مدیر ضبطیه باید طوری معین ومرتب شود که بارسیدن پست‌شهری و احکام اداره ضبطیه بمدیر ضبطیه توافق نماید .

مادهٔ ۲۸۳ ــ در صورت مریض بودن ده باشی یکی از تابین ضبطیه هائیکه ساکن همان محل و از حیث خدمت اقدم است قائم مقام اوست .

مادهٔ ۲۸۴ ــ تابین ضبطیه را نباید از مشاغل آنها بازداشت لهذا کدخداهای دهات مأذون نیستند مادامیکه آنها مشاغل رسمی‌دارند کاری بآنها رجوع نمایند.

مادهٔ ۲۸۵ ــ تابین‌ضبطیه که در ادارهٔ بلوکی خدمت مینمایندوحامل‌مکاتبات و مراسلات ادارهٔ ضبطیه برای مدیرهای ضبطیه بوده‌و نیز بعکس راپورت مدیرهای ضبطیه را بآن اداره حمل مینمایند باید در راه معطل نشوند و سعی داشته باشند که مکاتبات را خوب حفظ کرده بموقع برسانند در عرض راه هرچه از آذوقه و غیره لازم میشود باید بخرند و کسی را مجبور بدادن هدیه و تعارفی ننمایندوهیچگونه‌اجحاف و تعدی بکسی‌روانداراند اگرکسی شکایت از آنها داشته باشد یا بمدیرهای ضبطیه و یا بادارهٔ ضبطیه میدهد .

فصل هفتم

در نظمیه پایتخت و کرسی های ولایات وغیره

اول - در ترکیب نظمیه

مادهٔ ۲۸۶ ـ در پایتخت وکرسی‌های ولایات وشهرهائی که صورت آنها را وزارت داخله معین خواهدکرد ادارهٔ نظمیه علیحده مؤسس ومقرر است ادارهٔ مزبوره درپایتخت مرکب است ازرئیس‌نظمیه و دونایب رئیس ودرکرسیهای ولایات وغیره از رئیس‌نظمیه و یکنفر نایب‌رئیس .

مادهٔ ۲۸۷ - ازحیث امور نظمیه شهر بچند محله تقسیم میشود وهر محله در ادارهٔ صاحبمنصب نظمیه ایست‌که موسوم‌است بکدخدای‌محله.

مادهٔ ۲۸۸ ـ هر محله نیز بچندگذر قسمت میشود و اداره‌کردن امور نظمیه در هرکدام ازگذرها محول است بعهده و مسئولیت شخصیکه موسوم است بنایب هر گذری هم‌بچند کوچه تقسیم میشود .

مادهٔ ۲۸۹ - کوچه‌ها بمحافظت تابین‌نظمیه از قبیل دهباشی وپلیس وگزمه و غیره محول است و نایب‌گذر رئیس بلا واسطه تابین نظمیه‌گذر است .

مادهٔ ۲۹۰ ـ در ادارهٔ نظمیه‌دفترخانه‌ای‌تشکیل خواهدشدکه‌مرکب‌از یکنفر مدیر و چند نفر منشی ومحرر و اجزاء دیگر خواهد بود و تمام قراردادها و احکام ادارهٔ نظمیه بتوسط کدخداهای‌محلات ونواب وده باشی‌ها و پلیس بموقع اجرا گذارده خواهد شد .

مادهٔ ۲۹۱ ـ کدخداهای محلات درپایتخت و سایر شهرهائیکه‌بیش‌ازدویست هزارنفر نفوس دارد یك نفر معاون خواهند داشت و دراین‌صورت کدخدای محله یا

معاونش ادارهٔ ضبطیه محلیه را تشکیل میدهد و ادارهٔ مربوره نیز دارای دفترخانه‌ای خواهدبودکه بقدرلزوم منشی ومحرر و اجزاء خواهد داشت .

مادهٔ ۲۹۲ – تقسیم نواب وپلیس وگزمه و مستخدمین دفترخانه های محلات بمحلات مختلفه بسته بصوابدید رئیس نظمیه یا بیگلربیگی است .

مادهٔ ۲۹۳ – درهرمحله باید محبس نظمیه برای توقیف اشخاص لازم دایرشود واین محبس‌ها هرکدام در تحت نظارت ناظمی خواهدبود و درهرمحبس باید چندرختخواب در اطاق علیحده برای مرضی درتحت نظارت اطبای نظمیه باشد.

مادهٔ ۲۹۴ – در پایتخت ادارهٔ نظمیه نیز نظمیه ردیفی (ذخیره) خواهدداشت و این نظمیه مرکب خواهدبود از یکنفررئیس وچندنفرنواب وتابین دراین اداره مکتبی نیزایجادخواهدشد برای تهیه وحاضرکردن نواب وتابین ردیف ـ معلمین این مکتب صاحبمنصبان ونواب نظمیه خواهندبود .

مادهٔ ۲۹۵ – دد شهر پایتخت وشهرهای بزرگ علاوه بر نظمیه مذکور درمواد فوق‌الذکر نظمیهٔ تفتیشی نیز مؤسس و مقرراست فهرست اسامی این نوع شهرهاراوزیر داخله مرتب و اعلام خواهد نمود .

مادهٔ ۲۹۶ – نظمیهٔ تفتیشی مرکب است از یکنفر رئیس و یکنفر معاون و مأمورین مخصوصی ونواب وعمال نظمیه .

مادهٔ ۲۹۷ - ادارهٔ اطفائیه در شهرهای لازم مرکب است از رئیس اطفائیه و مأمورین اطفائیه درمحلات شهری وانبار اطفائیه و عمال اطفائیه که در تحت ریاست مأمورین اطفائیه واقعند .

مادهٔ ۲۹۸ - شکل و ترتیب لباس صاحبمنصبان و تابین نظمیه را و همچنان نوع اسلحه‌ای راکه بایدداشته باشند وزیر داخله موافق دستورالعمل جداگانه مرتب و بادارات نظمیه اعلام خواهدکرد .

دوم - در نصب وانفصال وعزل رئیس نظمیه یا مأمورین نظمیه وغیره

مادۀ ۲۹۹ ـ رئیس نظمیه درپایتخت بتصویب وزیر داخله و فرمان همایونی منصوب و منفصل میشود رؤسای نظمیه سایر شهرها بمعرفی حاکم محل و بحکم وزیر داخله منصوب و منفصل میشوند .

تبصره ـ هرگاه ولایتی جزو ایالتی باشد نصب و عزل رئیس نظمیه کرسی آن ولایت بمعرفی حاکم و بحکم فرمانفرما است .

مادۀ ۳۰۰ ـ نصب و عزل معاون رئیس نظمیه و کدخدا های محلات در پایتخت بمعرفی رئیس نظمیه و تصویب حاکم است و در سایر شهر ها بمعرفی رئیس نظمیه و امضای حاکم است عزل و نصب معاون کدخدای محلات و نواب و تابین نظمیه و اجزای دفترخانه ها در همه جا بمعرفی رؤسای بلا واسطه آنها و تصویب رئیس نظمیه است .

سوم - در قواعد خدمت تابین نظمیه ده‌باشی پلیس و گزمه

مادۀ ۳۰۱ ـ اشخاص ذیل نمیتوانند درنظمیه مستخدم‌شوند :

(اولا) کسانیکه بواسطه جنحه وجنایتی‌مجازات‌قانونی‌دیده‌اند یادرتحت‌استنطاق ومحاکمه‌هستندو یامتهم بجنحه وجنایتی‌شده‌شرعاً بری‌الذمه نشده‌اند.

(ثانیاً) ازتابین ردیف نظامی آنهائیکه هنگام خدمت نظامی مورد جریمه و تنبیه نظامی بوده‌اند .

(ثالثاً) اشخاصیکه بواسطه جرم و تقصیری ازخدمت خارج شده‌اند .

(رابعاً) اشخاص ورشکست بتقصیر .

(خامساً) اشخاصیکه محتاج بقیم شرعی هستند .

(سادساً) کسانیکه تریاك استعمال مینمایند ویامتجاهر بفسقند .

مادهٔ ۳۰۲ ـ صاحبمنصبان ادارهٔ نظمیه و ضبطیه از رؤساء وکدخداها و مدیرهای ضبطیه اشخاصی خواهند بودکه تبعهٔ ایران بوده ودریکی از مدارس علمیه تحصیلات خودرا تمام‌کرده‌اند ویادرخدمت‌کشوری و لشکری معلومات و تجربه‌کافی تحصیل‌کرده‌اند .

مادهٔ ۳۰۳ ـ در پایتخت اشخاصیکه موافق دو مادهٔ قبل صلاحیت دخول بخدمت نظمیه رادارند ومیخواهند بسمت‌کدخدائی داخل خدمت نظمیه شوند جزو نظمیهٔ ذخیره (ردیف) محسوب خواهند شدکه بعد از دادن امتحانات لدی الاقتضاء داخل خدمت نظمیه بشوند واگر بثبوت رسیدکه لایق خدمت درنظمیه نیستند معاف خواهند بود .

تبصره ـ اشخاصیکه درمدت سه‌سال در جاهای دیگر صاحبمنصب نظمیه و ضبطیه بوده‌اند (کدخداهای محله یامدیر ضبطیه بوده‌اند) و همچنان صاحبمنصبان نظامی ازاین قاعده مستثناء ویکدفعه درپایتخت داخل خدمت نظمیه خواهند شد .

مادهٔ ۳۰۴ ـ هرگاه صاحبمنصب ردیف درمدت سه‌سال اول ترفیع‌رتبه نیافتند ازردیف نظمیه نیزباید خارج شوند .

مادهٔ ۳۰۵ ـ ترفیع رتبه دراداهٔ نظمیه باید بمراتب باشد .

مادهٔ ۳۰۶ ـ صاحبمنصبان نظمیه تفتیش نیز باید تماماً تبعهٔ ایران ودارای شرایطی باشندکه درمادهٔ ۳۰۷ و ۳۰۱ مذکور است وبعلاوه باید درپایتخت وشهرهای بزرگ امتحان معلوماتی‌که برای خدمت آنها لازم است داده باشند .

مادهٔ ۳۰۷ ـ شرایط دخول نواب وعمال ضبطیه بخدمت نظمیه از قرار ذیل است:

(اولا) تابعیت ایرانیه .

(ثانیاً) سن که کمتر از بیست وپنج نباید باشد .

(ثالثاً) برای نواب داشتن شهادت نامه تحصیل لامحاله از یکی ازمکاتب ابتدائیه وبرای تابین نظمیه سواد فارسی .

مادهٔ ۳۰۸ ـ اشخاصیکه صلاحیت دخول بخدمت نظمیه را موافق مادهٔ قبل دارند درپایتخت اول جـزو ردیف نظمیه محسوب میشوند وبعد ازدادن امتحانات در مکتب نظمیه داخل خدمت واقعی خواهند شد وهرگاه نواب و تابین لیـاقت واستعداد نداشته باشند اخراج خواهند شد .

مادهٔ ۳۰۹ ــ ازنواب و تابین آنهائیکه سه‌سال باین سمت در خدمت نظمیه بوده‌اند وتجارب لازمه راتحصیل کرده‌اند میتوانند یکدفعه داخل خدمت واقعی بشوند بشرطیکه رعایت مادهٔ ۳۰۱ و ۳۰۶ شده باشد .

مادهٔ ۳۱۰ ــ تابین نظمیه درخدمت دولتی محسوب خواهند شدولی حق ارتقاء بدرجه صاحبمنصبی رانخواهند داشت .

مادهٔ ۳۱۱ ـ نواب و تابین نظمیه بسه درجه منقسم می‌شوند و برای تشویق خدمت صادقـانه هرپنج سال از درجه سفلی بدرجه علیا ارتقاء می‌یـابند نایبی‌که از درجه اولی باشد ویکی از مکاتب ابتدائیه را تمام‌کرده باشد در صورت‌خدمات‌صادقانه وابراز کفایت میتواند معاون کدخدای محله واقع شود و کذالك پلیسی‌که سوادکافی دارد واز درجه اولی است میتواند بعد ازدادن‌امتحانات لازمه نایب‌شود.

تبصـره ـ درجات تابین نظمیه ازاین قرار است دهباشی پلیس وگزمه .

مادهٔ ۳۱۲ ــ نواب وتابین نظمیه رانمیتوان بکار دیگری گماشت ولو آن‌کار موقتی باشد .

مادهٔ ۳۱۳ ـ اشخاصی که درخدمت نظمیه واقعند نمیتوانندمتصدی شغل دیگری بشوند وکذالك ازمشاغل شخصی ازقبیل تجارت وکسب و غیره ممنوعند .

چهارم - در مسئولیت و مؤاخذه

مادهٔ ۳۱۴ ـ هرگاه ازصاحبمنصبان ومستخدمین نظمیه تقصیر سر بزندکه از قبیل جنحه وجنایتی بوده محتاج بجلب آنها بمحاکمه ودادن مجازات قانونی باشد بطوری رفتار خواهد شدکه درمواد ۳۹۱ و۳۹۲ ونظامات عدلیه مقیداست ولی چنانچه تقصیری که از صاحبمنصبان ومستخدمین نظمیه ناشی شده است جنحه وجنایتی نبوده مستوجب جلب بمحکمه عدلیه نباشد مؤاخذه‌آن ازقرار ذیل است .

تبصره ـ اشخاصی که در ادارهٔ نظمیه برای کاری اجیر شده‌اند و مستخدم نیستند در موردی که تقصیری ازآنها ناشی شود درحکم مستخدمین نظیمه خواهند بود

مادهٔ ۳۱۵ ـ مؤاخذه‌ای که‌ازصاحب منصبان نظمیه‌میشود باستثنای رئیس نظمیه وتفتیش ورئیس ادارهٔ حریق ورئیس نظمیهٔ ردیفی ازقرار ذیل است :

(اول) اخطار .

(دوم) توبیخ و ملامت .

(سیم) همان مؤاخذه بااعلان و انتشار درادارهٔ نظمیه .

(چهارم) واداشتن بخدمت خارج ازنوبت (یعنی سوای خدمت مقرره) .

(پنجم) توقیف وحبس بمدت هفت روز .

(ششم) کسرگذاشتن ازحقوق .

(هفتم) تبدیل شغل مقصر ازاعلی باسفل .

(هشتم) عزل ازشغل (نه ازخدمت) .

مادهٔ ۳۱۶ ـ مؤاخذه‌ای که ازنواب میشود ازقرار تفصیل ذیل است:

(اول) اخطار .

(دوم) توبیخ وملامت .

(سوم) همان مؤاخذه باقید اسم مقصر دردفتر جرائم .

(چهارم) رجوع خدمت خارج از نوبت .

(پنجم) حبس تادوهفته .

(ششم) کسر حقوق .

(هفتم) تبدیل شغل مقصر ازدرجه اعلی باسفل .

(هشتم) نقل ازرتبه نایبی به‌پلیس .

(نهم) اخراج از خدمت .

مادهٔ ۳۱۷ - مؤاخذه ازپلیس تابین نظمیه همان مؤاخذه از نایب است باستثنای حبس که مدت آن یکماه تواند بود .

تبصره اول - کسر حقوق یعنی (مواجب) نباید بیش ازیك ثلث باشد.

تبصره دوم - رئیس نظمیه حق دارد اشخاصی راکه شغلشان ازاعلی باسفل تبدیل شده مجدداً درازای خدمت صادقانه بدرجهٔ اعلی معاودت دهد.

مادهٔ ۳۱۸ - توبیخ وملامت شفاهی اگر راجع بصاحبمنصبان است باید در دفتر مخصوص قیدشود وچنانچه راجع بنواب وتابین نظمیه است (دهباشی وپلیس وگزمه) در دفتر جرائم ثبت خواهدشد .

مادهٔ ۳۱۹ - حبس صاحبمنصبان نظمیه درمحبس نظامی خواهدبود وحبس نواب وتابین نظمیه درمحبس هائیکه درادارهٔ نظمیه (مرکزی یامحله) ساخته شده است- نواب باید ازتابین نظمیهٔ علیحده باشند .

مادهٔ ۳۲۰ - مؤاخذه بایدباهمیت جرم وتقصیر متناسب باشد لهذا باید تقصیری

که ناشی شده و اوضاع و احوال آن وحرکت و رفتار ماقبل مقصر و مدت خدمت آن منظور باشد .

مادهٔ ۳۲۱- مؤاخذات فوق‌الذکر (درمادهٔ ۳۱۴ و ۳۱۵) حق رئیس نظمیه است ولی حق مؤاخذه مأمورین نظمیه (کدخداهای محلات) ازقرار ذیل است:

(اولا) نسبت بصاحبمنصبانیکه دراداره اوهستند اخطاروتوبیخ وملامت وبخدمت واداشتن درغیرنوبت بطورفوق‌العاده فقط یك دفعه.

(ثانیاً) نسبت بنواب توبیخ وملامت باقید دردفتر جرایم و بخدمت وادشتن درغیر نوبت بطور فوق‌العاده تاچهاردفعه.

(ثالثاً) نسبت بتابین نظمیه رجوع خدمت درغیرنوبت بطورفوق‌العاده تاشش‌دفعه وحبس تاسه‌روزاگر مؤاخذه شدیدتری لازم شودکدخدای محله‌ازرئیس نظمیه تحصیل اجازه خواهدکرد.

مادهٔ ۳۲۲- رؤسای نظمیه ذخیره و ناظمین محبس‌ها و رؤسای نظمیه تفتیش و رئیس‌ادارهٔ حریق نسبت بصاحبمنصبانی‌که درادارهٔ آنها هستند درباب مؤاخذه همان‌حق رادارندکه درباب‌کدخدای محلات قیدوتصریح شده.

مادهٔ ۳۲۳- مؤاخذات دیگرکه شدیدترباشد باجازهٔ رئیس‌نظمیه است.

مادهٔ ۳۲۴- مادامیکه رؤساء از حدود خود تجاوز نکرده‌اند و مؤاخذه صحیح بوده مقصرین حق ندارند ازآنها شکایت بنمایند .

پنجم- دروظایف اداره‌نظمیه شهری و صاحبمنصبان و تابین نظمیه

مادهٔ ۳۲۵- حدودحقوق وتکالیف ادارهٔ نظمیه شهری همان‌است‌که درباب ادارهٔ ضبطیه (بلوکی) مصرح است .

مادهٔ ۳۲۶- وظایف صاحبمنصبان نظمیه از رئیس و غیره و نواب وتابین نظمیه در شهر نیز همان است که در باب رئیس ضبطیه (بلوکی) و مدیرهای ضبطیه و غیره قید شده .

مادهٔ ۳۲۷- بعضی وظایف که مخصوص نظمیهٔ شهر است از قراری است که در موادآتیهٔ ذیل مندرج است.

مادهٔ ۳۲۸- کدخداهای محلات واداره نظمیهٔ محله(درصورتیکه باشد)مکلفندکه:

(اولا) هرفوتی که درمحله آنهااتفاق میافتد بشخص امین آن محله که برای این نوع کارها معین میشوداطلاع دهندتااقدامات لازمه درحفظ اموال متوفی بعمل آید.

(ثانیاً) ناظراجرای قواعدی باشندکه رئیس نظمیه یا مجلس بلدیه برای انتظام امورشهری ایجاد واعلام نموده‌اند .

(ثالثاً) نظارت بمحبس‌هاداشته باشند که وضع آن محبسهاموافق قاعده و انتظام باشد لهذا کدخداهای محلات زود زود باید باین امکنه سرکشی نمایند .

(رابعاً) باید هرماه بغتتاً باموراداره خود وصندوق وغیره سرکشی نمایند .

(خامساً) بقراول خانه‌هائیکه محل اقامت پلیس است نظارت داشته باشند.

مادهٔ ۳۲۹ - تقسیم کارها مابین معاونین کدخدای محله در صورتیکه کدخدا دو معاون داشته باشد بسته بصوابدید رئیس نظمیه است .

مادهٔ ۳۳۰ - صاحبمنصبان ومستخدمین اداره نظمیه تماماً درتحت نظارت رئیس نظمیه اجرای دستورالعملهای آنرا مینمایند وهریك مسئول رشتهٔ کاری هستندکه بآنها رجوع شده .

مادهٔ ۳۳۱ - اجزای اداره نظمیه محلیه (درصورتیکه باشد) درتحت نظارت کدخدای محله واقع ومسئول امورمرجوعه بخودشان هستند .

مادهٔ ۳۳۲ - نواب تماماً تابع کدخدای محله خودشان بوده وبلاواسطه اوامر و

دستورالعملهای کدخدای محله خودشانرا بلاتأخیر بموقع اجرا میگذارند .

مادهٔ۳۳۳ – تابین نظمیه درادارهٔ نواب وتابع اوامرادارات نظمیه‌اند .

مادهٔ۳۳۴ – اجزای محبس نظمیه درادارهٔ ناظمین بوده تابع اوامرودستورالعملهای آنها هستند .

مادهٔ۳۳۵ – ترتیب اقدامات ورفتارنواب وتابین نظمیه را رئیس نظمیه علیحده مشروحاً مرتب خواهدکرد .

مادهٔ۳۳۶ – ردیف نظمیه برای این دومقصود تأسیس شده اولا برای اشخاص داوطلب که خودشان را برای خدمت درنظمیه بسمت صاحبمنصبی نایبی وتابینی نظمیه حاضرنمایند ثانیاً درصورت عدم کفایت مستخدمین وتابین نظمیه موجوده نظمیه‌محلیه را تکمیل نمایند .

مادهٔ۳۳۷ – ترتیب و قواعد خدمت پلیس ذخیره و پروگرام (دستور العمل) امتحانات دخول بآن اداره وتفاصیل دیگررا وزیرداخله معین خواهدکرد .

مادهٔ۳۳۸ – پلیس تفتیش مأموراست که درموارد اتفاق جنحه و جنایتی تفتیش وتفحص وتحقیقات لازمه را بعمل آورد ویا اجرای اوامر و احکام رئیس نظمیه را در جلوگیری از جنحه و جنایات وفتنه وفساد بعمل آورد پلیس تفتیش‌دراین مواردموافق دستورالعملهای راجعه بنظمیه اقدام مینماید ودر واقع آلت اجرائیه نظمیه است .

تبصره – تفصیل ترتیبات ودستورالعملهای نظمیه تفتیش را رئیس نظمیه مرتب خواهدکرد .

ششم -- درروابط تأسیسات‌نظمیه

مادهٔ۳۳۹ – تأسیسات نظمیه تماماً درادارهٔ رئیس نظمیه است و اوامر و احکام آنرا بموقع اجرا میگذارند وراپورت میدهند ـ بـا سایردوایردولتی ادارات نظمیه

مکاتبه مینمایند وبتابین حکم میدهند .

مادهٔ ۳۴۰ ــ درامورراجعه بنظمیه تمام ادارات دولتی ازحکومتی و عدلیه و مالیه وغیره مستقیماً بتأسیسات نظمیه رجوع مینمایند .

مادهٔ ۳۴۱ ــ اشخاصیکه از اقدامات نظمیه راضی نیستند شکایات خودشانرا بادارهٔ متبوعه میدهندکه مصدرحکم است .

مادهٔ ۳۴۲ ــ ترتیب رسیدگی بصندوق نظمیه ومحاسبات آن و نظارت باموال نقدی وجنسی و اموال غیر منقوله تأسیسات نظمیه موافق قوانینی است که برای محاسبات ادارات دولتی کلیه وضع و ایجادشده.

مادهٔ ۳۴۳ ــ حدود تأسیسات نظمیه شهری حدود شهر است بااراضی و باغاتی که از محوطهٔ شهر محسوب میشود ولی درصورت تعاقب دزد یا اشخاصی که جنحه و جنایتی از آنها سرزده است پلیس شهری مکلف است که درخارج حدود شهر نیزاقدامات خود را امتداد بدهد و فقط وقتی از تعاقب صرف نظرکند که پلیس محال شروع باقدامات کرده باشد .

مادهٔ ۳۴۴ ــ نسبت بجاهائیکه قلمرو اقدامات قراسورانها است (طرقوشوارع) عمال نظمیه تکلیفی ندارند ولی هرگاه عمال نظمیه در قلمرو اقدامات قراسورانها کشف علامت جنحه وجنایتی را نمایند و مأمورین قراسوران درآن محل نباشندمکلفند که تا ورود مأمورین مزبوره موافق قوانین عدلیه تحقیقات اولیه وحفظ علامت جنحهو جنایتی را بعمل آورند .

فصل هشتم - درباب قراسورانها

اول - درتشکیل اداره قراسورانها

مادهٔ ۳۴۵ ــ قراسورانهای کلیهٔ ممالك ایران در ادارهٔ وزارت داخله و درتحت

ریاست وزیر داخله است .

مادهٔ ۳۴۶ ـ در هرولایتی که بموجب قوانین اداره تشکیل شده اداره‌ای برای ترتیب و تنظیم امور قراسورانها تشکیل خواهد شد و این اداره مرکب است ازرئیس قراسورانهای ولایتی و نایب او.

مادهٔ ۳۴۷ ـ این اداره مثل ادارهٔ نظمیه دفترخانه‌ای خواهد داشت منشی ادارهٔ قراسورانها مدیر دفترخانهٔ مزبوره است و اجزای دفترخانه از قبیل محرر و دفتردار وغیره درتحت نظارت اوواقعند.

تبصـــره ـ مقر ادارهٔ قراسورانها درکرسی ولایت خواهد بود .

مادهٔ ۳۴۸ ـ رئیس قراسورانهای ولایتی بمعرفی حاکم و بتصویب وزیرداخله منصوب ومنفصل میشود هرگاه ولایتی جزو ایالتی باشد نصب وعزل او بمعرفی حاکم و تصویب فرمانفرما است نایب رئیس قراسورانها بمعرفی رئیس قراسورانها و تصویب حاکم بشغل خود منصوب واز شغل خود منفصل خواهد شد مدیردفتر خانهٔ قراسورانها را رئیس قراسورانها معین میکند

مادهٔ ۳۴۹ ـ وزیرداخله باتفاق وزیرعدلیه ووزیر طرق وشوارع عدهٔ قراسورانهای هرولایتی را علیحده معین خواهند کردکه بعداز تصویب مقامات عالیه قوت قانونی یافته بموقع اجراء گذارده شود .

مادهٔ ۳۵۰ ـ درتعیین عدهٔ قراسورانهای ولایتی مقدارووسعت خاك آن ولایت و اخلاق وعادت سکنه وطوایف آن و همچنان اهمیت طرق و شوارع وعده نظمیه و ضبطیه ولایت منظور نظر خواهدبود .

مادهٔ ۳۵۱ ـ رئیس قراسورانهای ولایتی ونایب رئیس و صاحبمنصبان جزو قراسوران رتبهٔ نظامی خواهند داشت و ازصاحبمنصبان نظامی معین خواهند شد تمام صاحبمنصبان وتابین قراسوران درخدمت نظام حاضر رکاب محسوب و از حیث رتبه و

مقام واعطای مناصب و امتیازات وقواعد خدمت تابع قواعد و ترتیبات خدمت نظامی خواهند بود .

مادهٔ ۳۵۲ – تقسیم قراسورانهای ولایتی بدستجات مختلفه و سپردن هر کدام از دستجات مزبوره را بصاحبمنصبی و تعیین رتبه و مقام رئیس و نایب رئیس و صاحبمنصبان جزو وکذلك ترتیب لباس و اسلحه و اسب و سایر ملزومات آنها را وزیر داخله باتفاق وزیر جنگ معین و بعد از تصویب مقامات عالیه بموقع اجرا خواهد گذارد .

تبصره – تعیین عدهٔ قراسورانها برای ممالك ایران وتقسیم آن بولایات بعهدهٔ وزیرداخله خواهد بود.

دوم - دروظائف اداره قراسورانها

مادهٔ ۳۵۳– اول وظیفه ادارهٔ قراسورانها حفظ و حراست راه‌ها و وقایه امنیت طرق و شوارع است و حدود تکالیف آنها در این باب همان استکه در فصول راجعه بادارات ضبطیه و نظمیه مندرج است یعنی آنچه‌که برعهدهٔ ادارهٔ نظمیه (درشهرها) وادارات ضبطیه (دربلوکاتست) باجزئی‌اختلاف مقتضیات محل برعهدهٔادارهٔ قراسورانها نسبت بطرق وشوارع وارد میآید .

مادهٔ ۳۵۴ – ادارهٔ قراسورانها مکلف استکه اقدامات لازمه را درجلوگیری از جنحه وجنایات بعمل آورد وهرگاه جنحه وجنایتی اتفاق افتاده تا ورود مأمورتحقیق و تحقیقات اولیه را بعمل آورده و مرتکبین جنحه و جنایات و مقصرین را دستگیر نماید وعلامت جنحه وجنایاترا تا ورود مأمورین تحقیق حفظ نماید .

تبصره – درصورتیکه جنحه و جنایتی واقع شود و قراسورانهای راه درمحل وقوع جنحه وجنایات نباشند مستخدمین ادارات طرق و شوارع مکلفندکه حفظ علایم

جنحه وجنایاترا تا ورودقراسورانها بعمل آورند.

مادهٔ ۳۵۵ – درصورتیکه در محل ادارات نظمیه و ضبطیه نباشد قراسورانها تمام تکالیف آن ادارات را بموقع اجرا میگذارند موارد و مواقعیراکه قراسورانها باید تکالیف ادارات ضبطیه و نظمیه را انجام بدهند وزیر داخله باتفاق وزیر عدلیه معین و اعلام خواهدکرد .

مادهٔ ۳۵۶ – حدود اقدامات ادارهٔ قراسورانها حفظ طرق و شوارع و ابنیه و عماراتی استکه در سرراهها یا درکنارجاده ساخته شده .

مادهٔ ۳۵۷ – هرگاه جنحه و جنایتی در معابر و راهها واقع شود و جانی یا مقصر فرار نماید قراسورانها مکلفندکه آنها را تعاقب نموده در خارج از حوزهٔ اقدامات خودشان هم این تعاقب را امتداد دهند وفقط وقتی دست از تعاقب بردارندکه عمال ضبطیه و نظمیه آن محل باجرای تکالیف خودشان دراین باب و بتعاقب فراری اقدامکرده باشند .

مادهٔ ۳۵۸ – قواعد استعمال اسلحه درمواردلازمه بتوسط صاحبمنصبان وتابین وقراسوران علیحده مرتب و منضم بماده است .

سوم - درروابط اداره قراسورانها باسایر دوایرمحلیه

مادهٔ ۳۵۹ – ادارهٔ قراسورانها تابع احکام وزیرداخله و وزیر عدلیه و وزیر طرق وشوارع وادارهٔ ولایتی هستندوبآن مقامات راپرت میدهندولی ازتحقیقاتراجعه بجنحه و جنایات فقط تابع مدعی عمومی ولایتی میباشند .

مادهٔ ۳۶۰ – بدوایر محلیه ادارهٔ قراسورانها مراسله مینویسند .

مادهٔ ۳۶۱ – ادارهٔ قراسورانها هرگونه اطلاعات لازمه را بدوایر نظمیه و ضبطیه درصورتلزوم وتقاضای آن ادارات خواهندداد وخودادارهٔ قراسورانها هرگونه

اطلاعات لازمه را از آن ادارات بخواهد وکلیه در موارد لازمه ادارهٔ قراسورانها کمال مساعدت وهمراهی را باندازه‌ای که راجع بحدود تکالیف آن اداره است از ادارات ضبطیه و نظمیه خواهد نمود .

چهارم - در تکالیف رئیس قراسورانها

و نایب رئیس و صاحبمنصبان و تابین قراسورانها

مادهٔ ۳۶۲ ـ تکالیف رئیس و صاحبمنصبان و تابین قراسوران در قلمرو مأموریتی آنها همان است که درمواد راجعه برئیس ضبطیه بلوکی و نایب رئیس ومدیرهای ضبطیه وتابین ضبطیه مصرح ومندرج است .

مادهٔ ۳۶۳ ـ روابط رئیس بصاحبمنصبان و تابین قراسوران و بعکس روابط صاحبمنصبان وتابین نسبت برئیس بموجب اصول قوانین نظامی خواهد بود .

پنجم - درمسئولیت صاحبمنصبان

وتابین قراسوران و سیاست آنها

مادهٔ ۳۶۴ ـ هرگاه ازصاحبمنصبان و تابین قراسوران تقصیرات جزئی سر بزند تنبیه وسیاست آنها بطوری خواهد بودکه درقوانین خدمت نظامی برای صاحبمنصبان و تابین نظامی معین شده ولی اگر تقصیر صاحبمنصبان وتابین قراسوران بقدری مهم باشد که بعد از انفصال ازشغل ارجاع کارآنها بمحاکم عدلیه لازم شود بعد از تحقیقات لازمه درادارهٔ ولایتی با حضوررئیس نظام ولایت یا معاون آن کارآنها بمحاکم عدلیه ونظامی رجوع خواهد شد .

فصل نهم

در تشکیل اداره ناحیتی

اول - قواعد عمومی

مادهٔ ۳۶۵ ـ امور ادارهٔ هر ناحیه محول است بعهدهٔ شخصیکه موسوم است بضابط (مباشر) .

مادهٔ ۳۶۶ ـ ضابط بتصویب نایب‌الحکومه و امضای حاکم ولایت بسمت خود استقرار مییابد .

مادهٔ ۳۶۷ ـ برای اداره نمودن امور ناحیه‌اداره‌ای تشکیل‌می‌شود که موسوم‌است به ادارهٔ ناحیتی مقرادارهٔ ناحیتی وضابط (مباشر) یا دهی است که دروسط سایر دهات جزو ناحیه‌واقع‌شده‌ویاقصبه‌ای‌که ازحیث‌آبادانی تجارت وحرفت وصنعت اهمیتی نسبت بدهات دارد .

دوم - درباب ضابط (مباشر)

مادهٔ ۳۶۸ ـ حفظ و وقایه امنیت و رفاهیت و انتظام امور ناحیه بعهدهٔ ضابط (مباشر) است وکدخداهای دهات تابع اوهستند .

مادهٔ ۳۶۹ ـ ازامورضبطیه‌آنچه راجع بضابط (مباشر) است ازقرارذیل است :

(اول) اعلان وانتشارقوانین دولتی واحکام وغیره بحکم مأمورین ضبطیه‌ومراقبت اینکه قوانین جعلی واخباربی اصل اعلام وانتشار نیابد .

(دوم) حفظ و وقایهٔ امنیت و اقدامات اولیه درجلوگیری از اغتشاش وحرکات خلاف قاعده تاآنکه حکم مأمورین ضبطیه برسد .

(سیم) توقیف فراریان نظامی و غیره و اشخاص مجهول الحال و تسلیم آنها بمأمورین ضبطیه .

(چهارم) اخبار مأمورین ضبطیه از اتفاقات فوق العاده و جنحه و جنایات و اغتشاشی که در ناحیه روی داده و کذلك دادن اسامی اشخاصیکه بدون اجازه ضابط (مباشر) از ناحیه بنه‌کن خارج شده‌اند .

(پنجم) اقدامات اولیه درجلوگیری از امراض مسریه مابین مردم و حشم و حریق وطغیان آب وسایر ترتیبات واخبار مأمورین ضبطیه بلاتأخیر .

(ششم) اقدامات لازمه برای جلوگیری ازجنحه وجنایت واقدامات برای کشف جنحه وجنایت ومقصرین وتسلیم آنها بمأمورین ضبطیه .

(هفتم) نظارت صحت راه‌ها وکوچه‌ها وپل‌ها ومعابر .

(هشتم) مراقبت اینکه کدخداها وسایر اشخاصیکه دراداره ضبطیه‌اند تکالیف بخود را مجری دارند .

(نهم) نظارت دروصول مالیات وعوارض دولتی واجرای تکالیف عسکری .

(دهم) نظارت بوجوه و اموال متعلقه بناحیه و مسئولیت صرف آن وجوه بطور صحیح .

(یازدهم) نظارت بمکاتب ومریضخانه‌ها و ادارات خیریه‌که بخرج اهالی ناحیه تأسیس شده است .

(دوازدهم) نظارت بترتیبات دفتر نفوس درقراء ومراقبت بصحت آن .

ماده ۳۷۰ ـ ضابط (مباشر) مکلف است که تقاضای مشروع مأمورین عدلیه و ادارات ضبطیه را بلاعذر وتأخیر بموقع اجرا بگذارد .

تبصره ـ احکام واوامرادارات ضبطیه را آنچه‌که راجع بضابط (مباشر) است دهباشی بمشاراليه ابلاغ می‌نمایدکه بتوسط ضابط (مباشر) بموقع اجراء گذاشته شود

وخودده‌باشی حق نداردکه باموورراجعه بضابط (مباشر) یا کدخدا دخالت نماید ولی درموقع اجرای تکالیف ضبطیه خود می‌تواند بخواهدکه ضابط (مباشر) کمك ومعاونت لازمه را باو در جلوگیری ازاغتشاش وجنحه وجنایت بعمل آوردکذلك در مواقعی‌که ضابط (مباشر) تکالیف خود را ازحیث‌امورضبطیه‌مجرا‌می‌دارد‌ده‌باشی‌مکلف‌است‌که در صورت لزوم باوکمك نماید .

مادهٔ ۳۷۱ - هرگاه ازطرف اشخاصیکه درادارهٔ ضابط (مباشر) واقعند تقصیری سربزند ضابط (مباشر) میتواند مقصررا سیاست نماید حد این سیاست ضابط (مباشر) درمادهٔ (۳۹۱) مذکور است درصورت تخلف از حدود اشخاصیکه از سیاست ضابط (مباشر) شکایت دارند میتوانند درمدت یك هفته ازروی اجرای سیاست به‌ادارهٔ بلوکی شکایت نمایند .

سیم - دراداره ناحیتی

مادهٔ ۳۷۲ - ادارهٔ ناحیتی تشکیل میباشد ازضابط (مباشر) ناحیه و معاون‌آن وکدخداهای دهات جزوناحیه .

مادهٔ ۳۷۳ - ادارهٔ ناحیتی غالباً روزهای جمعه تشکیل میشود ولی بحکم‌رؤسا یا درموارد فوری روزدیگرهم می‌تواند فوق‌العاده تشکیل یابد .

مادهٔ ۳۷۴ - اموری‌که درادارهٔ ناحیتی باتفاق یااکثریت‌آراء حل وتسویه‌میشود ازقرارتفصیل است :

(اول) خرج‌کردن وجوهی‌که متعلق بناحیه است ورعایا برای مصارف ناحیتی داده‌اند .

(دوم) عزل ونصب اشخاصیکه برای خدمت ناحیتی اجیرشده‌اند باستثنای‌این‌دو مورد درسایرامورضابط (مباشر) با اعضای ادارهٔ‌ناحیتی مشورت‌می‌نماید وعقیده خودرا

بمسئولیت خودش اجرا میدارد .

مادهٔ ۳۷۵ - تسویه اموردر ادارهٔ ناحیتی بمذاکرات شفاهی است ولی در دفاتر احکام باید برای ادارهٔ ناحیتی اموری‌که تسویهٔ‌آن منوط باتفاق یا اکثریت آراء است ثبت بشود احکامی‌که ازطرف مباشر بادارهٔ ناحیتی یا بیکی ازمستخدمین ناحیه جزوکه تابع ادارهٔ ناحیتی است صادرمیشود دراین دفتردردومورد باید ثبت شود .

(اول) درصورتیکه مباشر ثبت‌آن احکام را بخواهد .

(دوم) درصورتیکه شخصی‌که حکم بعهده اوصادرشده همین تقاضاراداشته‌باشد.

مادهٔ ۳۷۶ - غیر ازدفتر مذکور درمادهٔ قبل‌دفاتر ذیل‌نیز بایددرادارهٔ ناحیتی مرتب باشد .

(اول) دفتر دعـاوی‌که درمحاکم ناحیتی طرح میشود وکذالك دفتر دعاوی‌که بحکمیت حل وتسویه میگردد .

(دوم) - دفتر معاملات دراین دفتر هرگونه معاملات‌که فیمابین خود دهقان ها وملاکین وسایر اشخاص منعقد شده بمیل طرفین‌ثبت میشود بشرطی‌که‌وجه این‌معاملات عیناً یاقیمةً بیشتر ازصد وپنجاه تومان نباشد ومعامله درحضور دو نفر شاهد منعقد شده باشد سواد ثبت دفتر معاملات در صورتیکه صحیح باشد (نه تقلبی) در محاکم عدلیه منظور خواهد بود .

تبصـره - برای ثبت معاملات دردفتر مزبور ازهرمعامله دهشاهی اخذ میشود واگر دریك معامله بیش ازدو نفر شراکت دارند بایدنفری پنجشاهی دهند پولیکه‌باین ترتیب جمع میشود بمصارف خیریه خود ناحیه خواهد رسید .

مادهٔ ۳۷۷ - نگاهداشتن دفاتر مذکوره درمادهٔ ۳۷۶ ونوشتن شهادت نامه‌ها وکلیه نوشتجاتی‌که ازطرف مباشریا ادارهٔ ناحیتی صادر میشود بعهدهٔ‌محرر ناحیتی‌است ومحرر مزبور تحت نظارت مبـاشر مراقبت و مسئول صحت نوشتجـات صادره است

وهرگاه تقلبی در نوشتجات وشهادت نامه‌ها وغیره مشاهده شودمحرر مزبور بموجب قوانین راجعهٔ بتقلب درخدمت دولتی مورد مجازات خواهد بود .

فصل دهم

درباب کدخداها وامور راجعه بقراء

مادهٔ ۳۷۸ ـ اداره‌کردن امور ده بعهدهٔ کدخدا است که برضایت اکثر ساکنین ده و بتصویب مباشر ومالك وامضای نایب الحکومه بدین سمت استقرار میبابد .

مادهٔ ۳۷۹ ـ وظایف کدخدا ازقرارذیل است .

(اول) اجرای قرارداد های ادارهٔ ناحیتی .

(دوم) نظارت باینکه حدود اراضی متعلقه بدهقانها وعلائم آن محفوظ باشد اعم ازاینکه آن اراضی درملکیت آنها باشدیا دراجارهٔ آنها .

(سیم) مراقبت درصحت راهها ومعابر وکوچه‌ها و پلهای ده .

(چهارم) مواظبت وصول مالیات وعوارض دولتی و حقوق مالك .

(پنجم) اجرای قرارداد هائیکه دهقانها مابین خودشان منعقد داشته‌اند یا باملاکین واشخاص خارج بسته‌اند درصورتیکه این قراردادها متنازع فیه نباشد .

(ششم) نظارت بمکاتب و مریضخانه ودارالمساکین وغیره‌درصورتیکه خوداهالی ده بخرج خودشان این نوع ادارات خیریه را تأسیس‌کرده باشند .

(هفتم) نظارت بدفاتر نفوس وغیره‌واطلاعات راجعه بآن و تقدیم صورت این دفاتر بجای لازم .

(هشتم) نظارت باموال و وجوهیکه متعلق بخود ده‌است و همچنان بانبار غله ذخیره‌که متعلق باهالی ده‌است وصرف آن بطور صحیح .

مادهٔ ۳۸۰ کدخدا تمام احکام مباشر راکه راجع بامور ضبطیه ومذکور در مادهٔ ۳۶۸ است بموقع اجرا میگذارد وخود مستقلا اقدامات ذیل‌را بعمل میآورد .

(اول) حفظ ووقایه امنیت اهالی واموال آنها ازجنحه و جنایات وغیره و نظارت اینکه مزارع را خراب ننمایند وجنگل راموافق قواعد موجوده حفظ کنند وکذلك اقدامات لازمه برضد حریق

(دوم) دستگیر کردن فراریان نظامی و غیره واشخاصی که مرتکب جنحه و جنایت شده‌اند وتسلیم آنها بضبطیه محلیه

(سیم) معاونت لازمه برای جلوگیری از امراض مسریه و حریق و طوفان و سایر بلیات واخبار مباشر ومأمورین ضبطیه محلیه

(چهارم) کلیهٔ اخبار مأمورین ضبطیه محلی ازوقوع حوادث واتفاقات فوق‌العاده .

(پنجم) درصورت وقوع جنحه وجنایتی که خدای محل قبل ازحاضرشدن مأمور تحقیق و مأمورین ضبطیه محلی اقدامات اولیه را در تحقیقات لازمه و دستگیر کردن جانی وحفظ علائم جنحه وجنایت بعمل میآورد

مادهٔ ۳۸۱ ـ در تمام موارد مذکوره درمادهٔ قبل کدخدا مکلف است که تقاضای قانونی مالك را فوراً بموقع اجرا بگذارد

مادهٔ ۳۸۲ ـ حوزهٔ مأموریتی کدخدا حدودده است ولهذا تمام ساکنین ده از دهقان و سربازها و تابین ردیف و متقاعدین ازخدمت نظامی در ادارهٔ کدخدا هستند

تبصرهٔ ـ اشخاصیکه در خدمت مالکند وکذلك اشخاصیکه درخانهٔ مالکند تابع ضبطیه محلی هستند لهذا اگر خلاف قاعده یا بی‌نظمی از آنها سر بزند کدخدا مراتب را بمالك اطلاع میدهد و هرگاه جنحه وجنایتی از آنها ناشی شود بضبطیه محلی رجوع میکند

مادهٔ ۳۸۳ ـ کدخدا مکلف است که احکام و اوامر محکمه صلح و محکمه تحقیق ومأمورین ضبطیه وادارات دولتی رادر امور راجعه بآنها بلاتأخیر بموقع اجرا بگذارد.

مادهٔ ۳۸۴ ـ کدخدا اختیاردارد اشخاصی راکه درادارهٔ او واقعند بواسطه تقصیرات

جزئی که از آنها سرزده است تنبیه نماید وفوق حدود این تنبیه تادو روز حبس است اشخاصیکه از سیاست کدخدا شاکی هستند می‌توانند درظرف یك هفته از روزحکم کدخدا به‌ادارهٔ ناحیتی شکایت نمایند

مادهٔ ۳۸۵ ـ کدخدا مکلف است که دراقدامات مهمه‌ای که‌می‌نماید ازقبیل تنبیه وسیاست اشخاصی که در ادارهٔ او بوده و تابع او هستند و اجرای احکام محکمه صلح و احکام عمال ضبطیه‌وتوقیف وحبس وتفتیش وتفحص خانهٔ دهقانها مطابق قانون وتحقیقات اولیه که درصورت وقوع جنحه و جنایت بعمل می‌آورد و تحویل گرفتن مالیات از اشخاصی که خود اهالی برای جمع‌آوری مالیات معین کرده‌اند و ایصال آن باشخاص لازم وکذلك تأدیهٔ حقوق مالك دو نفر از ریش‌سفیدان ده راکه محل وثوق هستند بشهادت همراه داشته باشد

مادهٔ ۳۸۶ ـ درصورتیکه ناحیه عبارت از یك ده‌باشد مباشر ناحیه امورراجعه بکدخدا را اداره‌خواهدکرد و یك‌یا دونفر نایب برضایت اهالی ده و تصویب مباشر برای معاونت او معین خواهدشد

فصل یازدهم

درباب مرجعیت امور بادارات محلیه (ازحکومتی و غیره)

و حدود اختیارات آن ادارات

مادهٔ ۳۸۷ ـ باستثنای مواردیکه قانوناً معین شده ادارات محلیه حق‌ندارند قراردادهای خودشانرا تغییر بدهند وکذالك قراردادهای دوایری راکه تابع آن‌ادارات نیستند نسخ نمایند.

تبصره ـ هرگاه در ادارهٔ قرارداد مجلس مشاوره آن اداره هنوز در دفتر صورت مجلس نوشته نشده باشد یا اعضای مجلس صورت مجلس را امضا نکرده باشند ویا بالاخره صورت مجلس هنوز اعلام نشده و بموقع اجرا گذارده نشده باشد نسخ قرارداد آن اداره ممکن است.

مادهٔ ۳۸۸ـ هرگاه ما بین آن ادارات محلیه یا ما بین ادارات مزبوره با ادارات عدلیه وهمچنان ما بین اشخاصیکه در آن ادارات خدمت میکنند معارضه یا اختلافی درمرجعیت امور حاصل شود بطوری اقدام خواهد شد که ذیلا مندرج است:

(اول) هرگاه اختلافی درمرجعیت امور ما بین دوایر شهری و بلوکی (یعنی دوایری که حوزهٔ اقدامات آنها حدود شهر است یا حدود بلوك) که تابع یك وزارتخانه هستند حاصل شود یا ما بین اشخاصی که در آن دوایر خدمت میکنند رفع این اختلافات بعهدهٔ شعبه وزارتخانه متبوعهٔ آنها است که در کرسی ولایت واقع است.

(دوم) اگر این اختلاف ما بین دوایر واشخاصی روی داده که در بلوك یا شهری واقعند ولی تابع یك وزارتخانه نیستند (یعنی تابع وزارتخانه‌های مختلفند) رفع این نوع اختلافات بعهدهٔ ادارهٔ ولایتی است.

(سیم) هرگاه اختلافی ما بین دوایر بلوکی یا شهری که در ولایات مختلفه واقع و تابع یك وزارتخانه‌اند حادث شود یا ما بین اشخاصیکه در آن دوایر خدمت می‌نمایند باید دید مسئله وکاری که باعث اختلاف شده در قلمرو کدام ولایت طرح شده و بشعبهٔ وزارتخانه متبوعه که در کرسی آن ولایت واقع است رجوع نمود.

(چهارم) درصورتی که اختلافی از مرجعیت امور ما بین دوایر بلوکی یا شهری که درادارهٔ وزارتخانه‌های مختلفه هستند ودرولایات مختلفه واقعند حاصل شده باشد باید دید امری که باعث اختلاف شده درقلمرو کدام ولایت شروع شده و بادارهٔ ولایتی آن ولایت رجوع نمود.

(پنجم) هرگاه این نوع اختلافات ما بین ادارات ولایتی (یعنی اداراتیکه قلمرو اقدامات آنها حدود ولایت است) یا ما بین اشخاصیکـه در آن ادارات خدمت میکنند حاصل شود وادارات واشخاص مزبوره دراداره‌ٔ یك وزارتخانه باشد رفع اختلاف بعهدهٔ وزارتخانهٔ متبوعه است.

(ششم) اختلافاتیکه درمرجعیت امورما بین ادارات واقعه‌درکرسی ولایتی وتابع بوزارتخانه‌های مختلفه‌حاصل میشودراجع بحکم مجلس وزراءاست.

(هفتم) اختلافاتی‌که ما بین محکمه عدلیه بـا یکی ازادارات دولتی(که درمحل تشکیل‌شده) درباب مرجعیت‌امورحاصل میشودتشخیص‌آن موکول برأی‌محکمه عدلیه است یعنی محکمه باید معین‌نمایدکه مسئله متعارض فیهاراجع بخود اوست یا راجع بیکی ازادارات دولتی.

مادهٔ۳۸۹ـ هراداره باید احکام واوامرو دستور العملهای ادارهٔ متبوعهٔ خود را بموقع اجراگذارد ولی‌هرگاه ازمجلس‌وزراء حکمی باداره‌صادر شودکه مغایرباقوانین موضوعه باشدآن‌اداره بایدآن حکم رابلااجراءگذاشته مراتب را بمجلس وزراءراپرت نماید وهرگاه مجلس وزراء عقیدهٔ‌آن اداره‌راقبول ننموده امرباجرای حکم سابق‌خود کرد برادارهاست‌که حکم مجلس‌وزراء رابلاتأخیر بموقع‌اجراگذارد.

مادهٔ۳۹۰ـ هرگاه ازوزیرمتبوع باداره حکمی یادستورالعملی برسدکه‌مناقض قوانین موضوعه باشد اداره مکلف استکـه‌آن حکم یادستورالعمل را بلااجراگذارده ملاحظات خود را بوزیر متبوع راپورت نماید واگر وزیر مسئول مجدداً امر بـاجرای حکم خود نمود مراتب را بمجلس وزراء راپرت نموده منتظر حکم یـا دستورالعمل آن بشود .

فصل دوازدهم

درباب مؤاخذه وسیاست صاحبمنصبان ومأمورین و مستخدمین ادارات محلیه وارجاع کار آنها درموارد لازمه بمحاکم عدلیه

مادهٔ۳۹۱- مؤاخذه وسیاست وتنبیه صاحبمنصبان ومأمورین ومستخدمین ادارات محلیه درموردیکه تقصیری از آنها سربزند ازقرارتفصیل است:

(اول) نصیحت وتوبیخ وملامت مأمورین و مستخدمین بدون تذکر این تنبیه در ورقهٔ خدمت آنها بتوسط خودرئیس بلاواسطه مأمورین و مستخدمین می‌شود.

(دوم) کسر گذاشتن ازحقوق الی یك ثلث و یاتبدیل شغل اعلی باسفل ویاعزل از شغل (نه خدمت) ویاتوقیف الی پنج‌روز حبس و این بحکم رئیس خواهد شدکه آن صاحبمنصب یامأمور و مستخدم مقصررا معین کرده است باقی سیاسات ازقبیل توبیخ و وملامت یاتذکراین تنبیه درورقهٔ خدمت مقصروعزل واخراج اوازخدمت بکلی ومجازاتی که‌درازای خیانت و ارتکاب بجنحه وجنایت باید بمأمورین ومستخدمین داده‌شود بحکم محکمهٔ عدلیه خواهدبود.

تبصره - حدودمجازات صاحبمنصبان ومستخدمین نظمیه وهمچنان حق تنبیه وسیاست کدخدای ده درجای خود مذکور (مادهٔ۳۲۲ -۳۱۴-۳۸۴) و مستثنای ازاین قاعدهٔ عمومی است.

مادهٔ۳۹۲- درصورتی‌که تقصیرصاحبمنصبان مأمورین ومستخدمین ادارات محلیه مقتضی ارجاع کارآنها بمحاکم عدلیه باشد قبل ازارجاع بطوریکه ذیلاً مندرج است در ادارات لازمه تحقیقات مقتضیه بعمل آمده وبعد درصورت لزوم حکم بارجاع کار مقصر بمحاکم عدلیه خواهد شد.

مادهٔ ۳۹۳- ارجاع کار صاحبمنصبان و مأمورین و مستخدمینی که تعیینشان بعهدهٔ حاکم و ادارهٔ ولایتی یا یکی از شعبات وزارتخانه‌ها در کرسی ولایت است و همچنان ارجاع کار تأبین نظمیه (از ناظمین نظمیه ودهباشی وغیره) باید بتحقیقات وحکم ادارهٔ ولایتی باشد.

مادهٔ ۳۹۴ - هرگاه صاحبمنصبان و مستخدمین را وزارتخانه‌ها معین کرده‌اند ارجاع کار آنها بمحاکم عدلیه بحکم وزیرمسئول خواهد بود.

مادهٔ ۳۹۵- حاکم واشخاصی که ازطرف قرین الشرف همایونی مأموریتی درولایت دارند کارشان درموارد لازمه بتحقیقات و بواسطهٔ مجلس وزرا بمحاکم عدلیه رجوع خواهد شد.

دوم-قسمت خصوصی

فصل سیزدهم

درباب ایالات وفرمانفرماها

اول-قوائدعمومی

مادهٔ ۳۹۶ - اوضاع سیاسی و اداره و مصالح دولتی و مملکتی در بعضی از موارد اقتضا تواند نمودکه چند ولایتی که موافق قوانین تشکیل و منظم شده بطور استثناء از قاعدهٔ کلی در تحت نظارت بلاواسطه یکنفررئیس کل که مأمور باقامت در محل و نظارت بکلیهٔ امورکشوری خواهدبود قرار داده‌شود و همچنان در مواقع فوق‌العاده از قبیل شورش بزرگ و اغتشاشات متمادی و جنگ و غیره مقتضی تواند شدکه دولت باختیارات حکومت ولایتی که قانوناً تشکیل و تنسیق شده بیفزاید

بدین معنی که موقتاً شخصی را با اختیارات وسیعه بسمت فرمانفرمائی در حدود همان ولایت برقرار نماید در مورد اولی ازچند ولایت قانونی ایالتی تشکیل و ترتیب خواهد شدکه در تحت نظارت و مسئولیت رئیس کل که ملقب بفرمانفرما است خواهد بود در مورد دومی غیر از حاکم در ولایت قانونی یك نفر بسمت فرمانفرمائی با قدرت و اختیاراتی که قانوناً بدین شغل تعلق میگیرد معین خواهدشد بدیهی است که تشکیل ایالت ازچندولایت قانونی وترتیب فرمانفرمائی در ولایت معینی استثناء از این قواعد عمومی است وموقتی خواهد بود و بعداز رفع احتیاج موقوف خواهد شد .

مادهٔ ۳۹۷ ـ فرمانفرما های ایالات و ولایات از رجال موثق مجرب کافی دولت بتصویب وزارت داخله انتخاب و از طرف قرین الشرف همایونی بدین سمت معین خواهند شد .

مادهٔ ۳۹۸ ـ مادامی که فرمانفرما در یکی از ولایات جزو ایالت است (قلمرو مأموریت فرمانفرما) احکام قانونی او در تمام قلمرو ایالت مجری خواهد بوددرصورت غیبت یا مرض فرمانفرما نمیتواند مأموریت خودرا بدون اجازهٔ مخصوص بندگان اقدس همایونی بکس دیگری محول کند .

مادهٔ ۳۹۹ ـ هرگاه در غیاب فرمانفرما یا درصورت مرضی سخت جانشینی برای او معین نشده حکام ولایات جزو ایالت هرکدام موافق قوانین تشکیل و تنظیم ولایات رفتار خواهندکرد قطع نظر از اینکه ولایت جزو ایالتی باشد .

دوم - در وظایف فرمانفرما بطورعمومی

مادهٔ ۴۰۰ ـ اول وظیفهٔ فرمانفرما نظارت عالیه او است در اجرای کلیهٔ قوانین و نظامنامه ها و دستورالعمل های راجعه بولایتی که جزو قلمرو مأموریت فرمانفرما است و این نظارت فرمانفرما منحصر باموركشوری است مگر آنکه بموجب

امر مخصوصی در موارد مقتضیه ریاست کل قشون ولایات جزو ایالت نیز به عهدهٔ فرمانفرما محول شود .

مادهٔ ۴۰۱ ـ اقدامات لازمه فرمانفرما در اجرای قوانین و نظامنامه ها و دستورالعملهای خود او بتوسط ادارات و اشخاصی خواهد بود که بموجب قوانین متصدی امر اجرای قوانین و غیره هستند .

مادهٔ ۴۰۲ ـ فرمانفرما مکلف است که در حدود قوانین اعمال و افعال کلیهٔ ادارات قلمرو مأموریتی خود را تفتیش و رسیدگی نماید و از تخلف از قوانین قویاً ممانعت نماید .

تبصره ـ ادارات تفتیش محلی از این قاعده مستثنی و بموجب قوانین ادارهٔ کل تفتیش فقط در تحت ریاست و نظارت آن اداره واقع است .

مادهٔ ۴۰۳ ـ یکی از وظایف عمدهٔ فرمانفرما حفظ امنیت و وقایه رفاهیت و آسودگی اهالی ایالتی است که بعهدهٔ او واگذار شده لهذا در صورتیکه در ولایتی اغتشاش یا بی نظمی حاصل شود و باقدامات حاکم آن ولایت قلع وقمع آن اغتشاش نشده باشد فرمانفرما مکلف است که اقدامات مؤثره را بعمل آورده امنیت عمومی را برقرار نماید .

مادهٔ ۴۰۴ ـ در صورت بلیات سماوی از قبیل حریق وزلزله و طغیان آب و طوفان و غیره فرمانفرما باید کمال مراقبت را درفهمیدن حوائج اهالی و اعانت وکمک بدرماندگان و محنت‌زدگان بعمل آورد و اگر وسائل موجوده محلی کافی نباشد باید از دولت استمداد کند .

مادهٔ ۴۰۵ ـ فرمانفرما باید به عرایض و شکایات مردم با کمال دقت رسیدگی نموده مطالب حقهٔ آنها را انجام بدهد برای اینکه در این موارد بیجهت مکاتبه نشده تضییع وقت نشود و رعایت انتظام امور شده باشد فرمانفرما باید

مراقبت نماید کـه شکایاتی که باو از دوایر تابعه میشود بتوسط دوایر متبوعه آن دوایر باشد .

مادهٔ ۴۰۶ ـ از طرف دیگـر فرمانفرما مکلف است اشخاصی را کـه در شکایت خود تهمت و افترا میزنند و یا محرك شکایات تهمت آمیز میشوند در حدود قوانین قویاً تعاقب نموده مراقبت نماید که در محکمهٔ عدلیه بمجازات قانونـی خود برسند .

مادهٔ ۴۰۷ - درصورت بروز امراض مسریه یا امراض سریع الانتشار فرمانفرما مکلف است که اقدامات مجدانه را در قلمرو مأموریتی خود برای جلوگیری از امراض مزبوره و دفع و رفع آن بعمل آورد .

مادهٔ ۴۰۸ ـ هرگاه در قلمرو ایالتی حاصل زراعتی خراب و احتمال قحطی ارزاق و آذوقه برود درصورتیکه انبارهای ذخیره کافی نباشد باید فرمانفرما اقدامات مجدانه را در جلوگیری از قحطی بعمل آورد و درصورت عدم کفایت وسایل موجوده محلی فرمانفرما از جاهای لازم استمداد مینماید و حتی المقدور سعی بلیغ در تحصیل وسایل برای کمك و اعانه قحطی زدگان و پیدا کردن کار برای آنها بعمل آورد.

مادهٔ ۴۰۹ ـ فرمانفرما مراقبت مخصوصی نسبت به پیشرفت زراعت و تجارت وحرفت وصنعت ایالتی که قلمرو مأموریت او است خواهد داشت و کـمال همراهی و مساعدت را در پیشرفت امور مزبوره و تحصیل زراعت که مبنای ثروت مملکت است خواهد نمود و در مواردی که اقدامی یا مساعدتی ازطرف دولت لازم باشد ملاحظات خودرا مفصلا بمقامات عالیه راپورت خواهدکرد.

مادهٔ ۴۱۰ - برای پیشرفت امور مذکوره در مادهٔ قبل فرمانفرما مکلف است از کلیه انحصاراتیکه در قلمرو مأموریتی او بتوسط اشخاص متفرقه بر قـرار میشود

و مبتنی بر امتیاز نامه دولتی نیست قویاً مانع شده کار مقصرین را بمحکمه عدلیه رجوع نماید.

مادهٔ ۴۱۱ – چون پیشرفت تجارت منوط بصحت راهها است فرمانفرما مراقبت مخصوصی نسبت بطرق وشوارع خواهدداشت.

مادهٔ ۴۱۲ – چون فرمانفرما رئیس کل ایالتی است که امورآن بعهدهٔ کفایت او محول شده باید مواظب باشدکه صاحبمنصبان ومستخدمین ولایت و ایالت ازحیث رفتار و اخلاق وصداقت و شایستگی موافق قوانین موضوعه و منظورات مقامات عالیه باشند و درخدمت از قوانین خدمتی تخلف وتجاوز ننمایند و تکالیف خدمتی را کاملا بموقع اجرا آورده وهرکدام شغل خودرا انجام دهند وبهیچوجه ازحدودی که قانوناً برای هر اداره‌ای معین شده تجاوز ننمایند.

مادهٔ ۴۱۳ – فرمانفرما بایدمراقبت نمایدکه قوانین راجعه به تعیین صاحبمنصبان و مستخدمین ادارات محلیه محفوظ بوده صحیحاً مراعات شود یعنی صاحب منصبان و مستخدمینی که باید به تعیین مقامات عالیه باشند بتوسط فرمانفرما بمقامات مزبوره معرفی شوند (درصورتی که محظور یا عذر موجهی نباشد این معرفی فرمانفرما منظور نظر خواهد بود) و صاحبمنصبان ومستخدمینی که تعیینشان بعهدهٔ ادارات واشخاص محلی است بلاواسطه ازطرف آن ادارات واشخاص معین گردند

مادهٔ ۴۱۴ – چون فرمانفرما نظارت عالیه نسبت بادارات و صاحبمنصبان قلمرو ایالت خود دارد وناظر صحت اعمال آنها است لهذا حق داردکه برای تشویق اشخاص لایق وصدیق وکافی از مقامات عالیه برای آنها خواهش ترفیع رتبه وامتیاز ومناصب نماید وصاحب منصبان ومستخدمین نالایق وبدکرداررا بتوسط ادارات ورؤسای متبوعه آنها درحدود قوانین تنبیه وسیاست نماید

مادهٔ ۴۱۵ – فرمانفرماها حق دارندکه موافق مواد (۱۰۷–۱۱۰) قواعد مقتضیه

را در قلمرو ایالت خودشان وضع نمایند وهمچنان حق خواهند داشت قواعدی راکه بتوسط حکام جزء فرمانفرمائی ایجاد شده تغییر بدهند یاتکمیل ویانسخ نمایند مراتب رادراین موارد فرمانفرماها بوزیر داخله اطلاع خواهند داد

سیم - در روابط فرمانفرماها

مادهٔ۴۱۶ ـ روابط فرمانفرما ها در امور راجعهٔ بآن ها برسه نوع است :

(اولاً) با ذات اقدس همایونی

(ثانیاً) با وزارتخانها وادارات مرکزی

(ثالثاً) با ادارات محلیه (ایالتی و ولایتی)

مادهٔ۴۱۷ ـ فرمانفرماها میتوانند درموارد مهمه درکلیهٔ اموری‌که لازم بدانند مستقیماً عرایض راپرتی بحضور مبارك اعلیحضرت اقدس همایونی تقدیم کنند ولی ازطرف دیگرفرمانفرماها نباید دراین‌حق خود سوءاستعمال نمایند ولهذا فرمانفرماها فقط در موارد مهمه و درصورت ضرورت عرایض لازمه را مستقیماً بخاکپای همایونی عرض میکنند ودراموریکه حل وتسویه‌آن اموربتوسط ادارات مزبوره باید بعمل‌آید مکلفند موافق قوانین ونظامنامه‌ها بوزارتخانه‌های‌لازم‌رجوع نمایند

مادهٔ۴۱۸ ـ درمواردیکه فرمانفرماها مستقیماً بحضور مبارك بندگان همایونی راپرت عرض مینمایند چه فوری باشد چه غیر فوری باید مواد یا مفاد آن را باطلاع وزیر داخله هم برسانند

مادهٔ۴۱۹ ـ هرگاه فرمانفرما صلاح نداند که در راپرت اموری که از ولایات بوزارتخانه‌ها بموجب قوانین موضوعه تقدیم می‌شود رأی و عقیدهٔ خود را اظهار دارد میتواند بخواهدکه‌آن اموربتوسط فرمانفرما بوزارتخانهٔلازمه ارسال‌شود ولی اموری‌که بموجب قوانین موضوعه مستقیماً راجع بشخص فرمانفرما وادارهٔ آن است حتماً باید بتوسط فرمانفرما بوزارت‌خانه‌هااظهار شود

و مبتنی بر امتیاز نامه دولتی نیست قویاً مانع شده کار مقصرین را بمحکمه عدلیه رجوع نماید .

مادهٔ ۴۱۱ – چون پیشرفت تجارت منوط بصحت راهها است فرمانفرما مراقبت مخصوصی نسبت بطرق وشوارع خواهدداشت .

مادهٔ ۴۱۲ – چون فرمانفرما رئیس کل ایالتی است که امور آن بعهدهٔ کفایت او محول شده باید مواظب باشدکه صاحبمنصبان ومستخدمین ولایت و ایالت ازحیث رفتار و اخلاق وصداقت و شایستگی موافق قوانین موضوعه و منظورات مقامات عالیه باشند و درخدمت از قوانین خدمتی تخلف وتجاوز ننمایند و تکالیف خدمتی را کاملا بموقع اجرا آورده وهرکدام شغل خودرا انجام دهند وبهیچوجه ازحدودی که قانوناً برای هر اداره‌ای معین شده تجاوز ننمایند .

مادهٔ ۴۱۳ – فرمانفرما بایدمراقبت نمایدکه قوانین راجعه به تعیین صاحبمنصبان و مستخدمین ادارات محلیه محفوظ بوده صحیحاً مراعات شود یعنی صاحب منصبان و مستخدمینی که باید به تعیین مقامات عالیه باشند بتوسط فرمانفرما بمقامات مزبوره معرفی شوند (درصورتی که محظور یا عذر موجهی نباشد این معرفی فرمانفرما منظور نظر خواهد بود) و صاحبمنصبان ومستخدمینی که تعیینشان بعهدهٔ ادارات واشخاص محلی است بلاواسطه ازطرف آن ادارات واشخاص معین گردند

مادهٔ ۴۱۴ – چون فرمانفرما نظارت عالیه نسبت بادارات و صاحبمنصبان قلمرو ایالت خود دارد وناظر صحت اعمال آنها است لهذا حق داردکه برای تشویق اشخاص لایق وصدیق وکافی از مقامات عالیه برای آنها خواهش ترفیع رتبه وامتیاز ومناصب نماید وصاحب منصبان ومستخدمین نالایق وبدکرداررا بتوسط ادارات ورؤسای متبوعه آنها درحدود قوانین تنبیه وسیاست نماید

مادهٔ ۴۱۵ – فرمانفرماها حق دارندکه موافق مواد (۱۰۷_۱۱۰) قواعد مقتضیه

را در قلمرو ایالت خودشان وضع نمایند و همچنان حق خواهند داشت قواعدی راکه بتوسط حکام جزء فرمانفرمائی ایجاد شده تغییر بدهند یا تکمیل و یا نسخ نمایند مراتب را دراین موارد فرمانفرماها بوزیر داخله اطلاع خواهند داد

سیم - در روابط فرمانفرماها

مادهٔ ۴۱۶ ـ روابط فرمانفرما ها در امور راجعهٔ بآن ها برسه نوع است :

(اولاً) با ذات اقدس همایونی

(ثانیاً) با وزارتخانها وادارات مرکزی

(ثالثاً) با ادارات محلیه (ایالتی و ولایتی)

مادهٔ ۴۱۷ ـ فرمانفرماها میتوانند درموارد مهمه درکلیهٔ اموری‌که لازم بدانند مستقیماً عرایض راپرتی بحضور مبارك اعلیحضرت اقدس همایونی تقدیم کنند ولی ازطرف دیگرفرمانفرماها نباید دراین‌حق خود سوءاستعمال نمایند ولهذا فرمانفرماها فقط در موارد مهمه و درصورت ضرورت عرایض لازمه را مستقیماً بخاکپای همایونی عرض میکنند ودراموریکه حل وتسویه‌آن اموربتوسط ادارات مزبوره باید بعمل‌آید مکلفند موافق قوانین ونظامنامه‌ها بوزارتخانه‌های‌لازم‌رجوع نمایند

مادهٔ ۴۱۸ ـ درمواردیکه فرمانفرماها مستقیماً بحضور مبارك بندگان همایونی راپرت عرض مینمایند چه فوری باشد چه غیر فوری باید مواد یا مفاد آن را باطلاع وزیر داخله هم برسانند

مادهٔ ۴۱۹ ـ هرگاه فرمانفرما صلاح نداند که در راپرت اموری که از ولایات بوزارتخانه‌ها بموجب قوانین موضوعه تقدیم می‌شود رأی و عقیدهٔ خود را اظهار دارد میتواند بخواهدکه‌آن اموربتوسط فرمانفرما بوزارتخانهٔ‌لازمه ارسال‌شود ولی اموری‌که بموجب قوانین موضوعه مستقیماً راجع بشخص فرمانفرما وادارهٔ آن است حتماً باید بتوسط فرمانفرما بوزارتخانه‌هااظهار شود

و مبتنی بر امتیاز نامه دولتی نیست قویاً مانع شده کار مقصرین را بمحکمه عدلیه رجوع نماید .

مادهٔ ۴۱۱ ـ چون پیشرفت تجارت منوط بصحت راهها است فرمانفرما مراقبت مخصوصی نسبت بطرق وشوارع خواهدداشت .

مادهٔ ۴۱۲ ـ چون فرمانفرما رئیس کل ایالتی است که امور آن بعهدهٔ کفایت او محول شده باید مواظب باشد که صاحبمنصبان ومستخدمین ولایت و ایالت ازحیث رفتار و اخلاق وصداقت و شایستگی موافق قوانین موضوعه و منظورات مقامات عالیه باشند و درخدمت از قوانین خدمتی تخلف وتجاوز ننمایند و تکالیف خدمتی را کاملا بموقع اجرا آورده وهرکدام شغل خودرا انجام دهند وبهیچوجه ازحدودی که قانوناً برای هر اداره‌ای معین شده تجاوز ننمایند .

مادهٔ ۴۱۳ ـ فرمانفرما بایدمراقبت نماید که قوانین راجعه به تعیین صاحبمنصبان و مستخدمین ادارات محلیه محفوظ بوده صحیحاً مراعات شود یعنی صاحب منصبان و مستخدمینی که باید به تعیین مقامات عالیه باشند بتوسط فرمانفرما بمقامات مزبوره معرفی شوند (درصورتی که محظور یا عذر موجهی نباشد این معرفی فرمانفرما منظور نظر خواهد بود) و صاحبمنصبان ومستخدمینی که تعیینشان بعهدهٔ ادارات واشخاص محلی است بلاواسطه ازطرف آن ادارات واشخاص معین گردند

مادهٔ ۴۱۴ ـ چون فرمانفرما نظارت عالیه نسبت بادارات و صاحبمنصبان قلمرو ایالت خود دارد وناظر صحت اعمال آنها است لهذا حق دارد که برای تشویق اشخاص لایق وصدیق وکافی از مقامات عالیه برای آنها خواهش ترفیع رتبه وامتیاز ومناصب نماید وصاحب منصبان ومستخدمین نالایق وبدکرداررا بتوسط ادارات ورؤسای متبوعه آنها درحدود قوانین تنبیه وسیاست نماید

مادهٔ ۴۱۵ ـ فرمانفرماها حق دارند که موافق مواد (۱۰۷ـ۱۱۰) قواعد مقتضیه

را در قلمرو ایالت خودشان وضع نمایند وهمچنان حق خواهند داشت قواعدی راکه بتوسط حکام جزء فرمانفرمائی ایجاد شده تغییر بدهند یاتکمیل ویانسخ نمایند مراتب رادراین موارد فرمانفرماها بوزیر داخله اطلاع خواهند داد

سیم - در روابط فرمانفرماها

مادهٔ۴۱۶ ـ روابط فرمانفرماها در امور راجعهٔ بآن ها برسه نوع است :
(اولاً) با ذات اقدس همایونی
(ثانیاً) با وزارتخانها وادارات مرکزی
(ثالثاً) با ادارات محلیه (ایالتی و ولایتی)

مادهٔ۴۱۷ ـ فرمانفرماها میتوانند درموارد مهمه درکلیهٔ اموری‌که لازم بدانند مستقیماً عرایض راپرتی بحضور مبارك اعلیحضرت اقدس همایونی تقدیم کنند ولی ازطرف دیگرفرمانفرماها نباید دراین‌حق خود سوءاستعمال نمایند ولهذا فرمانفرماها فقط در موارد مهمه و درصورت ضرورت عرایض لازمه را مستقیماً بخاکپای همایونی عرض میکنند ودراموریکه حل وتسویه‌آن اموربتوسط ادارات مزبوره باید بعمل‌آید مکلفند موافق قوانین ونظامنامه‌ها بوزارتخانه‌های‌لازم‌رجوع نمایند

مادهٔ۴۱۸ ـ درمواردیکه فرمانفرماها مستقیماً بحضورمبارك بندگان همایونی راپرت عرض‌مینمایند چه فوری باشد چه غیر فوری باید مواد یا مفاد آن را باطلاع وزیر داخله هم برسانند

مادهٔ۴۱۹ ـ هرگاه فرمانفرما صلاح نداند که در راپرت اموری که از ولایات بوزارتخانه‌ها بموجب قوانین موضوعه تقدیم می‌شود رأی و عقیدهٔ خود را اظهار دارد میتواند بخواهدکه‌آن اموربتوسط فرمانفرما بوزارتخانهٔ‌لازمه ارسال‌شود ولی اموری‌که بموجب قوانین موضوعه مستقیماً راجع بشخص فرمانفرما وادارهٔ آن است حتماً باید بتوسط فرمانفرما بوزارت‌خانه‌ها اظهار شود

مادهٔ ۴۲۰ - بنابر آنچه در مادهٔ قبل ذکر شده وزارتخانه‌ها هم احکام و دستورالعملهای راجعه بامور ولایتی را بتوسط فرمانفرما میدهند ولی در موارد فوری برای عدم فوت وقت احکام و دستورالعملهای وزارتخانه‌ها مستقیماً بحاکم ولایت صادر خواهد شد و سوادی هم برای فرمانفرما و اطلاع و نظارت او در اجرای احکام صادره برای او فرستاده خواهد شد

مادهٔ ۴۲۱ - درموقع اقدام جدیدی در اصلاح وضع ولایتی یا امری که راجع بمالیه دولت است عقیدهٔ فرمانفرما را وزارتخانهٔ لازمه قبل از اقدام خواهد پرسید و هرگاه ایجاد قانونی لازم شود از ترتیب لایحه آن عقیده فرمانفرما هم باید ملحوظ و مقید باشد

مادهٔ ۴۲۲ - درمواردیکه وزارتخانه‌ها برای صاحبمنصبان ومستخدمین ادارات ولایتی استدعای ترفیع رتبه وامتیاز ومناصب مینمایند باید عقیده و رأی فرمانفرما را هم در فهرست عرایض قیدکرده باشند صاحبمنصبان دوایر عدلیه و تفتیش ازاین قاعده مستثنی هستند

مادهٔ ۴۲۳ - روابط فرمانفرما با وزارتخانه‌ها ومجلس وزراء موافق قواعدیست که درقوانین تأسیس وزارتخانه‌هاومجلس وزراء مندرج است

مادهٔ ۴۲۴ - حاکم وادارا تی‌که در ولایات تشکیل شده‌اند مکلفند تمام احکام ودستورالعملهای فرمانفرماها راکه مبتنی برقوانین است بموقع اجراء بگذارند

مادهٔ ۴۲۵ - در صورتیکه فرمانفرما در مواقع سرکشی بولایت جزو ایالت اغتشاش یا بی‌نظمی درامورولایتی مشاهده‌نماید ولازم بداند بدین‌جهت یا بجهت‌دیگری دستورالعملی بدهد یا اقدامی بنماید بملاحظهٔ انتظام جریان امور و خدمت ادارهٔ دستورالعمل‌های لازمه را بریاست آن ولایت خواهد داد و اخطارات را بتوسط حاکم یا ادارهٔ ولایتی خواهد نمود

مادهٔ ۴۲۶ ـ درموارد مهمه و فوق‌العاده و همچنان درموقعی‌که قانون جدیدی برای اجراء از مقامات عالیه بفرمانفرمائی میرسد فرمانفرما حق دارد که مجلسی از رؤسای تمام ادارات محلیه (که بموجب قوانین در ولایتی تشکیل شده) ترتیب داده واگر نقصانی درقانون مشاهده شده یااشکالی پیش‌آمده مراتب را ازطرف تمام ادارات بمجلس وزراء تقدیم نماید و هرگاه با وجود این اقدام حکم مجلس وزراء دراجرای همان قانون صادر شد لازم است بدون تأخیر ومذاکره آن قانون بموقع اجرا گذارده شود

مادهٔ ۴۲۷ ـ فرمانفرما در موقع توقف دریکی از دهات جزو قلمرو مأموریتی خودش می‌تواند بحکام ولایات اجازه بدهدکه ازقلمرو مأموریتی خودشان خارج شده برای مذاکره درامور راجعه بمشاغل آنها نزد فرمانفرما بیایند

مادهٔ ۴۲۸ ـ فرمانفرماها بادارات ولایتی مطالب را تکلیف مینمایند و آنها درجواب ملاحظات خودرا تقدیم می‌کنند بادارات شهری و محالی فرمانفرماها حکم میفرستند درجواب راپرت میگیرند

مادهٔ ۴۲۹ ـ قواعد ارتباط فرمانفرماها باادارات واشخاص نظامی علیحده مرتب ومنظم بمادهٔ ۲۳۵ خواهد بود

چهارم ـ در دفترخانهٔ فرمانفرما

و صاحبمنصبانی‌که نزد فرمانفرما هستند

مادهٔ ۴۳۰ ـ هر فرمانفرمائی یك دفترخانه دارد و چند نفر صاحبمنصب درنزد فرمانفرما برای انجام مأموریت‌های مخصوص مقیمند

مادهٔ ۴۳۱ ـ عدهٔ اجزای دفترخانهٔ فرمانفرما بموجب قانون علیحده تعیین خواهد شد

مادهٔ۴۳۲ - عزل و نصب صاحبمنصبان دفترخانهٔ فرمانفرما بتصویب بلاواسطهٔ خود اوست ولی قوانین راجعه بخدمت دولتی درباب شرایط صاحبمنصبان و مستخدمین دولتی و غیره باید رعایت شود و ترتیب دفترخانهٔ فرمانفرما و همچنان ترتیب دفاتر وغیره درآن اداره بموجب نظامنامه ودستورالعملهای وزارت داخله خواهد بود

مادهٔ۴۳۳ - عدهٔ صاحبمنصبانی که برای مأموریت مخصوص معین شده‌اند می‌توانند ازصاحبمنصبان قلمی یا نظامی متقاعد یا غیرمتقاعد باشند وعدهٔآنها بموجب قانون معین خواهد شد ولی فرمانفرما می‌تواند این نوع صاحبمنصبان را کمتراز عدهٔ قانونی داشته باشد عزل و نصب این نوع صاحبمنصبان باختیار فرمانفرما است ولی باستثنای صاحبمنصبان نظامی حاضر رکاب که عزل و نصب آنها بصدور امر و اجازهٔ ملوکانه است

فصل چهارم

در منضمات

اول - منضم بماده ۳۶

قواعد رجوع کردن مأمورین کشوری بقوای نظامی

مادهٔ۱ - مأمورین کشوری درموارد ذیل درصورت عدم کفایت نظمیه و ضبطیه برای حفظ و وقایهٔ امنیت وانتظام امور بقوهٔ نظامی رجوع‌مینمایند:

(اول) در موقع حرکت دسته برای حفظ نظم و آسایش عمومی در بازارهای عمومی وجاهائیکه محل اجتماع و ازدهام عوام‌الناس است

(دوم) برای حمل ونقل پول و اموال دولت

(سوم) برای اطفاء حریق وقلع وقمع حیوانات درنده وموذی و حشرات الارض وبرای مساعدت لازمه درموقع وقوع طغیان آب و طوفان وحدوث بلیات سماوی

(چهارم) برای اداره‌کردن محبوسین واشخاصیکه بموجب قوانین توقیف‌شده‌اند

(پنجم) برای دستگیر کردن محبوسین‌فراری وفراریهای نظامی

(ششم) برای‌دستگیری کردن قطاع الطریق‌ومرتکبین‌جنحه‌وجنایت درموقعیکه عده‌آنها زیاد باشد یا احتمال مجادله ازطرف‌آنها برود .

(هفتم) برای برطرف‌کردن شورش واغتشاشات .

تبصرهٔ اول - درجاهائیکه محبوسین و توقیف شدگان هستند ونظمیه‌وضبطیه بقدرکفایت نیست برای حفظ ووقایهٔ امنیت نیزمیتوان بقوای نظامی رجوع‌کرد .

تبصرهٔ دوم - هنگام حریق برای جلوگیری ازغارت ویغما بحکم‌رئیس‌نظمیه یا ضبطیه ازتابین نظامی‌که برای مساعدت باطفاء حریق حاضرشده‌اند زنجیری‌تشکیل میشودکه مانع ازدخول مردم خارج بمحوطه‌ای‌که‌محل‌حریق‌است بشوند .

مادهٔ۲ - غیرازموارد مذکوره درمادهٔ اولی درموارد ذیل نیـز بموجب قوانین باید بقوهٔ نظامی رجوع نمود :

(اول) برای‌کشیك درقراولخانه‌ها .

(دوم) برای حضوردرموقع اجراء احکام محاکم عدلیه .

(سیم) برای مساعدت بادارات ومأمورین عدلیه .

مادهٔ۳ - درموارد مذکوره درمادهٔ اولی و همچنان در موارد اول و سوم مادهٔ دوم اشخاص ذیل حق رجوع بقوای نظامی را دارند :

(اول) فرمانفرماها .

(دوم) حکام .

(سیم) رؤسای بلوکات .

(چهارم) رؤسای نظمیه .

(پنجم) مفتشینی که ازمرکز برای سرکشی بولایات مأمورمیشوند .

مادهٔ۴ ـ فرمانفرما وحکام ومفتشین مأمورازمرکزدرصورت لـزوم استعمال قوهٔ نظامی برئیس کل قشون ایالت یاولایت رجوع مینمایند درصورتیکه اودرشهردیگری باشد بنزدیکترین رئیس قشون محل .

مادهٔ۵ ـ اشخاص مذکوردرماده سیم حق دارند درصورت لزوم ازرئیس قراسورانها عده‌ای قراسوران هم بخواهند .

مادهٔ۶ ـ رؤسای بلوکات ورؤسای نظمیه فقط دریك موقع حق دارند مستقیماً بقوای نظامی رجوع نمایندوآن مورداستعمال قوای نظامی است برای حضورومساعدت در اجرای احکام محاکم عدلیه ودر این مورداشخاص مذکوره مستقیماً برئیس ساخلوی محل رجوع میکنند .

مادهٔ۷ ـ درسایر موارد رئیس بلوکات ورئیس نظمیه درصورت لزوم قوهٔ نظامی باید بمحاکم ولایت رجوع نمایند مگر در مواردی که فوت وقت باعث خسارت بزرگ تواند شد مثلا شورشیان اقدام بحریق وقتل وغارت نمایند تا نایرهٔ فتنه مشتعل شوددر اینصورت رئیس محال و رئیس نظمیه مستقیماً بنزدیکترین رئیس نظام محل رجوع نموده مراتب را فوراً بحاکم اطلاع میدهد .

مادهٔ۸ ـ احضارقوای نظامی برای اجرای احکام محاکم عدلیه بتقاضای رؤسای محاکم عدلیه یا مأمورین تحقیق بعمل میآید وترتیب آن درقوانین عدلیه مندرج است درصورتی یکی ازاشخاصی که حق مراجعهٔ بقوای نظامی رادارند درمحل باشندمأمورین عدلیه بتوسط آنشخص بقوای نظامی رجوع خواهندکرد .

مادهٔ۹ ـ مراجعت بقوای نظامی درصورت عدم‌کفایت مستحفظین سرحدی برای گرفتن قاچاق جایز است ودر اینصورت رئیس ادارهٔ گمرکات ولایتی یا رئیس مستحفظین

سرحدی ویا درموارد فوری هریك از صاحبمنصبان جزء مستحفظین سرحدی میتوانند برئیس قشون محلی رجوع نمایند .

مادهٔ ۱۰ ــ صاحبمنصبان کشوری ومستحفظین سرحدی درصورتیکه بنزدیکترین رئیس قشون محلی رجوع نمایندباید صاحبمنصبی را هم‌که ریاست بقوای نظامی احضار شده دارد فوراً مطلع نمایند یعنی اگرگروهان یا دستهٔ را خواسته‌اند باید رئیس فوج یا رئیس با تالیونی را کدگروهان یا دستهٔ مزبور جزو آن بوده مطلع دارند .

مادهٔ ۱۱ ــ ترتیب حمل و نقل قشون بجای لازم و سرعت حرکت آن بحکم مأمورین کشوری است .

تبصره ــ مخارج حمل‌ونقل‌قشون و تفاوت خرجی‌که حاصل‌میشودبعهدهٔ خزانهٔ دولت است .

مادهٔ ۱۲ ــ در موارد مذکوره در مادهٔ اولی از اول الی ششم و همچنان در موزد اول و سیم مادهٔ دوم مأمورین کشوری که رجوع بقوهٔ نظامی می‌نمایند بـاید برئیس قشون محلی اظهاردارندکد برای چه قشون‌لازم است وبچه مقداردر موردهفتم مادهٔ اولی باید اظهار دارند که شدت شورش بچه اندازه است و جهت شورش چه بوده و احتمال تزاید اغتشاش و شورش دیگری میرود یا نه در این مورد عدهٔ قشون وصنف نظامی و لزوم وعدم لزوم توپخانه را خود رئیس قشون معین خواهدکرد .

مادهٔ ۱۳ ــ بعد ازورود قشون بمحل لازم حکومت فرماندهی قوهٔ نظامی رابر عهده نمی‌گیرد و فقط برئیس قشون احضارشده وضع اموروموقصود اصلی ازاحضارقشون را اظهارنموده جاهائی راکه باید حفظ شود نشان میدهد وتوقیفاتی‌که باید بعمل‌آید اخطارمی‌کند بعد ازتحصیل این اطلاعات رئیس قشون اقدامات لازمه رابعمل‌می‌آورد وقوای خود را طوری تقسیم می‌کندکه با خودش همیشه عدهٔ‌کافی برای جلوگیری از اتفاقات غیرمترقبه داشته باشدمادامی‌که قشون‌احضارشده درمحل است مأمورین کشوری

و نظامی بهمدیگر اطلاعاتی را که تحصیل کرده‌اند می‌رسانند و کمال مساعدت را بیکدیگر می نمایند .

مادهٔ ۱۴ – در موارد شورش و اغتشاش رئیس قشون که احضار شده است باید درلزوم استعمال اسلحه منتظر تصویب مأمورین کشوری باشد و مأمورین مزبوره بقید مسئولیت فقط درصورتی این اقدام را تصویب می‌نمایند که تمام وسایل اطفاء نایره اغتشاش استعمال شده وثمری نبخشیده باشد اگردرمحلی مأمورین کشوری نباشد رئیس قشون احضارشده بصوابدید خوداقدام می‌نماید ولی هرگاه مأمورکشوری قبل‌ازاستعمال اسلحه وارد شده باید رئیس قشون متابعت دستورالعملهای اورا بنماید .

تبصره – مأمورین کشوری مذکوردراین ماده ومواد دیگرعبارتند از اشخاص مذکوردرمادهٔ سیم وهمچنان اشخاصی که ازطرف وزیرداخله یامفتشینی که ازمرکز برای سرکشی بولایت آمده‌اند ویا ازطرف فرمانفرما یا حاکم مأموریت مخصوصی بآنهاداده شده است مأمورین کشوری در صورتی که بدون رعایت مادهٔ ۱۴ استعمال اسلحه را تصویب نموده باشند مسئول وموافق قوانین مجازات خدمتی مورد سیاست خواهندبود.

مادهٔ ۱۵ – بعد از اینکه مأمورین کشوری استعمال اسلحه را تصویب نمودند رئیس قشونی که احضارشده اقدامات لازمه را رأساً بعمل می‌آوردوقبل‌ازاقدام استعمال اسلحه مکلف است که بشورشیان اعلام نماید که بعد ازسه شیپوریا سه‌طبل حکم باستعمال اسلحه خواهدکرد بعد از این اعلام رئیس قشون بطوری که مقتضی وصلاح میداند اقدام خواهدکرد ولی حکم استعمال اسلحه ناری رافقط وقتی خواهد نمودکه‌ضرورت اقتضاء نماید وبهیچوسیله دیگری نتوان شورش را برطرف نمود .

تبصره – رئیس قشون میتواند قبل ازاعلام مذکورداین ماده شورشیان را توبیخ یا نصیحت یا تهدید نماید .

مادهٔ ۱۶ – رئیس قشونی که احضار شده فقط درصورت ضرورت مبرمه مجاز است قبل ازتصویب مأمورین کشوری و اعلام مذکوره درمادهٔ (۱۵) اقدام باستعمال

اسلحه نماید و این ضرورت وقتی است که شورشیان حمله وهجوم بقشون آورند یا اینکه لازم شود که بیك اقدام فوری اشخاصی را که بدست شورشیان افتاده‌اند ودرشرف هلاکت هستند نجات داد .

مادهٔ ۱۷ - اززمانی که قشون شروع باستعمال اسلحه نمودندفقط تابع احکام رئیس قشون خواهند بود وبحکم اوازاستعمال اسلحه دست خواهندکشید رئیس قشون همینکه مشاهده نمودکه شورش برطرف شد یا مقصود ازمساعدت قوهٔ نظامی بعمل آمد دیگر رأساً اقدامی ننموده مراتب را فوراً بمأمورین کشوری اطلاع میدهد و از این وقت حق اقدامات و دادن دستورالعملهای لازمه برای حفظ انتظام و امنیت مجدداً بمأمورین کشوری معاودت مینماید

مادهٔ ۱۸ - مأمورین کشوری اقدامات دقیقانه بعمل خواهندآورد که باشخاصی که داخل در شورشیان نیستند ازاستعمال اسلحه وعملیات نظامی آسیبی نرسد

مادهٔ ۱۹ - هنگام عملیات نظامی مأمورین کشوری کلیه اقداماتی راکه غیراز اقدامات نظامی است وبموجب قوانین برعهدهٔ آنها تعلق می‌گیرد بعمل میاورند واین اقدامات آنها تااندازه‌ای باید باشدکه مانع ازحصول مقصود معینی نباشد

مادهٔ ۲۰ - مواظبت ومراقبت حال مجروحین که از قشون احضار شده نیستند بعهدهٔ مأمورین کشوری است و رئیس قشون هم باید کمال مساعدت را دراین باب با وسائلی که دارد بمأمورین کشوری بنماید

مادهٔ ۲۱ - هنگامی که میخواهند قشون احضارشده را درمحل شورش جا بدهند باید طوری نمودکه تابین ازیکدیگر جدا نباشند بلکه برای تمام دسته‌ای که احضارشده یك یا چند خانه داده شود

مادهٔ ۲۲ - تعیین وقت ومعاودت قشون ازمحل شورش بسته بصوابدید مأمورین کشوریست واین حرکت قشون ازمحل اغتشاش وقتی خواهد بودکه اهالی احکام قانونی

مأمورین کشوری را اطاعت بنمایند ومأمورین مزبوره بتوانند بمشاغل خود بدون ممانعت مباشرت نمایند وهرگاه دستهٔ قشونی که برای قلع وقمع شورش احضارشده و توقفش در خارج اقامتگاه خود بیش از هفت روز طول بکشد حاکم مکلف است که هرهفته مراتب را بوزیر داخله اطلاع دهد و رئیس کل قشون ولایتی یاایالتی را ازجهاتی که مانع از مراجعت قشون احضار شده است مطلع دارد

تبصــره - ترتیب مأمور نمودن قشون برای جلوگیری از اغتشاش در قوانین نظامی مرتب است

دوم - منضم بماده ۲۲۶

درباب استعمال اسلحه توسط مأمورین ضبطیه و نظمیه وقراسوران

مادهٔ۱ - هریك ازعمال ضبطیه و نظمیه و قراسوران درموارد ذیل حق استعمال اسلحه رادارند:

(اول) بجهت مدافعهٔ شخص خود ازکسیکه بااسلحه بآنها حمله بیاورد

(دوم) بجهت مدافعهٔ شخص خود ازیك یاچندنفرکه بدون اسلحه حمله میآورند ولی اوضاع واحوال طوری باشدکه بدون استعمال اسلحه مدافعهٔ شخصی امکان نداشته باشد

(سیم) درصورتیکه مأمورین ضبطیه و نظمیه و قراسوران به‌بینندکه یك یا چند نفرمورد حمله شده‌اند وجان آنها درخطراست

(چهارم) درصورتیکه جانی یامقصریراکه عمال ضبطیه وغیره میخواهند توقیف نمایند اقداماتی نمایدکه درمورد اول ودویم این ماده مذکور است وجان عمال ضبطیه درمخاطره باشد

(پنجم) درموردی که محبوسی ازحبس فرارنماید ودر تعقیب وتوقیف اقداماتی نماید که درمورد اول ودویم این ماده مذکوراست .

مادهٔ۲ – درکلیهٔ این موارد عمال ضبطیه و غیره مکلفند که اوضاع و احوال استعمال اسلحه را حتی‌الامکان زودتر بنزدیک‌ترین صاحبمنصب نظمیه و ضبطیه و قراسوران اطلاع دهند .

مادهٔ۳ – رئیس و صاحبمنصبان ضبطیه و غیره باید مراقبت و مواظبت تامه را داشته باشند که عمال ضبطیه و نظمیه و غیره با کمال احتیاط در موارد فوق‌الذکر اقدام نموده بدون ضرورت مبرمه استعمال اسلحه ننمایند .

مادهٔ۴ – درمواردی که دسته‌ای ازعمال‌ضبطیه ونظمیه و قراسوران برای اطفاء نایرهٔ شورش احضار میشوند استعمال اسلحه بارعایت شرایط ذیل‌جایز است :

(اول) اقدام باستعمال اسلحه منوط باجازهٔ صاحبمنصب ضبطیه‌ایست که‌اسکات شورشیان بعهدهٔ او واگذار شده و اوهم حکم‌استعمال اسلحه را وقتی فقط خواهد دادکه وسایل دیگر ثمری نبخشیده باشد .

(دوم) صاحبمنصب ضبطیه یانظمیه باید قبل از حکم باستعمال اسلحه سه‌دفعه باشورشیان اتمام حجت نموده‌اعلام‌کرده باشدکه استعمال اسلحه خواهدکرد بعدازآن اقدام وترتیب استعمال اسلحه منوط بصوابدید صاحبمنصب مزبور است ولی استعمال اسلحه‌ناری فقط درصورتی‌جایز است‌که‌بهیچ‌وسیلهٔ دیگر نتوان‌شورشیان راساکت‌نمود.

(سوم) درصورتیکه موقع مقتضی اتمام حجت فوق‌الذکر وفوت وقت نباشد مثلا در موردیکه شورشیان حمله بعمال‌ضبطیه آورند بطوریکه جان‌آنها در مخاطره باشد یاآنکه اشخاص دیگر مورد حملهٔ شورشیان واقع شوند و اقدام فوری برای استخلاص آنهالازم باشد بدون اتمام حجت‌حکم باستعمال اسلحه می‌توان کرد .

(چهارم) عمال ضبطیه و نظمیه باید مواظبت نمایند که باشخاصیکه داخل در شورشیان نیستند آسیبی نرسد .

(پنجم) مواظبت و مراقبت حال مجروحین هنگام اسکات شورشیان بعهدهٔ عمال ضبطیه و نظمیه و غیره است .

قانون مطبوعات

مصوب ۵ محرم‌الحرام ۱۳۲۶ قمری

موافق اصل بیستم از قانون اساسی عامه مطبوعات غیراز کتب ضلال و مواد مضره به‌دین‌مبین آزاد وممیزی درآنها ممنوع است ولی هرگاه چیزی مخالف قانون مطبوعات درآنها مشاهده بشود نشر دهنده یانویسنده برطبق قانون مطبوعات مجازات میشود اگر نویسنده معروف ومقیم ایران باشد ناشر وطابع و موزع از تعرض مصون هستند مقرر می‌شود طبع‌کتب و روزنامجات و اعلانات و لوایح درتحت قوانین مقررهٔ ذیل‌که از برای حفظ حقوق عموم و سد ابواب مضار از تجاوزات ارباب قلم‌ومطبوعات وضع میشود آزاد است هرکس بخواهد مطبعه دایر نماید یاکتاب وجریده واعلاناتی بطبع برساند یا مطبوعات را بفروشد باید بدواً عدم تخلف از فصول این قوانین را نزد وزارت معارف بالتزام شرعی ملتزم و متعهدشود .

فصل اول - چاپخانه‌و کتابفروش

مادهٔ۱ – چاپخانه حق ندارد چیزی بطبع برساند بدون اینکه اسم نویسنده و رسم او را بداند و بدون اینکه اسم و رسم خود را درآخرآن‌مطبوع درج‌کند .

مادهٔ۲ – کتاب فروش حق ندارد از مطبوعات آنچه راکه نویسنده ومطبعهٔ آن

قانون راجع به نظارت مطبوعات در تاریخ ۱۰ عقرب ۱۳۰۱ (دورهٔچهارم‌تقنینیه) تصویب شده‌است .

بطور وضوح معرفی نشده‌اند بفروشد مگر کتبی که قبل از این تاریخ طبع شده و بجهتی دیگر از جهات قانونی ممنوع نباشد .

مادهٔ ۳ ــ کتاب فروش حق ندارد کتابی را بفروشد که قانوناً قدغن شده باشد.

فصل دوم - طبع کتب

مادهٔ ۴ ــ طبع کتب متداوله غیر از کتب ممنوعه و کتب جدیده و غیر از کتب مذهبی آزاد است کتب جدیده مذهبی باید قبل از طبع بنظر و ممیزی هیئتی که در ادارهٔ معارف بنام مجمع علوم دینیه تشکیل میشود رسیده و تصویب شده باشد .

مادهٔ ۵ ــ از هر نسخه‌که بطبع میرسد چاپ کننده‌دو نسخه برای ضبط در کتابخانهٔ ملی و تکمیل مجموعه مطبوعات میفرستد در پایتخت این دو نسخه را رسماً نزد وزارت علوم و درسایر بلاد بشعب وزارت علوم و ادارهٔ معارف میفرستند در هر صورت قبض رسید دریافت میکنند و در آن قبض باید عنوان کتاب وعدهٔ نسخ آن که بطبع رسیده مذکور باشد چاپ کننده بموجب این فصل ملتزم شرعیست که درصورت تخلف سه تومان الی شصت تومان مجانی دادنی باشد بسته بنظر حاکمه‌قضیه .

فصل سوم - روزنامجات مقرره

مادهٔ ۶ ــ هر روزنامه و جریده باید یك نفر مدیر مسئول داشته باشد متصف بصفات ذیل :

(۱) ایرانی باشد .

(۲) سنش بسی‌سال بالغ باشد .

(۳) زوال شرف از او نشده باشد یعنی مرتکب جنحه و جنایات ومشهور بفسق و فساد عقیده نباشد .

مادهٔ۷ ـ اسم و رسم مدیر روزنامه و اسم مطبعه که در آن روزنامه چاپ میشود باید روی هر نمرهٔ روزنامه بطبع رسیده باشد هریك از مدیرروزنامه و مطبعه بموجب این فصل ملتزم شرعیند که درصورت تخلف از وظیفهٔ خود ازیك تومان الی سه تومان مجاناً دادنی باشند درصورتیکه در سنهٔ واحده تخلف دراین فصل مکرر واقع شود علاوه بر وجه ملزمی بهر تکراری یك تومان اضافه بدهد .

مادهٔ۸ ـ قبل از طبع و انتشار هر روزنامه و ورقهٔ مقرره مدیر جریده مکلف است که اظهارات ذیل را درروی یك ورقه بنظارت انطباعات بفرستد .

(۱) اسم ورسم مدیرروزنامه ومحل ادارهٔ آن .

(۲) اسم ورسم مطبعه که روزنامه در آن بطبع خواهدرسید .

(۳) عنوان روزنامه و جریده و ترتیب طبع آن که یومیه است یاهفتگی است یا ماهانه .

(۴) عدهٔ چاپ هر نمره .

(۵) مسلك روزنامه و سیاق مطلب آن ـ درصورت تغییر هریك ازکیفیات فوق باید در ثانی معلومات لازمه بنظارت انطباعات داده شود و این اظهارات باید همه مکتوباً درروی ورقهٔ معینه با امضای مدیر مسئول بعمل آمده آن ورقه تمبر دولتی خورده باشد بموجب این فصل مدیر مسئول روزنامه ملتزم است که درصورت تخلف ازپنج الی پنجاه تومان دادنی باشد .

مادهٔ۹ ـ در موقع انتشار هریك از نمرات روزنامه دو نسخهٔ روزنامه بامضای مدیر برای ادارهٔ معارف آن شهر که در آن طبع میشود و دو نسخه ازبرای کتابخانه و قرائتخانه ملی فرستاده میشود در صورت تخلف مدیر روزنامه پنج تومان مجاناً دادنی خواهد بود .

تعرضات

مادهٔ ۱۰ ـ هرگاه روزنامه و جریده نسبت بیکی از مأمورین دولتی یا بیکی از ادارات چیزی درج کرده باشد که بشغل ایشان بربخورد آنچه را که در توضیح ورد ایراد آن شخص یا آن اداره نزد مدیر روزنامه بفرستد باید بدون تأخیر و تحریف در ستون اول نمرهٔ آتیهٔ روزنامه درج کند عبارت مقالهٔ جوابیه میباید بیش از ضعف مقاله تعرضیه نباشد والا مازاد را باید صاحب مقاله جوابیه اجرت چاپ ازقرار عادله بدهد برای تخلف از این فصل مدیر روزنامه از ده الی صد تومان دادنی خواهد بود .

مادهٔ ۱۱ ـ در غیر اشخاص رسمی امتناع مدیر روزنامه از درج مقالهٔ جوابیه مستوجب دادن پنج الی پنجاه تومان وجه ملزمی خواهد بود این نوع از مقالات باید درهمان محل و بهمان حروف که مقالهٔ اولیه مندرج بوده بطبع برسد .

مادهٔ ۱۲ ـ ردتعرض هرچند نوبت که تبادل بشود روزنامه از قبول آن ناگزیر است بشرحیکه در فصل دهم و یازدهم مذکور شد .

مادهٔ ۱۳ ـ مدیر روزنامه مسئول مقالات مندرجه در روزنامه است و همچنان مسئول اعلاناتی است که در روزنامه بطبع میرسد در مقالات با امضا وقتی مدیر مسئول نیست که منهیات مسلمه واضحه چیزی در مقاله مندرج نباشد والامدیر نیز مسئول است .

مادهٔ ۱۴ ـ مدیر روزنامه مختار است مقاله و لوایحی را که نزد او میفرستند مادامی که شامل ممنوعات قانونی نباشد قبول کرده در روزنامه درج کند آنچه خلاف قانونی داشته باشد ممنوع است ولو از طرف ادارات رسمی اظهارشده باشد .

مادهٔ ۱۵ ـ درروزنامه جاتیکه درج اعلانات معمول است مدیر حق طفره و تعویق از درج اعلانات رسمی ندارد اجرت طبع از قرار معمول به آنها داده میشود .

روزنامجات خارجه

مادهٔ ۱۶ ـ روزنامجات واوراق که در خارجه بطبع میرسند بهرزبان که باشد برحسب مصلحت ملك وملت ازورود وانتشار ممنوع توانند شد هرگاه علت منع دریك نمره باشد تشخیص وزارت معارف برای جمع آوری و ضبط آن کافی است و در منع کلی مداقه مجلس وزراء لازم است بموجب این ماده هرکس روزنامجات و اوراق ممنوعه را واردکند یا انتشار بدهد از یکماه الی یك سال حبس خواهد شد .

فصل چهارم - اعلانات

مادهٔ ۱۷ ـ طبع ونشر اعلانات آزاداست لکن اگر مضمون اعلان شامل قبایح و فضایح باشد یا داعی بفساد واختلال امورعامه مطبعه ومتصدی هردومسئولند و اداره نظمیه حق توقیف اینگونه اعلانات را داشته مرتکب و متصدی را بمحکمه عدالت جلب خواهدکرد .

مادهٔ ۱۸ ـ اعلان و لایحه و آنچه از این قبیل مطلقاً بچاپ میرسد باید محل مطبعه را حاوی باشد تخلف از این ماده متصدی و مرتکب را از یك تومان الی سه تومان وجه ملزمی ملتزم خواهدکرد و یا بنظر حاکم قضیه از یکروز الی سه روز حبس میشود .

مادهٔ ۱۹ ـ اعلانات رسمی که از طرف ادارات دولتی بطبع میرسند روی کاغذ سفید خواهد بود سایر اعلانات از هرکس و هرجا روی کاغذ رنگین بطبع میرسد تا اعلانات رسمی از اعلانات شخصی ممتاز باشد در صورت تخلف از این ماده متصدی پنج هزاردینار الی پانزده هزاردینار دادنی خواهدبودودر صورت تکرار تخلف درعرض یك سال ازیك روزالی پنج روزحبس خواهدشد .

مادهٔ ۲۰ـ درصورت باطل کردن یا دریدن وکندن اعلانات رسمی دولتی و اعلاناتی که در مواقع انتخاب وکلای ملت نصب میشود مرتکب از یکروز الی سه روز حبس خواهدشد چنانچه مرتکبین ازاجزای ادارات دولتی باشند ازشش روزالی یکماه حبس خواهندشد.

مادهٔ ۲۱ـ مالکین بیوتات و عمارات حق منع از نصب اعلانات بدرو دیوار عمارات خود دارند و هرگاه کسی بدون اجازه در املاك خاصه نصب اعلان کند مالك حق ابطال دارد.

مادهٔ ۲۲ـ سوای اعلانات رسمی واعلانات انتخابیه هراعلانی باید تمبر دولتی بخورد وقیمت آن تمبر برحسب عدهٔ اعلان وقطع ورق آن مختلف میشود موافق قانونیکه درباب تمبر وضع خواهدشد طفره ازادای حق تمبر باختلاف بالتزام شرعی ازده تومان الی پنجاه تومان مجازات میشود.

دستفروش

مادهٔ ۲۳ـ هرکس بخواهد روزنامه وکتب در معابر شهر وگذر بگرداند و بفروشد بایدخودشرا بکدخدای محله معرفی کرده پته بگیرد اسم منزل محل تولد اسم پدر ومدت اقامت درآن محله بایددرروی پته نوشته شودپته مزبورمجانی است.

مادهٔ ۲۴ـ تقصیر درتحصیل پته اجازهٔ مذکوره درمادهٔ ۲۳ یادادن تعرفه غلطو اسامی عوضی مرتکب رابه پنجقران الی پانزده قران مجاناً ملتزم خواهدکرد درصورت تکرار تقصیر محکوم بحبس خواهدشد دریك روزالی سه روز.

مادهٔ ۲۵ـ دستفروش و دیگر از فروشندگان روزنامجات و لوایح و اعلانات واوراق ممنوعه چه حاوی عبارات ممنوعه باشد چه مشمول به تصویر و اشکال قبیحهٔ مأخوذ بمسئولیت می باشند و نظمیه نظر بحفظ حقوق عمومی حق تعاقب وجلب ایشان رابه محکمه دارد.

فصل پنجم ــ حدود تقصیر نسبت بجماعت

مادهٔ ۲۶ــ نطق و قرائت لوایح وروزنامجات و دیگر مطبوعات در محافل عمومی یا نصب آنگونه مطبوعات یامکتوبات بدرودیوار وعرضهٔ آنها برانظار خلق بهر وسیله که بوده باشد مادامی که درآنها ترغیب وتشویق وتهییج خلق به ارتکاب جنحه و جنایات شده باشد اعم ازاینکه منشأاثر بشود یانشود مستوجب سیاست مرتکب خواهد بود وبه تشخیص حکومت عرفیه درمحاکم عرفیه ازدوماه الی دوسال حبس خواهد شد .

مادهٔ ۲۷ــ تحریص وتهییج بسرقت وقتل ونهب وغارت یاتضعیف قدرت مملکتی درخارجه اعم ازاینکه مؤثرشودیانشود یکسال الی پنجسال حبس وسیاست خواهدشد .

مادهٔ ۲۸ــ سیاست اشخاصی که بانتشار اوراق وغیره باعث سلب امنیت واختلال آسایش عمومی وانتظام داخله شوند همچنان اشخاصی که از مرتکبین قتل وغارت و منشئین فتنه وآشوب توقیروتمجید کنند همان است که درمادهٔ ۲۶ــ ۲۷ مذکورشد .

مادهٔ ۲۹ــ ترغیب وتشویق وتهییج اهل نظام بنافرمانی وعدم انقیاد احکام نظامی درحکم مادهٔ بیست وهفت است .

مادهٔ ۳۰ــ مرتکبین منهیات مذکوره در مواد ۲۶ الی ۲۹ بحکم التزام شرعی از ده تومان الی هزار تومان مجانی دادنی خواهند بود .

تقصیرات نسبت بافراد

مادهٔ ۳۱ ــ توهین بمقام منیع سلطنت ممنوع قانونی است وتخلف ازاین قانون مرتکب را اگر مدیران جرائد باشند از سه ماه الی یکسال محکوم بحبس ویا بالتزام شرعی از ده تومان الی سیصد تومان دادنی خواهدکرد و اگر غیراز مدیرهای جرائد هستند برحسب تشخیص عرفی مرتکب ازسه ماه الی یك سال حبس خواهد شد جریده

مادهٔ ۲۰ـ درصورت باطل کردن یا دریدن وکندن اعلانات رسمی دولتی و اعلاناتی که در مواقع انتخاب وکلای ملت نصب میشود مرتکب از یکروز الی سه‌روز حبس خواهدشد چنانچه‌مرتکبین‌ازاجزای ادارات دولتی باشند ازشش روزالی یکماه حبس خواهندشد .

مادهٔ ۲۱ـ مالکین بیوتات و عمارات حق منع از نصب اعلانات بدرو دیوار عمارات خود دارند و هرگاه کسی بدون اجازه در املاك خاصه نصب اعلان‌کند مالك حق‌ابطال دارد.

مادهٔ ۲۲ـ سوای‌اعلانات رسمی واعلانات انتخابیه هراعلانی باید تمبر دولتی بخورد وقیمت‌آن تمبر برحسب عدهٔ‌اعلان وقطع ورق‌آن مختلف میشود موافق‌قانونیکه درباب تمبروضع خواهدشد طفره‌ازادای حق‌تمبر باختلاف بالتزام شرعی‌ازده تومان‌الی پنجاه تومان مجازات میشود .

دستفروش

مادهٔ ۲۳ـ هرکس بخواهد روزنامه وکتب در معابر شهر وگذر بگرداند و بفروشد بایدخودشرا بکدخدای محله‌معرفی‌کرده پته‌بگیرد اسم‌منزل محل‌تولداسم‌پدر ومدت اقامت‌درآن محله بایددرروی پته‌نوشته شودپته مزبورمجانی‌است .

مادهٔ ۲۴ـ تقصیر درتحصیل پته‌اجازهٔ مذکوره درمادهٔ ۲۳ یادادن تعرفه غلطو اسامی عوضی مرتکب رابه‌پنجقران الی‌پانزده قران مجاناً ملتزم خواهدکرد درصورت تکرارتقصیر محکوم بحبس خواهدشد دریك‌روزالی سه‌روز.

مادهٔ ۲۵ـ دستفروش و دیگر از فروشندگان روزنامجات و لوایح و اعلانات واوراق ممنوعه چه حاوی عبارات ممنوعه باشد چه مشمول به‌تصویر و اشکال قبیحهٔ مأخوذ بمسئولیت می‌باشند و نظمیه نظر بحفظ حقوق عمومی حق تعاقب وجلب‌ایشان رابه محکمه‌دارد .

فصل پنجم- حدود تقصیر نسبت بجماعت

مادهٔ ۲۶- نطق و قرائت لوایح وروزنامجات و دیگر مطبوعات در محافل عمومی یا نصب آنگونه مطبوعات یامکتوبات بدرودیوار وعرضهٔ آنها برانظار خلق بهر وسیله که بوده باشد مادامی که درآنها ترغیب وتشویق وتهییج خلق به ارتکاب جنحه و جنایات شده باشد اعم ازاینکه منشأاثر بشود یانشود مستوجب سیاست مرتکب خواهد بود وبه تشخیص حکومت عرفیه درمحاکم عرفیه ازدوماه الی دوسال حبس خواهدشد .

مادهٔ ۲۷-تحریص وتهییج بسرقت وقتل ونهب وغارت یاتضعیف قدرت مملکتی درخارجه اعم ازاینکه مؤثرشودیانشود یکسال الی پنجسال حبس وسیاست خواهدشد .

مادهٔ ۲۸- سیاست اشخاصی که بانتشار اوراق وغیره باعث سلب امنیت واختلال آسایش عمومی وانتظام داخله شوند همچنان اشخاصی که از مرتکبین قتل وغارت و منشئین فتنه وآشوب توقیر وتمجید کنند همان است که درمادهٔ ۲۶ـ ۲۷ مذکورشد .

مادهٔ ۲۹- ترغیب وتشویق وتهییج اهل نظام بنافرمانی وعدم انقیاد احکام نظامی درحکم مادهٔ بیست وهفت است .

مادهٔ ۳۰- مرتکبین منهیات مذکوره در مواد ۲۶ الی ۲۹ بحکم التزام شرعی از ده تومان الی هزار تومان مجانی دادنی خواهندبود .

تقصیرات نسبت بافراد

مادهٔ ۳۱ - توهین بمقام منیع سلطنت ممنوع قانونی است وتخلف ازاین قانون مرتکب را اگر مدیران جرائد باشند از سه ماه الی یکسال محکوم بحبس ویابالتزام شرعی از ده تومان الی سیصد تومان دادنی خواهدکرد و اگر غیراز مدیرهای جرائد هستند برحسب تشخیص عرفی مرتکب ازسه ماه الی یك سال حبس خواهد شد جریده

یالایحه‌ای که آن سوءادب راکرده باشد یامقاله مندرجهٔ آن شامل آن خلاف باشد توقیف خواهد شد واین توقیف ممکن است ابدی باشد .

مادهٔ ۳۲ ـ جعل اخبار ومقالات فتنه‌انگیز وانتشار آنها ونسبت آنها به‌کسی بدروغ ممنوع است مدیر روزنامه ومعاونین او در تخلف ازاین ماده بالتزام شرعی پنجتومان الی‌صدتومان دادنی‌خواهند بودیاآنکه ازیکماه الی‌یکسال حبس‌خواهندشد.

مادهٔ ۳۳ ـ مقالات مضره بمذهب وعقیدهٔ اسلامیه هرکس درروزنامه یا اوراق دیگردرج‌کند از ده تومان الی سیصد تومان مجانی دادنی خواهد بود روزنامه یاورقهٔ مذکوره اگرمستمر باشد ازیك ماه الی‌دوسال توقیف خواهدشد وصاحبش ازیك ماه الی دوسال حبس طبع وانتشار وفروش اشکال قبیحه ومقالات مضره بعفت و عصمت یا مضره باخلاق درهمین حکم‌خواهدبود .

مادهٔ ۳۴ ـ هتك احترام وشرف وکسراعتبارات شخصیه افراد یا هیئت مادامی که مرتکب ازثبوت آن عاجز باشد ومطلقاً هرگونه تخفیف وتحقیر خواه بمعنی باشد خواه بالفاظ نالایق مستوجب تهدید وسیاست خواهدبود .

مادهٔ ۳۵ ـ بموجب این ماده هرکس نسبتی از نسبتهای مندرجه درمادهٔ ۳۴را بوسائلی‌که درمادهٔ بیست‌وشش مذکوراست نطق‌لایحه درج‌مقاله درروزنامجات بیکی ازمحاکم عدلیه یااجزاء حربیه یاانجمنها یاادارات دولتی‌بدهد ازده تومان الی‌سیصد تومان مجانی دادنی خواهدبود ویاازهشت روز الی‌یك‌سال حبس خواهد شد اگروسیلهٔ انتشارآن نسبتها روزنامه باشد درمدت مشخصه توقیف خواهد شد ممکن است انواع تنبیه وسیاست را درزمان واحد مقتضی بدانند بسته بنظرحاکم‌قضیه .

مادهٔ ۳۶ ـ همچنین است حکم نسبتهای مذکور درمادهٔ ۳۴ هرگاه‌آن‌نسبتها بوزیری یامبعوثی چه‌از وکلای مجلس شورای‌ملی چه‌از وکلای مجلس‌سنا یایکی از

کارگذاران اموردولتی یااز پیشوایان مذهب اسلام ووکلاء وشهود درصورتیکه آن نسبت وافترا راجع به حیطه مسئولیت آنها باشد .

مادهٔ ۳۷ ـ نسبت باموری مذکوره در مادهٔ ۳۴ اگر بافراد ناس باشد مرتکب بموجب این ماده ملتزم است که ازسه تومان الی دویست تومان مجانی دادنی باشد وسیلهٔ ارتکاب هرگاه روزنامه باشد یك هفته الی ششماه توقیف خواهد شد .

مادهٔ ۳۸ ـ نوشتن فحش و الفاظ قبیحه اکیداً ممنوع است مرتکب بقید این التزام درصورت ارتکاب چهار تومان الی پنجاه تومان مجانی دادنی خواهد بود هرگاه آن تجاوزات نسبت باشخاص مذکوره در مادهٔ ۱۰ و ۲۶ باشد اگر نسبت باشخاص مذکوره در مادهٔ ۳۷ باشد مرتکب ملتزم است که ازسه تومان الی سی تومان مجانی دادنی باشد درصورت تکرار تقصیر بعلاوه روزنامه ازهفت روز الی سه ماه تعطیل خواهد شد بسته باینکه تخطیات ازحقوق نسبت بکدام طبقه باشد .

مادهٔ ۳۹ ـ نسبت امور ممنوعه مذکوره در مواد این قانون باموات همچنان در مقابل ورثه آن موجب مسئولیت مرتکب خواهد شد که بفراخور حال سیاست میشود.

توهین و مجازات آن نسبت بسلاطین خارجه و مأمورین سیاسی

مادهٔ ۴۰ ـ توهین بسلاطین دول متحابه اکیداً ممنوع است ومرتکب ملتزم است که از ده تومان الی سیصد تومان مجاناً دادنی باشد و یاازیکماه الی یك سال حبس شود ولدی الاقتضاء جمع هردوقسم سیاست ممکن است .

مادهٔ ۴۱ ـ هتك احترامات مأمورین خارجه و هیئت سیاسیون خارجه که در مملکت سمت نمایندگی دارند ممنوع و مرتکب ملتزم است که از پنج تومان الی دویست تومان مجانی دادنی باشد و مرتکب ازیك هفته الی سه ماه حبس خواهد شد .

مادهٔ ۴۲ ـ شکایات اجزاء خارجه ممکن است مستقیماً به ادارهٔ پلیس یا بواسطهٔ وزارت امور خارجه بوزارت عدلیه یا محکمه عدلیه اظهار شود .

موادیکه طبع ونشر آنها جایز نیست

مادهٔ ۴۳ ـ طبع و نشر مرافعاتی که محکمه برای حفظ ناموس نشر آن را منع کرده مادامیکه در محکمه علناً قرائت نشده است ممنوع است مرتکب ملتزم ملزم است که از پنج تومان الی دویست تومان مجانی دادنی باشد ومرتکب غیر ملتزم از یکماه الی یکسال حبس میشود ولی شکایت مدعی وحکم قضیه را درهرحال روزنامه حق انتشار دارد .

مادهٔ ۴۴ ـ مذاکرات محرمانه محکمه را روزنامه حق انتشار ندارد ودرصورت ارتکاب ملتزم است که از ده تومان الی دویست تومان مجاناً دادنی باشد .

مادهٔ ۴۵ ـ انتشار دستورالعملهای محرمانه نظامی و اخبار مخفیه قشونی و نقشهٔ قلعه جات خاصه در موقع جنگ اکیداً ممنوع است ومرتکب ملتزم است از ده تومان الی هزار تومان مجاناً دادنی باشد وازیکسال الی پنج سال حبس شود درصورتیکه تقصیر با روزنامه نگار باشد روزنامه او نیز ابداً توقیف گردد .

فصل ششم ـ محاکمه

مادهٔ ۴۶ ـ تجاوزات قانونیکه موجب سیاست مباشرین روزنامه و مطبعه و دیگر مطبوعات خواهد شد ازطرف ادارهٔ انطباعات در معرض بازخواست درآمده در عدلیه مورد محاکمه خواهد شد ادارهٔ نظمیه از تعاقب تقصیرات طبعیه یاادارهٔ انطباعات متفقاً اقدام خواهدشد .

مادهٔ ۴۷ ـ هرگاه تخطیات مطبوعات نسبت بحدود افراد اشخاص باشد مداخلهٔ

نظمیه یا عدلیه با ادارهٔ انطباعات پس از تظلم طرف خواهد بود و هر گاه آن تخطیات نسبت بعموم باشد از طرف ادارهٔ انطباعات یا پلیس رأساً اقدام خواهد شد .

مادهٔ ۴۸ ـ در موارد تخلف از فصول این قوانین مرتکبین علی قدر مراتبهم در مقابل قانون مسئول خواهند بود و سیاسات مندرجه که بحکم التزام بر مرتکبین وارد است درحق آنها جاری خواهد شد :

(۱) اقدام کنندگان بطبع مدیران روزنامه و سایر جراید اصالة .

(۲) دبیران روزنامه و جرائد دیگر در صورت مسئولیت آنجا که تخلف از حدود ظهور نداشته و مطلقاً در صورت مساعدت آنها در اقدامات نامشروع منهیه مضره آنجا که تخلف از حدود ظهور نداشته باشد مدیر روزنامه یا مطبعه باید جلوگیری کند و بقبول مسئولیت دبیر رفع مسئولیت از ایشان نمیشود ومنتها دبیر هم مسئول است .

(۳) رئیس مطبعه .

(۴) فروشنده و نشردهنده .

(۵) اعلان کننده .

مسئولیت این اشخاص مذکورهٔ ۳و۴و۵ دروقتی است که مشارکت باخیالات مضره مدیر ورئیس جریده ومطبعه نموده در القاء و افشای فتنه وفساد همدست باشند هر گاه یکی از متصدیان پنجگانه متواری شودسایرین علی قدر مراتبهم مسئول خواهند بود هرگاه نویسندهٔ مقاله درخارجه باشد ومقاله ازمنهیات چیزی راحاوی باشدو بطبع برسد مطبعه ومدیر ورقه مسئول خواهند بود واگر چیزی را حاوی باشدکه ثبوت بخواهد مدیر روزنامه بامسئولیت شخصی حق درج دارد والافلا .

ضبط وحبس روزنامجات وغیره

مادهٔ ۴۹ - مأمورین وزارت معارف که برای روزنامه معین میشوند و پلیس حق دارند روزنامه و دیگر جراید را درموارد ذیل توقیف کنند :

(۱) آنجا که روزنامه یا جریده یا لایحه مضر باساس مذهب اسلام باشد .

(۲) آنجاکه درروزنامه یا جریده یالایحه هتك احترامات سلطنت شده باشد .

(۳) آنجا که نقشه و طرح حرکت قشونی یا دیگر اسرار نظامی مکشوف شده باشد .

(۴) آنجـا که مندرجات روزنامه موجب هیجان کلی و اختـلال آسایش عمومی بشود .

(۵) آنجاکه دعوت برمضادت قوای رسمیه مملکت شده باشد .

(۶) آنجاکه اشاعهٔ صورقبیحه برضد عصمت وعفت شده باشد .

مادهٔ ۵۰ - بقای توقیف وعدم بقای آن باید در بیست وچـهار ساعت باطلاع محکمه قانونی (دیوانخانهٔ محل) رسیده حکم توقیف یاسبب توقیف یا آزادی روزنامه و غیره بایدکتباً اعلان بشود .

مادهٔ ۵۱ - درمدت توقیف روزنامه یا جریده و سایر لوایح اشاعهٔ مندرجات آن اکیداً ممنوع است و در تحت فصول این قانون نامه سیاست خواهدشد بسته به اینکه بکدام فصل راجع باشد .

مادهٔ ۵۲ - قوانین مندرجه دراین قانون نامهٔ مطبوعات درطهران از ده روز بعداز اینکه این قوانین بدستخط همایونی موشح شده باشد و در ولایات پس از یکماه مجری خواهد شد .

قانون وظایف

مصوب ۱۳۲۶ قمری ۱۹ ربیع‌الاول

وظیفه مرسومی است که به بازماندگان ارباب حقوق دیوانی از هرقبیل داده میشود .

مادهٔ اول – انتقال قسمتی از حقوق دیوانی شخص متوفی به ورثهٔ او موقوف بآنست که آن مقرری زیادتر از پانصدتومان نقد و ده‌خروار جنس نباشد درصورت زیاد بودن مبلغ و مقدار نقد وجنس برقرار شدن قسمتی از آن در حق ورثه موقوف بتصویب مخصوص وزیر مسئول ومجلس شورای ملی است .

مادهٔ دوم – نصف بلاکسر مرسوم متوفی تامدت پانزده سال در بارهٔ ورثهٔ او برقرار میشود ونصف بلاکسر عبارت است از عددی که کسور آن یاکمتر از تومان در نقدوکمتر ازمن درجنس حذف شده باشد .

ماده سوم – مراد از ورثه دراینجا عبارتست از اولاد و عیال و همچنین پدر و مادری که در کفالت متوفی باشد وهمچنین نواده که پدر ومادرش فوت کرده و درکفالت متوفی باشد .

مادهٔ چهارم – پدر و نوادهٔ ذکور در حکم اولاد ذکور و مادر و نوادهٔ اناث درحکم اولاد اناث خواهد بود دو یاچند نواده که از یك اولاد باشند فقط سهم پدر یا مادر آنها در بین آنها تقسیم خواهد شد .

عیال دائمه درصورت انحصار درحکم اولاد اناث است و درصورت تعدد قسمت یکدختر مابین زوجات متعدده تقسیم خواهد شد.

مادهٔ پنجم ـ تقسیم نصف برقراری درحق ورثه للذکر مثل حظ الانثیین خواهد بود .

مادهٔ ششم ـ هریك از بازماندگان متوفی که شغل دیوانی داشته باشند سهم وظیفهٔ مزبوره مادامیکه مستخدم هستند از بابت مواجبیکه در ازاء خدمت دولت میگیرند محسوب میشود .

مادهٔ هفتم ـ قوانین مذکوره شامل مقرریهائیکه درمقابل خدمت بمستخدمین دولت میدهند و همچنین شامل حقوق افراد نظام نمیشود زیرا که قوانین راجعه بمتوفیات مستخدمین ادارات دولتی و نظام درموقع تسویه بودجهٔ وزارتخانه‌ها و ادارات معین میشود .

مادهٔ هشتم ـ محل غائب و متوفی بکلی متروك است و ضبط میشود و هرچه از روی استحقاق بکسی‌داده میشود از اصل‌عایدات دولت‌است.

مادهٔ نهم ـ تومانی هفت‌قران وسایر مخارج صدور فرمان بکلی منسوخ‌است.

مادهٔ دهم ـ این قانون شامل تمام متوفیاتی است که ازچهاردهم‌ذیقعدةالحرام یکهزار و سیصدو بیست وچهار تاکنون و از این ببعد اتفاق افتاده ومیافتد .

* * *

متمم قانون فوق مصوب ۲۶ ربیع‌الثانی ۱۳۲۸ قمری در (بند سوم ـ قسمت قوانین دورهٔ دوم تقنینیه) طبع‌شده‌است .